

## کدام معیار برای انتخاب همسر مناسب تر است ( قسمت اول )



اگر شناسنامه تان را ورق بزنید چهار واقعه زندگی در آن آمده است: تولد، ازدواج، طلاق و فوت؛ که فقط در ازدواج و طلاق مختارید، بنابراین ازدواج را نباید سرسری گرفت بلکه باید با مطالعه و براساس معیارهای حقیقی همسر را انتخاب کرد. قبل ازدواج حتماً با یک متخصص یا یک مشاور خیره در امور خانواده و برخوردار از اطلاعات امروزی مشاوره کنید.

این که می گویند «به هم عادت می کنید»، «علاقه بعداً پیدا می شود» در همه جا صحیح نیست. زمانی علاقه «بعداً» پیدا می شود که پایه و اساس ازدواج بر معیارهای عقلانی استوار شده باشد. با عنوان های «دعواهای پدر و مادرم مرا خسته کرده بود!»، «در تنگنای مالی بودم»، «همه دوستانم ازدواج کرده اند» و ... تن به ازدواج تحمیلی و ناخواسته ندهید. اگر از دعواهای والدینتان خسته شده اید دنبال فکر و چاره اساسی باشید، برای فرار از محیط پر آشوب خانه ازدواج نکنید که ممکن است شما هم به همین مصیبت دچار شوید! براساس نیازهای اقتصادی ازدواج نکنید اگر مهر و محبت که پایه و اساس یک زندگی مشترک است وجود نداشته باشد همه چیز براساس تصادف و شانس پیش می رود، شاید تصادفاً خوب پیش رود و شاید هم برعکس؛ و به علت این که دوستانتان ازدواج کرده اند تن به ازدواج ناخواسته ندهید. نباید بدون جهت اعتماد به نفستان را از دست دهید و نگران شوید که مبدا کسی به سراغتان نیاید.

در ازدواج علاوه بر همسر، شناخت بستگان و خویشاوندان وی نیز ضرورت دارد بنابراین وضعیت دوستان و اقوام بخصوص بستگان نزدیک در همسر گزینی نباید نادیده گرفته شود.

### توصیه مشاوران به مراجعان

- 1- در انتخاب همسر عجله و شتاب نکنید. این امر را با بررسی و تحقیق انجام دهید.
- 2- در همسر گزینی وسواس به خرج ندهید؛ سعی کنید با دیده اغماض عوامل مختلف را بررسی و تصمیم گیری کنید.
- 3- چنانچه پدر و مادر و خانواده های وابسته، سختگیری کنند برای متقاعد کردن آنها از مشاور خانواده کمک بگیرید.

4- از ازدواج تحمیلی خودداری کنید.

5- در **انتخاب همسر** پس از بررسی معیارهای طرف مقابل، وضعیت خود را با وی مقایسه کنید و در صورت هماهنگی تصمیم گیری نمایید. بدون توجه به شرایط خود انتخاب ایده آلی نکنید.

6- در انتخاب همسر از پدر و مادر و خویشاوندان خود نظرخواهی کنید ولی مواظب باشید چون به علت عدم تخصص ممکن است نظر آنان تحت تأثیر معیارهای خاص مناسب نباشد. حتماً با مشاور واجد شرایط مشورت کنید.

7- برای شناخت همسر از هر دو روش مستقیم و غیرمستقیم استفاده نمایید و حتماً قبل از **خواستگاری**، به طور مستقیم، از طریق مشاهده گفت و شنود، از او شناخت پیدا کنید.

## معیار اصولی و متناسب برای ازدواج

### (کدام معیار برای انتخاب همسر مناسب تر است)



ضرورت چند نکته :

خانواده هر دو نفر از نظر فرهنگی و سنت های رایج نزدیک به هم باشند.

تا سر حد امکان، تمکن مالی دو خانواده متناسب با یکدیگر باشد.

اگر هر دو نفر اهل یک شهر نیستند حداقل در سایر زمینه ها و آداب و رسوم نزدیک به هم باشند.

دیدگاه های دو خانواده از نظر مذهبی - **سیاسی** - اجتماعی و معاشرت نزدیک به هم باشند.

در خانواده دو طرف پدرسالاری یا مادرسالاری به صورت مطلق وجود نداشته باشد.

تناسب جسمی - شکل - قیافه و اندام هر دو نفر به هم نزدیک باشد تا حدی که تفاوت‌های موجود خیلی چشمگیر نباشد.

از نظر سن و سال متناسب باشند و به اصطلاح عامه «به هم بیایند».

از نظر میزان تحصیلات، اختلاف فاحش نداشته باشند.

در انتخاب محل سکونت یا محل کار اختلاف سلیقه نداشته باشند.

از نظر طرز تفکر و اندیشه اجتماعی به هم نزدیک باشند.

دیدگاهشان نسبت به زندگی یکسان باشد.

تفاوت‌های شخصیتی و خصوصیت‌های رفتاری فاحشی نداشته باشند.

تا آنجا که مقدور است بهره‌هوشی آنها نزدیک به هم باشد.

دارای دیدگاه‌های سیاسی‌گرایش‌های اعتقادی و افق‌های فکری نزدیک به هم باشند.

هر دو نفر استقلال رأی داشته باشند؛ یعنی شخصاً در امور زندگی تصمیم بگیرند نه با دهن بینی و تقلید از دیگران.

از نظر تفکرات مذهبی در دو قطب مخالف هم نباشند که این مورد بسیار مسئله‌ساز است.

داشتن اختلافاتی در موارد اشاره شده گرچه زندگی را سخت می‌کند و امکان تفاهم را به حداقل می‌رساند ولی به شرطی که طرفین اهل تغییر، رشد، تکامل و پیشرفت باشند، همزیستی را غیر ممکن نمی‌سازد.

کسانی که در زندگانی خویش درجا می‌زنند و به فکر پیشرفت نبوده و اهل تغییر و تحول نیستند باید سعی کنند گرد همسری که با او اختلافات طبقاتی و فرهنگی زیادی دارند نگردند. آموخته‌های طول زندگی را می‌توان تغییر داد زیرا همه آنها اکتسابی هستند و کافی است غلط بودنش به فرد ثابت شود تا میل به تغییر آنها فزونی یابد ولی عوامل روان‌شناختی و ساختاری شخصیت افراد را به سختی می‌توان تغییر داد.

تغییر این گونه عوامل و مواردی که در شخصیت آدمهاست در صورتی حاصل می‌شود که هر دو طرف قبول کنند وجود تفاوت‌های فاحش مسئله‌ساز است، پس شخص باید تغییر کند.

این تغییرات نیاز به طول زمان، آموزش علمی، خواستن و به کاربردن تمرینات لازم دارد. تنها «خواستن» کافی نیست؛ گذشت آگاهانه در زندگی و پاکسازی ذهن از تعصبات، نقش اساسی در **تفاهم** و سازندگی دارد.

این همه تلاش زمانی ثمربخش است که **عشق** و علاقه در میان باشد. عشق و علاقه زمینه ساز گذشت می شود و نقش مؤثری در میل به تغییر آدمی بازی می کنند. اگر اینها نباشند هیچ کس برای هدفی این چنین سخت تلاش نمی کند و اگر مهر و محبت باشد و سازندگی هم در پی آن بیاید، آن وقت زندگی معنای واقعی اش را پیدا می کند و این مهم نیز میسر نیست مگر به لطف فداکاری هر دو طرف؛ که تغییر در يك طرف هرگز کافی نبوده و نیست .

### روش های مطالعه برای انتخاب همسر

#### روش های مطالعه برای انتخاب همسر به دو گروه تقسیم شده است :

##### الف : روش های غیرمستقیم

در ابتدا برای شناخت فرد مورد نظر باید از افرادی که با وی در تماس هستند اطلاعات لازم کسب شود .

#### منابع کسب اطلاع به روش غیرمستقیم عبارت اند از:

- 1- همسایگان
  - 2- خویشاوندان و دوستان خانواده
  - 3- همکاران پدر و مادر و سایر اقوام
  - 4- محل تحصیل و شغل
  - 5- همکلاس ها و...
- معمولاً کسی که می خواهد ازدواج کند باید در اطراف و جوانب به تفحص و جستجو بپردازد و درباره خانواده و همکاران، همکلاسی ها و دوستان فرد تحقیق و بررسی کند و از بین افراد ذي صلاح برای تکمیل اطلاعات خود اقدام کند.

برای انتخاب باید در زمینه های اجتماعی - فرهنگی - تحصیلات - وضعیت مالی - اخلاق و سن و شغل اطلاعات لازم کسب شود و فرد از نظر تطبیق وضعیت طرف مقابل با شرایط خودش بررسی های کافی به عمل آورد.

##### ب : روش های مستقیم

دین اسلام بررسی های مستقیم زن و مرد را در صورتی که قصد ازدواج داشته باشند مجاز دانسته است. پیغمبر اکرم (ص): در حدیثی فرموده اند: «وقتی خداوند خواستگاری زنی را به دل کسی انداخته باشد مانعی نیست که او را بنگرد».

با توجه به مطالب فوق مطالعه حضوری از نظر دیدن و کسب اطلاعات قبل از ازدواج (اگر هدف ازدواج باشد، نه کسب لذت) مانعی ندارد.

#### منابع

- مشاوره ازدواج و خانواده، تألیف سید مهدی حسینی
- جوانان و ازدواج (روان شناسی رفتار زوج های جوان)، تألیف ا. کیهان نیا
- زناشویی راز خوشبختی، تألیف دکتر کاظمی خلخالی

## قبل از ازدواج در مورد مادیات هم صحبت کنید



پژوهش‌ها نشان می‌دهد «پول» یکی از عوامل اصلی سوء تفاهم‌های زوج‌هاست. اگر با صداقت و صراحت قبل از ازدواج در مورد مسائل مالی صحبت کنید، ازدواج با دوامی خواهید داشت.

پول تعیین‌کننده ثروت است. اما در ایجاد مساوات، امنیت، عشق، قدرت و آزادی زوج‌ها نقش دارد. احساس شما نسبت به پول به مراتب مهمتر از میزان دارایی تان است.

سوزان بایردر نویسنده «پرسش‌های مشکل؛ 100 سؤال مهمی که از نامزدتان می‌توانید بپرسید» می‌گوید: ازدواج امیدها، آرزوها و ترس‌های مالی خاص خود را به همراه دارد. بسیار مهم است که تصویر روشنی از توقعات، انتظارات و خواسته‌های خود داشته باشید. با نامزدتان در مورد مسائل مالی صحبت کنید. نظر او را نسبت به نحوه اداره مسائل مالی بپرسید. هر چه اطلاعات کامل‌تری از او و انتظارات خود داشته باشید، بهتر می‌توانید تصمیم‌گیری کنید.

نظر او را نسبت به بیمه درمانی، بیمه عمر، صرفه‌جویی در محدودیت‌های مالی موجود، محل اقامت، هزینه رهن، اجاره و وام، و هزینه ادامه تحصیل بپرسید.

ادامه تحصیل مستلزم فداکاری همسران است. زیرا باید مخارج اضافی را برای تحصیل شما اختصاص داد. از طرفی در صورت ادامه تحصیل، شاید فرصت کافی برای کار کردن نداشته باشید.

طرح چنین مسائلی بسیار مشکل‌است. ولی باعث می‌شود حالا و پس از ازدواج خیالتان راحت باشد و تصمیم‌گیری تان بر اساس واقعیات موجود باشد نه رؤیاهای و آرمان‌ها. اگر فرهنگ خانواده تان اجازه نمی‌دهد خودتان این مسائل را مطرح کنید، از والدین بخواهید آنها را بپرسند.

**پرسش‌های زیر به شما کمک می‌کند تا تصویر روشن‌تری از وضعیت مالی آینده داشته باشید:**

1 - درآمد ماهانه خواستگارتان چقدر است؟

- 2 - آیا کار کردن هر دوی شما لازم است؟
- 3 - اگر خانم کار نکند، آیا همسر، خانه داری را با ارزش می داند؟
- 4 - برای گذران زندگی چقدر درآمد کافی است؟
- 5 - چگونه باید خرج کرد؟ چه هزینه هایی در اولویت است؟
- 6 - آیا با نحوه خرج کردن یکدیگر توافق دارید؟ با چه مواردی موافق و با چه مواردی مخالفید؟
- 7 - اگر هر دو کار می کنید، پولتان را با هم خرج می کنید یا جداگانه؟
- 8 - چه مبلغی (هر دو) در بانک دارید؟
- 9 - اگر خواستگارتان شغل آزاد دارد، چه مقدار از درآمدش را پس انداز یا سرمایه گذاری می کند و چه مقدار را خرج می کند؟
- 10 - چه کسی مسئولیت برنامه ریزی مالی را در درازمدت برعهده می گیرد؟
- 11 - برای داشتن احساس امنیت، چه مقدار پول کافی است؟
- 12 - چند درصد از درآمد را پس انداز می کنید؟ آیا نامزدتان با پس انداز در بانک موافق است؟
- 13 - چه کسی حساب دخل و خرج را دارد؟ چه کسی قبوض آب، برق، تلفن و گاز را می پردازد؟
- 14 - در صورت بیمه نبودن نامزدتان، آیا با بیمه اختیاری (خویش فرما) هر دو شما موافق است؟
- 15 - آیا نامزدتان باید خرج والدینش را بدهد؟ در صورت پاسخ مثبت ماهانه چقدر از درآمدش را به این کار اختصاص می دهد؟
- 16 - اگر خدای نخواست از دواج تان به طلاق منجر شود آیا می تواند مهریه را پرداخت کند؟
- 17 - آیا او با خرید وسایل اضافی برای منزل یا کادو برای دوست موافق است؟
- 18 - آیا نامزدتان می پذیرد که دارایی قبل از ازدواج مثلاً زمین، خانه و ماشین به اسم خودتان باشد؟
- 19 - آیا خواستگارتان بدهی ندارد و ورشکست نشده است؟ در صورتی که بدهی دارد تا چه مدت پس از ازدواج چه مبلغی باید پرداخت کند؟
- 20 - آیا می توانید حساب جداگانه ای برای هزینه های منزل داشته باشید؟ یا هر کسی بخشی از درآمد خود را برای آن اختصاص دهد؟
- 21 - آیا موافقت می کنید که حساب پس انداز جداگانه ای داشته باشید؟
- 22 - اگر پس از ازدواج با پول کار هر دو شما خانه یا ماشین خریداری شود، آیا موافقت می کنید که سند آن به نام هر دو باشد؟
- 23 - اگر پس از ازدواج با بحران مالی یا ورشکستگی روبه رو شوید چه می کنید؟

24- آیا موافقید مبلغی را برای موارد غیره منتظره نظیر هزینه عمل جراحی یا بیمارستان پس انداز کنید؟

## زن بزرگتر از شوهر عیبی دارد؟

### نگاهی به چرایی کوچکتر بودن زنان از شوهران

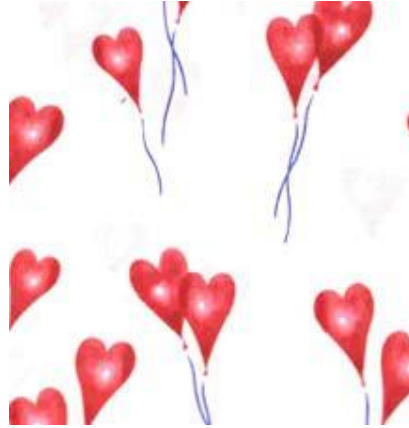


زمانی که علم جامعه شناسی آشکارا اعلام می کند ازدواج در زمره پیچیده ترین روابط انسانی است، شاید بتوان تأمل زیادی در این خصوص داشت و از زوایای مختلف آن را مورد بررسی قرار داد، زیرا بسیار شنیده شده که ازدواج، مظهر برخورد فرهنگ و طبیعت است. به این صورت که جامعه می کوشد طبیعت را مهار کند و آن را به فرهنگ تبدیل نماید و به دلیل همین ویژگی هاست که بیان می شود میثاق زناشویی با توجه به زمان و شرایط دوران خودش، دچار دگرگونی ها و تغییراتی شده ، ولی نفس آن از قدیم الایام یکی بوده است.

ازدواج ابعاد گوناگونی دارد و **انتخاب همسر** نیز گزینه های متفاوتی دارد که جدای از نزدیکی **فرهنگ ها**، جغرافیا، **تحصیلات** و... «**سن**» یکی از ویژگی هایی است که مورد توجه بوده و تفاوت سنی در همه اعصار به گونه ای بوده که نشان می دهد در **تفاوت سنی زوجین**، مرد چند سالی بزرگتر از زن بوده است. به طوری که در ایران پدیده گزینش همسر، پراکندگی خاصی داشته است؛ از این رو تفاوت سن زوجین در ایران امری طبیعی به نظر می رسد و میزان این تفاوت، تا آنجا مورد توجه قرار می گیرد که در بیشتر موارد میان 4 تا 12 سال است.

اما بسیاری از جامعه شناسان معتقدند در یک جامعه صنعتی یا رو به صنعتی شدن و پویا، معیارها نیز در حال تغییر و دگرگونی است. چه بسا هنوز وجود داشته باشند افرادی که به تفاوت سنی میان زوجین با تأکید بزرگتر بودن مرد از زن صحنه بگذارند، اما در جامعه ای که زنان دست به فعالیت های اجتماعی، فرهنگی، هنری و حتی مطالعاتی و سیاسی می زنند، از نظر تحصیلات ارتقاء پیدا می کنند و جایگاه ها، موقعیت هایی برتر و یا همسان مردان به دست می آورند و همین باعث می شود مقوله سن در ازدواج آنان نیز دچار تغییر شود. مثلاً در جامعه امروز، بسیار دیده شده زنانی که از همسران خود بزرگتر هستند. با این حساب می توان گفت که نظریه همسر گزینی با توجه به شرایط

خاص هر جامعه مي تواند تغيير يابد و در نهايت موجب طرح اين پرسش مي شود که آیا بزرگتر بودن زنان از شوهرانشان موجب بروز مشکلاتي مي شود؟ پاسخ هاي مختلفی شامل اين پرسش مي شود؛ پاسخ هاي مخالف و موافقي که بحث بر سر هر کدام مي تواند نظر عده اي خاص را پاسخگو باشد.



دکتر امان قرایي مقدم، محقق و استاد دانشگاه در این خصوص مي گوید: «به نظر من این تفاوت سني، منفي است زیرا با تحقيقاتي که روي 2 هزار و 167 پرونده طلاق انجام داده ایم، به این نتیجه رسیده ایم که یکی از مهمترین دلایل طلاق در میان زوجین، بروز همین تفاوت سني است. يعني بزرگتر بودن زن از مرد، زیرا این پدیده چه از نظر فرهنگي و چه از نظر اجتماعي در جامعه ما پذيرفته شده نيست.

فرهنگ سنتي ايران مي گوید بزرگتر بودن مرد در ازدواج یک ارزش است و حتي در محافل و مناطق روستايي هم، شعرهايي در این خصوص سروده اند، بنابراین اینگونه به نظر مي رسد که اگر این ازدواج ها محکم نباشد، در مدت کوتاهی با شکست مواجه مي شود.»

جامعه شناسان دلایل گوناگوني را در این خصوص برمي شمارند. آنان معتقدند رشد علمي و فرهنگي زنان و به دست گرفتن بازار کار و کسب و دیگر موفقیت هاي اجتماعي در رشد آنان نقش داشته است؛ اما از سوي دیگر، افزایش سن ازدواج و بعد اقتصادي، از مهمترین عوامل چنین پیوندهاي زناشويي است.

حمید اکبری- کارمند، مي گوید: «دوستي داشتم که همیشه مي گفت من با یک زن پولدار ازدواج مي کنم. چند سالي از او خبر نداشتم تا این که هفته پيش او را دیدم. سوار خود روي آخرین مدل شده بود و از ظاهرش مشخص بود که وضع مالي خوبي دارد. براي تعريف کرد که با خانمي 9 سال بزرگتر از خودش ازدواج کرده و از زندگي اش هم راضي است و به هر چه مي خواسته، رسیده است. خوشحال شدم ولي نتوانستم باور کنم، چون آن دوست خيلي شاد و سر حال سابق نبود.»

ازدواج زن با مردی که از خودش کوچکتر است، از دید جامعه شناسان غير از بُعد اقتصادي، به مسائل عاطفي و احساسسي منوط است. مثلاً دکتر قرایي مقدم در این خصوص مي گوید: «خام بودن جوانان و تحت تأثیر احساسات قرار گرفتن، یکی دیگر از دلایلي است که موجب چنین ازدواج هايي مي شود، زیرا باید در نظر داشت برخي



جوانان با توجه به بالا بودن درایتی که زن در برخی موارد دارد، ممکن است تحت تأثیر قرار بگیرند. بخصوص که در یک سن خاص زن خیلی بهتر می تواند مرد را رام کند. اگر آن زن از موقعیت اجتماعی و اقتصادی خوبی هم برخوردار باشد که این کار آسان تر انجام می گیرد، زیرا پسرانی که حداقل لوازم زندگی را دارند برای فرار از به دست آوردن این امکانات، ترجیح می دهند چنین ازدواج هایی داشته باشند.»

این در حالی است که دکتر نوید ابرانبور، پژوهشگر مسائل خانواده در یک طبقه بندی به چرایی و چگونگی این ازدواج ها اشاره می کند. **وی معتقد است این ازدواج ها را می توان در 3 طبقه مجزا قرار داد:**

- الف- آن دسته از ازدواج هایی است که بنابر اجبار صورت گرفته و خانواده با انتخاب دختری بزرگتر از پسر بنابر از شرایط خاصی، پسر را به ازدواج مجبور می کنند.
- ب- ازدواج هایی که بر پایه عشق و علاقه دو طرف بنا نهاده شدند.
- ج- ازدواج هایی که بعد اقتصادی دارند.

وی در ادامه سخنانش نتایج چنین ازدواج هایی را این گونه بیان می کند: «با توجه به نوع چگونگی ازدواج، مسلماً رفتارهای متفاوتی نیز بروز پیدا می کند. در ازدواجی که مرد بر پایه عشق و یا ثروت خود را راضی کرده است که با زنی بزرگتر از خود ازدواج کند دو حالت پیش می آید: یا زن حاکم خانواده می شود و یا این مرد است که از قدرت برخوردار است. زیرا مردی که با توجه به شرایط اقتصادی زن ازدواج کرده است، برنامه ریزی می کند که چگونه از آن استفاده کند. در چنین شرایطی معمولاً جوان بودن خود را بهانه ای برای اخذی قرار می دهد و زن نیز کوتاه می آید.»

غیر از این، ازدواجی که بر پایه زور و اجبار است در نوع خود بدترین واکنش را داراست، زیرا زن و مرد بیشترین تنش ها را در خود خواهند داشت. در چنین خانواده هایی بیشترین تنش بر سر این موضوع است که چه کسی قدرت را در دست بگیرد، مرد یا زن؟ مرد به دلیل نگرش سنتی می خواهد مردانگی نشان دهد و حاکم خانه باشد و زن به علت بزرگتر بودن نمی تواند این نکته را تحمل کند و تنش بر سر قدرت، می تواند نهاد خانواده را دچار مشکل کند.

دوست می گفت: «با مدیر عامل شرکت کامپیوتری که در آن مشغول به کار بودم، ازدواج کردم. او 7 سال از من بزرگتر است و ما 5 سالی است که زندگی مشترکی داریم. راضی ام اما گاهی اوقات احساس می کنم همانند یک مهره هستم و هیچ اراده ای از خود ندارم. تنها این مورد است که ناراحتم می کند.»

در حالی که عده ای از کارشناسان با این کار مخالف هستند، گروهی دیگر توافق دارند که نمی توان یک حکم کلی برای چنین مسئله ای در جامعه ایران صادر کرد، زیرا هنوز تعریف مشخص و دقیقی از وظایف زن و مرد نسبت به هم تبیین نشده و یا اگر شده کمتر عملی می شود و به همین دلیل است که اختلاف ها روز به روز بیشتر می شود؛ بنابراین در حالی که در زندگی های عادی زناشویی تنش هایی را شاهد هستیم، طبیعی است میان خانواده ای که زن چند سالی هم از شوهرش بزرگتر است، شاهد حرف ها و حدیث هایی هم باشیم. به طور مثال به مرد می گویند هیچ کس را به او

نمی دادند و آمد این زن را گرفت و یا این زن سنش بالا رفته بود و مجبور شد با کوچکتر از خودش ازدواج کند، که تمامی این حرف ها در کنار مشکلات دیگر می تواند آسیب پذیری خانواده را افزایش دهد. عده ای از روان شناسان اجتماعی با نگاهی از بعد روان شناسانه و روان شناختی نیز سعی بر تحلیل این دسته از ازدواج ها دارند.

آنان معتقدند از نظر روان شناسی زن ها زودتر از مردها نسبت به مسائل زندگی عاقل تر می شوند و درکشان از مسائل درون خانواده و زندگی عمیق تر است؛ بنابراین مسئولیت پذیرند و یا بیشتر در این زمینه ها فکر می کنند. حال اگر زنی چند سالی بزرگتر باشد، به طور ناخودآگاه انتظار دارد که مرد هم همانند او فکر کند و مسائل را بسنجد، برای همین زمانی که انتظارش برآورده نمی شود، این تصور تداعی می شود که مرد نسبت به خانه و خانواده بی مسئولیت است و در نهایت تنش فضای خانواده را پر می کند. از سوی دیگر، مردی که با زن بزرگتر از خودش ازدواج می کند، ممکن است پس از چند سال زندگی، با فرسوده شدن جسم زن، احساس ضرر کند و احتمالاً به فکر جدایی و یا ازدواج دوم بیفتد و...

خانمی می گفت: «پس از 15 سال زندگی، شوهرم به من می گوید تو پیر هستی. من 6 سال جوان تر از تو هستم. می گوید اگر به خاطر ثروت و موقعیت تو نبود، با تو ازدواج نمی کردم. خیلی غصه دار شدم. من با عشق جلو رفتم و او با پول. حالا که به آن چیزهایی که می خواسته، رسیده، به من می گوید تو پیر هستی. پس از 15 سال زندگی این حرف ها دلم را آتش می زند.»

دکتر ایرانپور به نوع تفاوت در اختلافات سنی نیز اشاره می کند. به این معنی که اگر تفاوت سنی میان زن و مرد 3 تا 4 سال باشد، از یک حد معمولی برخوردار است. در این شرایط زنی که 3 یا 4 سال بزرگتر از شوهرش است، معمولاً در برابر موضع مرد کوتاه می آید و می کوشد مطیع باشد. در صورتی که هر چه این تفاوت سنی افزایش یابد، حس مادری، خواهر گونه و یا سرپرست در زن بیشتر می شود. مثلاً زنی که 15 سال و یا بیشتر از همسرش بزرگتر است، همواره همانند مادر یا خواهر بزرگتر با شوهرش برخورد می کند.

خانم کارمندی می گفت: «با کسی ازدواج کردم که 10 سال از من کوچکتر است. همه می گویند جای پسرت است و به او هم می گویند که با مادرت ازدواج کرده ای. شاید حق دارند. ولی ما با هم خوشیخت هستیم و 7 سال است که زندگی می کنیم. تمام خرج تحصیلش را خودم دادم و برای دکترای گرفتن فرستادمش خارج از کشور. می گفتند این کار را نکن می رود و دیگر بر نمی گردد؛ ولی همسرم رفت دکترایش را گرفت و برگشت و با هم زندگی می کنیم. الان حرف های مردم کمتر شده؛ ولی هنوز وقتی ما دو تا را با هم می بینند تعجب می کنند.» تمام این مسائل زمانی کنار هم جمع شده، باعث می شوند کارشناسان نظرات مختلفی را ارائه دهند؛ هر چند این نظرات در آخر به نقطه ای مخالف ختم می شود و گویی هنوز عُرْف جامعه و مردم آن را قبول ندارند.

دکتر قرایی مقدم در این خصوص می گوید: «شاید چنین ازدواج هایی نکات مثبتی هم داشته باشد مثل اداره زندگی از سوی زنی آگاه و مدیره. ولی کنار این نکات مثبت، این نکات منفی است که خود نمایی می کند زیرا اگر خود فرد پذیرای شرایطش باشد، تا

اندازه ای می تواند نگاه جامعه و مردم را تحمل کند و تأثیرات منفی این برخوردها همیشه در زندگی خانوادگی آنان بروز می یابد.» در هر حال، با نگاهی می توان خانواده هایی را یافت که با بزرگتر بودن زنان از شوهرانشان، زندگی هایی شاد و زیبا دارند.

آقای که کارمند فرودگاه است می گوید: «روزی که مثل همیشه مشغول چک کردن یکی بودن شناسنامه ها با هویت مسافر بودم، دیدم زن و مرد مو سپیدی شناسنامه هایشان را دادند. مرد 5 سال کوچکتر از زن بود. با خنده گفتم: پدر جان خانم که 5 سال بزرگتر است. پیرمرد لبخندی زد و گفت: مگر چه عیبی دارد، عوضش خانم هنوز شاداب تر و جوان تر از من مانده، مگر نه؟!»

## موانع ازدواج دختران و پسران» از دید خود آنها چیست؟



مطالعات ملی نشان می دهد در حالی که «نداشتن ثبات شغلی»، پس از «بیکاری» از مشکلات و موانع اصلی ازدواج پسران از منظر کل جوانان است، «آزاد نبودن در انتخاب همسر دلخواه» پس از «پیدا نکردن فردی که به عنوان همسر دارای خصوصیات دلخواه باشد» مهمترین مانع ازدواج دختران جوان به شمار می رود.

کل جوانان «نبودن حس مسئولیت پذیری در فرد» را چهارمین مانع ازدواج برای دختران و «نداشتن توان مالی کافی» برای پسران می دانند و پس از آن پسران «پیدا نکردن فردی که به عنوان همسر دارای خصوصیات دلخواه باشد» را دارای اهمیت دانسته اند.

پس از این عامل در حالی که «عدم امکان تهیه مسکن مناسب» به عنوان یکی از مشکلات پسران برای ازدواج است «بی برنامه بودن در زندگی» برای دختران از مشکلات اصلی ازدواج مطرح می شود.

به گزارش ایسنا، «وجود ملاک های سختگیرانه خانواده در ازدواج» برای دختران، بیش از پسران تبدیل به مشکل شده است؛ چرا که این عامل در رتبه هفتم سلسله مراتب موانع ازدواج دختران قرار داشته و برای پسران در اولویت شانزدهم قرار دارد.

در حالی که از منظر پسران جوان کشور، برای پسران «شروط دست و پا گیر خانواده دختر» در رتبه نهم موانع ازدواج قرار دارد «سختگیر بودن در انتخاب همسر» برای دختر این مرتبه قرار می گیرد.

گفتنی است «نقص جسمانی»، «عدم بلوغ شخصیتی کافی در فرد» و «ناتوانی والدین در راهنمایی برای ازدواج» در میان دختران در این سلسله مراتب دارای رتبه بالاتری است.

در حالی که «نداشتن کارت پایان خدمت وظیفه یا معافیت» برای پسران به عنوان مانع ازدواج مطرح است، دختران دارای مشکلی به نام «**ناتوانی مالی** والدین در تدارک ازدواج برای فرزندان» هستند؛ این در شرایطی است که با وجود مانعی به نام «اولویت دادن به ادامه تحصیل» برای ازدواج دختران، پسران به **ادامه تحصیل** به عنوان مانعی برای ازدواج نگاه نمی کنند.

به گزارش ایسنا این تحقیق بیانگر آن است که «شروط دست و پاگیر خانواده دختر» برای پسران در مرتبه نهم مشکلات ازدواجشان قرار دارد، اما در مقابل «فراهم نبودن هزینه» برای دختران مطرح می شود.

در حالی که از سوی جوانان «فراهم نبودن وسایل زندگی» نوزدهمین مشکل پسران برای ازدواج نام برده شده است، دختران «محدود بودن دایره **انتخاب همسر**» را مشکل خود می دانند. این تحقیق نشان می دهد که دختران بیش از پسران به «بلوغ شخصیتی کافی در فرد» برای ازدواج اهمیت می دهند؛ چراکه نبود این ویژگی در میان موانع ازدواج دختران دارای جایگاه دهم و برای پسران دارای رتبه دوازدهم است.

### ازدواج مهارت می خواهد!



**زندگی مشترک** افقی است روشن و جلوه گاهی زیبا برای تولدی دوباره؛ مشروط بر آن که وجوه ضروری این اشتراک، یعنی توانایی ها و مهارت های خاص و سازنده، در تفکر، بینش و عملکرد انسان رؤیت و ملاحظه شود. زیرا این مهارت ها و توانایی های انسان است که در وقت لزوم، به یاری او می آید تا **مشکلات**، اختلافات و نقاط ضعف و کاستی های زندگی مشترکش را برطرف نماید. حال چنانچه زندگی مشترکی که براساس پیوندی مقدس از سوی زن و مرد، صورت پذیرفته، با عدم توانایی ها و مهارت های هر دو نفر و یا حتی یکی از آنها روبه رو شود، به طور مسلم، ادامه این زندگی با تلخکامی، ناراحتی و تنش و رنجش همراه خواهد شد. بنابراین باید در نظر داشته باشیم بقا و تداوم و شیرینی یک زندگی مشترک، همیشه در گرو توانایی ها و مهارت های خاصی است که در حقیقت تضمین کننده ای قابل اطمینان برای **خوشبختی** زوجین به حساب می آید.

به همین لحاظ در نوشتاری که پیش رو دارید سعی شده است تا به صورت اجمال به راهکارهای مهم و اساسی، پیرامون برخی از توانایی ها و مهارت های لازم برای ایجاد و برقراری يك زندگي مشترك ایده آل پرداخته شود.

### مهارت در خودآگاهی

آگاهی از خود و خصوصیات مختلف خود، به انسان کمک می کند با توانایی ها و ضعف ها و سایر خصوصیات خود آشنا شود. همچنین در صورت برخورد با طرف مقابل و تشکیل زندگي مشترك بهتر و عمیق تر با مسائل روبه رو شود. این خودآگاهی به شخص نشان می دهد که چگونه می تواند احساسات خود را بشناسد، از وجود آنها آگاه شده و به وقت لزوم کنترلشان نماید تا منجر به هیچگونه ناراحتی نگردد.

خودآگاهی، موجب شناخت نیاز افراد و یافتن راه مناسب برای مواجهه با آنها می شود. همچنین اهداف زندگي را مشخص تر و واقع بینانه تر نشان می دهد و ارزش واقعی افراد و مسائل پیرامونشان را نمایان می سازد. خودآگاهی فرآیند سالم هویت یابی را برای انسان سهل تر می نماید، به زندگي او آرامش می دهد و احساس رضایت مندی اش را رونق می بخشد.

«خودآگاهی» تضمین کننده استحکام وجود فرد در هنگام بزرگسالی است و باعث پرورش روابط زن و شوهر در رویارویی با مشکلات و حل مناسب آنها می شود.

خودآگاهی تضمین کننده استحکام وجود فرد در هنگام بزرگسالی است و باعث پرورش روابط زن و شوهر در رویارویی با مشکلات و حل مناسب آنها می شود.

به جز موارد فوق، «خودآگاهی» شناخت و تنظیم احساسات، اهداف و برنامه زندگي، تفریحات و سرگرمی ها، توانایی ها، ضعف ها، ارزش ها، مسئولیت ها، شناخت فرهنگ، مذهب، علائق، آرزوها و استعدادها را به دنبال دارد.

کشف و درک و شناخت مهارت ها و توانایی های خود، به این دلیل مهم است که فرد قبل از ازدواجش بداند چه هدفی دارد تا برای ازدواج خود براساس هدف اصلی زندگي اش، برنامه ریزی نماید. مثلاً فردی که هدفش رسیدن به درجات عالی و کمال و معنویات است، اگر با کسی ازدواج کند که هدفش رسیدن به يك زندگي تجملی و سراسر مادیات است، به طور قطع پس از ازدواج، دچار مشکلات فراوانی در زندگي مشترك خواهد شد. امتیاز دیگری که می توان برای خودآگاهی منظور نمود آن است که موجبی قدرتمند برای شناخت و تشخیص تفاوت های بین خود و دیگران است. در این میان باید گفت شناخت تفاوت های میان زن و مرد، یکی از مهم ترین بخش های مربوط به مهارت خودآگاهی است.



### شناخت تفاوت های میان زنان و مردان

در يك بعد كلي مي توان گفت انسان ها، تفاوت هاي بسياري با يكديگر دارند كه دلايل شان نيز متنوع و متعدد است. اما **تفاوت هاي بين زن و مرد**، تفاوت هاي عمده اي است. برخي از اين تفاوت ها، ريشه در عوامل فیزیولوژیکی و زیستی دارند و بعضی، نشأت گرفته از عوامل فرهنگی و اجتماعی هستند. **بیشترین این تفاوت ها را که معمولاً شدید و قابل تعمق است، می توان در ازدواج و زندگی مشترک به وضوح احساس کرد، از جمله این که:**

#### 1 - دیدگاه زنان و مردان نسبت به ارتباط و مسائل جنسی کاملاً متفاوت است

این تفاوت که در واقع ریشه زیستی دارد، مهمترین اختلاف آنان در ارتباط با رابطه جنسی است. این رابطه در زنان با عواطف مثبت و احساسات گره خورده است در حالی که ارتباط جنسی در مردها، بیشتر جنبه های فیزیولوژیک دارد و بیشتر ارضای يك غریزه به حساب می آید. دیگر آن که جنبه های عاطفی این احساس در مردها، بسیار کمتر از آن احساسی است که در زن ها وجود دارد. این تفاوت ها و یا عدم آگاهی از آنها، گاهی موجب سوء تفاهم و بر هم خوردن روابط میان مرد و همسرش می شود.

#### 2 - استقلال برای مردان اهمیت بسیاری دارد

استقلال مردها از موارد قابل توجه در زندگی مشترک است. چون آنها مایلند و می خواهند در مورد مسائل مالی و معاملات و سایر موارد مشابه، مستقل عمل کنند. مخالفت همسر یا عدم توجه وي به این نکته، می تواند مشکلات و موانعی در زندگی مشترک ایجاد کند زیرا مرد تصور می کند که به احساس استقلالش، لطمه خورده است.

#### 3 - زنان می خواهند مورد حمایت باشند و به این حمایت اهمیت می دهند

چنانچه زن حس کند از طرف همسرش مورد بی توجهی و بی مسئولیتی قرار گرفته، به شدت آزرده می شود و واکنش های عاطفی شدید نشان می دهد. زیرا آنچه برای زن ها اهمیت دارد، آن است که حس کنند همسرشان به آنان احترام می گذارد و به سلامت و عقیده و ... آنان اهمیت می دهد.

#### 4 - مدیریت خانه برای مردها بسیار مهم است

با مراجعه به فرهنگ های مختلف موجود در جوامع گوناگون، خواهیم دید که «مرد» به عنوان قدرت اول خانواده، شناخته شده است که البته این مسئله را باید جدای از تبعیض های جنسی میان زن و مرد، به حساب آورد. در خانواده هایی که زن بدون نظرخواهی و مشورت همسرش درباره مسائل خانوادگی تصمیمی اتخاذ می نماید، یا این که قدرت اول خانواده است، معمولاً مشکلات گوناگون زیادی مشاهده می شود که آسیب دیدگی احساس مرد از خود را می توان یکی از این ناراحتی ها دانست. البته این که مرد، قدرت اول خانواده باشد بدان معنا نیست که مرد، در یک نقش دیکتاتوری ظاهر شود بلکه منظور از این مسئله، مدیریت است که باید بر عهده مرد قرار بگیرد.

#### 5 - صحبت کردن و ارتباطات اجتماعی برای زنان مهم است

زن ها با دور هم جمع شدن و صحبت کردن، بسیاری از نگرانی ها، استرس ها و ناراحتی های خود را تعدیل و تخلیه می نمایند. تمایل به ارتباطات اجتماعی و حرف زدن در زنان بیشتر از مردان است. به همین دلیل چنانچه درک و آگاهی زن و مرد، نسبت به این خصوصیت ضعیف باشد، مطمئناً آنان را دچار سوء تفاهات جدی در زندگی مشترک خواهد نمود.



#### 6 - نگاه مردان به مسائل، کلی تر است

مردها معمولاً وارد جزئیات و نکات ظریف نمی شوند، در حالی که زن ها به عمق مسائل و اجزاء ریز در ارتباطات و دیگر موارد، توجه زیادی دارند. معمولاً این خصوصیات زن و مرد، موجب می شود زن تصور کند مرد در باره بسیاری از مسائل بی دقت و بدون توجه است و مرد نیز همسرش را فردی حساس و ریزبین بداند که همیشه ذهن خود را برای موارد و مسائل پیش پا افتاده و کم اهمیت، درگیر و مشغول می سازد.

#### 7 - جذابیت های جسمی و آراستگی برای مردها بسیار اهمیت دارد

مردها بیش از زن ها تحت تأثیر جذابیت های جسمی و آراستگی زن قرار می گیرند که این نیز یکی دیگر از تفاوت های مهم آنهاست.

#### 8 - زن ها عاطفی تر از مردها هستند

یکی دیگر از تفاوت های عمده بین زن و مرد، عاطفی تر بودن زنان است و این انتظاری است که زن ها، از مردها نیز دارند! مثلاً زنی که همواره تاریخ دقیق روز ازدواج، تاریخ تولد همسر، مکان آشنایی و ... را به یاد دارد و چه بسا به مناسبت آنها، برای همسر خود، هدیه هایی هم تهیه کند، وقتی با شوهری روبه رو می شود که نسبت به این مسائل بی اعتنا یا فراموشکار است، نخستین احساسش آن است که همسرش نسبت به او بی علاقه و بی اهمیت است. باید دانست ادامه چنین تفکرات منفی و برخوردهای احساسی در مدت زمانی اندک، موجب بروز سوء تفاهم و دلسردی از زندگی مشترک می شود. لذا آگاهی از این نکات ضمن آن که از ناراحتی های بسیاری جلوگیری می کند، احساس مهارت در زندگی مشترک را در شخص رشد می دهد و او را به موفقیت می رساند.

### مهارت در همدلی با افراد

همدلی با افراد مهارت خاصی می خواهد. همدلی به برقراری ارتباط عمیق و صمیمی به انسان ها کمک بسیاری می کند. گاهی اوقات افراد به اشتباه، تصور می کنند تفاهم به این معناست که ما با فرد مقابل، کاملاً همفکر و هم عقیده باشیم، در حالی که باید گفت چنین تصویری از پایه و اساس اشتباه است، زیرا هیچ گاه نمی توان دو انسان را یافت که به طور کامل شبیه یکدیگر باشند. اختلاف و تفاوت در دیدگاه ها، سلیقه ها، آرزوها، عقاید و علایق، همه و همه، امری طبیعی و کاملاً عادی است. اما آنچه این اختلاف و تفاوت را می تواند برای ما، قابل درک و فهم سازد، همان «همدلی» است که به واسطه آن، می توانیم بسیاری از مشکلات ارتباطی خود با دیگران، خاصه شریک زندگیمان، را برطرف سازیم.



### اصول مهارت همدلی

#### 1 - به صحبت های دیگران خوب گوش کنید.

هنگامی که کسی صحبت می کند، کار دیگری انجام ندهید. خوب گوش کردن یا به عبارت دیگر، گوش کردن فعال، پایه و اساس هر نوع ارتباط سالمی است. نمی توان هم کتاب خواند و هم به صحبت های طرف مقابل گوش داد. چون بین شنیدن و گوش دادن، تفاوت زیادی وجود دارد. همچنین توجه کنید که هنگام صحبت کردن طرف مقابل، به صورت او نگاه کنید تا مطمئن باشد نسبت



به صحبت هایش، هر چند معمولی و عادی، دقت، حرمت و حساسیت لازم را قائلید. حتی گاه با اظهار کلماتی چون بله! عجب! خوب! فهمیدم! پس این طور! به او نشان دهید که کاملاً به صحبت هایش و آنچه که می گوید، توجه دارید و برای این توجه تمرکز کافی داشته باشید.

## 2 - با احساس و عواطف طرف مقابل تان همراه و هماهنگ شوید.

هنگام همدلی، سعی کنید طرف مقابل خود را درک کنید. آن هم به طور حقیقی و دور از هرگونه تظاهر و تصنعی ریاکارانه یا از روی اجبار! بلکه از روی عاطفه و احساس هماهنگ با طرف مقابل. مثلاً هیچ وقت نمی توان با فردی که با صدا و حالتی حزن آلود، درباره مسئله یا موضوع ناراحت کننده ای سخن می گوید، با لحنی شاد و سرشار از سرخوشی سخن گفت. البته عکس این مثال نیز صادق است.

## 3 - به احساسات و هیجان های طرف مقابل تان توجه داشته باشید.

بیشتر اوقات، فردی که از شرایط و مسایل خود، سخن می گوید و به شرح مشکلات یا درد دل هایش می پردازد، قبل از آن که به دنبال راه چاره یا پند و اندرز و یا راهنمایی باشد، نیاز دارد تا مخاطب او، متوجه احساس و حالت و هیجان او شود و موقعیت های احساسی او را درک کند. شما باید با توجهی که نسبت به احساس و هیجان او می کنید، این خواسته را برای وی به اثبات برسانید.

## 4 - خود را به جای طرف مقابل بگذارید.

تنها در این صورت است که می توانید از دریچه چشم وی، به مشکلات نگاه کنید و احساسات و موقعیتش را دریابید تا بتوانید همدلی لازم را درباره اش داشته باشید.

## 5 - در همدلی با طرف مقابل، از جمله های قاطع استفاده نکنید.

معمولاً شدت ناراحتی و هیجان در فرد نیازمند به همدلی، به حدی است که موجبات آزرده گی و آسیب پذیری را در او، مستعد می سازد. بنابراین باید مراقب بود تا با چنین فردی، با کلمه ها و جمله های قاطع و بُرنده، صحبت نکنیم. چه بسا که در تشخیص احساس و معانی سخنان وی اشتباه کرده باشیم آن وقت به دلیل قطعیت نظر و صحبتی که داشته ایم، نه تنها همراه و همدل او نبوده ایم، بلکه به نوعی وی را آزرده خاطر و منزجر نیز کرده ایم.

## مهارت حل اختلاف

این مهارت نیز، همانند بقیه مهارت ها، برای ازدواج و تشکیل زندگی مشترک و اصولاً برقراری ارتباط درست با دیگران ضروری و واجب است. آنچه مسلم است، بروز اختلاف و تفاوت بین افراد، امری کاملاً عادی و طبیعی است. منتها مهمتر و طبیعی تر آن است که نسبت به حل این اختلافات، اشراف داشته باشیم و بتوانیم اختلاف یا سوء تفاهمات خود یا دیگران را به گونه ای حل کنیم

که رضایت همه فراهم آید؛ و این رضایت حاصل نخواهد شد مگر با کسب مهارت در حل اختلافات.



### اصول مهارت حل اختلاف

- صحبت کنید، اما بدون پرخاش و توهین و تندی.

حل اختلاف، در زمان عصبانیت، حاصلی جز تخریب بیشتر نخواهد داشت. پس بهتر آن است که همیشه بعد از آرام شدن محیط و افراد، اقدام شود.

- منفي سخن نگوئيد.

اگر برای وصل کردن، قدم جلو می گذاریم، باید دقت کنیم از به کار بردن سخنان نومید کننده و تحریک کننده و در مجموع منفي، خودداری نمائیم.

- در اولین قدم اختلاف، آن را حل کنید.

به محض احساس اختلاف یا سوء تفاهم، درصدد حل آن برآئید. چون اگر شامل مرور زمان شود، تبدیل به کینه و رنجش می شود. به خاطر داشته باشید صحبت و بازگو کردن ناراحتی ها و سوء تفاهمات، کمک مؤثری برای رهایی از غم و اندوه است و حل اختلافات را نیز سهل تر می نماید.

- از طرف مقابل خود، یا طرفین اختلاف، درخواست کنید تا خیلی سریع، وقت مناسبی را با هماهنگی یکدیگر، برای حل اختلاف، اختصاص دهند.

- احساس شرم و گناه و خجالت را برای طرف مقابل به وجود نیاورید.

چنانچه ما با طرف مقابل خود، دچار مشکلی شده اید یا برای حل اختلاف دیگران، می خواهید اقدام نمائید، هرگز نباید به گونه ای صحبت کنید که دیگری یا دیگران را دچار احساس خجالت، گناه یا شرمندگی کنید. طعنه و کنایه را نیز باید از لحن و کلامتان حذف نمائید.

- نظر و عقیده خود را بیان کنید.

ناراحتی خود را عنوان کنید و درباره اش سخن بگوئید بدون آن که قضاوت یا سرزنش کنید و حکمی صادر نمائید.

- دیگری یا دیگران نیز حق دارند.

به طرف مقابل خود یا دیگری که با یکدیگر دچار اختلاف شده اند، اجازه کافی بدهید تا از ناراحتی‌ها و مشکلاتشان صحبت کنند. تخلیه روانی، فرد را برای طرح یا پذیرش مسائل متفاوت و سپس حل مشکلات، آماده تر می نماید.

#### - عذرخواهی مشکل نیست.

در زمان حل اختلاف، چنانچه فرد متوجه اشتباه خود بشود، بهتر است فوری با يك جمله که حاکی از ندامت و عذرخواهی اوست مسئله را ختم به خیر کند. «عذرخواهی» نه تنها فرد را کوچک نمی کند، بلکه دیگران را متوجه انعطاف و دقت نظر او نیز می سازد. حال چنانچه لزومی به عذرخواهی هیچ کسی مشاهده نشد، توافق و به قول معروف، کنار آمدن با هم، مسیری تازه برای رفع سوء تفاهات و برقراری ارتباطات جدید خواهد بود.

#### - هربار، فقط يك موضوع را مطرح کنید.

برای هر مشکل، يك جلسه مشخص را اختصاص دهید. چرا که در صورت صحبت و طرح همه ناراحتی‌ها و مشکلات در يك جلسه، نه تنها راه حلی حاصل نخواهد شد، بلکه به لحاظ یادآوری و تداعی یا درهم پیچیدگی ناراحتی‌ها، دامنه اختلافات وسعت بیشتری خواهد گرفت.

لازم به یادآوری است که مهارت حل اختلاف، در روابط خانوادگی، خاصه ارتباط میان زن‌ها و شوهرها، اهمیت بسیاری دارد. ضمناً باید در نظر داشت که در این روابط، حفظ احترام ادب و حرمت و همکاری و تعادل، برای همگان امری لازم و واجب است.

#### مهارت تصمیم‌گیری

تصمیم‌گیری نیاز به مهارت دارد. انسان‌ها به صورت‌های مختلفی تصمیم‌گیری می‌کنند، خواه این تصمیم درباره معامله‌ای باشد یا اشتغال به کاری یا انجام عملی یا ازدواجی.

#### انواع تصمیم‌گیری

**1 - تصمیم‌گیری احساسی؛** که تصمیم براساس يك احساس خاص (عشق، خشم، کینه، حسادت و کمک و...) گرفته می‌شود.

**2 - تصمیم‌گیری اجتنابی؛** تصمیمی که فرد به دلیل ترس و نگرانی که دارد، سعی می‌کند تا آنجا که می‌تواند آن را به تعویق اندازد. این گونه اتخاذ تصمیم، امکان آن را به وجود می‌آورد که فرد، فرصت‌های مناسب زندگی خویش را از دست بدهد.

**3 - تصمیم‌گیری اخلاقی؛** تصمیمی است که فرد، برای انجام آن به دلایل اخلاقی تکیه می‌کند. مثلاً ادامه دادن به يك زندگی مشترک مملو از تنش و پر تنش، به دلیل وجود فرزند.

**4 - تصمیم‌گیری تکانشی؛** این نوع تصمیم‌گیری، بسیار سریع و بدون توجه به عاقبت کار، یا ارزیابی و توجه به موقعیت‌ها و شرایط صورت می‌گیرد. مثلاً

فردی، فرد مقابل خود را برای کاری که در نظر دارد ترغیب به عجله می کند و قدرت تفکر در مورد يك عمل درست را از او می گیرد.

**5 - تصمیم گیری مطیعانه؛** سبک تصمیم گیری مطیعانه، می تواند صدمه زیادی به موضوع تصمیم و یا به عنوان مثال، به ازدواج فرد، وارد کند. در تصمیم گیری مطیعانه، دیگران برای يك یا دو نفر یا موضوعی، تصمیم می گیرند بدون آن که فرد یا افراد یا موضوعی که تصمیم بر روی آن اجرا می شود، نقشی در این تصمیم گیری داشته باشند. نمونه این تصمیم گیری را می توان در ازدواج های سنتی مشاهده کرد.

**6 - تصمیم گیری عقلانی؛** سالم ترین تصمیم ها، تصمیمی است که براساس تفکر، بررسی و مطالعه، ارزیابی و تحقیق صورت بگیرد. تصمیم گیری عقلانی، براساس واقعیات است و معمولاً خطا و اشتباه در آن به ندرت دیده می شود.

#### اصول تصمیم گیری عقلانی

تصمیم گیری عقلانی نیز مانند بقیه مهارت ها، دارای اصول مهارتی است که به ترتیب ذیل است:

- **مواجه شدن با يك تصمیم:** زمانی است که فرد متوجه می شود باید تصمیم بگیرد. بنابراین روی آن تمرکز کرده و ضمن روشن کردن موضوع تصمیم، اطلاعات مورد نیاز را جمع آوری می نماید.

- **حق انتخاب و بررسی مورد تصمیم بر اساس اطلاعات:** با راه حل ها و اطلاعاتی که فرد به دست آورده، این حق را می یابد تا تصمیمی درست برای انتخاب، ازدواج یا انجام کار مورد نظرش بگیرد.

- **ارزیابی پیامدهای پیش بینی شده حق انتخاب:** فرد پیامدهای متفاوت از انتخاب ها را مورد بررسی و ارزیابی قرار می دهد تا معقول ترین آنها را انتخاب کند.

- **تعهد به تصمیم:** نسبت به تصمیمی که گرفته می شود باید پایبند بود و به آن اعتقاد داشت.

- **برنامه ریزی برای انجام تصمیم:** حتی تصمیم عقلانی نیز نیاز به برنامه ریزی دقیق دارد.

- **اجرا یا انجام تصمیم:** در این مرحله، فرد به صورت عملی وارد مراحل برنامه ریزی شده می شود. مثلاً تصمیم به ازدواج که مرحله هم چون **خواستگاری**، **نامزدی**، خرید و غیره دارد.

- **ارزیابی پیامدهای واقعی اجرا یا انجام تصمیم:** فرد به بررسی و ارزیابی تصمیمی می پردازد که یا ناموفق بوده یا آن موفقیت لازمی را که فکر می کرده نداشته است. در اینجا فرد مرحله را که از سر گذرانده، مورد بررسی قرار می دهد تا برای برنامه آینده اش، شروع به برنامه ریزی کند.

### زنان و مردان تفاوت ها ، شباهت ها



**روان شناسان در مورد بروز تفاوت زن و مرد، هر دو عامل محیط و وراثت را سهمیم می دانند. اما جامعه شناسان با روان شناسان اختلاف نظر فاحشی دارند. آنها معتقدند که تفاوت های زن و مرد معلول تفاوت رفتاری است که جامعه در مورد آنان پیش می گیرد و معتقدند که دو جنس در اساس با هم هیچ تفاوتی ندارند، بلکه اجتماع موجب می شود که آنها گرایش های متفاوت پیدا کنند و به زمینه های مختلف سوق داده شوند. از نظر جامعه شناسان تفاوت زن و مرد در جزئیات است نه در کلیات. زیست شناسان عقیده دارند که زن و مرد تفاوت های بنیادی دارند، بدین معنا که تفاوت های آنها در درجه اول ارثی است نه محیطی. آنها معتقدند که هر سلول بدن زن با هر سلول بدن مرد تفاوت دارد.**

آنها قبل از آن که به دنیا بیایند و تحت تأثیر نفوذهای اجتماعی قرار گیرند، کاملاً تمایز پیدا کرده و برای زن یا مرد شدن آماده می شوند.

ویژگی های ساخت و عملکرد اعضا و دستگاه های بدن دختران و پسران متفاوت است. این تفاوت طوری است که پسران را برای زندگی فعال و پرجنب و جوش، و دختران را برای زندگی آرام آماده می کند. در استعداد تجسم فضایی، تشخیص جهت و هدف گیری، پسرها بهترند. از نظر کلامی دخترها برتری دارند، اما از نظر ادراک کلامی پسرها برترند.

پسرها ارتباط های مکانیکی را بهتر درک می کنند و استعداد ریاضی بهتری نسبت به دخترها دارند، اما در کارهای دستی مخصوصاً کارهایی که نیاز به چالاکي انگشتان دارند دخترها بهترند و چابکی انگشتان زنان به آنها اجازه می دهد که ماشین نویس خوبی باشند. یکی از ویژگی های جالب زنان این است که می توانند اطلاعاتی را برای مدت کوتاهی در حافظه خود نگه دارند که با هم هیچ ارتباطی ندارند و به خود آنها نیز مربوط نیست. بر پایه همین توانایی است که زن ها بهتر می توانند به منشی گری و کارهای دفتری اشتغال داشته باشند. دختران از دوران ابتدایی تا دانشگاه آن هم تا سطح

لیسانس در مجموع بهتر از پسرها درس می خوانند و موفقیت های بیشتری به دست می آورند. اما بعد از فراغت تحصیل و به ویژه بعد از دوره لیسانس، معمولاً از رقابت دست برمی دارند و در صورت ازدواج، خود را کاملاً وقف خانواده می کنند. البته زنان شاغل، نویسنده، وکیل و پزشک هم وجود دارند اما کمتر به جاه طلبی و مقام پرستی روی می آورند و این امر به مقدار زیادی از شکوفایی استعدادهای آنها جلوگیری می کند. پس **می توان گفت که علت محدودیت زن ها مسائل عاطفی است نه کمبود استعداد.**

«ماتینا هورنر» می گوید زنان برای به دست آوردن موفقیت برانگیخته می شوند ولی در عین حال از موفقیت نیز می ترسند. هورنر می گوید: موفق شدن در دنیای رقابت طلب چیزی است که خیلی از زنها از آن پرهیز می کنند زیرا ویژگی هایی را منعکس می کند که به طور سنتی غیرزنان به حساب می آید. کتاب «پرواز تنها، زنان مجرد در نیمه راه عمر» نوشته آسیب شناسان خانواده کارل آندرسون» و «سوزان استوارت»، با بررسی زندگی زنان و مردان قبل و بعد از تأهل، چنین نتیجه می گیرد که مردان معمولاً پس از ازدواج پله های ترقی را طی می کنند و کارآمدتر، عاقل تر و نهایتاً موفق تر می شوند.

«دیوید اسکوس» پروفسور علوم رفتار شناسی بیان می کند که کروموزم X پدری نه تنها از نظر وراثت خصوصیات زنانه نقش مهمتری را نسبت به کروموزوم X مادری ایفا می کند بلکه انتقال دهنده برخی مهارت های اجتماعی نیز هست و این بدین معناست که مردان باید مهارت های اجتماعی را بیاموزند، در حالی که زنان آن را در ساختمان ژنتیکی خود دارند و این امر با بسیاری از جنبه های بلوغ (روانی، اجتماعی، جنسی) در دختران و پسران نیز مطابقت دارد.



**محققان استرالیایی اعلام کرده اند:** آن قسمت از مغز که برای صحبت کردن مورد استفاده قرار می گیرد در زنان نسبت به مردان 20-30 درصد وسیع تر است. شاید همین موضوع سبب می شود که زنان در امتحانات بلاغت شفاهی، حافظه شفاهی و برخی مهارت های حرکتی ظریف بهتر از مردان عمل کنند. در مطالعه ای که با استفاده از فن رادیوگرافی و MRI صورت گرفت مشخص شد که مردان تنها از سمت چپ مغز خود برای حل مسائل زبان شناسی استفاده می کنند در حالی که زنان از هر دو نیمکره مغز سود می برند. توانایی زنان در استفاده همزمان از هر دو نیمکره مغز، آنها را قادر می سازد که به هنگام صحبت کردن به مراکز عاطفی نیز دسترسی پیدا کنند و در ارتباطات

عاطفی موفق تر عمل کنند. شاید این نکته را که خانم‌ها مددکاران اجتماعی، مشاوران، آموزگاران و پرستاران موفق و خوبی هستند بتوان به این موضوع نسبت داد.

تفاوت هورمونی بین مرد و زن، مسئول  
قسمت بزرگی از تفاوت‌ها در تو

تستوسترون ترشح شده در مردها اثر آنابولیکی پر قدرتی دارد؛ به این معنی که موجب افزایش تولید پروتئین در تمام بدن به ویژه در عضلات می‌شود. در واقع حتی مردی که فعالیت ورزشی زیادی ندارد اما تستوسترون زیادی دارد جثه عضلانی او 40 درصد بیشتر از زنان نظیر خود خواهد بود و قدرت او نیز به همین نسبت بیشتر است. هورمون جنسی زنان یعنی استروژن نیز احتمالاً مسئول قسمتی از اختلاف بین قدرت زن و مرد است، اگرچه اثر آن به همان شدت تستوسترون نیست. معلوم شده است که استروژن رسوب چربی را در زنان به ویژه در بعضی بافت‌ها افزایش می‌دهد. بدیهی است این موضوع مانعی در برابر تولید حداکثر قدرت در ورزش‌هایی ایجاد می‌کند که به سرعت یا قدرت بدنی بستگی دارد اما از طرف دیگر این موضوع می‌تواند در ورزش‌های استقامتی سخت که برای تولید انرژی نیاز به چربی دارند یک کمک مؤثر به شمار آید. چنانکه رکورد رفت و برگشت بین دو سوی کانال مانس در حال حاضر متعلق به زنان است.

پسرها در پرتاب کردن توپ و دیسک بهتر از دختران هستند. شاید علت آن در اغلب موارد این باشد که پسران برای بازی با توپ تقویت می‌شوند اما احتمالاً علت اساسی‌تری هم وجود دارد؛ شکل دست‌ها در دو جنس متفاوت است، مخصوصاً در دختران ساعد با بازو زاویه‌ای تشکیل می‌دهد که در دست پسران وجود ندارد. بنابراین دختران به دلایل ژنتیکی و تشریحی نمی‌توانند موفقیت پسران را در پرتاب به دست آورند. نکته قابل توجه دیگر آن است که اگر مرد و زنی را در جزیره‌ای دور افتاده رها کنید چگونگی وضعیت سوخت و ساز بدن در خانم‌ها منجر به آن خواهد شد که زن بیش از مرد زنده بماند.

### منابع

- بارنت، آنتونی: انسان، ترجمه محمد رضا باطنی و طلعت نفرآبادی، نشر نو، 1369
- گایتون: فیزیولوژی پزشکی، ترجمه محمدحسن عامری و همکاران، نشر اشارت، 1382
- گنجی، حمزه: تفاوت‌های فردی، نشر بعثت، 1380
- مید، مارگارت: بلوغ در ساموآ، ترجمه مهین میلانی، نشر ویس، 1375
- سیدمحمدی، یحیی: نظریه‌های شخصیت؛ شولتز، دوان، نشر دانشگاه آزاد، 1382
- ستوده، هدایت‌الله و همکاران: مفاهیم بنیادی در جامعه‌شناسی، نشر آوای نور، 1375

**عروس رفته ایمیل چک کنه!**  
**مصاحبه با مسئول سایت اردبیلی**



موهای سرش را نه در آسیاب بلکه در رفت و آمدهای متوالی به خانه دخترها و پسرهای جوان سفید کرده است ، می خندد و ردیف دندان های نامرتب و افتاده اش را نمایان می کند، دندان هایی که شاید بر اثر مصرف نقل و شیرینی وصلت های بسیار صورت گرفته به دست او، به این حال و روز در آمده است؛ تیر ترکش همسریابی او طی این سال های طولانی عمر به تمامی دختران و پسران دم بخت خانواده و اهل محل اصابت کرده و کمتر کسی در این میان وجود دارد که از این هدف گیری در امان باشد مگر این که در شعاع تیررس او قرار نگرفته باشد.

او دیروز مجهز به عصا و چارقند گلدار و لیخند شیرین و از همه مهمتر صبر و حوصله، نوای پیوند را در تمامی خانواده ها سر می داد اما امروز او بیمار و رنجور در بستر آرمیده است و نگران از آینده تمامی دختران و پسرانی است که چند سال دیگر به گفته او به سن ازدواج می رسند و...

تعجب نکنید حتما این يك گزارش اینترنتی است ، چرا که تا دیروز وصلت های فرخنده میان دختران و پسران را خانم بزرگ های گیس سفید و آقا بزرگ های ریش سفید تقبل می کردند اما امروز رفته رفته با حضور پررنگتر اینترنت در جامعه ما خصوصاً نزد جوانان، این پا پیش گذاشتن جهت وصلت های فرخنده تا حدودی به عهده سایت های همسریابی اینترنتی گذاشته شده است.

همسریابی اینترنتی از نوع سنتی

آدرس سایت [HTTP://WWW.ARDABILI.COM](http://www.ardabili.com) را که وارد می کنم پیش رویم صفحه ای گشوده می شود که در آن تصویر یک فرد روحانی نمایان است و بعد از آن اجازه رسمی از مراجع بزرگ تقلید و به ترتیب در صفحات دیگر فرم های که اختصاص به همسریابی دارد.

در قسمت فعالیت سایت مطلبی قرار دارد به این شرح «سعی ما بر این است که از طریق اینترنت و این صفحات با ارایه دقیق راههای بهینه سازی، يك زندگی سالم و بی آلاینش براساس معیارهای يك انسان مسلمان را پیش روی خواهان آن قرار دهیم به همین دلیل آشنایی با نوع فعالیت های گسترده علمی و عملی جناب حجت الاسلام اردبیلی می تواند شما را در انتخاب راهنما و مشاوره امین و دانا بیشتر کمک نماید.»

آدرسی که مسئول این سایت برای گفت و گو در اختیارم قرار داده است بار دیگر مرور کرده و با خود زمزمه می کنم شاید این آدرس دفتر کار باشد ؛ شاید هم یکی از مراکزی که به نوعی مرتبط با دانشگاهی است که او در آن تدریس می کند ، اما وقتی به بن



بست يك كوچه قديمي پا مي گذارم و پلاك سر در خانه قديمي را با آدرس در دست خود مقايسه مي كنم اين شك در من به وجود مي آيد كه اين آدرس شايد متعلق به محل كار نباشد و اين شك زماني به يقين تبديل مي شود كه فرزند كوچك «جعفر اردبيلي» صاحب سايت همسريابي در خانه قديمي را با ليخنه و نوعي شيطنت بچگانه مي گشايد.

خانه پيش رويم بسيار سنتي است چرا كه هنوز در آن فضاي اندروني و بيروني را مي توان به درستي احساس كرد ، سجاده اش در كنار كتابخانه بزرگي كه انباشته از كتاب هاي مرتبط با فقه و اصول اسلامي است بر روي زمين گسترده شده و پرده اي ضخيم اتاق را به دو نيمه كرده است . ما با كتاب ها و سجاده و پشتي هاي ردیف شده در اين سو و كامپيوتري كه با روشن شدن آن فرم هاي پر شده توسط متقاضيان همسر يابي از تمامي نقاط كشور و حتي جهان به آن سرازير مي شود در آن سوي اتاق قرار دارد. شايد اين پرده مرزي باشد براي گذر از روش هاي سنتي و روي آوري به روش هاي نوين، در حاليكه هنوز به پرده ضخيم چشم دوخته ام سئوالاتم را آغاز مي كنم.



### چه طور به همسر يابي از طريق اينترنت علاقه مند شديد؟

تا همين چند سال قبل من با مقوله اينترنت نا آشنا بودم و در زمينه همسريابي و مشاوره ازدواج با شاگردانم در دانشگاه ارتباط داشتم و فعاليت هاي زيادي نيز در اين زمينه انجام دادم از جمله طراحي و تأسيس كانون مشاور پيوند دانشجويي در دانشگاه تهران و يا ايجاد و تأسيس صندوق هاي قرض الحسنه پيوند در دانشگاه تهران و محبان الزهرا در جمع برخي از دانشجويان دانشگاه امير كبير. به هر حال من كارم را با دانشجويان شروع كردم و اين احساس را داشتم كه اينترنت يك رسانه عام و عمومي براي دانشجويان محسوب مي شود هر چند لازم است كه در اين جا به اين نكته اشاره داشته باشم كه طيف وسيعي از دانشجويان ما از اينترنت فقط چت كردن و كنترل صندوق پستي رمزي شناسند اما با اين حال فكر كردم اينترنت مي تواند يك وسيله خوب براي ارتباط و كمك رساني به اين قشر باشد.

### چه كساني در تأسيس اين سايت فعاليت و نقش داشته اند؟

سايتي كه اكنون در زمينه همسريابي فعاليت دارد حاصل چندين سال فعاليت شخصي خودم و تعدادي از دوستان در كانون مشاوره دانشجويي و پيوند دانشگاه علوم پزشكي تهران است . ابتدا مشاوره ها و فعاليت هاي همسريابي اين كانون محدود به دانشگاه و

فقط در زمینه ازدواج های دانشجویی بود ولی از سال 79 با دایر کردن پایگاه اطلاعاتی همسریابی فعالیت های خود را گسترش دادیم.

### طیف مخاطب شما برای همسریابی دانشجویان هستند؟

خوب است بدانید علت اصلی روی آوردن من به این کار، دیدن مشکلات شدیدی بود که اکثر دانشجویان در زمینه همسریابی با آن رو به رو بودند، بسیاری از آنها بعد از فارغ التحصیل شدن قصد خروج از کشور را داشتند من از نزدیک با آنها در ارتباط بودم و مشکلات روحی آنها را درک می کردم بنابراین کار مشاوره با دانشجویان را از دانشگاه آغاز کردم. بنابراین طبیعی به نظر می رسد که طیف وسیعی از مخاطبان من دانشجویان باشند اما این حرف بدین معنا نیست که ما به افراد دیگر بی توجه هستیم.

### چرا در صفحه اول سایت، تصویر خودتان را به عنوان یک روحانی گذاشته اید؟ آیا این کار علت خاصی دارد؟

هدف من در درجه اول معرفی خودم و در مرحله بعدی به نوعی کسب اعتماد افراد بود به نحوی که مراجعه کنندگان در همان وهله اول ورود به سایت متوجه بشوند مدیریت سایت با چه شخصیتی است که اگر بعدا تمایل داشتند در مورد خصوصی ترین مسائل خود با من صحبت کنند.

شما برای شروع به کار در این زمینه و هم چنین راه اندازی این سایت از محل و شخص به خصوصی اجازه گرفته اید؟

همان طور که در سایت مشاهده کرده اید من مجوزهایی برای شروع به کار خود از مراجع و علمای تقلید دریافت کرده ام که از این مراجع می توان به آیت الله محمد فاضل لنگرانی ، سید علی سیستانی و ناصر مکارم شیرازی اشاره داشت. اما خوب است بدانید که هیچ کدام از این مجوزها مربوط به ازدواج اینترنتی نیست؛ من برای مشاوره دادن و ترویج فرهنگ ازدواج این مجوزها را دریافت کرده ام چون تا آن جا که من اطلاع دارم در مورد امور مشاوره و ازدواج اینترنتی نیاز به اجازه نداریم چون فعالیت های اینترنتی احتیاج به اجازه ندارد.

### شما برای شروع به همسریابی از طریق اینترنت، چه اطلاعاتی را از متقاضیان دریافت می کنید ؟

در بدو امر فرمی را از طریق شبکه اینترنت به متقاضیان عرضه می کنیم که باید تکمیل شود در این فرم اطلاعات فرد متقاضی شامل نام و نام خانوادگی ، نام پدر ، شغل ، رنگ چشم، نژاد ، قد، رشته تحصیلی ، تعداد خواهر و برادر ، پدر و مادر در قید حیات هستند یا نه، منزل شخصی یا استیجاری ، ازدواج قبلی داشته اند یا نه ، طلاق گرفته اند یا نه ، اعضای خانواده تا چه حد به او کمک می کنند، ازدواج با کسی که قبلا همسر داشته یا متارکه کرده را می پسندند یا نه ، آرامش و صبر همسر برای فرد تا چه اندازه اهمیت دارد و آیا فعالیت بیرون از منزل همسر موجب رنجش خاطر او می شود به صورت سوال مطرح شده اند که متقاضی باید به آنها پاسخ دهد و برای ما از طریق اینترنت ارسال کند که ما ظرف 24 ساعت به فرم ارسالی جواب می دهیم و اگر شخصی را مطابق فرم در جستجوی های خود پیدا کنیم قرار ملاقات حضوری را می گذاریم. البته این ملاقات در

حضور خودم صورت می گیرد و سعی می کنم در جلسه اول این افراد تا حدودی با خصوصیات یکدیگر آشنا شوند. به عنوان نمونه همین امروز من یک قرار داشتم که خانم دانشجو الکترونیک بود و آقا فروشنده لوازم ورزشی که احساس کردم حدود 60 درصد با هم تفاهم دارند ولی نیاز به مشاوره بیشتری داشتند.

### **خانواده ها تا چه حد از این ملاقات ها با اطلاع هستند؟**

در اولین جلسه ملاقات حضوری غیر از خود من به عنوان یک واسطه و دختر و پسر کسی دیگر حضور ندارد اما در همان جلسه اول سعی می کنم از دو طرف بخواهم که حداقل به یکی از اعضای خانواده مثل مادر یا پدر نیز اطلاع بدهند تا در جریان امر باشند.

### **آیا این ملاقات های حضوری در سایت انعکاس می یابد؟**

به هیچ وجه، ضمن آنکه اطلاعات ارسالی محرمانه تلقی شده و برای هیچ یک از متقاضیان دیگر نیز قابل رویت نیست و متقاضیان نمی توانند به مشخصات داوطلبان دیگر حتی اگر مطابق با خواسته آنها باشد دسترسی داشته باشند.

### **این نوع همسریابی اینترنتی خاص ایران است ؟**

این سایت اینترنتی نه ایران بلکه سرتاسر دنیا را در بر می گیرد. اگر برای سایت تقاضایی وجود داشته باشد مضایقه نخواهم کرد کما اینکه در کانادا مقدمات ازدواج یک جوان ایرانی را با یک دختر لهستانی که بعداً مسلمان شد فراهم کردم و خطبه عقد و ازدواج این دو را نیز قرائت کردم و ازدواجشان هم در سفارت به ثبت رسید. هم چنین یک دختر ایرانی مقیم دبی را از طریق همین فرم ها به عقد یک پسر شیرازی در آوردم و نمونه های بسیار دیگری.

### **میانسالان به خاطر فوت همسر یا طلاق می توانند از خدمات اینترنتی سایت شما استفاده کنند؟**

هدف ما کمک به افراد مجرد و جویای همسر در تمام سنین است ما منعی برای کمک به این گونه افراد نداریم و اگر تقاضایی وجود داشته باشد برای آنها همسریابی می کنیم. البته تاکنون بیشتر مراجعین ما دانشجویان بوده اند زیرا سایر افراد جامعه ظاهراً شناختی از خدمات این سایت ندارند و من هم شخصاً به تبلیغات اعتقادی ندارم.

### **از طریق این پایگاه اینترنتی علاوه بر تسهیلات همسریابی چه خدمات دیگری به مردم ارائه می دهید؟**

علاوه بر همسریابی، در ارتباط با هر گونه مسئله خانوادگی ، علمی ، تحصیلی و روان شناسی مشاوره های رایگانی را به درخواست کنندگان ارائه می دهیم. تعدادی از کتاب ها نیز در سایت وجود دارند که علاقه مندان می توانند آنها را مورد استفاده قرار دهند و طی هماهنگی هایی که با بهترین مشاوران روان پزشک کشور صورت گرفته افرادی که نیاز به متخصصان روان پزشکی دارند به آنها معرفی می شوند و با کمترین هزینه ممکن تحت مشاوره قرار می گیرند. در زمینه آزمایش های ژنتیکی احتمالی مورد نیاز هم تاکنون به افراد خدماتی ارائه شده است.



### شما بابت خدماتی که ارائه می دهید وجهی هم دریافت می کنید ؟

به هیچ وجه. ما بابت ارائه کلیه خدمات خود که علاوه بر همسریابی گاهی شامل کمک به تامین جهیزیه نیز می شود ریالی از متقاضیان نمی گیریم. به عبارتی این خدمات رایگان عرضه می شود و قصد ما نیز انجام کار نیک است نه سوداگری.

### منابع مالی مورد نیاز شما از چه طریقی تامین می شود؟

برای تامین پول مورد نیاز از مراجع ، علما، افراد خیر و نیکوکار کمک گرفته ایم و همانگونه که در سایت نیز آمده است ما مجوزهایی نیز از برخی آیات عظام دریافت کرده ایم که می توانیم براساس این مجوز یک سوم از محل خمس و زکات اشخاص را به این گونه مصارف خیریه برسانیم. در طی این چند سال ما تاکنون مبالغ زیادی را بابت مشاوره و همسریابی هزینه کرده ایم بدون اینکه ریالی از کمک دولت استفاده کرده باشیم.

### طی مدت فعالیتتان از طریق اینترنت تاکنون برای چه تعداد متقاضی همسر مناسب یافته اید؟

طی مدتی که در این زمینه فعالیت فردی و یا دانشگاهی و اینترنتی داشته ام یعنی حدود 6 سال بین 800 زوج پیوند برقرار کرده ام که خوشبختانه تاکنون هیچ کدام از این ازدواج ها بد فرجام نبوده و به طلاق منتهی نشده است.

### درخواست های ارسالی به سایت توسط چه کسانی مورد مطالعه قرار می گیرد؟

از آن جا که این اطلاعات بسیار محرمانه است و جز خصوصی ترین مسائل هر فرد محسوب می شود کسی دیگر جز خودم به این اطلاعات دسترسی ندارد. من روزی چند بار به باکس سایت مراجعه می کنم و اطلاعات ارسالی را مورد مطالعه قرار می دهم و سعی می کنم در کمترین زمان پاسخگو باشم.

### در روز چه تعداد متقاضی به سایت شما مراجعه می کنند؟

متغیر است، اما به طور میانگین 100 الی 150 نفر.

### آیا سایت شما مورد حمله اینترنتی قرار گرفته است ؟

در طی این سال ها یک بار؛ اما مسئله بسیار جدی نبود. با این حال من به کمک شاگردانم سعی کرده ایم سایت را به گونه ای تقویت کنیم که هر کسی قادر به نفوذ در آن نباشد.

## حمله به سایت ها اتفاقی است که هر لحظه امکان وقوع دارد و از آن جا که اطلاعات داخل سایت شما مربوط به شخصی ترین مسائل افراد است شما در این زمینه چه اقداماتی انجام داده اید ؟

من هر شب پس از مطالعه فرم ها و استخراج شان آنها را از روی سایت برمی دارم و اگر شما در سایت دقت کنید متوجه می شوید مطالب زیادی در آن وجود ندارد چون اکثر اطلاعات به طور پنهان در سایت قرار دارد که تنها خود من به آنها دسترسی دارم.

در مقابل اینترنت نباید خرافات گرایي بکنیم بلکه باید مجهز بشویم و روش درک اطلاعات را نیز به روز کنیم. ما همیشه جلوی پدیده های ورودی به کشور به نوعی عقب مانده حرکت کرده ایم و علت آن است که همیشه محتاط بوده ایم و چشم به آسمان و زمین داشته ایم که به کسی برخورد نکنیم اما امروز باید قبول داشته باشیم که اینترنت راه گفتمان است و ازدواج از طریق آن نادیده گرفتن روش های سنتی نیست بلکه آسان نمودن آن است. من قبول دارم که اینترنت با خود مفاسدی را نیز به همراه دارد اگر افرادی به سوی سایت های خلاف کشیده می شوند این کار به علت عدم آگاهی و اطلاع است پس وظیفه ما آگاهی دادن به این افراد است.

### در روز چند ساعت به اینترنت اختصاص می دهید؟

شاید بیشتر از 9 ساعت؛ به طوری که همه خانواده از دست من کلافه هستند. حتی گاهی اوقات که به میهمانی دعوت می شوم لپ تاپ را نیز با خود همراه دارم. من آن قدر زمان برای اینترنت می گذارم که بعضی اوقات خانواده می خواهند از طریق اینترنت برای آنها زمان مشاوره بگذارم!

### از اینترنت در چه مواردی استفاده می کنید؟

در درجه اول اینترنت برای تمرکز روی کارم است اما بعد از کار به تمامی سایت ها مراجعه می کنم.

### به چت کردن نیز علاقه دارید؟

بله و تا آن جا که بتوانم در اکثر چت روم ها وارد می شوم تا با مسائل جوانان بیشتر آشنا بشوم دنیای چت دنیای جالبی است که همیشه افراد شخصیت دوم خودشان را در آن بروز می دهند. در کشورهای دیگر افراد از چت برای تبادل اطلاعات و دوست یابی استفاده می کنند که این کار خیلی سریع اتفاق می افتد اما در ایران جوانان ما ساعت ها با شخص دوم چت می کنند و آخر سر معلوم می شود طرف مقابل همسایه دیوار به دیوار خودشان بوده است.

### شما نیز در چت از همان شخصیت دوم بهره می گیرید؟

(می خندد) به خاطر اینکه بتوانم به جمع این افراد ملحق بشوم و نیازهای آنها را کاملاً درک کنم لازم است من نیز مثل آنها یکی غیر از خودم باشم.

### از طریق چت دوستانی را نیز یافته اید؟

چند نفر از دوستانی که در احداث و راه اندازی این سایت به من یاری رسانده اند جزو کسانی هستند که در چت روم ها با آنها آشنا شده ام.

به عنوان یک فرد روحانی که همسریابی از طریق اینترنت را برگزیده است فکر می کنید در مقابل اینترنت باید چگونه رفتار کنیم؟

در مقابل اینترنت نباید خرافات گرایی بکنیم بلکه باید مجهز بشویم و روش درک اطلاعات را نیز به روز کنیم. ما همیشه جلوی پدیده های ورودی به کشور به نوعی عقب مانده حرکت کرده ایم و علت آن است که همیشه محتاط بوده ایم و چشم به آسمان و زمین داشته ایم که به کسی برخورد نکنیم اما امروز باید قبول داشته باشیم که اینترنت راه گفتمان است و ازدواج از طریق آن نادیده گرفتن روش های سنتی نیست بلکه آسان نمودن آن است. من قبول دارم که اینترنت با خود مفاسدی را نیز به همراه دارد اگر افرادی به سوی سایت های خلاف کشیده می شوند این کار به علت عدم آگاهی و اطلاع است پس وظیفه ما آگاهی دادن به این افراد است.

### شما که صاحب سایت همسریابی از طریق اینترنت هستید خودتان از چه

#### طریقی ازدواج کرده اید؟

او می خندد. در حالیکه سینی چای از پشت پرده ضخیم به درون اتاق هدایت می شود و او باز با همان لبخند می گوید، 17 سال پیش و با روش بسیار بسیار سنتی با همسر ازدواج کرده ام ...

چند لحظه بعد همسر آقای جعفر اردبیلی با اصرار او با چهره ای مهربان از پشت پرده ضخیم قدم به درون اتاق می گذارد.

### همسر بای اینترنتی از نوع تضمینی

یادم هست بچه که بودم هر وقت پدر می خواست هندوانه بخرد اکبر آقای میوه فروش با اون هیکل به قول امروزی ها بادی بیلدینگ کارش بر سر هندوانه ضربه ای می زد و روی دست می گرفت و با صدای بلند می گفت به مولا قسم تضمینی تضمینی ببر و از شیرینیش صفا کن و به راستی که هنوز طعم شیرین آن هندوانه را به یاد دارم . بزرگتر که شدم برای درس هایم در کلاس های تقویتی شرکت کردم گفتند قبولی تضمینی. در کلاس کنکور باز هم تضمینی. شرکت در کلاس رانندگی باز هم تضمینی خلاصه از بدو تولد تاکنون شاید صدها بار با این کلمه تضمینی برخورد کرده ام اما هیچ کدام مرا تا این حد میخکوب نکرد وقتی صفحه اول یکی از سایت های همسریابی را گشودم و با این جمله رو به رو شدم «یافتن قطعی همسر دلخواه با تضمین صد در صد» و در ادامه خواندم « تعجب نکنید. به جز کنکور، ازدواج هم می تواند تضمینی باشد. پس از ثبت نام برای استفاده از خدمات ازدواج تضمینی کارشناسان موسسه برای ازدواج شما بسیج خواهند شد آن قدر متقاضی ازدواج به شما معرفی می شود که کلافه خواهید شد. به خودتان می گوید آه خدای من این همه خواستگار از کجا آمده؟ و این جاست که

موسسه ... ثابت می کند که قسمت و تقدیر در ازدواج بی تاثیر است. موسسه آن قدر مطمئن است که اگر شما تا زمان مقرر همسر دلخواه خودتان را پیدا نکردید 75 درصد هزینه ای که در زمان ثبت نام دریافت شده به شما مسترد می گردد. در ضمن این روش به آقایان سخت گیر و مشکل پسند نیز توصیه می شود.»

این تنها روش همسریابی در سایت موسسه ... نیست چرا که این موسسه حداقل 6 روش دیگر را نیز پیش روی مشتاقان ازدواج می گذارد از جمله این روش ها شرکت در سمینار WHO FOR WHO ، انتخاب همسر با روش SS، یافتن همسر دلخواه با تکنیک COM FOR CHAT ، یافتن همسر از طریق گرفتن شماره تلفن های خیابانی، و یافتن و ارزیابی همسر آینده از طریق شرکت در سمینار 10،0 است.

در سایت این موسسه یکی از روش ها ، شرکت در سمینار FOR WHO WHO عنوان شده است که به همه افراد يك كد تعلق می گیرد ، نام و نام خانوادگی افراد قابل شناسایی نیست. هر شخصی که در جایگاه قرار می گیرد مشخصات خود و همسر دلخواهش را اعلام می نماید. اگر یکی از حاضرین علاقه مند باشد با یکی از کدها در رابطه با ازدواج مذاکره نماید کد را در فرم ویژه یادداشت می نماید. هر شخص می تواند حداکثر 3 نفر را یادداشت نماید؛ بعد از سمینار با استخراج نتایج توسط کامپیوتر از افراد تلفنی دعوت می شود تا در موسسه حضور یافته و با یکدیگر به صورت چهره به چهره مذاکره نمایند. افراد بعد از حداکثر 3 جلسه باید نتیجه را به موسسه اعلام کنند و در صورت مثبت بودن بعد از مشاوره مراحل بعدی توسط خانواده ها ادامه می یابد. ورود به سمینار تا اطلاع ثانوی 3 هزار تومان و هزینه جلسات مشاوره بین 3 تا 6 هزار تومان است .

هم چنین این سایت برای مشاوره های حضوری به ازای هر نیم ساعت 5 هزار تومان حق مشاوره و 10 هزار تومان برای 3 تا 5 نوبت مشاوره تلفنی دریافت می نماید.

\*\*\*

هر چند همسریابی اینترنتی در کشور ما عمري کوتاه دارد اما در مقابل سایت های خارجی مشابه سال هاست روی اینترنت فعالیت و تبلیغ دارند، ظهور چنین سایت هایی در کشور نشان دهنده ترویج و گسترش اینترنت در حوزه های غیر تخصصی و خصوصاً اجتماعی است.

به هر حال این گونه بهره برداری از اینترنت در فعالیت های اجتماعی به نوعی نوید بخش افزایش تعداد کاربران و تنوع در استفاده از اینترنت می شود هر چند در این میان قطعاً سوء استفاده هایی نیز صورت خواهد گرفت.

## سي باور غلط در ازدواج



- ? ازدواج باعث درمان مشکلات روانی می شود.
- ? اساس ازدواج فقط و فقط عشق است (عشق کافی است).
- ? عشق مال داستانهاست و در زندگی واقعی وجود ندارد.
- ? ازدواج راهی برای سعادت‌مند شدن است.
- ? ازدواج راهی برای تضمین زندگی فرزندان است (از دیدگاه والدین دختران و پسران جوان).
- ? ازدواج راهی برای پیشگیری از انحراف فرزندان است.
- ? ازدواج راهی برای فرار از مشکلات است.
- ? ازدواج راهی برای جلب رضایت والدین است.
- ? دوستی قبل از ازدواج، تضمین کننده یک ازدواج موفق است.
- ? حالا ازدواج می کنم و بعد «او» را تغییر می دهم.
- ? باید با کسی ازدواج کرد که از همه نظر کامل باشد.
- ? زن باید وارد یک زندگی کامل شود.
- ? مهم این است که جوان ازدواج کند، بقیه مسایل حل می شود.
- ? یک ازدواج هرچند ناموفق بهتر از مجرد است.



- ? کسی که به خانواده خود خیلی اهمیت می دهد پس حتماً در زندگی مشترک نیز موفق خواهد بود.



- ? ازدواج می کنم و بعد طلاق می دهم (می گیرم).
- ? اگر با فلانی ازدواج کنم خوشبختم، و لا غیر.
- ? ازدواج یعنی خوشبختی و رفاه.
- ? ازدواج یعنی اسارت.
- ? مهریه تعیین کننده موفقیت در ازدواج است.
- ? شاید اگر با دیگری ازدواج می کردم موفق تر بودم.
- ? زن و شوهر باید کاملاً شبیه هم باشند.
- ? زن و شوهر باید همه مسایل خود به یکدیگر بگویند.
- ? زن و شوهر باید کاملاً وقتشان را با هم بگذرانند.
- ? زن باید تابع و مطیع محض مرد باشد.
- ? شوهر باید همسرش را به همه خواسته هایش برساند؛ شوهر باید همه مشکلات او را حل کند.
- ? به هیچکس نمی توان اعتماد کرد. («مردها غیر قابل اعتمادند» یا «زن ها فریبکارند»)
- ? چون خودم تصمیم گرفتم باید تا آخرش بروم؛ هر قولی که می دهی باید تا آخرش بایستی.
- ? زن و شوهر باید در همه مسائل اتفاق نظر داشته باشند. زن و شوهر باید تابع هم باشند. زن و شوهر باید همه فعالیت هایشان مشترک باشد.
- ? مرد باید جلوی زنش در بیاید. به زن نباید رو داد. نباید محبتت را نشان دهی. نباید طرف مقابلت بفهمد که دوستش داری چون آن وقت سوءاستفاده می کند.
- ? افرادی که طلاق می گیرند حتماً افراد مشکل داری هستند. کسی که طلاق می گیرد حتماً آدم بدی بوده است.
- ? والدین نباید در تصمیم ما دخالت کنند اما باید زندگی ما را تأمین کنند.
- ? هر نوع زندگی بهتر از طلاق است.
- ? طلاق یعنی بدبختی.
- ? رابطه جنسی پدیده ای گناه آلود یا زشت است.

## شرایط همسر شایسته و اهمیت آن



### بهترین زنان شما زنی است که وقتی همسرش او را می نگرد، شاد و مسرورش گرداند . رسول خدا (ص)

در مورد انتخاب همسر به منظور ایجاد و تولید نسل سالم و صالح ، احادیث و روایات فراوانی وجود دارد که بسیاری از آنها حاکی از اهمیت قانون وراثت و تأثیر عامل محیط است. پیامبر اسلام برای تولید نسل بهتر، دقیق ترین نکات را در امر انتخاب همسر گوشزد فرموده است که، به برخی از آنها اشاره می کنیم :

پیامبر فرموده: با خویشاوندان نزدیک ازدواج نکنید زیرا فرزندی [که از آن به ثمر می رسد] نحیف و ضعیف خواهد بود. چون دانستن سلامتی اجداد غیر ممکن است باید ازدواج میان خویشاوندان نزدیک ، ممنوع گردد، زیرا بعضی از بیماری های مخفی در افراد وجود دارد؛ که در شرایط خاصی ظاهر می شود.

### شرایط همسر شایسته

**1- متدین بودن :** اولاً باید همسر انسان ، متدین باشد، زیرا دین می تواند انسان را از هرگونه انحراف های روحی و اجتماعی مصون دارد، و مسلماً **زن و مرد با ایمان مطابق موازین و برنامه های دینی فرزند خود را تربیت کرده** و احساس مسئولیت نسبت به این امر می نمایند، پیغمبر اسلام (ص) فرموده است:

«با زن نباید صرفاً به خاطر زیبایی او ازدواج کرد. ممکن است همین زیبایی او را به پستی و ابتذال سوق دهد، و نه صرفاً برای مال و ثروتش چون ممکن است مال هم ، او را طاعی و سرکش سازد. با زن صرفاً به خاطر دین او ازدواج کن».

**2- حُسن خلق :** که مبدأ اساسی پرورش نسل سالم است، و این اصل چه در دوران جنینی و شیرخوارگی ، و چه در دوران تربیت کودک در خانواده ، اثر مستقیم و یا غیر مستقیم دارد.

**3 - زیبایی و شادابی :** که این امر غالباً کمک به دین است و ضامن جلوگیری مرد از انحراف و خلاف عفت است ، به این معنی که زیبایی زن غالباً مردها را اعمال غیرمشروع باز می دارد. این موضوع نیز بیشتر با حُسن خلق توأم است. زیرا زن زیبا

غالباً دارای اخلاق ملایم و دلچسب است. پیامبر اسلام (ص) برای اطمینان خاطر مرد از زیبایی زن، اجازه داد پیش از ازدواج، مرد او را ببیند، تا خاطر وی از نظر زیبایی و دلپسندی زن مطمئن گردد. رسول اکرم (ص) می فرمود:

بهترین زنان شما، زیبا چهره ترین آنهاست .

و در حدیث دیگر آمده است که پیغمبر اسلام فرمود:

بهترین زن های امت من ، زیبا چهره ترین و اندک **مهربانترین** آنهاست .

و نیز ازدواج با زن زیبا معمولاً فرزندان زیبا را نصیب انسان می سازد.

**4- زن باید ولود باشد :** یعنی خوش زا و بسیار زا باشد . چون قهرآ، فرزند به کانون خانواده حرارت می بخشد .

**5 - اصالت خانوادگی :** همسر انسان باید از خانواده ی اصیل و تربیت شده و نجیب باشد، زیرا او بهتر می تواند کودکان را تربیت کند. اگر زن، خود فاقد تربیت باشد نمی تواند فرزند خوب پرورش دهد. رسول اکرم (ص) می فرماید:

از سبزه ای که در میان کثافات و پلید ی ها می روید بپرهیزید. ( مراد زن زیبایی است که در محیط پست و آلوده پرورش یافته باشد.



**6 - ازدواج با اقارب و آثار سوء آن :** اسلام ازدواج با عده ای از اقارب ، مانند: مادر، خواهر و خاله و عمه و امثال آنها را شرعاً ممنوع ساخته، در برخی موارد دیگر به منظور ارشاد مردم برای ساختن و پرورش نسل سالم، راهنمایی های کافی کرده است. و ازدواج با اقوام نزدیک را – که حرمت شرعی هم ندارد – صحیح نمی داند ؛ و پیامبر فرموده است:

با خویشاوندان نزدیک ازدواج نکنید زیرا فرزندی [که از آن به ثمر می رسد] نحیف و ضعیف خواهد بود.

پیغمبر اکرم (ص) فرمود: با زن نباید صرفاً به خاطر زیبایی او ازدواج کرد. ممکن است همین زیبایی او را به پستی و ابتذال سوق دهد، و نه صرفاً برای مال و ثروتش چون ممکن است مال هم ، او را طاغی و سرکش سازد. با زن صرفاً به خاطر دین او ازدواج کن

از نظر علمی این طور است که اگر سلامتی طرفین تا چند پشت معلوم و صفات خانوادگی آنان شایسته می بود ازدواج با خویشاوندان موجب تقویت صفات خوب

خانوادگی می شد. ولی چون دانستن سلامتی اجداد غیر ممکن است باید ازدواج میان خویشاوندان نزدیک، ممنوع گردد، زیرا بعضی از بیماری های مخفی در افراد وجود دارد؛ که در شرایط خاصی ظاهر می شود. اگر فرض کنیم شخص سالمی (س) با شخصی که دارای بیماری ارثی نهفته (م) باشد، ازدواج کند، نتیجه از این قرار خواهد بود،  $S + M = S \times M$ ، یعنی: نیمی از این فرزندان سالم خواهند بود، و نیم دیگر از آنها به حسب ظاهر سالم هستند ولی نطفه ی بیماری ارثی در آنها نهفته می باشد. حال اگر یکی از این افراد که دارای بیماری ارثی نهفته است با یک شخص سالم ازدواج کند نتیجه به شرح زیر خواهد بود:  $M + S = S \times S$ ، دوم  $S + S = S \times S$ ، یعنی باز هم در اینجا نصف از عده ی فرزندان کاملاً سالم و نصف دیگر ظاهراً سالم خواهند بود؛ و نطفه ی بیماری ارثی در آنها نهفته است. ضمناً باید دانست که هیچ گونه تفاوتی ظاهراً بین این دو نوع فرزند دیده نمی شود. پس اگر افراد حامل نطفه ی بیماری با افراد کاملاً سالم ازدواج کنند هیچ وقت بیماری ارثی نهفته آشکار نخواهد شد. ولی هرگاه دو فرد که هر دو حامل بیماری ارثی نهفته باشند با هم ازدواج کنند بیماری ارثی نهفته ی آنان در بعضی فرزندانشان واضح خواهد شد از این قرار:  $M + M = 1 + 1$   $S \times S = M \times M$  یعنی یک فرزند، سالم خواهد بود. ضمناً لازم است گفته شود که ظهور بیماری ارثی نهفته - در ازدواج بین اشخاصی که هیچ گونه خویشاوندی با هم ندارند- نیز ممکن است وقوع یابد. ولی این احتمال در ازدواج میان خویشاوندان، بسیار زیاد است.

### انگیزه های غلط برای ازدواج



بعضی اوقات افراد دم بخت به دلایل عجیب و غریبی ازدواج می کنند. گاهی نیز دلایل خوب و موجهی برای انتخاب فرد به خصوصی در سر دارند. آیا شما هم تحت فشار هستید که هرچه زودتر ازدواج کنید؟

**پس بهتر است نگاهی هم به این «دلایل بد» برای ازدواج بیندازید:**

#### 1- ازدواج کردن فقط به خاطر پول

فرض می کنیم فردی که شما شیفته و عاشقش شده اید شخص ثروتمندی باشد؛ که خوش به سعادتان. البته عاقلانه هم نیست که با آدمی که کاملاً بی پول

است و هیچ قصدي هم ندارد که در آینده در تأمین هزینه هاي زندگي سهمي داشته باشد، ازدواج کنید، مگر آن که حاضر باشید روزي 18 ساعت با کمال رضایت کار کنید تا قادر باشید مخارج سنگین زندگي را تأمین کنید. اما ازدواج کردن با یک نفر تنها به خاطر پول، صرفنظر از احساس شما نسبت به آن فرد، تقریباً همواره اشتباه است.

اگر توانستید فرد مناسبی را بیابید به شما تبریک می گویم. اما اگر تردید دارید دست نگه دارید. داشتن يك نامادري یا ناپدري بي رحم، براي فرزند شما به مراتب سخت تر و ناگوارتر است از این که فقط يك پدر یا مادر دلسوز و مهربان بالای سرش باشد.

## 2- ازدواج به خاطر دور شدن از خانه والدین

وقتي وضعیت در خانه پدري، شوم و اندوه بار باشد، ازدواج يك راه گریز محسوب می شود. تعجبی ندارد که خیلی ها این راه گریز را انتخاب می کنند. اما معمولاً این مسیری است که شما را از چاله در آورده و به چاه می اندازد! یکی دو سال دیگر در خانه پدر و مادر ماندن، بهتر از آن است که با نخستین پیشنهاد ازدواج، تن به تأهل دهید، چون آن وقت ممکن است **شریک زندگي** تان تا آخر عمر سبب رنجش و آزار شما گردد.

## 3- علاقه والدین شما به فرد مورد نظر

البته جای تعجب دارد که والدین شما واقعاً همسر آینده شما را دوست بدارند! اما دوست داشتن این فرد از سوي آنها دلیل کافي براي مد نظر قرار دادن ازدواج با آن فرد نیست. سال هاي آینده، زمانی که آنها درگذشتند و از میان شما رفتند شما کماکان باید اسیر فرد رؤیاهای آنان باشید. فردي که شاید مرد یا زن رؤیاهای شما نباشد.

## 4- عادت به رابطه دراز مدت

هنگامی که دو نفر پس از مدتي آشنایی، تصمیم ازدواج با یکدیگر می گیرند، اشکالی ندارد. اما چه وقت اجبار به دلیل «عادت محض» خطرناک می شود؟ زمانی که دو نفر که با یکدیگر ازدواج کرده اند و بعد از یکدیگر **طلاق** گرفته اند، ( و به هم عادت کرده اند) تصمیم بگیرند دوباره شانس خودشان را امتحان کنند. مطمئن باشید هرگاه بار نخست کارساز نبوده باشد بار دوم نیز کارساز نخواهد بود.



### 5- خواهان فرزند بودن

بله. «بچه دار شدن» قوی ترین محرک برای بسیاری از افراد در ازدواج است - اما آیا شما حاضرید فرزندان خود را در شرایط نه چندان ایده آل پرورش دهید؟ موضوع اینجاست: زمانی که بچه ها بزرگ می شوند و دنبال زندگی خودشان بروند شما مجدداً با آن فرد خواهید بود. هیچ کس کامل نیست، اما حداقل کسی را برگزینید که بتواند برای فرزندان پدر یا مادر خوبی باشد؛ همچنین خود شما به وی علاقه داشته باشید و برایش احترام قائل باشید. در غیر این صورت گزینه دیگری را مد نظر قرار دهید مثلاً کودکی را به فرزندخواندگی بپذیرید.

### 6- کسی که به خاطر شما همسرش را کنار گذاشته

معمولاً این گونه ازدواج ها زیاد دوام نخواهد آورد و پایه ای برای یک رابطه درازمدت نخواهد بود. این سناریو را در نظر بگیرید: فردی که شخصی را می یابد که حاضر است به همسر یا نامزد خود خیانت کند، مسلماً رابطه آنها استحکامی نخواهد داشت. زیرا کسی که توسط شما به فرد دیگری خیانت کرده، روزی نیز به خود شما خیانت خواهد کرد.

### 7- یافتن یک ناپدری یا نامادری برای فرزندان

اگر توانستید فرد مناسبی را بیابید به شما تبریک می گوئیم. اما اگر تردید دارید دست نگه دارید. داشتن یک نامادری یا ناپدری بی رحم، برای فرزند شما به مراتب سخت تر و ناگوارتر است از این که فقط یک پدر یا مادر دلسوز و مهربان بالای سرش باشد.

### 8- فشار اجتماعی

تمام دوستان شما ازدواج کرده اند، اما شما هنوز مجرد هستید... اما مطمئن باشید که تا الان یکی دوتای آنها **طلاق** گرفته اند!

پس، خودتان باشید. هنگامی که مثلاً خاله شما در مورد این که آیا تصمیم به ازدواج دارید یا نه از شما سؤال می کند، توجهی نکنید. بهتر است تنها باشید تا این که با کسی ازدواج کنید که سبب بدبختی شما گردد. هیچگاه تنها به خاطر آنکه متأهل شوید معیارهای خود را پایین نیاورید.

## همسر ایده ال من معیارهای انتخاب همسر ( قسمت اول )



یکی از مسائل بسیار مهم و اساسی قبل از ازدواج در نظر گرفتن معیارهایی برای انتخاب همسر است . به جرئت می توان گفت بیشترین مشکلاتی که در زندگی مشترک به وجود می آید به خاطر این است که دختر و پسر ، همسر مناسب خود را انتخاب نکرده اند و پس از چند سال زندگی متوجه می شوند این دو مناسب یکدیگر نبوده اند. پس جا دارد برای این انتخاب وقت بگذاریم و مطالعه کنیم.

### معیارها و ملاک هایی که در انتخاب همسر باید در نظر گرفته شود دو نوع است:

الف - آنهایی که رکن و اساس اند و برای یک زندگی سعادت‌مندانه حتماً لازم اند.  
ب - آنهایی که شرط کمال هستند و برای بهتر و کاملتر شدن زندگی لازم اند و بیشتر به سلیقه افراد و موقعیت آنها بستگی دارند.

اگر گذشته فردی که می خواهید با وی ازدواج کنید خیلی شیک بوده، اصلاً بالاتر از گل به او نگفته اند، و گذشته شما همه اش درد و رنج و زحمت بوده، و دائم خون دل خورده اید؛ رهاش کنید این فرد مناسب زندگی شما نیست.

یکی از معیارهایی که باید حتماً در ازدواج در نظر گرفته شود، **عامل مذهب و نگرش فرد مقابل نسبت به مذهب است.** اگر شما فردی هستید که به اصول و فرامین مذهبی معتقدید، ولی شخص مورد نظرتان ، نسبت به مذهب بی اعتماد یا بی تفاوت باشد، شما با هم زندگی خوبی نخواهید داشت. **انسان متدین، همسری متدین می خواهد،** اگر یکی متدین و دیگری بی دین و بی قید باشد، خوشبخت نخواهند شد. بنابراین از این لحاظ باید فردی را انتخاب کنید که همانند شما فکر کند.

یکی دیگر از **مسائل تناسب خانوادگی** است. ازدواج با یک فرد مساوی است با پیوند با یک خانواده، فامیل و یک نسل؛ خانواده **دختر و پسر** باید با یکدیگر سنخیت و تناسب داشته باشند. در **انتخاب همسر** معقول نیست شما بگویید «من می خواهم با این فرد

زندگی کنم و کاری با خانواده اش ندارم» چرا که این فرد جزئی از همان خانواده و فامیل و شاخه ای از همان درخت است. این شاخه، از ریشه همان درخت تغذیه کرده؛ مسلم است که بسیاری از صفات اخلاقی، روحی، عقلی و جسمی آن خانواده و فامیل از راه وراثت و تربیت و محیط به این فرد منتقل شده است، این فرد در دامن همان خانواده بزرگ شده است. باید موقع ازدواج ارزش های درون خانواده فرد را بررسی کنید و با ارزش های درون خانواده خودتان مقایسه نمایید. اگر این ارزش ها با یکدیگر تناسب داشته باشند، شما زندگی آرامی خواهید داشت. در مقایسه ارزش ها دقت داشته باشید. برای مثال اگر در خانواده شما تحصیل یک ارزش است، در خانواده فرد مقابل نیز تحصیل یک ارزش باشد، اگر در خانواده شما حجاب یک ارزش است، در خانواده طرف مقابل حجاب ضد ارزش نباشد.



آنچه در تناسب اجتماعی باید در نظر داشت، **ارتباطات و رفت و آمدهای خانوادگی** است. این که خانواده با چه افرادی رفت و آمد می کنند و دارای چه جایگاهی هستند، آیا شهرت اجتماعی دارند یا خیر، مهم است. همه اینها در جایی جمع می شود که به آن تناسب اجتماعی می گوئیم. در حقیقت مردم دوست دارند با افرادی رفت و آمد کنند که از جایگاه اجتماعی خوبی برخوردار باشند. دو خانواده باید از این حیث با یکدیگر تناسب داشته باشند. مسئله دوم **تناسب رفتار اجتماعی دختر و پسر** است. مثلاً اگر یک دختر لوس و جلف با مرد متین و موقری ازدواج کند، تحمل رفتار اجتماعی زن برای مرد مشکل است.

بنابراین از مسائل مهم انتخاب همسر **در نظر گرفتن تناسب اجتماعی دو خانواده است** و چقدر خوب است که پسر و دختر در یک ردیف اجتماعی با هم ازدواج کنند.

یکی دیگر از مواردی که باید در ازدواج در نظر گرفت **مسائل مالی و اقتصادی** است، هر چقدر دو خانواده از لحاظ مالی در یک سطح باشند ازدواج، ازدواج خوبی است. صلاح نیست دختر و پسر و خانواده هایشان از لحاظ مالی و ثروت تفاوت زیادی با هم داشته باشند، ازدواج دو طبقه متضاد اجتماعی همیشه مشکلاتی به همراه خواهد داشت. شما نمی توانید با فردی زندگی کنید که از نظر **اقتصادی** در ردیف شما نیست، هرگز این کار را نکنید. برای مثال کسی که از نظر اقتصادی در یک طبقه بالای اجتماعی است در ناز و نعمت بزرگ شده، همه چیز برایش مهیا بوده، هیچوقت مشکلات و تنگنای مالی نداشته است، حالا با فردی از خانواده بسیار پایین از نظر اقتصادی ازدواج می کند که سبک زندگی با این فرد متفاوت بوده است. فرهنگ خانوادگی متفاوت، نیازهایش



متفاوت. فرضاً قرار می‌شود این دو با یکدیگر به مهمانی بروند، شخص اول هر لباسی می‌پوشد خجالت می‌کشد، احساس می‌کند نازیباست، مورد تأییدش نیست، در عوض همسرش زمانی که به خانه آنها می‌رود احساس کدخدایی می‌کند. خانه سطحش پایین است. این احساسات در وی ایجاد تعارض می‌کند. عصبانی می‌شوند، با هم دعوا می‌کنند، دعوا بر سر یک قضیه بسیار ساده زندگی است ولی ریشه اش در عدم همخوانی و تناسب طبقه اقتصادی است، اکثر دعوای چنین زن و شوهرهایی بعد از میهمانی‌ها شروع می‌شود.

یکی دیگر از معیارهایی که باید در ازدواج در نظر گرفته شود، **تناسب تحصیلی** است. بسیار خوب است که زن و شوهر از نظر معلومات و تحصیلات علمی، خیلی با هم فاصله نداشته باشند و در ردیف یکدیگر باشند تا تفاهم بیشتر در زندگی شان به وجود آید. مهم است که زن و شوهر سطح دانششان به هم نزدیک باشد، زنی که تحصیل کرده و دانشگاهی است نمی‌تواند همسر یک مرد بی‌سواد یا کم‌سواد باشد. اگر هم توانست مدت کوتاهی می‌تواند ولی در درازمدت خیر. ممکن است یک آدم بی‌سواد بسیار فرهیخته باشد، مهربان و سطح آگاهی هم بالا، کلاً شخصیت خوبی داشته باشد ولی در اینجا تشابهاتی وجود ندارد. بالاخص این که تفاوت یک زن تحصیل کرده با یک مرد تحصیل کرده بسیار زیاد است. غالباً خانم تحصیل کرده از تحصیلاتش در طول زندگی استفاده می‌کند ولی مرد تحصیل کرده کمتر. برای مثال خانمی که در رشته هنر تحصیلات دانشگاهی دارد، می‌تواند آثار هنری را در تمامی خانه ملاحظه کنید اما ممکن است آقای مهندس برق در سیستم برق خانه اش کلی اشکال داشته باشد! به نظر می‌رسد زندگی با زن تحصیل کرده راحت تر است. او خیلی زودتر مسائل را می‌فهمد و نیاز نیست که خیلی تکرار کنید. متقابلاً مردی که دارای تحصیلات عالی است نمی‌تواند با زنی که دارای تحصیلات پایینی است ازدواج کند. حتی بهتر است مردان یا زنان پزشک با هم ردیفان خود ازدواج نکنند. یکی از چیزهایی که باید در ازدواج رعایت شود **فاکتورهای حرفه ای** است. بنابراین سطح تحصیلات و سطح حرفه در **زندگی زناشویی** بسیار مهم است.



حالا که به مسئله تحصیل اشاره کردیم خوب است که به **مسئله تفکر** نیز اشاره کنیم. متأسفانه مردان ما بسیار مقیدند که همسر زیبا داشته باشند، در صورتی که زیبایی در آمار جهانی بهداشت فقط 25 نمره دارد در حالی که به تفکر 300 نمره داده اند. در مورد

عروس خانم همیشه می پرسند آیا زیبا هست یا نیست. زیبایی دوره محدودی دارد، ولی ما نمی توانیم تفکر و تعلیم و تربیت را انکار کنیم. بعضی از مردم ما در ازدواج جایی برای تفکر باز نگذاشته اند.

اولین چیزی که در تفکر جلوه گر می شود، **عامل هوش** است. زندگی با یک آدم کم هوش بسیار مشکل است. ممکن است بپرسید چگونه می شود هوش یک نفر را قبل از ازدواج تشخیص داد؟ پاسخ بسیار آسان است. افرادی که درجه هوشی خیلی پائین دارند کاملاً در رفتار و کردارشان مشخص است، پختگی لازم را ندارند، قدرت تشخیصشان ضعیف است. عامل دیگر تشخیص هوش، تفکر انتزاعی است. انتزاع کردن یعنی بیرون کشیدن، و **تفکر انتزاعی** یعنی **توانایی استنباط و درک مفاهیم از موقعیت های کلی**. این نوع تفکر ابعادش بسیار گسترده است، افرادی که تفکر انتزاعی دارند خیلی زود شما را می فهمند. لازم نیست که دائم برایشان تکرار کنید. بعد دیگرش، تفکر حل مسئله ای است، تفکری که در آن انسان می تواند مسائل خودش را حل کند. کسانی که این نوع تفکر را ندارند دائم دور خودشان می چرخند، گیج اند، دائم می پرسند چه گفتم، یعنی چه، منظورت چه بود... کسی که این نوع تفکر را ندارد به همسری برنگزینید. گاهی اوقات افراد از روی ترحم با فردی ازدواج می کنند که از نظر هوشی در سطح پایینی است، می خواهند ایثار کنند ولی سخت در اشتباهند. زندگی با افراد کم هوش بسیار مشکل است. **کسی که تفکر و هوش خوبی دارد کیفیت فراوان در مدیریت دارد**. یکی از ارکان اصلی مدیریت، تفکر خوب است.

یکی دیگر از **معیارهایی که باید در ازدواج در نظر گرفت گذشته افراد** است. یعنی، باید تشابهاتی بین گذشته شما با گذشته فردی که می خواهید با وی ازدواج کنید باشد. اگر این تشابهات بود، آن وقت شما به درک متقابل خواهید رسید. بسیاری از مردم می گویند همسر مرا درک نمی کند. درک چه موقع صورت می گیرد، زمانی که ما سرنوشت مشابهی داریم، شما کسی را درک می کنید که در زندگی تان باشد، یک غریبه را نمی شود درک کرد. اگر گذشته فردی که می خواهید با وی ازدواج کنید خیلی شیک بوده، اصلاً بالاتر از گل به او نگفته اند، و گذشته شما همه اش درد و رنج و زحمت بوده، و دائم خون دل خورده اید؛ رهایش کنید این فرد مناسب زندگی شما نیست. گذشته بسیار مهم است. این فرد نمی تواند شما را درک کند. نمی تواند بفهمد موقعیت فعلی را به چه قیمتی به دست آورده اید؛ برایش اهمیتی ندارد. تمام آنچه با زحمت به دست آورده اید را جزء بدیهیات و لوازمات زندگی می داند، حتی گاهی اوقات اصرار می کند موقعیت فعلی را نیز از دست بدهید در حالی که موقعیت فعلی حاصل یک عمر تلاش شماست. در ازدواج به سراغ فردی بروید که گذشته ای مشابه شما داشته باشد و شما را درک کند.

یکی از مسائلی که در گذشته ماست، **عشق** و عاطفه در زندگی است. بعضی ها در گذشته، بسیار دوست داشته شده اند، مثل این که هیچکس به اندازه اینها مهم نبوده است، مانند عروسک در دست این و آن مورد نوازش و محبت قرار گرفته اند. عده ای دیگر اصلاً مورد توجه نبوده اند و کسی به اینها اهمیتی نداده است مثل این که اصلاً شناسنامه ای ندارند. حالا اگر این دو نفر با هم ازدواج کنند، نمی دانند چه اتفاقی می افتد. گاهی می گویند این شخصیت خلاء عاطفی مرا پر خواهد کرد. در صورتی که

چنین نیست. کسی که هیچوقت مورد محبت قرار نگرفته، تشنه محبت است، هرچه محبت کنید سیراب نمی شود. همیشه می پرسد مرا دوست داری، می گوید بله، باز می پرسد، قسم می خورید، ولی باور نمی کند. برعکس، شخصی که برایش همه چیز مهیا بوده سیراب است هیچ چیز چشمش را نمی گیرد، به زحمت هدیه ای را برایش فراهم می کنید اما جلب توجهش را نمی کند. گاهی اصلاً شما را تحویل نمی گیرد، آنها آدم های سردی اند، هر کاری کنید فایده ای ندارد، در مقابل آنها وضعیت شما مثل فردی است که می گوید نمی دانم چرا دستم نمک ندارد. می گویم دست شما نمک دارد اما این شخص سیراب است. پس بهترین حالت، تعادل است. باید دنبال کسی بگردید که گذشته معتدل داشته است **گذشته ما سرنوشت ما را تعیین می کند.** خب حالا چطور می توانید به این مسئله پی ببرید؟ کافی است از او سؤال کنید شما را چقدر دوست داشته اند. اگر گفت «تا حالا هیچکس را به اندازه من دوست نداشته اند و از ابتدای امر هر چه خواسته ام برایم فراهم بوده است.» قدری دست نگه دارید. یا مثلاً چنانچه مادر دختر خانم می گوید «اگر قسمت شد و داماد ما شدید این را بدانید که ما تا حالا بالاتر از گل به این دختر نگفته ایم.» بگویید «خداحافظ!» این دختر خیلی به درد شما نمی خورد. پدر و مادرها در محبت کردن به بچه ها، باید حد تعادل را رعایت کنند.



از دیدگاه دکتر مجد، یکی از مسائل بسیار مهم که باید در **ازدواج** مورد توجه قرار گیرد ردیف فرزندان خانه است. فرزند چندم خانواده باشد خوب است و یا چرا خوب نیست. به اعتقاد ایشان بچه های ردیف اول غالباً دارای وضعیتی هستند که عمدتاً معاون اند، دختر معاون مادر، پسر معاون پدر، بچه های ارشد خانواده غالباً مسئولیت های زیادی را قبول می کنند و مثلاً از دیگر فرزندان مراقبت می کنند، تکالیف اقتصادی و خرید به آنها واگذار می شود بسیاری از کارهای خانه را انجام می دهند. بچه های اول سنگ های زیرین آسیاب هستند. علاوه بر کارهای منزل و خرید و مواظبت از بچه های دیگر باید به عنوان قاضی، مجادلات بین پدر و مادر را نیز حل کنند. بچه های اول عمدتاً زندگی سختی دارند. این زندگی سخت، مزایا و معایبی دارد. از این جهت خوب است؛ افرادی که زندگی سختی تجربه کرده اند مسئولیت پذیرند، اتفاقاتی را تجربه می کنند که سبب می شود برای زندگی بعدی پخته شوند، غالباً نظرشان شرط است. اینها رأی شان نافذ است اگر پدر و مادر بخواهند با کسی مشورت کنند معمولاً با فرزندان ارشد است. روی دیگر فرزندان نفوذ دارند، اصلاً گاهی به جای پدر و مادر مهار زندگی را اینها به دست می

گیرند. از بعضی جهات هم خوب نیست. اینها معمولاً مظلوم واقع می شوند، حقشان خورده می شود. همیشه زمانی که دو بچه با یکدیگر دعوا می کنند به بچه بزرگتر می گویند تو بزرگتری تو ببخش، و غافل از این که اینها هر دو کودک اند و هر دو احساسات کودکانه دارند.

بچه های آخری چه وضعیتی دارند؟ بچه آخر معمولاً هیچ مسئولیتی ندارد، ریلکس است خیلی راحت است. بعد از او دیگر بچه ای به دنیا نیامده و تاج پادشاهی همچنان بر سرش باقی مانده است. اگر در خانه مشکلاتی به وجود بیاید این قدر افراد هستند که مشکلات را حل بکنند بنابراین کاری به این فرد ندارند. به اینها سرویس زیاد داده شده و خیلی به آنها خوش گذشته است به کسی هم که زیاد خوش بگذرد خیلی بد عاقبت خواهد بود. تمام افرادی که به این ترتیب بزرگ می شوند تحمل اتفاقات عادی زندگی را ندارند. هیچ استرسی را نمی توانند تحمل بکنند.

حالا اگر بچه اول خانواده ( پسر ) با دختری ازدواج کند که فرزند آخر خانواده است چه اتفاقی می افتد؟ بیچاره پسر، عمری حقش ضایع شده بود و در خانه بچه داری کرده بود حالا هم بایستی از خانمش به عنوان یک بچه نگهداری کند! این دختر خانم هم به کوچکترین مطلبی قهر می کند. اینها همان افرادی هستند که دو ماه بعد از ازدواج چمدانهایشان را بسته اند و راهی خانه پدرشان می شوند.

اگر دختر فرزند اول باشد و پسر فرزند آخر، چه خواهد شد؟ خانم ها معمولاً تحملشان خیلی زیاد است معمولاً دندان روی جگر می گذارند، گاهی نقش مادر را برای همسر بازی می کنند و بعضی مردها نیز از این حالت استقبال می کنند. بچه های اول عادت کرده اند بگویند خب حالا مهم نیست و بعد می بینند که به دردهای روان تنی دچار شده اند.

مسلم است که تربیت خانوادگی بر شخصیت و نحوه رشد افراد اثر می گذارد. به نظر می رسد آنچه بیشتر از ردیف و جایگاه فرزندان خانه اهمیت دارد نحوه تربیت آنهاست. اگر در خانواده راه و رسم زندگی مشترک به افراد آموخته شود و آنها را برای پذیرش یک سری از مسائل و واقعیات زندگی آماده نمایند آخر یا اول بودن آنها چندان اهمیتی ندارند. نکته دیگر این که همیشه برای فرزندان آخر همه چیز مهیا نبوده است. گاهی فرزندان آخر بیشتر از دیگر فرزندان دچار استرس می شوند برای این که پدر و مادر در جوانی بیمار نبوده اند و حالا بیمار شده اند و این در حالی است که دیگر فرزندان خانواده ازدواج کرده اند و مسئولیت پدر و مادر بیمار بر عهده فرزند آخر است. گاهی نیز فرزند آخر خانواده نقش مربی **مهدکودک** را بازی می کند و خواهران و برادران جهت نگهداری فرزندانیشان از بچه آخر کمک می گیرند. از همه اینها گذشته اگر در یک خانواده دو فرزند بیشتر وجود نداشت، یکی اولی بود و دیگری آخری، تکلیف چیست؟ در اینجا است که می گویم نوع تربیت، نحوه برخورد و گذشته افراد مهمتر از جایگاه آنها در خانواده است.



### تناسب سنی

در انتخاب همسر توجه به همتایی و تناسب در سن نیز لازم است. تفاوت سن بلوغ جنسی در دختر و پسر، یک امر طبیعی است، پسر حدود چهار سال دیرتر از دختر به بلوغ جنسی می رسد. پس خوب است که تفاوت سن آنها در امر ازدواج نیز به همین مقدار باشد ( پسر بزرگتر باشد) **بهتر است چنین باشد ولی الزامی نیست.** اگر در بقیه موارد گفته شده یعنی زمینه های اقتصادی، خانوادگی، اجتماعی، عاطفی، تناسب وجود داشته باشد ولی تناسب سنی وجود نداشته باشد مثلاً زن و شوهر هم سن باشند و یا حتی زن یک سال نیز بزرگتر باشد به شرط این که مرد وقوف و آگاهی کامل به این موضوع داشته باشد مشکل خاصی ایجاد نمی شود. اما ازدواج هایی که **اختلاف سنی زیاد** وجود دارد مثلاً یک نفر بیست سال از دیگری بزرگتر است اصلاً صلاح نیست.

### اخلاق نیک

یکی از ویژگی های اساسی و لازم برای زندگی شاد، اخلاق نیک است. منظور از **اخلاق نیک** تنها خنده رویی و خوش خلقی اصطلاحی نیست، زیرا خندیدن و ... در بعضی مواقع، نه تنها مطابق اخلاق نیست بلکه ضداخلاق نیز هست. منظور از اخلاق نیک، داشتن صفات و خلق و خوی های پسندیده از نظر عقل و شرع است.

### سلامت جسمانی و روانی

سلامت جسمانی و روانی در موفقیت و سعادت زندگی مشترک، نقش مهمی بر عهده دارد. بعضی از بیماری های جسمانی و روانی اهمیت چندانی ندارند و مانع زندگی نیستند و لطمه ای به آن وارد نمی کنند و با معالجه و مراقبت، درمان می شوند. آنچه باید در زمینه انتخاب همسر مورد توجه قرار گیرد بیماری ها و نقص ها و معلولیت های جسمی و روحی عمیق و غیرقابل درمان است که در طول عمر همراه انسان است و تحملش برای همسر سخت است. توجه نکردن به این امر و برخورد «احساساتی و غیرمنطقی» با آن ممکن است لطمه های سنگینی به زندگی بزند.

### همتایی و هماهنگی فرهنگی و فکری

تفاهم و توافق فکری و فرهنگی میان دو همسر در زندگی مشترک، نقش اساسی دارد. برای ایجاد یک زندگی پربار و سعادت مند، باید معماران این کانون بتوانند یکدیگر را درک کنند و مکنونات و محتویات درونی خود را به هم تفهیم کنند و در بسیاری از مسائل،

تصمیم مشترک و یکسان بگیرند و بر مبنای آن عمل کنند و در نشیب و فرازهای زندگی، یاور هم باشند و فرزندانشان را براساس یک طرح هماهنگ تربیت کنند.

### چنانچه امام صادق (ع) می فرمایند:

«العارفة لا توضع الا عند العارف».

زن عارفه ( فهمیده فرزانه ) باید در کنار مرد عارف ( اهل معرفت ) قرار گیرد نه غیر آن.

### تناسب سیاسی

دختر و پسر باید از لحاظ گرایش نسبت به مسائل سیاسی شبیه به هم باشند. اگر یک نفر علاقه شدیدی به مسائل سیاسی و شرکت در آن دارد و برای دیگری سیاست هیچ جایی در زندگی ندارد، در زندگی مشترک دچار مشکلاتی خواهند شد و آرامش لازم را از دست می دهند.

### تناسب شخصیتی

دختر و پسری که می خواهند با یکدیگر ازدواج کنند، بهتر است تناسب شخصیتی داشته باشند و از نظر صفات شخصیتی با یکدیگر همسان باشند.

ادامه دارد ...

در قسمت بعد به مطلب نکات مهم در جلسه خواستگاری خواهیم پرداخت.

### منابع

- مقدمه ای بر روان شناسی ازدواج - تألیف : زهره رئیسی
- خانواده در اسلام - تألیف حسین مظاهری
- مشاوره ازدواج - تألیف علی اسلامی بجنوردی نسب

## نکات مهم در جلسه خواستگاری معیارهای انتخاب همسر ( قسمت دوم )



در قسمت قبل به مطلب **همسر ایده ال من** پرداختیم . اینک در ادامه می خوانیم ...  
 پس از مطرح کردن **معیارهای انتخاب همسر**، سؤالی که در ذهن همه افراد مطرح می شود این است که چگونه می توان قبل از ازدواج به **خصوصیات روحی و روانی همسر** پی برد؟ و آیا می شود با رعایت موازین شرعی و عرفی، شخصی را قبل از ازدواج شناخت؟

خواستگاری در درجه اول احترام و اکرام به جنس مؤنث است.

جواب این سؤال تا حدودی مثبت است به شرطی که عاقلانه با موضوع برخورد شود. به پسران جوان توصیه می کنیم، دقت کنید شخصی را که برای ازدواج انتخاب می کنید، آیا شخصیت اجتماعی، یعنی مجموعه حرکات، رفتارها، آداب معاشرت و برخورد اجتماعی اش با عقاید شما همخوان هست یا خیر؟ اگر همخوانی وجود داشت تحقیقات جزئی در مورد خانواده اش به عمل آورید و خانواده او را با خانواده خود از لحاظ **اقتصادی**، اجتماعی مقایسه کنید، اگر در یک ردیف بودید به **خواستگاری** بروید.

دختر **خانم های جوان** باید ابتدا تحقیقات جزئی در مورد خواستگارشان به عمل آورند اگر در کلیات مانند وضعیت اقتصادی و اجتماعی، موقعیت شغلی و تحصیلی، فرد مورد نظرشان با آنها همخوان است، اجازه دهند خواستگار به خانه آنها بیاید.



تاریخچه خواستگاری به قبل از میلاد مسیح برمی گردد. خواستگاری از طرف مردان انجام می شده. به عبارت دیگر مرد به خواستگاری زن می رود، و این امر به خاطر تفاوت های **روان شناختی زن و مرد** است، خواستگاری در درجه اول احترام و اکرام به جنس مؤنث است.

زمانی که به خواستگاری می روید و یا از شما خواستگاری می شود، زیباترین لباسهایتان را به تن کنید و پوششی شیک و مناسب داشته باشید. اولین دیدارها همیشه در اذهان باقی می ماند. عده ای با لباس های نامناسب و نه چندان تمیز به خواستگاری می روند و تصورشان این است که این شخص باید وضعیت زندگی مرا بداند در صورتی که این وضعیت خاطر خوشی به جا نمی گذارد. در تمام طول مراسم

خواستگاری متانت و وقار باید از ناحیه هر دو خانواده مراعات شود و رفتارهای نامناسب و جلف، ذهنیت های بدی را رقم می زنند.

هنگام صحبت کردن فرد مورد نظران، سراپا گوش باشید، و دقت لازم را به عمل آورید تا مطالب گفته شده را بهتر بتوانید به خاطر بسپارید و هنگامی که خودتان صحبت می کنید نیز سعی کنید، سنجیده حرف بزنید. پس از این که از گذشته و شرح حال فرد مقابل مطلع شدید می توانید دیدگاهش را راجع به مذهب سؤال کنید.

در هنگام صحبت کردن با فرد مورد نظر در اولین جلسه بنا را بر **صداقت** و یکرنگی بگذارید و متعهد شوید که آنچه می گوئید کاملاً از سر صدق و صفا باشد و به این تعهد خود نیز پای بند شوید. بهتر است به عنوان اولین سؤال از فرد مقابل بخواهید خودش را کامل معرفی کند؛ به عبارت دیگر از او بخواهید خلاصه ای از گذشته زندگیش برای شما بگوید خودتان نیز متقابلاً خلاصه ای از سرگذشت خود را مطرح نمایید. **سرگذشت و بیوگرافی شامل این موارد می شود:** معرفی کامل نام و نام خانوادگی، شغل، سن، شغل پدر و مادر، میزان تحصیلات هر یک از آنها، وضعیت شغلی و تحصیلی و سنی دیگر افراد خانواده، و این که شما در چه خانواده ای و با چه شرایطی بزرگ شدید و مسائل خاص زندگی شما در گذشته چگونه بوده است. در هنگام صحبت کردن فرد مورد نظران، سراپا گوش باشید، و دقت لازم را به عمل آورید تا مطالب گفته شده را بهتر بتوانید به خاطر بسپارید و هنگامی که خودتان صحبت می کنید نیز سعی کنید، سنجیده حرف بزنید. پس از این که از گذشته و شرح حال فرد مقابل مطلع شدید می توانید **دیدگاهش را راجع به مذهب سؤال کنید.** بپرسید نگرش شما راجع به مذهب چیست؟ مذهب چقدر در زندگی شما نقش دارد و تا چه اندازه به آن اهمیت می دهید؟ و بعد متقابلاً دیدگاه خودتان را راجع به مذهب مطرح نمایید و دقیقاً نگرش خود را در این مورد تشریح نمایید؛ اگر برای مثال در مورد احکام مقید هستید و علاوه بر واجبات، مستحبات را نیز رعایت می کنید، این مورد را حتماً تذکر دهید و با نگرش ها و احساسات فرد مقابل مقایسه نمایید.

مطلب دیگری که می توانید سؤال کنید نگرش مخاطب شما راجع به **مسائل اقتصادی** و نحوه درآمد است، در اینجا شغل خود و میزان درآمد ماهیانه خود را مطرح کنید؛ بلوف نزنید، آنچه واقعاً هست را بگویید.

خانم ها نیز باید از خواستگارشان سؤال کنند به نظر شما یک زن و همسر ایده آل چگونه فردی می تواند باشد و بعد صفات مطرح شده را با خصوصیات و ساختمان روانی خود مقایسه کنند، اگر ناهمخوانی یافتند باید بگویند این ویژگی ها را ما نداریم و یا اصلاً با ساختمان روانی ما بیگانه است، خانم ها حتماً سؤال کنند انتظار مرد مورد نظرشان از آنها چیست، به نظر آنها زن باید با چه نوع پوششی در اجتماع ظاهر شود، چگونه باید با مردم نشست و برخاست نماید. نظرها را راجع به



### شاغل بودن زن چیست.

امکانات مالی خود را توضیح دهید، اگر توان مالی شما در شرایط فعلی بیشتر از امکانات موجود نیست این مورد را نیز تذکر دهید و سپس نظر دختر خانم را در این مورد بخواهید، ببینید ایشان چه مقدار پول را برای داشتن یک رفاه نسبی لازم می دانند، و اگر خواسته های ایشان با درآمد شما همخوان نیست موضوع را مطرح و روی آن تأکید نمایید، **وعده ها و قول هایی که با امکانات شما نمی خواند و امکان برآورده شدنش نیست ندهید.**

همیشه برای بهتر شدن زندگی تلاش کنید ولی قول های نابه جا ندهید. علاوه بر نگرش خود و فرد مورد نظر، در مورد مسائل مادی و اقتصادی باید موقعیت اقتصادی هر دو خانواده را با یکدیگر مقایسه کنید. فراموش نکنید بسیار مهم است که **دختر و پسر** از یک ردیف اقتصادی با یکدیگر ازدواج کنند و **ازدواج** طبقات متضاد اجتماعی اصلاً صلاح نیست.

یکی دیگر از مطالبی که حتماً باید در جلسه خواستگاری پرسیده شود، **ارزش های خانوادگی** است. باید بفهمید در خانواده فرد مقابل چه چیزهایی ارزش است. اگر در خانواده شما تحصیل جایگاه مهمی دارد و خانواده برای تحصیلات و فرد تحصیل کرده ارزش زیادی قائل هستند، ولی در خانواده شخص مورد نظر شما هیچ بهایی به تحصیل و تحصیل کرده داده نمی شود، جای تأمل دارد؛ باید اندکی دست نگه دارید. یا چنانچه در خانواده شما حجاب و رعایت کردن آن بسیار مهم است و یکی از ارزش های حساس در خانواده به شمار می رود ولی در خانواده طرف مقابل حجاب کم رنگ است و یا اصلاً جایگاهی ندارد و در عوض پول مهمترین ارزش است، در اینجا شما با یکدیگر همخوانی ندارید.



بعد از بررسی نگرش های فرد مقابل راجع به مذهب و مسائل اقتصادی و ارزش های خانوادگی، نوبت به بررسی **ارزش های درون فردی** می رسد. در اینجا افکار، عقاید، ایده آل ها و علائق را به طور کاملاً جزئی مطرح کنید. آقایان حتماً از خانم ها بپرسند، به نظر آنها یک مرد ایده آل چگونه فردی است، و چه شرایطی باید داشته باشد؟ اگر خصوصیتی را که خانم مطرح می کند در وجود شما نیست سریعاً اعلام نمایید این

خصوصیات فردی مورد نظر شما، در ما نیست و یا اصلاً نمی‌توانیم اینگونه باشیم. خانم‌ها نیز باید از خواستگارشان سؤال کنند به نظر شما یک زن و همسر ایده آل چگونه فردی می‌تواند باشد و بعد صفات مطرح شده را با خصوصیات و ساختمان روانی خود مقایسه کنند، اگر ناهمخوانی یافتند باید بگویند این ویژگی‌ها را ما نداریم و یا اصلاً با ساختمان روانی ما بیگانه است، خانم‌ها حتماً سؤال کنند انتظار مرد مورد نظرشان از آنها چیست، به نظر آنها زن باید با چه نوع پوششی در اجتماع ظاهر شود، چگونه باید با مردم نشست و برخاست نماید. نظرش راجع به شاغل بودن زن چیست. اگر خانم‌ها در شرایط فعلی شاغلند و به شغلشان نیز علاقه مند هستند و کار کردن برایشان اهمیت دارد، ولی احساس می‌کنند خواستگارشان نظر چندانی مساعدی نسبت به شاغل بودن زن ندارد باید به این نکته تأکید شدید کنند، حتی در صورت لزوم آن را شرط ضمن عقد قرار دهند.

فرد مورد نظر را مورد مطالعه قرار دهید نکات مثبت را در شخصیت و موقعیت وی جستجو کنید و آن را در یک ستون زیر هم قرار دهید در مقابل ستونی را نیز به صفات و خصوصیات منفی اختصاص دهید. آن مورد یا مواردی از خصوصیات منفی را که اطمینان صد در صد دارید تغییر می‌نماید مثبت حساب کنید. و سپس آنها را مورد سنجش قرار دهید و تحلیل کنید.

مسئله دیگری که باید در خواستگاری مطرح شود **برنامه های فعلی و برنامه های آینده** است. وضعیت فعلی تان را کاملاً مشخص نمایید، برنامه های آینده را نیز حتماً مطرح کنید. اگر قصد ادامه تحصیل دارید این نکته را تذکر دهید. اگر قصد جا به جایی و مسافرت خارج از کشور دارید، باید قبل از ازدواج مطرح نمایید. اگر بیماری های جسمانی خاص دارید، و یا قبلاً در زندگی شما اتفاقی افتاده است (احتمالاً **نامزدی** یا عقد داشته اید و ناموفق بوده است و یا مسائل مشابهی داشته اید) آنها را پنهان نکنید قبل از این که همسرتان از دیگران بشنود و نسبت به شما بی اعتماد گردد خودتان مطرح نمایید؛ در این صورت وجدان راحتی نیز خواهید داشت.

شاید همه این مطالب را در جلسه خواستگاری نتوان مطرح کرد، هیچ اشکالی ندارد تعداد جلسات خواستگاری را اضافه نمایید، مشروط به این که حسن نیت داشته باشید. بعد از این که طی جلسات خواستگاری اطلاعات لازم را دریافت کردید و نکته ای بر شما مبهم نماند، زمان ارزشیابی و تجزیه و تحلیل فرا می‌رسد. در اینجا فرد مورد نظر را مورد مطالعه قرار دهید نکات مثبت را در شخصیت و موقعیت وی جستجو کنید و آن را در یک ستون زیر هم قرار دهید در مقابل ستونی را نیز به صفات و خصوصیات منفی اختصاص دهید. آن مورد یا مواردی از خصوصیات منفی را که اطمینان صد در صد دارید تغییر می‌نماید مثبت حساب کنید. و سپس آنها را مورد سنجش قرار دهید و تحلیل کنید. گاهی اوقات یک مورد منفی به تمام موارد مثبت می‌چربد مثلاً فرد مورد نظر تحصیلات و شغل خوب دارد از خانواده خوب و نجیب و موقعیت اقتصادی اش نیز مناسب است، اخلاق خوبی هم دارد ولی معتاد است. در این شرایط باید دست نگه داشت و برای ازدواج

عجله نکرد و یا این که شرایط زندگی خوب است ولی شغل غیرقانونی دارد. مسلماً زندگی با چنین شخصی سراسر **اضطراب** خواهد بود.

پس از آنکه ارزشیابی انجام شد و وجوه اشتراک و **تفاهم** زیاد بود باید تحقیقات کامل، در محل زندگی و محیط کار در مورد چگونگی رفت و آمد با دوستانش و دیگر موارد به عمل آید عده ای معتقد به انجام تحقیق **قبل از ازدواج** نیستند و می پندارند افرادی که از آنها تحقیق می شود اگر گرایش و نظر خوب به فرد داشته باشند همه چیز را مثبت جلوه می دهند و اگر با فرد مورد نظر مشکل داشته باشند وی را آدمی منفی ارزیابی می نمایند و واقعیات را مطرح نمی کنند. در صورتی که در واقع چنین نیست. اگر از تعداد زیادی تحقیق به عمل آید حداقل نتیجه اش این خواهد بود که به شما می گویند آیا این فرد قبلاً ازدواج کرده است یا خیر؟ و آیا اینها خانواده جار و جنجالی هستند یا خیر؟ آیا برخورد اجتماعی خوبی با مردم دارند یا نه؟ بنابراین تحقیق بدون منفعت هم نیست؛ شناخت شما را نسبت به همسر آینده و فرد مورد نظر افزایش می دهد.



پشتوانه تمامی مسائل گفته شده، **توکل به خدای متعال و قادر مطلق** است. در صورتی که تشابهات زیاد و تحقیقات انجام شده، مثبت بود با توکل بر خدا ازدواج کنید. ان شاء... زندگی خوب و سرنوشت خوبی در انتظار شما خواهد بود.

در اینجا نکته ای قابل ذکر است و آن این که، هر ازدواجی علی‌رغم تمامی دقت هایی که برای آن به عمل آید و با رعایت کلیه ملاک ها و معیارهای گفته شده، باز هم حدود بیست درصد ریسک دارد. و این ریسک به خاطر جنبه های ناشناخته آن است یا پیش بینی هایی که به وقوع پیوسته است یا خلاف تصور بوده است و به خاطر مسائلی بوده که قبل از ازدواج سؤال و مطرح نشده اند و یا اگر پرسیده شده اند جواب صحیحی برای آنها دریافت نکرده اند. بنابراین رعایت کردن **معیارهای ازدواج**، تضمین صد در صد برای **ازدواج موفق** را همراه ندارد ولی در بسیاری از مواقع از به وجود آمدن مشکلات پس از ازدواج جلوگیری می کند و از تنش ها و ناراحتی های درون خانوادگی پس از ازدواج می کاهد.

### سخنی با خانواده ها

بعضی از خانواده ها مقیدند بلافاصله پس از یک جلسه خواستگاری، تکلیف دختر و پسر مورد نظرشان مشخص شود و موافق نیستند خواستگاری به چندین جلسه موکول شود. به این دسته خانواده ها متذکر می شویم **انتخاب همسر** و ازدواج نیاز به مطالعه و شناخت دارد و این شناخت در یک جلسه خواستگاری مثلاً یک ساعته مقدور نیست. بنابراین اگر دختر و پسر به قصد ازدواج می خواهند با یکدیگر صحبت بیشتری داشته

**باشند**، خانواده ها باید در این مورد قدری انعطاف به خرج دهند: **شناخت لازمه زندگی** است. نگرانی این نوع خانواده ها به خاطر قضاوت مردم و آشنایان است در صورتی که مردم، آشنایان و همسایگان هم نظر منفی راجع به خواستگاری کردن از دختران ندارند. پسری هم که به قصد خواستگاری وارد خانه شما می شود حریم خانه برایش اخلاق ایجاد می کند و این امر بسیار بهتر از آن است که دختر و پسر در خارج از محیط خانه و دور از اطلاع خانواده ها رفت و آمد داشته باشند و تصمیمات نسنجیده بگیرند و یا معضلات اخلاقی به وجود آورند.

### منابع

- مقدمه ای بر روان شناسی ازدواج - تألیف : زهره رئیسی
- خانواده در اسلام - تألیف حسین مطهری
- مشاوره ازدواج - تألیف علی اسلامی بجنوردی نسب

## ازدواج ترس ها و انتظارات



تصمیم گیری برای آغاز یک **زندگی مشترک** معمولاً با ترس و تردیدهای خاص خود همراه است که **آرامش** را از زوجین سلب می کند. تمرین زیر به شما و همسر آینده تان کمک می کند تا انتظارات خود را از **زندگی مشترک** بیابید.

همچنین این فرصت را به شما می دهد تا درباره بعضی از ترس ها و تردیدهای احتمالی تان با یکدیگر صحبت کنید. شما می توانید این تمرین را با هم ، یا جداگانه انجام دهید و سپس در مورد آن با یکدیگر صحبت کنید.

**چه باید کرد؟** ابتدا هر یک از شما شش برگ کاغذ تهیه کنید و موضوع اصلی را بالای هر صفحه بنویسید (اهداف واقعگرایانه که هم اکنون به دنبال آن هستید و چیزهایی که در آینده نسبت به آن اشتیاق دارید: امکانات زندگی، انتظارات، **مراسم ازدواج**، نگهداری از کودک و...)

شما فرصت کافی دارید تا هر عنوانی که به ذهنتان می رسد و به آن اهمیت می دهید در بالای صفحه بگنجانید. هر دو نفر باید هر چیزی را که به آن امید ، یا شک و بیم دارید صراحتاً با یکدیگر در میان بگذارید.

ازدواج یکی از بزرگترین تصمیم‌هایی است که در طول عمر خود می‌گیرید، بنابراین ارزش آن را دارد که در مورد زندگی با همسر آینده خود کمی بیشتر تفکر کنید.

### از سؤالات زیر می‌توانید برای کمک به خود استفاده کنید:

**داشتن و نگهداری کردن:** «زوج» بودن به چه معنی است؟ از نظر «وفاداری» شما در کجا قرار دارید؟ چه مدت زمان برای در کنار هم یا جدا بودن از یکدیگر در نظر می‌گیرید؟ چه چیزهایی را با هم در میان می‌گذارید و چه چیزهایی را باید مخفی نگه دارید؟

**از امروز به بعد:** در مورد «تعهد داشتن» چه احساسی دارید؟ نظرتان در مورد «طلاق» چیست؟ طی سال‌ها زندگی، روابط‌تان چگونه باید دستخوش تغییر شود؟ کودکان چه بخشی از زندگی شما را پر می‌کنند؟

**برای بهتر یا بدتر بودن:** «صمیمیت» در روابط شما چه معنایی دارد؟ اختلافات را چگونه حل می‌کنید؟ در صورتی که مشکل عمده‌ای بین شما و همسرتان پیش بیاید چه راه‌حلی را در نظر می‌گیرید؟

**برای پولداری و یا بی‌پولی:** از نظر اقتصادی ازدواج برای شما چه معنایی دارد؟ بعد از ازدواج شغل شما تغییر خواهد کرد؟ یک شغل در همه زندگی، یا تغییر شغل؟ محل کار، درآمد و ساعات کار؟

**در هنگام بروز بیماری:** وقتی مشکل، بیماری و غم وارد زندگی‌تان می‌شود چگونه از یکدیگر حمایت می‌کنید؟

**محبت ورزیدن:** محبت کردن به یکدیگر در ازدواج شما چگونه نمایان می‌شود؟



**خانه:** می‌خواهید در کجا خانه اجاره و یا خریداری کنید؟

وقتی این مطالب را کامل کردید، زمانی را برای علت دوست داشتن چیزهایی که فکر می‌کنید به آنها علاقه دارید، بگذارید. در درون خود چه چیزی حس می‌کنید که درصد **دستیابی** به اهداف خود هستید. مثلاً: آیا برای امنیت، محبوبیت و یا رضایت شخصی است و یا جهت دستیابی به اهدافی در زندگی شما مانند مواظبت از خانواده و یا اجتماع. در میان گذاشتن این اطلاعات با همسران به شما کمک می‌کند تا احساس صمیمیت و نزدیکی در شما به وجود آید.

اگر انجام این تمرین باعث بروز ناراحتی و نگرانی در مورد روابط فیما بین شما می شود، سعی کنید با همسر خود در این مورد صحبت کنید، یا دوست مورد اعتماد خود را در جریان قرار دهید. همچنین می توانید با یک مشاور خانواده نیز صحبت کنید.

### هفت سؤال پرسیدنی قبل از ازدواج

ازدواج یکی از بزرگترین تصمیم هایی است که در طول عمر خود می گیرید، بنابراین ارزش آن را دارد که در مورد زندگی با همسر آینده خود کمی بیشتر تفکر کنید. **از خود این سؤالات را پرسید:**

- آیا ما یکدیگر را دوست داشته و به هم اعتماد و احترام متقابل داریم؟

- آیا انتظارات هر دوی ما از ازدواج، یکسان است؟

- آیا دارای سلیقه یکسانی هستیم که باعث سکوت، گریه کردن و یا خندیدن شود؟

- در مورد مسائل عمده زندگی مانند بچه، خانواده، دوستان، این که در کجا و چگونه زندگی کنیم توافق داریم؟

- آیا همانطور که امروز به یکدیگر علاقه داریم، بدون این که بخواهیم چیزی را از همسرمان مخفی کنیم در آینده نزدیک نیز **زندگی توأم با عشق** و محبت خواهیم داشت؟

شما لزوماً نباید با همه این سؤال ها موافق باشید. **مهم این است که شما و همسرتان این موضوعات را با هم در میان بگذارید و صحبت کنید و اطمینان داشته باشید که می توانید در کنار هم زندگی و کار کنید در حالی که از اعتقادات طرف مقابل خود آگاهی دارید.**

### سین جیمهای خواستگاری



مراسم خواستگاری یکی از زیباترین مراسم در زندگی هر جوانی است. این نکته در مورد والدین نیز صدق می کند. بدین خاطر که با **خواستگاری** رفتن برای فرزندان، به یاد خاطرات خوب دوران جوانی خودشان می افتند. والدین گاهی از به یاد آوردن گذشته احساس لذت و شادکامی می کنند و گاهی هم با آه و اندوه از آن زمان یاد می کنند و در دل می گویند ای کاش قلم پایم می شکست و چنان روزی در زندگیم پیش نمی آمد.

به والدین توصیه می شود که راه را برای فرزندانشان باز بگذارند تا آنچه را که بیرون از منزل برایشان اتفاق می افتد، با خیال راحت در جمع خانواده بازگو کنند و آن را به کمک دیگر اعضای خانواده تجزیه و تحلیل کنند. در آن صورت می توانند مطمئن باشند که به نتایج ایده آل هر خانواده ایرانی می رسند.

طبیعی است که در مراسم خواستگاری، نوعی **اضطراب** و دلشوره در ذهن اعضای خانواده وجود دارد، به خصوص اگر دو خانواده نسبت به هم شناختی نداشته باشند، این **اضطراب** بیشتر خودنمایی خواهد کرد.

در هر مراسم خواستگاری، احتمالاً یکی از دو حالت زیر وجود دارد:

### 1- مراسم خواستگاری بدون شناخت قبلی از خانواده های طرفین .

### 2- مراسم خواستگاری با شناخت قبلی از خانواده طرفین.

در **حالت اول**، خانواده های دو طرف نسبت به هم هیچگونه شناختی ندارند، بنابراین لازم است در صورتی که خانواده دختر کاملاً بی خبر هستند، توسط خانواده پسر به هر وسیله ای که امکان داشته باشد، از جریان خواستگاری مطلع شوند و با تعیین وقت قبلی به خانه آنان بروند؛ به دلیل آنکه ممکن است، خانواده دختر در شرایط نامطلوبی باشند و آمادگی پذیرایی از خانواده پسر را نداشته باشد. در چنین شرایطی ارزیابی دو خانواده از همدیگر نابجا خواهد بود و خانواده دختر خیلی عصبانی خواهند بود که همین وضعیت ممکن است در زندگی بعدی آنان تأثیر ناخوشایندی داشته باشد و به عنوان یک خاطره بد در ذهن ها بماند، پس بهتر است به خاطر حفظ حرمت خود و احترام به خانواده دختر، قبلاً در مورد رفتن به خواستگاری به خانواده دختر اطلاع داد. دلیل دیگر آنکه اصلاً ممکن است خانواده دختر به خانواده پسر اجازه ورود ندهند، و شاید بتوان گفت که حق هم دارند، چون شناختی نسبت به آن خانواده در دست ندارند.

گاهی هم ممکن است برای مرتب کردن خانه، از خانواده پسر بخواهند که مدتی پشت در و یا در سالن پذیرایی منتظر باشند. خلاصه این که در یک کار از قبل تدارک دیده نشده ، اتفاقاتی که ممکن است بیفتد و تأثیرات خوب و یا بد آن، که در هر صورت چندان مطلوب نخواهند بود.



**زمان خواستگاری بهتر است بعدازظهر و یا این که در ساعات اولیه شب باشد تا همه ی اعضای خانواده در منزل حضور داشته باشند ( البته در فصل های**

مختلف وضعیت متفاوت است.) در اولین جلسه خواستگاری، بهتر است که برای همراهی پسر، فقط از والدین او و کسی که معرف آنان است و احتمالاً با طرفین آشنایی دارد، استفاده شود و از همراه کردن اعضای دیگر فامیل، مانند: عمو، دایی، عمه، خاله، خواهران و شوهران آنان و یا برادران و همسران آنان خودداری کرد، زیرا خانواده ها نسبت به هم شناختی ندارند و نمی دانند با چه کسی باید حرف بزنند و تصمیم گیرنده کیست. به هنگام پذیرایی نیز، ممکن است زیر نگاه های تیز لشگری از طایفه داماد، اتفاقاتی بیفتد. ضمن آنکه خانواده دختر نمی دانند پذیرایی را از کجا باید شروع کنند. گاهی هم در خانواده دختر بیش از یک دختر وجود دارد و هیچ یک از دو طرف هم نمی دانند که دختر مورد نظر کدام است. البته در خانواده های چند دختری، ابتدا از دختر بزرگتر شروع می کنند که گاهی مورد پسند واقع نمی شود و بیشتر متوجه دختر بعدی می شوند که وضعیت او نیز وابسته به دختر بزرگتر خواهد بود.

پیشنهاد می شود که از واسطه جهت خواستگاری کمتر استفاده گردد. همچنین در صورتی که قبلاً به خانواده اطلاع داده شده و تعیین وقت گردیده است، بهتر است که از خانواده پسر در یک اطاق کوچک پذیرایی شود. اتفاقات بزرگ دنیا در اطاق های کوچک و در بسته، طرح ریزی می گردد. بهتر است که در روز خواستگاری از چراغ های رنگین، نورافکن ها و لوسترهای بزرگ استفاده نشود و از چراغ های ساده استفاده شود.

اجرای مراسم خواستگاری را که از مراسم لازم برای شروع زندگی است نباید سرسری گرفت و اگر می خواهید در خانواده همسران مورد احترام و دارای ارزش باشید، زندگی مشترکتان را حتماً از طریق خواستگاری شروع کنید.

بهتر است وسایل و مواد خوراکی مورد استفاده برای پذیرایی، خیلی ساده باشند. مثلاً از چای و نان شیرینی یا بیسکویت ساده استفاده شود که به راحتی در دهان جای بگیرد. ( از نان نخودچی یا شیرینی هایی که ممکن است در داخل گلو ببرد و ایجاد اشکال نماید استفاده نکنید.) برای پذیرایی از میوه های آبدار مثل انار و نیز شیرینی های بزرگ استفاده نشود که باعث زحمت می گردند، چون کلیه حرکات خانواده های طرفین زیر ذره بین قرار دارد و ثبت و ضبط می گردند.

ابتدا بهتر است که فردی از خانواده پسر که می تواند خوب حرف بزند، شروع به صحبت کند، چون معمولاً در این لحظه حواس همه حاضرین متوجه این شخص می شود. و اگر کسی باشد که نتواند خوب سخنرانی کند، ممکن است سبب لبخندهای تمسخرآمیز میزبانان گردد. بهتر است در مورد پسر ( داماد) هر آنچه واقعیت دارد بیان گردد. فقط واقعیت ها، زیرا مطالبی که برخلاف واقعیت باشد، به صورت پدیده ذهنی بدی در نظر خانواده دختر جلوه گر خواهد شد و به طور یقین در آینده، زوج جوان با مشکل رو به رو خواهند شد و حتی ممکن است کارشان به **طلاق** بکشد. از طرف خانواده دختر هم باید شرح حال مختصری از وضعیت دختر از نظر سن، تحصیلات و بعضی خصوصیات خاص ارائه گردد.



رسم ادب این است که اگر طرف مقابل مورد قبول واقع نشد، خانواده‌ها به هم احم نکنند و قیافه عبوس به خود نگیرند، بلکه با لیخند و با رعایت احترام کامل و گفتن این جملات که «فعلاً رفع مزاحمت می‌کنیم و ان شاء...» به زودی همدیگر را خواهیم دید» و یا «به شما خبر خواهیم داد» و با روبوسی از یکدیگر و با این فرض که دوستی بر دوستانشان اضافه شده است، یکدیگر را ترک نمایند.

البته این گونه خواستگاری به هیچ عنوان را توصیه نمی‌شود و بیشتر شبیه به خرید کالا است. وقتی شناختی در بین نباشد، طرفین نمی‌دانند که طرف مقابلشان چه کسی است، چطور زندگی می‌کند، چه تحصیلاتی دارد، در چه محیط اقتصادی و فرهنگی رشد کرده است، چه عقایدی دارد و بسیاری از مجهولات دیگری که پاسخ به هر کدام احتیاج به زمان طولانی دارد.

**حالت دوم،** خواستگاری با شناخت قبلی طرفین از یکدیگر است و در این نوع خواستگاری که خانواده‌های پسر و دختر از قبل با یکدیگر آشنا شده‌اند و نسبت به هم اطلاعاتی دارند، بهتر است نکات زیر رعایت گردد.

تاریخ آن از قبل تعیین شود و بهتر است که در ساعت‌های عصر یا اوایل شب صورت پذیرد. افراد کمتری خانواده پسر را همراهی نمایند و بهتر است از وابستگی برای این کار استفاده شود که بتوانند خوب و منطقی صحبت کنند و تصمیم بگیرند. از نظر پوشش بهتر است که داماد یک لباس ساده و راحت بپوشد و احیاناً لباسی تهیه نکنند که نتواند در آن آرام بگیرد و در نتیجه مورد تمسخر واقع شود.



پوشش دختر خانم بهتر است مطابق با فرهنگ اسلامی و ایرانی، لباسی بلند و پوشیده باشد، به طوری که به راحتی بتواند در آن حرکت کند. خانم‌ها لازم است به این نکته توجه کافی داشته باشند که مردان ایرانی پوشیده‌ترین لباس را می‌پسندند. لباس نباید طوری باشد که از شدت تنگی رو به پاره شدن برود! نوع آرایش بهتر است که بسیار ساده و متناسب با چهره‌ای شاخص فرهنگ و مذهب ایرانی باشد. اگر آرایش تند و غلیظ باشد، قضاوت خانواده پسر (داماد) چندان مناسب نخواهد بود.

در مراسم خواستگاری بهتر است که پسر چند شاخه گل کوچک، زیبا و با رنگ‌های شاد تهیه نماید و به هنگام ورود به خانه دختر روی میز بگذارد. به همه دختران توصیه می‌گردد که به هنگام خواستگاری، چای یا شیرینی را به اولین سرنوشت ساز زندگی،

یعنی مادر داماد تعارف کنند، در کنار او بنشینند ، با او صحبت کنند، به سؤالات او پاسخ دهند و خلاصه آن که به او توجه کنند و چندان به پدر داماد نزدیک نشوند که ممکن است از همان اوایل باعث دردسر شوند.

لازم است که در جلسه اول خواستگاری فقط روی **مسائل ازدواج** صحبت شود و از بحث هایی که باعث اتلاف وقت می گردند و مسئله اصلی را به تعویق می اندازند، خودداری نمایند.

به خانواده داماد توصیه می گردد که در همان اولین جلسه ، بعد از توافق ، هدایایی به عروس بدهند. میزان **مهریه** بستگی به وضعیت فکری ، اقتصادی و اجتماعی طرفین دارد. بسیار دیده شده که ایراداتی در رفتار و شخصیت دختر وجود داشته است که باید به طرف مقابل، مبلغی هم دستی داده شود تا با او ازدواج کند؛ یک دختر وسواسی که شب و روز فقط مشغول تمیز کردن دستهایش است، ولی از خانه داری هیچ گونه اطلاعی ندارد و حتی طرز تهیه نیمرو را بلد نیست، آیا می توان با او زندگی کرد؟ و یا پسری که شخصیتی متکی به والدینش دارد و اصلاً رشد فکری و اجتماعی او در حد بسیار پایینی می باشد تا اخلاقی ناپسند است و فحاشی می کند، حتی اگر میلیاردها مهریه دختر کند آیا ارزش ازدواج کردن دارد؟ در مقابل دخترانی هم هستند که ارزششان اصلاً در عدد و رقم نمی گنجد با معیارهای عادی نمی توان گوشه ای از شخصیت و رفتار و صفات خوب آنان را که مطبوع طبع هر ایرانی مشکل پسندی باشد بیان کرد.

خلاصه آنکه در زمینه مهریه می توان گفت که این سنتی لازم است و باید اجرا گردد. پس باید آنچه را عقل حکم می کند، انجام داد و نیز ارزش مادی و معنوی طرفین در نظر گرفته شود و در نهایت تصمیم با طرفین و توافق آنان است.

به طور کلی اجرای مراسم خواستگاری را که از مراسم لازم برای شروع زندگی است نباید سرسری گرفت و اگر می خواهید در خانواده همسران مورد احترام و دارای ارزش باشید، زندگی مشترکتان را حتماً از طریق خواستگاری شروع کنید. همچنین مجدداً به والدین ارجمند توصیه می شود که راه را برای فرزندانسان باز بگذارند تا آنچه را که بیرون از منزل برایشان اتفاق می افتد، با خیال راحت در جمع خانواده بازگو کنند و آن را به کمک دیگر اعضای خانواده تجزیه و تحلیل کنند. در آن صورت می توانند مطمئن باشند که به نتایج ایده آل هر خانواده ایرانی می رسند.

**در طی مراسم خواستگاری نیز به نظرات و عقاید والدین دو طرف احترام گذاشته شود.** با رعایت نکات بالا زوجی با سعادت در کنار یکدیگر خواهید بود که هر لحظه از زندگی مشترک برایتان ارزشمند، شیرین و فراموش نشدنی خواهد بود.

## ازدواجی در شأن تو



در یک ازدواج سالم، زن و مرد مؤمن ، با عقدي آگاهانه ، و اعتقادي مستدل ، و مذهبي واحد ، و معشوقه مشترک براي تقرب به آن مقصد و معشوق واحد، سعي مي کنند با هم همدل، همسفر، همسو و هماهنگ در یک مأموریت مشترک و در یک کار، شریک و مکمل و حریف یکدیگر باشند. در این پیمان عقلانی و شراکت اسلامی، زوج با تمرین عشق ورزي به حق، هر کدام بخشي از یک کار را انجام مي دهند.

زن علاوه بر این که برآورنده نیازهای عاطفی و معنوی و درونی خانواده است، با نگاه و کلام و رفتار جذاب و نافذش، انواع تنبلی ، افسردگی ، بی توجهی و غفلت را از همسرش به زیبایی می زداید و او را با تشویق خود در انجام وظایف اجتماعی و پرهیز از انواع انحراف و اطاعت از رهبري الهي و بندگی خدا به وجد می آورد.

تلاش خردمندان و بیرونی مرد، تأمین کننده هزینه ها و نیازهای مادی و بیرونی خانواده است و نشاط هنرمندان و نفس مسیحایی زن، انگیزه مرد را برای سازندگی اجتماعی و صبر در ناملایمات و امید و نشاط در عبادات تقویت می کند و جهت گیری مخلصانه او را در زندگی، مراقبت می نماید.

در یک ازدواج طبیعی، زن علاوه بر این که برآورنده نیازهای عاطفی و معنوی و درونی خانواده است، با نگاه و کلام و رفتار جذاب و نافذش، انواع تنبلی ، افسردگی ، بی توجهی و غفلت را از همسرش به زیبایی می زداید و او را با تشویق خود در انجام وظایف اجتماعی و پرهیز از انواع انحراف و اطاعت از رهبري الهي و بندگی خدا به وجد می آورد.

برای این زوج عاشق «خانه» جلوه ای از بیت خدا و مدرسه عشق ورزي، و «خانواده» محل بازسازی روح و روان و نشاط جسمی برای مبارزه در جهاد اصغر و اکبر در هر روز زندگی و محل ذکر، عبادت و بیتوته است.

چنین ازدواجی می تواند بیشترین نیازهای خانواده و جامعه را برآورد و بیشترین استعداد آنها را شکوفا سازد و سلامت و نشاط دنیایی و سعادت و لذت جاودانه آخرتی هر یک از آن دو و خانواده و جامعه را تأمین نماید.

زنان بیدار و مردان خردمند، امروز به روشنی می فهمند که «خانواده» ، تنها نهاد شایسته برای انسان سازی و انسان پروری است. بنابراین هر قدر خانواده بنیان محکم تری داشته باشد، به خاطر انگیزه و تعهد و نشاط افرادش، نقش اقتصادی و تولیدی و اجتماعی بیشتری دارد.

فراموش نکنیم **موفقیت خانواده** در گرو سازمان پذیری و تقسیم نقش و تکلیف و کار زن و شوهر است.

## تأخیر سنی ازدواج در میان جوانان



از موضوعات مهمی که می توان در حوزه جامعه شناسی خانواده آن را به عنوان مسئله ای اجتماعی تلقی نمود پدیده **تأخیر سنی ازدواج در بین جوانان است**. این موضوع صرف نظر از این که یک معضل اجتماعی است می تواند به عنوان آسیب اجتماعی طرح گردد. واقعیت این است که **خانواده** در مفهوم کلی خود پدیده ای تاریخی و جهانی است و در همه جا وجود دارد چرا که به نیازهای افراد پاسخ می دهد و کمتر جامعه ای را می توان سراغ داشت که دارای نهاد خانواده نبوده باشد، گرچه باید اذعان نمود این نهاد در مسیر شکل گیری خود تحولات متفاوتی را پشت سر گذاشته است. بنابراین می توان بیان نمود که خانواده به عنوان نهادی اجتماعی دارای مجموعه ای از الگوهای رفتاری است که به منظور برآورده ساختن نیازهای انسانی به وجود می آید. این نهاد به منظور برطرف نمودن بعضی از نیازهای انسانی دارای یک سری کارکردها است که از جمله آنها موضوع **ازدواج** و فراهم نمودن زمینه های وابسته بدان در بین اعضای خانواده است.

تحول در ساختار خانواده های «گسترده» به «هسته ای» نکته ای است که تأثیر آن در زمینه الزام یا اختیار اجتماعی در ژنولوژی قابل مشاهده است. به گونه ای که از الزام و اجبار هنجاری که از سطح جامعه در قبال ذوی هویتی بیوفیو چهره به چهره ه می گردید که فودت فشار هنجاری و سنتی مفری زودتر تن به ازدواج دهد کاسته و تبدیل به اختیار و گزینش فردی شده است. به عبارتی درخواست های بزرگانه تبدیل به درخواست های جداگانه در زمینه ازدواج گردیده است.

در واقع میل به ازدواج از اصلی ترین و مهمترین نیازهای نوع انسانی در جامعه بشری است و چه بسا **دختران و پسران** که امید و آرزوی خود را در زندگی فردا می جستند حالا آن را پیش روی دارند و درصدد بهره برداری صحیح و دلپسند از زندگی می باشند. با این تفاوت که خانواده های امروزی در مسیر تحولاتشان با دو تحول عمده ساختاری و کارکردی در این زمینه درگیر شده اند. **تحول ساختاری** بر این مبنا که حوزه ساختاربندي قدرت در خانواده را تعیین می کند و **حوزه کارکردی** به وظایفی که خانواده در طول حیات خود بر عهده داشته است اشاره می کند. در راستای این تحولات است که جامعه شناسان مسیر تحولات خانواده را از خانواده های «گسترده» به «هسته ای» شناسایی کرده اند. به گونه ای که خانواده ی گسترده متشکل از اشخاصی است که به علت بستگی های نسبی و خونی با یکدیگر مرتبط هستند و فرزندان همراه خانواده هایشان با پرداختن به حرفه و کار پدر در کنار هم به طور دسته جمعی زندگی می کنند؛

در حالی که خانواده هسته ای ( که فقط از شوهر، زن و فرزندان تشکیل شده ) دیگر توان نگهداری از فرزندان ازدواج کرده را ندارد و از طرفی فرزندان نیز تمایلی به سکونت در خانواده های پدری ندارند و زندگی مستقل و دور از خانواده را ترجیح می دهند. با این نگاه به خانواده و آسیب شناسی تحولات آن می توان مسئله تأخیر سنی ازدواج را در میان جوانان به شیوه نوینی تبیین نمود. چرا که آنچه در جامعه امروزی ما مشهود است صحبت از تحول خانواده به سوی خانواده های هسته ای و در برخی مناطق در مرحله ی گذار از این وضعیت می باشد. با این توضیح مسئله تأخیر سنی ازدواج و سایر مسائل از قبیل افزایش **طلاق** و ... را می توان در نوع ساختار و کارکرد نهاد خانواده آن هم در بعد هسته ای تشریح نمود. چرا که نگاهی به گذشته خانواده های گسترده در ایران بیانگر آن است که زودرسی سن ازدواج و منع اجتماعی طلاق و تکیه بر ازدواج های درون همسری از مسائل خانواده در آن زمان بوده است ولی امروزه در خانواده های هسته ای با تأخیر سنی ازدواج، تکرار و افزایش طلاق و تکیه بر ازدواج های برون همسری مواجه هستیم. در واقع حرکت از این مرحله ما را به سوی تطور در همسرگزینی در خانواده ها رهنمون می سازد و بر این اساس می توان محورهای عمده ای را که اقدام به ازدواج را در جامعه ممکن و مسئله ساز می نماید تشریح نمود .

### این محورها عبارت اند از:

#### 1- الزام با اختیار اجتماعی در ازدواج



تحول در ساخت خانواده های « گسترده » به « هسته ای » نکته ای است که تأثیر آن در زمینه الزام یا اختیار اجتماعی در ازدواج قابل مشاهده است. به گونه ای که از الزام و اجبار هنجاری که از سطح جامعه در قالب نیروهای بیرونی و چهره به چهره موجب می گردید که فرد تحت فشار هنجاری در سنین مقرر یا حتی زودتر تن به ازدواج دهد کاسته و تبدیل به اختیار و گزینش فردی شده است .

مفهوم واقعی ازدواج، پذیرش یک پایگاه جدید است. پایگاهی با مجموعه جدیدی از امتیازات و الزامات و نیز پذیرفته شدن از سوی افراد جامعه. این پذیرش از طریق نوعی تولید اجتماعی به نام شعائر و مراسم ازدواج انجام می گیرد. مراسم ازدواج وسعت های فردی با آن در حقیقت ابزاری اند که این نقش را علنی می سازند و فرد را به تبلیغ می کنند. هم زمان حیث که دو فرد در حال سرگیری ازدواج با یکدیگر هستند تا آنها را به جامعه معرفی کند و از حیث دیگر عده ای را به تدریج جامعه پذیر نماید تا آماده پذیرش این نقش در جامعه شوند .

به عبارتی بازخواست‌های بزرگانه تبدیل به درخواست‌های جداگانه در زمینه ازدواج گردیده است. این وضعیت موجب می‌گردد که براساس آن زوجین در آنچه به عنوان بزرگترین اقدام در تعیین سرنوشت‌شان تلقی می‌شود حق تصمیم‌گیری و انتخاب به خودشان واگذار می‌شود (نقش والدین را) تا حد تأیید نهایی تقلیل می‌دهند. در حالی که در گذشته عمدتاً خانواده‌ها مبادرت بدین کار می‌کردند. در واقع در حال حاضر روی آوردن جوانان به ازدواج با فشار اجتماعی کمتر از سوی خانواده‌ها و نیز اختیار بیشتر خود آنها همراه است.

این کاسته شدن در الزام موجب به تأخیر افتادن سن ازدواج می‌شود. از طرفی دور ماندن جوانان از خانواده، زندگی در شهر و یا کشورهای خارجی و تحصیلات، به این تأخیر دامن می‌زند و بر تعداد افراد مجرد در جامعه افزوده می‌گردد.

### 2- تأیید یا عدم تأیید اجتماعی در ازدواج

نکته دیگر این که مفهوم واقعی ازدواج، پذیرش یک پایگاه جدید است. پایگاهی با مجموعه جدیدی از امتیازات و الزامات و نیز پذیرفته شدن از سوی افراد جامعه. این پذیرش از طریق نوعی تأیید اجتماعی به نام شعائر و مراسم ازدواج انجام می‌گیرد. مراسم ازدواج و سنت‌های مرتبط با آن در حقیقت ابزاری اند که این نقش را علنی می‌سازند و درباره آن تبلیغ می‌کنند. هم از این حیث که دو فرد در حال سرگیری ازدواج با یکدیگر هستند تا آنها را به جامعه معرفی کند و از حیث دیگر عده‌ای را به تدریج جامعه پذیر نماید تا آماده پذیرش این نقش در جامعه شوند. بنابراین در واقع شاید در وهله اول، ازدواج را بتوان موضوعی فردی دانست ولی واقعیت ازدواج در عین این که بین دو فرد صورت می‌گیرد می‌بایست مورد تصویب و تأیید جامعه قرار گیرد. در این باره «کلود لوی اشتروس» معتقد است که «ازدواج برخورد دراماتیک طبیعت با فرهنگ است» به عبارتی جامعه می‌کوشد تا نیاز زیستی انسان را مهار کند و بدان برجسب فرهنگ بزند و از طریق مراسم مختلف آن را تنظیم نماید. در این راستا تأیید اجتماعی جامعه به همراه مراسم ازدواج هنجارهایی را برای فرد در نظر می‌گیرد تا از این طریق زمینه پذیرش زندگی آنها را فراهم کند.

نکته مهم آن است که جوانان در رعایت هنجارهای مرتبط با مراسم و جشن‌های ازدواج با تفریط و ابهام روبه‌رو شده‌اند و یا برای گریز از آن به هنجارگرایی فردی دست می‌زنند. تغییر در معیارها و ارزش‌های خانواده موجب گردیده است افراد در طیف وسیعی از مراسم و جشن‌های ازدواج روستایی، شهری و مدرن گرفتار آیند که خود انتظارات متفاوتی را از سوی طرفین طلب می‌کند. بنابراین وجود جشن‌های اجتماعی زیاد، متفاوت و در برخی موارد متناقض و رعایت آنها از سوی جوانان، ازدواج را با تأخیر روبه‌رو می‌سازد که در قالب ایرادات و اشکالات خانواده‌ها خود را نشان می‌دهد که رعایت هر یک از آنها زوجین را متحمل هزینه‌های فراوانی می‌نماید.

### 3- حمایت یا عدم حمایت اجتماعی در ازدواج

در زمینه انجام ازدواج اگر پشتیبانی و حمایت خانواده از لحاظ فکری و اقتصادی صورت نگیرد بر تعداد افراد مجرد در جامعه افزوده می شود. به عبارتی هر چه هزینه های حمایت اجتماعی خانواده در قالب کمک هایی چون: فراهم آوردن زمینه های ازدواج، همسریابی، رفتن به مراسم خواستگاری و پا پیش نهادن و ... از سوی والدین و دیگر اعضای خانواده، بیشتر باشد فرآیند همسرگزینی زودتر و راحت تر صورت می گیرد؛ در حالی که به نظر می رسد در برخی موارد هر چه اقدام به ازدواج به صورت فردی و برخلاف نظر خانواده ها صورت گیرد، شخص می بایست هزینه اقتصادی بیشتری را از قبیل دادن مهریه بالا، گرفتن مراسم و جشن های فراوان در جهت جبران حمایت های خانوادگی قبول کند. در بعضی از موارد می توان گفت واگذاری بعضی از چنین حمایت هایی به سایر مؤسسات آموزشی و اقتصادی، عقب نشینی خانواده را در انجام این وظایف میسر نموده است. مانند جشن های ازدواج دانشجویی که به شیوه های حمایت های تشویقی، ترغیبی، مالی و حتی مشاوره ی همسریابی توسط برخی مؤسسات آموزشی و دانشگاهی به خاطر فقدان یا غیبت چنین کارکردی از خانواده است که پذیرای چنین غرامتی شده اند. پس در این باره می توان نتیجه گرفت هر چه خانواده فرزندان خود را از حمایت های اجتماعی محروم سازد می بایست منتظر به عقب افتادن ازدواج آنها باشد و فرزندشان از لحاظ اقتصادی با مشکل روبه رو شود.

در پایان می توان نتیجه گرفت تغییرات در ساختار و کارکرد خانواده ها در جامعه ما موجب گردید که در طول مرحله گذار یک سری از کارکردهای خود را از دست بدهد و به نهادهای دیگر بسپارد. در اینجا است که نباید دیگر انتظار داستان هایی را داشت که عقد دختر و پسرعموها را در آسمان می بندند، دیگر «خون بس» کارآمد نیست، مراسم خواستگاری مبتنی بر طایفه و اقوام نمی باشد؛ بلکه عواملی چون تحصیلات، استقلال مالی و فکری و باز شدن فضاهای اجتماعی و خانوادگی موجب شده است که اکثر ازدواج ها با تأخیر فراوان و به صورت مستقل باشد، دختران در زمان ازدواج بیشتر از پسران تحصیلات داشته باشند، پسرانی با پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین با دخترانی در طبقه اجتماعی بالا ازدواج کنند و ... اینها همه مؤید به هم ریختگی در نوعی از معیارهای همسرگزینی در جامعه است که نه راه بازگشت به معیارهای سنتی وجود دارد و نه معیارهای مناسبی با توجه به این وضعیت جدید قابل شناسایی هستند. ولی امید است در این به هم ریختگی و ابهام در معیارهای همسرگزینی، راهی برای خروج از این بحران پیدا شود تا در آینده سامان هنجاری ازدواج شکل نوینی به خود گیرد و از شدت آسیب های اجتماعی ناشی از تأخیر سنی ازدواج در جامعه بکاهد.

#### منابع:

- 1- ساروخانی، باقر، جامعه شناسی خانواده، انتشارات سروش، 1375
- 2- غیثی ند، احمد معیول هی همسرگزینی و لولچر بن داشهینا، پانیا نامه دیر ه کاوئد لمی، نلشگاه مازندران 1377.

### معیارهایی که برای انتخاب همسر باید در نظر گرفت



از زمان های خیلی دور همواره این سؤال بین روان شناسان خانواده مطرح بوده است که آیا شباهت ها باعث به وجود آمدن ازدواج موفق می شود یا تفاوت ها؟

پژوهش های به عمل آمده نشان می دهد که با ثبات ترین ازدواج ها آنهایی هستند که زن و شوهر بیشترین شباهت ها را با هم داشته اند. استفن وایت معتقد است: «با توجه به بررسی های بالینی، شباهت های اخلاقی و شخصیتی زن و شوهر روی موفقیت ازدواج آنها نقش تعیین کننده ای دارد.» میزان بی ثباتی و طلاق در زوج های به هم شبیه، کمتر مشاهده می شود. با توجه به نتایج به دست آمده، نداشتن شباهت با بی ثباتی و طلاق همراه است. بعضی از روان شناسان شباهت های موجود بین زوجین را در حکم سپرده بانکی تلقی می کنند و اشاره می کنند اگر میزان سپرده بانکی شما رقم بزرگی باشد و میزان بدهی بانکی شما کم باشد در آن صورت در مقابل بحران های اقتصادی بهتر می توانید مقاومت کنید و به نحو احسن می توانید احساس امنیت نمایید، ولی اگر میزان بدهی های شما نسبت به سپرده بانکی کم باشد به همان نسبت احتمال این که دچار مشکل شوید زیاد خواهد بود.

این تشبیه نشان می دهد که هر قدر تشابه بین زوجین بیشتر باشد به همان نسبت احتمال این که دچار بحران شوند زیاد خواهد شد، سؤالی که در اینجا مطرح می شود این است که وجود کدام یک از تشابهات مطلقاً برای ازدواج لازم هستند؟

**هوش:** اگر هوش زن و شوهر به یک اندازه باشد رابطه زناشویی با گرفتاری کمتری روبه رو می شود. توجه داشته باشید که «تحصیلات» ملاک نظر نیست چرا که بعضی از اشخاص بسیار باهوش به هر دلیل ممکن است به کالج و دانشگاه راه پیدا نکنند. منظور این است که زن و شوهر به لحاظ بهره هوشی باید در یک ردیف قرار داشته باشند، باید بتوانند اشیاء و امور را به یک شکل ببینند و درباره آنها به یک شکل صحبت کنند. اگر یکی از طرفین ازدواج اغلب گمان می کند که همسرش متوجه منظور او نشده است، شرایط خوشایندی بین آنها برقرار نمی شود.

بررسی های به عمل آمده نیز نشان می دهند، اگر بهره هوشی زن و شوهر در یک ردیف یا نزدیک به هم باشد ثبات ازدواج بیشتر می شود.

تست هوش 30 دقیقه ای



**ارزش ها:** لازم است که زن و شوهر درباره بسیاری از ارزش ها وحدت نظر داشته باشند. مثلاً مهم است که زن و شوهر درباره معنویات و یا زندگی خانوادگی اختلاف نداشته باشند. اگر در این زمینه ها وحدت نظری وجود نداشته باشد، بروز اصطکاک میان آنها حتمی است.

**علائق:** اگر زن و شوهر در بسیاری از زمینه ها علائق مشترک داشته باشند زندگی به کامشان شیرین می شود. در این میان هر چه تنوع علائق مشترک بیشتر باشد بهتر است.

**توقع از نظامات خانوادگی:** زن و شوهر بایستی درباره وظایف و مسئولیت های یکدیگر در رابطه زناشویی وحدت نظر داشته باشند. طرز فکر افراد در این زمینه کلاً به دو نوع تقسیم می شود. بعضی از افراد در مورد وظایف و مسئولیت های زن و شوهر به طور سنتی فکر می کنند بدین معنا که مدیریت داخلی منزل به عهده زن است و مرد نیز به عنوان مدیر بیرونی منزل، یا نان آور خانواده تلقی می شود. فردی که در این زمینه به طور سنتی فکر می کند باید با فردی ازدواج کند که با او همفکر است. اما اکنون که **نقش های زن و مرد** دستخوش تغییرات زیادی شده است، عده ای معتقد به تساوی حقوق بین زن و مرد هستند و وظایف و مسئولیت های مشابهی نیز برای آنان قائل می شوند. افرادی که این اعتقاد را دارند باید با همفکران خود ازدواج کند. سؤال دیگری که مطرح می شود این است، تفاوت های مسئله ساز کدام ها هستند؟ یا به عبارت دیگر، چه تفاوت هایی می توانند به خوشبختی زندگی زناشویی آسیب برسانند.



**در پاسخ به این سؤال باید گفت وجود اختلافاتی که می توانند به خوشبختی زندگی زناشویی لطمه بزنند عبارت اند از:**

**1 - میزان انرژی:** وقتی یکی از طرفین ازدواج پر انرژی باشد و در مقابل همسر او کم انرژی این افراد با مشکلات عدیده ای برخورد می کنند. اختلاف در میزان انرژی در زمینه های مختلف خود نمایان می شود که از جمله می توان به معاشرت های اجتماعی، فعالیت های مذهبی و غیره اشاره کرد. در انجام فعالیت های مربوط به خانه نیز سطح انرژی میان زن و شوهر اغلب مسئله ساز می شود، مثلاً ممکن است زن بخواهد کارهایی را در روزهای تعطیل آخر هفته در منزل انجام دهد و شوهرعلاقه مند باشد که پای تلویزیون بنشیند یا روزنامه بخواند.

**2 - عادات شخصی:** وقتی زن و شوهر عادت های شخصی متفاوتی داشته باشند، به تدریج وحدت میان آنها رو به نقصان می رود. از جمله عادت های مسئله ساز می توان به این موارد اشاره کرد: **وقت شناسی، نظم و ترتیب، وابستگی ، احساس مسئولیت ، ...** می توان به عادات شخصی متعددی اشاره کرد که زن و مرد باید قبل از ازدواج به آن توجه داشته باشند. مثلاً اگر یکی از آنها سیگاری باشد و دیگری نه ، این اختلاف می تواند در رابطه زناشویی آنها دردسر ساز شود. اگر یکی از آنها به خوردن غذاهای مقوی و مغذی علاقه مند باشد و دیگری به این که چه می خورد بها ندهد، مشکلاتی در زندگی زناشویی ایجاد می کند.

**3 - استفاده از پول:** بسیاری از زوج ها در اثر نداشتن توافق بر سر **مسائل مالی ،** دچار مشکل می شوند. یکی به فکر آینده است و می خواهد پولش را پس انداز کند و دیگری به خرج کردن پول و خوش بودن در لحظه حال علاقه مند است. یکی معتقد به ریسک کردن است و دیگری فکر می کند که باید به تدریج و با ضریب اطمینان بالا بر دارایی های خود بیفزاید. یکی می گوید درآمد را باید خرج فرزندان کرد و دیگری می خواهد پول را نگه دارد. اختلافاتی از این قبیل می تواند شیرازه زندگی زناشویی را تحت تأثیر قرار دهد، به همین دلیل لازم است که قبل از ازدواج در این موارد بیشتر موشکافی شود.

**4 - علابق و مهارت های کلامی:** اگر یکی از طرفین ازدواج زیاد حرف بزند و دیگری کم حرف باشد چه مشکلی پیش می آید؟ اگر زن یا مرد علاقمند به گفت و گو و دیگری خواهان سکوت باشد، **استرس** فراوانی ایجاد می شود.

اگر کسی به هنگام صرف غذا علاقه مند به صحبت باشد و همسرش بخواهد به هنگام صرف غذا سکوت کند و یا اگر یکی از طرفین ازدواج به صحبت تلفنی طولانی علاقه مند باشد زمینه های اختلاف را پایه ریزی کرده اند.

سؤالی که با توجه به مسائل فوق مطرح می شود این است اگر افرادی با هم ازدواج کنند که در موارد فوق اختلاف داشته باشند چه ویژگی را باید در خود بهروراند تا بتوانند به زندگی زناشویی ادامه دهند؟

در پاسخ باید اشاره کرد، **اگر زوجین دارای ویژگی انعطاف پذیری باشند می توانند به جای این که تحت تأثیر اختلافات قرار بگیرند با تفاوت ها کنار بیایند و برای حل مشکلات راه حل مناسب پیدا کنند.**

## دوران نامزدی



یکی از اموری که در زندگی مشترک نقش حساسی دارد، « دوران نامزدی » است . اگر با این دوران ، با ظرافت و ماهرانه برخورد شود و به وظایف مخصوص آن عمل شود، می تواند در بالندگی و پرباری و استحکام دوران های بعدی ، تأثیر عمیقی داشته باشد.

سخن عامیانه ای بین مردم هست که می گوید : « **یک روز دوران نامزدی ، بهتر از یک سال دوران بعد از عروسی است!** » این سخن ، هر چند مبالغه آمیز است، اما حقیقت مهمی را بیان می کند ؛ واقعاً دوران نامزدی از جهاتی مهم تر و شیرین تر و پُر بارتر و لذت بخش تر و سازنده تر از دوران پس از عروسی است و می توان در این دوران ، شالوده و پایه های زندگی آینده را بنا نهاد .

منظور ما از « دوران نامزدی » ، فاصله ی بین عقد و عروسی است . یعنی عقد صورت گرفته باشد و یا اگر طرفین برای عقد دائم آمادگی ندارند و می خواهند در فرصت و مناسبتی خاص و با برپایی جشن، **عقد** کنند ، می توانند عقد موقت بخوانند تا زمان عقد دائم فرا رسد . عقد موقت ، قانون و شرایط مخصوصی دارد که باید رعایت شود و یکی از شرایط آن این است که : حتماً باید با اجازه ی پدر دختر باشد ( مانند عقد دائم ).

### **وظایف دختر و پسر در این دوران**

#### **1- افزایش شناخت نسبت به یکدیگر، برای تفاهم بیشتر**

هر چند دختر و پسر، در مرحله ی گزینش ، باید شناخت کافی نسبت به هم پیدا کرده باشند اما علاوه بر آن شناخت ، باید در دوران نامزدی ، آشنایی ملموس تر و محسوس تر و بیشتری از یکدیگر پیدا کنند و با روحیات و اخلاق و دیدگاه های هم بیشتر آشنا شوند. در حقیقت ، این آشنایی و شناخت در دوران نامزدی ، تکمیل کننده ی شناخت مرحله ی گزینشی است، آن گاه در پرتو این آشنایی نزدیک و کامل ، خود را برای تفاهم و سازگاری در زندگی مشترک ، آماده می کنند. آن شناخت ، برای «انتخاب» بود و این شناخت ، برای « **تفاهم و سازگاری** ».

#### **2- اصلاح و تربیت**

اگر کسی صفت و خصوصیتی را در نامزدش مشاهده کند که مورد پسندش نباشد و بخواهد آن را برطرف و یا اصلاح کند ، یا صفت و حالتی را در او ایجاد کند، بهترین دوران برای این « اصلاح و تغییر و تربیت »، دوران نامزدی است. چون هنوز روابطشان عادی نشده و نسبت به هم احترام و محبت خاصی قائلند . در نتیجه پذیرششان از همدیگر

بیشتر است و زمینه ی تحول و تغییر و اصلاح ، مساعدتر. ( اما نباید از یاد برد که نمی توان فردی را که سال ها به شیوه و عادت خاصی خو گرفته ، اساساً و به طور کلی تغییر داد و متحول کرد؛ بنابراین ، منظور اصلاح و تغییر در اصول بنیادین فرد نیست)



### 3- افزایش محبت

از شرط های اصلی سعادت در زندگی زنشویی ، « محبت » است و زمینه ی آن باید قبل از عقد فراهم شده باشد. اما دوران نامزدی ، بهترین فرصت برای افزایش و تحکیم محبت است. رفتار و گفتار و تمام اعمال نامزدها، در افزایش محبت و یا کاهش آن ، مؤثر است.

بنابراین ، دختر و پسر باید کاملاً مواظب اعمال خود باشند و از هر عمل پسندیده ای که باعث افزایش محبت می شود، کوتاهی نکنند و از کارهایی که موجب دلسردی و کاهش محبت می شود، اجتناب کنند.

### 4- بها دادن به احساسات و عواطف یکدیگر

نامزدها باید مواظب عواطف و احساسات یکدیگر باشند و به آن بها و جواب مناسب دهند. بعضی از نامزدها، به عواطف و احساسات لطیف نامزدشان ، بهای لازم را نمی دهند و به او «بی اعتنایی» می کنند و خیال می کنند این کارشان باعث عزیزتر شدنشان می شود! حال آنکه کاملاً برعکس است و چنین رفتاری باعث جریحه دار شدن عواطف نامزدشان می شود و در نتیجه کینه ی او را به دل می گیرد و ممکن است لطمه های سنگینی به زندگی شان بزند.

خاطرات دوران نامزدی – معمولاً – تا آخر عمر در ذهن می ماند و در زندگی آینده تأثیر دارد ( چه خاطرات شیرین و چه تلخ ).

بنابراین ، رفتار نامزدها باید کاملاً حساب شده باشد و از اعمالی که به غرور و شخصیت یکدیگر لطمه می زند، اجتناب گردد. بی اعتنایی و سرسنگینی و تکبر در مقابل نامزد، لطمه های سنگینی به عواطف و شخصیت او می زند.

متأسفانه فراوان مشاهده می شود که پسران جوان از بی اعتنایی و سرسنگینی نامزدشان گله و درد دل دارند و – مثلاً – می گویند : « هدیه ای برای نامزدم گرفتم و با

هزار امید و آرزو به دیدارش رفتم ، اما او بی اعتنایی و بی احترامی کرد و مرا تحویل نگرفت و با دلی شکسته و پر خون از منزلشان بیرون آمدم...»

دختران متدین و با عفت بدانند که این کارها، لازمه ی تدین و عفت نیست ، بلکه حرام است.

معنا ندارد که دختر، در مقابل نامزدش که به او محرم است و در حقیقت شوهر اوست ، خود را مخفی کند و به او بی اعتنایی نماید ! بله، این را قبول داریم که : دختران عفیف و با حیا در اوایل دوران نامزدی ، خجالت می کشند و نمی توانند با نامزدشان رفتاری خیلی صمیمی و محبت آمیز داشته باشند؛ پسران هم باید رعایت حال آنان را بکنند؛ اما این حالت و خجالت باید به زودی برطرف گردد و رابطه شان صمیمی و پر محبت ، و در عین حال همراه با احترام متقابل باشد .



## 5- هدیه دادن

« هدیه » در جلب دل ها و افزایش محبت ها ، نقش عجیبی دارد. بر نامزدها لازم است که از این نکته ی زیبا و مهم غفلت نکنند.

لازم نیست که هدیه ، گران قیمت باشد، بلکه لازم است زیبا و مورد علاقه ی طرف باشد و مهمتر آن که : « با ظرافت داده شود». هدیه دادن ، ظرافت و سلیقه ی خاصی را می طلبد!

این هم فراموش نشود که : هدیه دادن باید از دو طرف باشد، نه این که فقط پسر به دختر هدیه بدهد . البته پسر باید بیشتر بدهد!

## 6- نامه نگاری های محبت آمیز

نوشتن نامه های پر محبت و با صفا ، تأثیر نکویی در افزایش محبت و استحکام رابطه ی بین نامزدها دارد. حتی اگر دو نامزد به هم نزدیک باشند و همیشه یکدیگر را ببینند، باز هم نوشتن نامه تأثیر خود را دارد. نامزدها می توانند نامه ها را بنویسند و پس از ملاقات و هنگام جدا شدن از هم ، نامه ها را به یکدیگر بدهند. البته هرگاه مسافرتی پیش آمد و از هم دور شدند ، نامه ها باید بیشتر و مفصل تر شود.

همسرانی را می شناسم که پس از گذشت سال ها از زمان ازدواجشان ، هنوز نامه های دوران نامزدی را نگه داشته و مطالعه می کنند و برایشان خاطره انگیز و لذت بخش است !

### 7- ملاقات های صمیمانه

دو نامزد باید در این دوران شیرین و به یاد ماندنی ، دیدارهای دوستانه داشته باشند. این ملاقات ها ، امید و شور و علاقه را در هر دو تقویت می کند. این کار نه تنها خلاف عفت نیست ، بلکه باعث تقویت عفت در هر دو می شود. در این ملاقات ها ، با یکدیگر صحبت های محبت آمیز داشته باشند و به هم عشق و علاقه و محبت نشان دهند و درباره ی زندگی آینده شان گفت و گو کنند ؛ به هم دل گرمی و امید بدهند و باهم به گردش و تفریح و مسافرت بروند.

### در آستانه ی ازدواج ( قسمت اول )



این مطلب در 28 قسمت ارائه می شود.

**ضرورت مشاوره:** انسان و نوزادگی مواجبا شکل ز بی می شود که به عمل مختلف قادر به تصمیم گیری و پیدا کردن مناسبترین راه حل نمی باشد. بنابراین یاری خواستن از افراد واجد شرایط می تواند در حل مشکل و تصمیم گیری مناسب کارساز باشد. نمونه هایی از مشکلاتی که افراد با آن مواجه می شوند؛ عبارت اند از:

-گزینهش يك راه از بین چند راه ؛

-وقوع حوادثی نظیر مرگ پدر، مادر و سایر اقوام؛

-از دست دادن شغل یا موقعیت های دیگر؛

-مشکلات مالی؛

-مواجه شدن با شکست ها؛

-روبرو شدن و عدم پیشرفت در حد مورد نظر؛

-مسائل تربیتی فرزندان؛

-مسائل خانوادگی و ...

افسان وی مولجه با هر يك از مشکلات فوق و یا مشکلات مشابه دیگر، دچار اضطراب و نگرانی یا تشویش و تصدیه می‌گردد و دیر دلدزا دیگران كك خواهد. كك دهندگان ممي است بزرگان قوم، دوستان و یا همسایه ها باشند. هیچ کدام از افراد فوق الذكر صلاحیت‌تصیی و بچنین كلی ندرند؛ آن كه می‌تواند با استفاده از روش‌ها و فنون مشاوره و داشتن صلاحیت‌هایی دیگر بچنین افا بی كك كند؛ مشاور است. بنابراین در برخورد با مشکلات، مراجعه به مشیله اهمیت ویژه ای دارد كه نتیجه اش تسكین ناراحتی، رفع مشكل و كزینش مناسب می باشد.

### مشاوره برای كزینش مناسب

فرآیند زندگی مواردی است كه فرد باید از بین چند راه يك راه را انتخاب نماید. كزینش يك راه را بر بن چند راه چنانچه با مطالعه و بصیرت انجام نگیرد؛ ممكن است نتایج مطلوبی در بر نهد؛ البته. لذا كك گرفتن از مشیله و انتخاب مناسب می تواند در توفیقات بعدی اثرات مفیدی داشته باشد. مهمترین مواردی كه فرد در انتخاب با آن مواجه می شود؛ عبارتند از:

-انتخاب مواد درسی ( برای دانشجویان و دانش آموزان) ؛

-انتخاب رشته تحصیلی؛

-انتخاب شغل؛

-انتخاب در مواردی كه چند راه جلوی فرد قرار دارد؛

-و از همه مهمتر انتخاب همسر برای ازدواج.

انتخاب همسر به اندزه بی‌وزنگی مهم است كه انتخاب مناسب آن، بیمه كننده سعادت فرد می باشد.

### لزوم مشاوره در همسر كزینی

طغاً با اخافاده هلی روبرو شده اید كه پس از ازدواج با مشکلات زیادی مواجه شده اند. گاه كافی خانوله به قویی ناراحت كننده و متشنج است كه تنها راه حل، طلاق و جدایی است و طلاق خود نیز عواقبی نابهنجار به دنبال دارد.

-زن و شوهری كه از نظر فرهنگی فاصله دارند؛

-زن و شوهری كه از نظر درجه تحصیلات اختلاف دارند؛

-زن و شوهری كه معتقد به ادیان متفاوت می باشند؛

-زن و شوهری که از نظر اجتماعی در طبقات متفاوتی قرار دارند؛

-زن و شوهری که وضع مالی متفاوتی دارند؛

-زن و شوهری که توافق اخلاقی ندارند و ...

چنین افرادی روزگاری نمی‌توانند همدگر را بپذیرند و نتیجه ز زندگی پشیمانی خانوادگی بهره‌ای نمی‌برند.

شکلی خانواده و صورت موفقیت، سعادت و در صورت عدم موفقیت، ناراحتی و مشکلات زیادی به دنبال دارد که اهمیت مشاوره قبل از ازدواج را تأیید می‌نماید.

و مشاور هی ازدواج، به مراجع ( و لجه کننده ) کلف می‌شود؛ تا منلد بتترین هسر را از تلبا کند؛ بنا و ان مشاور بید نسبت به شناخت زوجین و خانواده های آنان و تمام عواملی که و زندگی ز شو بی دخلک دلند؛ اقام کند و مراجع را درجهتی که زوجین هماهنگی بیشتری داشته باشند؛ هدایت نماید. مشاور ازدواج باید صلاحیت لازم را داشته باشد تا از عهده این امر مهم بر آید.



### شرایط مشاور در امر ازدواج

مشاور ازدواج، باید اولاً شرایط مشاور راهنمایی را دارا باشد؛ ثانیاً در زمینه ی مشاوره ی خانو له مطالعه و تجربه داشته باشد؛ ثالثاً در مورد ازدواج که بهی از مشاور خلواده است؛ کارکرده باشد.

در زوج هل و مدت مله؛ اما هلر باید و لجد شو ایل بشلد. معمولاً کسی که می خواهد ازدواج کند، پدر، مادر و بزرگان فامیل را در جریان می گذارد و با آنان مشورت می کند. گاه نیز از روحانیون، و سالخوردهگان نظر خواهی می شود و بالاخره بعضی به استخاره



نیز روی می آورند. به هر حال چون ازدواج امر مهمی است؛ معمولاً مشاوره و کنکاش در آن مطرح است؛ و بی طرف مشورت غالباً واجد شرایط نیست. پدر، مادر، پسر بزرگ، مادر زیاده، خاله، زویگن و سایر نزدیکان و والدین هیچ کداً مشاوره ای طبعاً مشاوره و این امر مهم نیستند. مشاور زوج باید روش نسل، جامعه شناسی، تعلیم و تربیت و از همه مهم تر روش نسل جوان و فواید را بداند و به اصول و فنون مشاوره آشنا باشد و در زمینه مثل خانواده و به ویژه مشاوره ازدواج تجربه داشته باشد. چنین فردی باید حداقل درلی درجه فوق لیسانس و مشوره با تخصص خانواده و زوج باشد همچنین صلاحیت های شخصیتی و اخلاقی لازم را واجد باشد؛ تا از عهده این امر مهم بر آید. بعضی از افراد ظهراً می درند زوج یکساعت مهدی (ص) است؛ چه بهتر که بدون تشریفات و بررسی هلیو تکمیل انجام شود؛ و چنانچه ناسازگاری یا مشکلی وجود داشت؛ مشاوران خانواده در رفع آن اقدام کنند. پاسخ آن است که پیشگیری ساده تر از درمان است و علاج واقعه قبل از وقوع بلید کرد. چنانچه در امر ازدواج مطالعات و بررسی های لازم بر اساس اصول مربوط انجام گیرد؛ مشکلات و ناسازگاری های بعد از ازدواج به شدت کاهش خواهد یافت و در نتیجه روان درمانی های وقت گیر به حداقل خواهد رسید.

### نقش مشاور و مراجع در مشاوره ی ازدواج

جوئی که می خواهد زوج کند؛ معمولاً با افراد دیگر مشورت می کند. از مواردی که باید بیل توجه کند؛ آن است که برای مشورت، فرد واجد شرایطی را انتخاب کند. چنانچه مشاور انتخاب شد صلاحیت لازم را نداشته باشد؛ چه بسا که او را به سویی هدایت کند که نه تنها مشکلی از او حل نکند، بلکه مشکلات دیگری نیز برایش ایجاد نماید. موارد مراجعه در مشاوره ازدواج انواع مختلفی دارد؛ که به ذکر نمونه هایی مبادرت می شود:

- دخترانی که خواستگاران متعددی دارند و می خواهند با یکی از آنها ازدواج کنند؛ کمک مشاور به این گونه مراجعین انتخاب احسن است. انتخاب احسن زمانی صورت می گیرد که اطلاع لازم را مراجع و خواستگاران می کسب و خود را با هم مقایسه می کنند. فردی که خصوصیات وی با مراجع هماهنگی بیشتری داشته باشد؛ انتخاب احسن خواهد بود.
- پدربانی هستند که دختری را به نظر گرفته و درباره ی وی بررسی ها و تحقیقات لازم را انجام داده اند؛ و به این نکته رسیده اند که او انتخاب مفیدی است؛ ولی می خواهند در این زمینه ظم بدان لازم را به دست آورند. مشاور باید ضمن کسب اطلاعات و بررسی های مورد نیاز به مراجع ظم بدهد که زینتی انجام شده منسب است و در صورتی که نامناسب تشخیص دهد؛ آگاهی و اطلاعات لازم را به مراجع بدهد و او را در تصمیم گیری مناسب کمک کند. همین حالت می تواند در مورد دختر در رابطه با پسر نیز مطرح باشد.
- پسران و دخترانی هستند که می خواهند با کسی ازدواج کنند؛ و می خواهند عوامل فشار پدر و مادر یا سایر اقوام قرار دهند؛ و کسی را می بینند که آنان را در مقابل عوامل فشار کمک کند. در این موارد مشاور

باید با پدر و مادر و سایر عوامل فشار دیگر، جلسات مشاوره ای داشته؛ آنان را در رابطه با عواقب ازدوچهایی که با اکراه همراه است؛ بصیرت دهد و بالاخره کار را به جایی برساند که آنها، به دختر و پسر در انتخاب همسر آزادی بیشتری بدهند.

- پسوا نی هستند که به بهانه ی ازدواج با دختری رابطه برقرار می کنند؛ ولی واقعیت آن است که آنها قصد زوج شدن دارند. این گونه پسران پس از مدتی دختر را رها کرده؛ به سراغ دختر دیگری می روند. در این مورد چون نگران از نظر آبرو و حیثیت آسیب پذیرترند؛ باید به آذوقه رابطه با این موارد آگاهی لازم داده شود تا با شناخت اولیه، این گونه پسران را ترک کنند و به آنان اجازه تماس های بعدی را ندهند؛ و به علاوه والدین خود را در جریان بگذارند. یکی از وظایف مشاوران، دل آگاهی و پیگیری زووجهی و نگه داشتن روابط با جوانان و نوجوانان می باشد.

- دخترانی هستند که خواستگاران داشته اند؛ ولی به علی آنها را رد کرده اند؛ و به همین علت به سنی رسیده اند که دیگر خواستگار مناسبی ندارند و به اصطلاح پیر دختر شده اند. این گونه دختری به مشاور مراجعه می نمایند و راه چاره ای را برای خواستگار جدید طلب می کنند. مشاور و قبالا ن گونه مراجعان که احتمالاً در انتخاب همسر مناسب سختگیر بوده اند؛ باید رهنموی شوهریابی را ارائه دهد. (در این مورد در قسمت های بعد بحث خواهد شد) و به آنان تفهیم نماید که فکر ایده آلی هیچ گاه تحقق نمی یابد. همه چیز نسبی است و انتخاب باید با تعدیل و انعطاف انجام گیرد.

### آیا زن باید همیشه رب النوع زیبایی باشد؟ ( قسمت اول )



کاربر محترم این مطلب در دو قسمت ارائه خواهد شد.

گویی زانقل که کار بیرون از خانه دل ندهد و قتی به خله می آیند مشغول انجام کارهای خانه می شوند و گاهی انجام کارهای بیش از حد در خانه و خستگی بیرون از خانه باعث می

شود آنها به وضع ظاهر خود بی دقت شوند و برخلاف اوقات دیگر نتوانند با ظاهری آراسته و اخلاقی شایسته از شوهر خود استقبال کنند. گاهی زنی که بیرون از خانه هم کار نمی کند، در داخل خانه آن چنان سرگرم بچه داری و شستن و پختن می شود که بر اثر خستگی بیش از حد نمی تواند با ظاهری طو کشیده و لیبی خندان در آستانه در ظاهر شود و از شوهرش استقبال کند و زمانی هم بیماری و کسالت مانع از انجام این وظایف می شود و هر مرد با شعوری می تواند آن حالات زن را درک کند، و این مسائل را دلیل بر کوتاهی در انجام وظیفه و نداشتن علاقه نیست به خود قلمداد کند. اما این مسئله و گفتن مریض نباید موجب شود که زنان همیشه نسبت به وضعیت ظاهری خود بی توجه بمانند و بی نظمی و بی نظافتی را در ظاهر خود بپذیرند و عده بی دیگری به بهانه خانه داری و بچه داری، عواطف و احساسات شوهر را نادیده گرفته و نسبت به وظایف همسری خود بی توجه باشند. زیرا همانگونه که ما از شوهران خود انتظاراتی داریم، آنها هم از ما توقعاتی دارند.

مؤسفا نمدعه شیمی ز زنی زانک کمل مریض انتظارات شوهران عجزند. وقتی صحبت از رابطه بونی لیبی و پکیزه بودن ظاهر می کنیم، می پندارند آن است که نسبت به مسائل زندگی بی توجه باشند و تنها به ملبوس و لیبی و آرایش خود فکر کنند، تا بتوانند همیشه را شوهران خود پذیرایی نمایند. باید در نظر داشته باشید که تصور شوهر از زن، یک مرد فهمیدم و کاردان و با صحبت نک که همیشه سعی در دهر کلیرا به موقع و به اقتضای زمان و مکان انجام دهد.

نتیجه نکتید؛ که زنی که از صمیم قلب به منظور خدمت شوهر انجام می دهد، با ظاهر سازی های فریبنده کاملاً متفاوت است و مردان دانا به راحتی قادرند این دو را از هم تشخیص دهند. تنها محبت، شوق فداکاری و شوق صداقت در گفتار و رفتار است که گذشت زمان قلم نیت آن را زین ببرد. ظاهر سانی هلی فریبنده برای هر قصد و منظوری باشند تنها چند روزی دوام دارند.



## چطور به نظر می آید

شاید بپندارند که عده ای از همدان و نمایان می گویند: "اگر می خواهید زندگی زنده بماند، باید ظاهر خود را بهتر و زیباتر کنید." اگرچه ظاهر افراد می تواند اثر مثبت و منفی عمیقی و دیگران بگذارد، اما لزوماً همیشه این مسئله را بیشتر و عمیق تر بررسی کنیم.

گروهی از زنان که خارج از خانه کار می کنند، در مقایسه با زنانی که تنها در داخل خانه کار می کنند، نظر ظاهر مرتب تر هستند. شاید این امر به صورت عادی در آمده که هر روز مجبور به انجام آن هستند و اغلب ظاهر آراسته آنان موجب می شود، ناراحتی و گرفتاری های آنان به چشم نیاید. اما شما خانم هایی که خارج از خانه کار نمی کنید، چه وقت به سر و وضع خود می رسید. آیا تنها زمانی که برای انجام کاری از خانه خارج می شوید؟ آیا تا به حال از خود پشیمانی و وقتی شوهرتان از سرکاری آید، به نظر او چطور می آید؟ آیا تا به حال به ظاهر خود و آینه نگاه کرده اید؟ آیا دیدن تصویر یک زن نامرتب در آینه برای خودتان جالب است؟

مطلب ما این نیست که آرایش کنید و وقتی شوهر از راه می آید بگویید: "من همه این کارها را برایتان کرده ام." و یا با صدای بگوید که "به خاطر تو نبود این همه گرفتاری ندانم." یا این که به ظاهر خود بی توجه باشید، و بگویید: "به من چه که شوهرم شب می آید." نه که نمی توانم هر روز خودم را برایش درست کنم." بلکه می خواهیم بگوییم اگر خواهان این گواهی گرفتن از شوهرتان و شادمانی و رضایتی با دیدن خودتان احترام قائل باشید، وظیفه خودتان برای "خودتان" هم مهم باشد. سعی کنید همیشه و در همه حال چه شوهر در خانه باشد یا نباشد مرتب باشید. وقتی خود به ظاهر خود توجه داشتید و سعی کردید نظر ظاهر شما خوب تر باشد و آن صورت است که دیدن شما در انتهای روز برایتان شگفتی و دلچسب خواهد بود. همانطور که قبلاً گفتیم، وی هرگز نمی افتد که روزی بیمار شود یا و اثر کار و مشغله بیش از حد، نتواند به وضع ظاهر خود برسد. یک شوهر باوقار و فهمیده و همه حال زن را درک می کند و محبت لازم را از او دریغ نمی کند. اما اگر قرار باشد همیشه شادمانه و نامرتب باشید، خودتان و رفتارهایتان برای شوهر خسته کننده می شوید. حتی اگر تهدید به خودکشی هم کنید برای او فرقی نمی کند! باید سعی کنید تا آنجا که ممکن است مرتب و آراسته باشید.



همه لطوری که عده ای از صاحب نظران می گویند: بسیاری از زنان بعد از تولد اولین کودک خود " زن بودن " و یابه گفته دیگر " همسر بودن " خود را فراموش می کنند و می پندارند منظور زایک مرط خوب بودن، " بی تعجب به عطا ایف همی و شلخه بون سلت ". لگرمی خواهید، فرزندان خوب و زندگی موفق داشته باشید، باید سعی کنید علاوه بر یک مادر خوب، یک همسر وظیفه شناس باشید.

ممکن است کودک شما وقتی مایل د بگر دیت تلورا می بید، شمارا هشتم بی به نان خواهد. لگو بخواهید و سلسا خواسته های کودکانه آنها پیش روید و نسبت به ظاهر و سر و وضع خود بی توجه باشید، طولی نخواهد کشید که وقتی کودکان بزرگتر می شود با وجود این که بی دانشمالم خود تل را وقف و کرده اید و هر طور که او خواسته، بوده اید شما را به خطر نداشتن ظاهر رأسته لامت می کند و به دنبال کسی می رود که بتواند راجع به نحوه لبیل پیش بین و بیگ مسائل با او مشورت کند. پس سعی کنید در مسائل اجتماعی تا آنجا که ممکن است با زمان جلو بروید. زیرا کودک شما هرچه بزرگتر شود، به مشاورت، مصاحبت و هدفگیری شما ایشیتو احتیاج دارد؛ بی فراهی نکتید که مادر و همسر خوب بودن مکمل یکدیگرند.

### نقش زن در زندگی مشترک

**آیا زن باید همیشه رب النوع زیبایی باشد ؟ ( قسمت دوم )**



خود را به یک سازمان کوچک و بسبب دل دقیق و حساس است که به حضور کامل زن و مرد به غول بود کامل که در این رشد و بی و تحسین باشند نیرمند است. هرگز مفهوم رواج زندگی متروک، پنهان شیبی و نیل عنوان مشکت و له نه نگری نیست. آنچه که لازم یک زندگی زندگی موفق است احترام متقابل و تساوی حقوق زندگی بین زن و مرد است. حل لگزی خواهد در هر مورد شانه از زیر بار مسئولیت ها خالی که هر گونه امکان رشد و پرورش فکری را از خود سلب کرده است. گروهی دیگر از زنان هم همواره مردان را مورد ستایش قرار می دهند. آنچه که لازم است در اینجا یادآور شویم این است که ستایش کردن بر بی محاسن اخلاقی وی، هم منطقی است و هم زیبا. اما اگر بخواهیم مردان را مورد ستایش قرار دهیم فقط به این دلیل که آنها موجوداتی از نوع مخالف ما هستند نه تنها منطقی و پسندیده نیست بلکه ک بی سی لقمه می باشد. اینگونه رفتارها یک وابستگی مداوم و سطره کل را بی مای توینو سی می شوهاند یک کودک در انتظار شدن یک کلمه سنتن لرن و بمانیم کشاید و هرگز به زبان هم نیاورد. اگر زنی بدون عیب و بی هیچ شناخت شخصی زین به ستایش یک مرد گود بیگو می تواند از حقوق مساوی و آزادی و سازندگی شخصیتی برای خودش دم بزند.

لرم بت بداید مردن هم میعادتی معالی زنان هستند، با کمی اختلافات جسمی که لازمه تکاملی زندگی بشو است. همانطور که برای مردان لازم است قبل از دواج کاملاً رشد فکری و شخصیتی پیدا کنند و تخصصی را کاملاً بیاموزند، برای زنان هم لازم است قبل از دواج کاملاً رشد فکری و شخصیتی پیدا کنند و یک تخصص را بیاموزند. عده ای از زنان همواره می پندارند که هر آنچه و زندگی کم دارند یک مرد قادر است به راحتی به آنها بدهد. گاهی که بود مادی است از قبیل ماشین، مسکن، یا لوازم زندگی که مرد می تواند به راحتی برای زن فراهم نماید. اما که بود هیئت بی از قبیل لقطیت، و انتخبه و تقصاوت،

صلاحیت‌زنگی ، این انگ شخی و موارد دیگر را هرگز یک مرد نمی تواند یک جا به زن بدهد. لگو مرد ، شایسته و فدکار بلند تنها در مول بی قادر است زن را یاری دهد. اگر به دخترش بیاموزند که از هر مؤسسه و بی پرورش فکری و شخصیتی خود استفاده نمایند و زمینی کاملاً آملگی قبلی سؤلتیرا داشت اقدام به رواج نماید دیگر این چنین مشکلات و نهنج‌ها و بیایان پیش نخواهد آمد. این گروه ر دخترش ظاهراً و انتخاب همسر موفق تر بوده و بعد از قبول مسئولیت هم به نحو احسن از عهده انجام آن برمی آیند.



زواج ، بنانهانی یک‌خانواده یکنه لرم بل بسیل دقیق و حساس است و به اولد بالیا قتی ختیج د ردتا اموراتش را سازمان دهند. گروهی از زنان ازدواج را وسیله ای ویل فرار از مله بپ وجودی خود می دانند و اغلب می پندارند ازدواج سبب می شود تا همه چیز به ملی آنها پیش رود. این گروه زنن هیشه به دنبال مردی هستند که آنها را در همه مسائل و مشکلات حمایت کند. گاهی هم از شوهر در ذهن خود یک قهرمان افسانه ای می سازند. می پندارند شوهر فوی سلت که می تواند یک معشوق و یک محبوب کامل باشد که با بازوهای آهنین مشکلات را یکی پس از دیگری از میان بردارد و جاده خوشبختی را برای آنان هموار سازد. مقلد فانه اینگونه زنن هرگز نمی تواند فوی را به عنوان یک همسر واقعی بپذیرند. زیرا توقعات بیش از حد آنان همسرانشان را تبدیل به ماشین یا ابزاری می کند که باید دائماً در پی برآوردن خواسته های آنان باشند و در بسیاری از موارد مشاهده شده است که این گونه رفتار بی غلط زنان موجب بهم پشیدین پیوند مقدس ازدواج می شود و هرگز نمی تواند سبب شادی و ایجاد کانون گرم پر از محبت در خانواده شود.

گرهی دیگر زنن خود را حقیر و کوچک شده و دائماً فکری کتد که در چرخه زندگی ، مرد سلت که کهنی بزرگتر و سلسلی تر را تشکیل می دهد و این احساس حقارت و شخصیتی بی اهمیت نه تنها قبل از رواج ، بلکه بعد از ازدواج هم دلفاً آنها را همول می کند و سبب گشت چند ماهی از ازدواج ، از خود می پرسند، چه اتفاقی افتاد؟ چرا رواج هم نوانت مرخو شبک کند؟ چگونه این بیختی ویلی بی ثنی مد؟ کدام قسمت مسئله غلط بود؟ اگر شما هم جزء این گروه از زنها هستید، چند لحظه مکث کنید و خود را بررسی کنید. هر چقدر درصد این توانایی در شما بیشتر باشد کارآیی و استقلال شخصیتی

شما بیشتر خواهد بود و راحت تر درک خواهید کرد که هیچکس سبب ساز شادی و کامل کننده شخصیت شما نیست غیر از خود شما . هر چه بیشتر به خود متکی باشید راحت تر می توانید یک کنید که یک مرد شاید بعضی از احتیاجات شما را رفع کند ولی هرگز قادر نیست تمامی مشکلات شما را پاسخگو باشد. اگر فکر می کنید حتماً یک مرد باید کامل کننده شخصیتتان باشد با همه ویژگی‌های خود قبل نیستید این کلمه شخصیت را بخواهید تغییر دهید؛ زوایا مدال سلت مردی علاوه بر شخصیت فردی خودش نیمه دیگر شخصیت زنی را یک بکشد تا پس از ازدواج به او دهد و کاملش کند. اگر زنی این چنین راجع به خود و مردان فکر کند هرگز نمی تواند انتخابی صحیح و منطقی داشته باشد. زیرا مردی با ظاهری آراسته و اطو کشیده ، یک دسته گی ، یک انگشتری الماس و با لاف زدن از رشادت و مردانگی خود به راحتی می تواند او را مجنون خود نموده و خیلی سهل و آسان با احساسات او بازی کند و سبب رفتن او را همانند آلتی است دوم رها کرده و منجلا ب زندگی را برایش عمیق تر و دامنه بدبختی را وسیع تر کند.

## نقش عوامل سیاسی در ازدواج لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت سوم )



در قسمت قبل به نقش عوامل اجتماعی در ازدواج پرداختیم . اینک در ادامه می خوانیم...

### منظور از عوامل سیاسی

یکی از عواملی که می تواند در ایجاد اختلاف و ناسازگاری و خانواده گردد، عقاید سیاسی سلت. منظر رینش سبیلی ، طرز فکر فرد در مورد وقت، هیکل حکمه مسئولان اجرایی و ظلم سبیلی کشور سلت. اختلاف طرز امر سبیلی بهدلی وجود زیر بنای عقیدتی ، حتی ممکن است بین پدر و مادر، فرزندان و خویشاوندان جدایی بیندازد. دیده شده است که در و مانی به عطف اعتقید سیاسی با همه علاقه و حتی که نسبت به



فرزندی داشته‌اند، او را از خانه طرد کرده‌اند. در زمان انقلاب در ایران موارد زیادی از این قبیل وجود داشته است. علاوه بر این موارد مشابه دیگری نیز در مورد معرفی زن توسط شوهر یا معرفی و اثر توسط خواهر و معرفی پدر و مادر توسط فرزند و بالعکس (که عقاید مخالف با نظام حاکم داشته‌اند)، به مقامات حکومتی، دیده شده است.

### خط فکری و گروه‌های سیاسی در رابطه با ازدواج

افراد را در ارتباط با امور سیاسی به سه دسته می‌توان تقسیم نمود:

- 1- افرادی که دارای خط سیاسی هستند و در حزب یا گروهی فعالیت دارند.
- 2- افرادی که دارای خط بلایی هستند و متوجه سبب حزب یا گروهی نمی‌باشند ولی فعال نیستند.
- 3- افرادی که دارای خط سیاسی نبوده و به هیچ گروه و دسته‌ای نه منتسب هستند و نه فعالیت دارند.

در مورد دو دسته اول باید گفت چنانچه ازدواجی با دو خط فکری سیاسی متفاوت (بخصوص که سیستم فکری تعصبی هم وجود داشته باشد) صورت گیرد، مشکلات بعدی وجود خواهد داشت و گامی استموضوع به نظر نگارنده اینست که به لحاظ فکری تابع یک طلاق وجود نداشته باشد. در پاره‌ای موارد حتی در گروه‌هایی که از لحاظ فکری تابع یک مکتب می‌باشند اختلاف نظر در امور سیاسی به حدی است که ایجاد هماهنگی در مورد آنها می‌نویسد و نتیجه ازدواج در چنین شرایطی بی‌درد سر نخواهد بود. پیوند زناشویی دو نفر مسلمان که در بُعد فکری یکی معتقد به اصل خاصی باشد و دیگری اصلاً آن را قبول نداشته‌اند؛ ویژه زمانی که هر دو پیش‌خود و قالاً نطفه‌بند، حتماً مشکلاتی در زندگی ایجاد خواهد نمود. بنابراین شناخت نحوه تفکر سیاسی قبل از ازدواج در مورد انتخاب همسر از اهمیت خاصی برخوردار است.

مسئله دیگری که در مورد زناشویی در بُعد سیاسی مطرح می‌باشد، آن است که در درون یک گروه سیاسی، گاه ازدواج‌هایی با هدف سیاسی انجام می‌گیرد و چیزی نمی‌گذرد که به طلاق و یا به ناسازگاری و ناراحتی منجر می‌شود. بدیهی است هیچ سوداگری حاضر نیست، معامله‌ای که با آگاهی منجر به ضرر می‌شود، انجام دهد تا چه رسد به امر خطیری نظیر ازدواج که سودای عمر و باقی اقدام نامرتبنتیجه‌ای که حاصل می‌شود، ناراحتی دنیا و گاه خسارت آخرت است. بنا بر این موضوع را باید با دقت نظر گرفتن همه ابعاد و عوامل نوظهور انجام داد و بررسی بین به هدف‌های دیگر نباید پیوند زناشویی را به عنوان ابزار و وسیله، مورد استفاده قرار داد.



### مشاوره ازدواج در رابطه با عوامل سیاسی

مراجعی که در جهت ازدواج به مشاور مراجعه می‌نماید، ممکن است خود پیرو مکتب یا خط سیاسی خاصی باشد و برعکس، احتمال دارد اصولاً فردی سیاسی نباشد. همچنین طرف مقابل ممکن است سیاسی باشد یا نباشد. بنابراین در مورد مشاوره ازدواج چند حالت اتفاق می‌افتد.

1- حالتی که هم مرد و هم زن دارای خط سیاسی هستند؛ این امر خود دو حالت دارد: یا خط سیاسی آنان مشترک است و یا خط سیاسی مخالفی دارند.

2- حالت دیگر آن است که هر دو یا زن دارای خط سیاسی است، و طرف مقابل خط سیاسی ویژه‌ای ندارد.

3- حالت سوم وضعیتی است که هیچ‌یک (نه زن و نه مرد) از نظر سیاسی، خط ویژه‌ای ندارند.

مشاوره از مرحله اولیه مشاوره و ایجاد رابطه حسنه باید به جایی برسد که بفهمد مراجع در کدام یک از حالت‌ها قرار دارد. چنانچه مراجع در عدد افراد حالت اول قرار داشته باشد و هر دو (نختر و پسر) دارای خط سیاسی متضاد باشد، مسئله‌ای را در نظر ازدواج وجود نخواهد داشت؛ ولی در حالتی که هر دو دارای خط سیاسی باشند ولی عقاید سیاسی و حزب یا دسته مرتبط به آنها مخالف یکدیگر نباشد؛ دو حالت اتفاق می‌افتد:

الف - زمانی که عقاید سیاسی آنان در جهت خلاف یکدیگر و در حدی است که آشتی عقیدتی غیرممکن است، و هر دو طرف شایعاً دهند، پیوند زودرس آن‌ها احتمالاً به نفع از گویی می‌انجامد. اولین مورد مشورت باید موعود را راضی به آینده آگاه سازد و اطلاعات لازم را در جهت عدم سازگاری احتمالی در اختیار آنان قرار دهد.

ب - در حالت دیگری که اختلاف عقیدتی زیاد نباشد و هر دو نیز تعصبی نشان ندهند، احتمال دارد بابت و مذاکره و گفت‌وگو یا مسأله عقیدتی سیلی را در زنگی وارد ننمایند؛ در چنین وضعیتی مشاور با بررسی عوامل دیگر مؤثر در ازدواج (عوامل اجتماعی، تحصیلی، عوامل فرهنگی، اقتصادی، اخلاقی و روانی، سن و شغل و ...) چنانچه به جایی

بیرسد که اختلاف فقط و مورد عالی سیسلی و آن هم با اختلاف فکری قابل تحمل و دور از تعب ملت و لاجر اضمن دادن آگاهی لازم به شرکت در جلسه ای همراه با طرف مقابل دعوت خواهد نمود، تا در یک جلسه سه نفری موضوع بررسی گردد و بینش و بصیرت لازم به آنان داده شود.

3- درحالی که مرد یا زن دارای خط سیاسی است و طرف مقابل خط سیاسی ویژه ای ندارد و خالق باعقاید بی‌نزد ندارد، و یا در حالتی که هیچ‌یک از دو طرف، سیاسی نیستند، در راجع مشکلاتی نخواهند داشت. ولی در وحل مشاور باید به همه مراجعان خود در زمینه عقاید سیاسی و خواه بیخورد آفتی باهمسو اطلاعاتی بدهد و خاطر نشان سازد که بحث به شلوه، کدورت و ناراحتی بی‌اخذ؛ هر وقت زملی که بحث به مشاجره می‌رسد، طرفین آن را خاتمه دهند و ادامه آن را به زمان مناسب دیگری موکل نمایند تا بحث به بهترین وجه انجام گیرد.

خداوند در مورد مذاکره و جدل با اهل کتاب در سوره عنکبوت آیه 46 می‌فرماید:

و لا تُجادلوا اهل الکتاب ائنا بائتی هی احسن

و شما مسلمانی با اهل کتاب ( یهود و ضاری و جوس) جز به نیکوترین طریق، بحث و مجادله نکنید.

## نقش عوامل فرهنگی در ازدواج

### لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت چهارم )



در قسمت قبل به نقش عوامل سیاسی در ازدواج پرداختیم. اینک در ادامه می‌خوانیم...

مهمترین عاملی که در ازدواج نقش مؤثری دارد، عامل فرهنگی است.

چه بسیار خانواده هایی که به علت ناهماهنگی در زمینه های مختلف فرهنگی وضع نابسامانی دراز و لیعصررا تلاد و نا رنگا می گولند. عولک و هگی ابع لعت لفي درلکه مهمترین آنها عبارت اند از:

1- دین و مذهب؛ تشابه در اعتقاد و یا ...

2- آداب و رسوم؛ تشابه در مراسم مختلف

3- لباس پوشیدن و آراستن ظاهر؛

4- سنت ها؛

5- اعتقادات و باورها.

در این فصل نقش هر يك از عوامل مذکور در رابطه با ازدواج و همسر گزینی بیان می شود.

### الف: دین و مذهب در رابطه با ازدواج

اعتقاد دینی و مذهبی در ازدواج تقی می دارد. دخ تو پوکه بالعتقا سک دینی متفاوت ازدواج می کنند؛ پس از احساسات پرشور جوانی، در زمینه های مختلف اختلاف نظر و لاحقاً نسلزگار ی خولهند دشت. از جمله زمینه های مورد بحث موارد زیر را می توان نام برد:

- **اختلاف تو بیفرزندان:** زره شوهری که دللی دودن م تقی هدتند مسلماً در چگونگی تربیت و آموزش فرزندان خود و نیز انجام مراسم دینی با مشکلات و مسائلی مواجه خواهند شد.



### - اختلاف در عقاید:

- **اختلاف در انجام فرایض و مراسم دینی:** عدم هماهنگی در انجام فرایض و مراسم دینی می تواند زمینه ای برای ناسازگاری خانوادگی باشد.

- **اختلاف در مسافرت ها و گردش:** و ای و یا زن مسلمان مسؤیت هیلی زیارتی حج مورد توجه سلت؛ در حالی که مرد یا زن غیر مسلمان رغبت به چنین برنامه هایی ندارد و یا در مورد حج اجازه انجام اعمال را ندارد.

لبس پوشیدن ( به ویژه حجب و بی زنان ) ، مسئله طهارت و سایر احکام ، موارد دیگری برای ایجاد ناسازگاری و اختلاف در زندگی زناشویی است.

باتوجه به موارد بالا ، ازدواج دختر و پسر از دو دیدگاه متفاوتی گرایم. قوی گذشته به بلند، زندگی زناشویی را به سوی ناراحتی و ناشادی سوق می دهد. فرضاً اگر فردی با نگرانی خاص به طور صوری تغییری در دین یا مذهب خود بدهد ، چون اعتقادات او در دوران طفولیت ریشه دار شده رفتار او با همسرش هماهنگی کامل نخواهد داشت.

مسئله دیگری که قابل طرح است، موضوع مذهب و اختلافات مذهبی است. ازدواج یک دختر شیعه مذهب با یک پسر اهل تسنن نیز همان مشکلات اختلافات دینی را در پی خواهد داشت و گاهی این اختلافات بر این زمینه با تعصب نیز همراه است، احتمال بروز مشکلات جدی تری را می تواند در پی داشته باشد.

### اختلاف در سطح ایمان و اعتقاد دینی

بدلیل تفاوتی که می افتد که یک زوج مسلمان به علت اختلاف در سطح اعتقاد، زندگی پر آشوب و ناراحتی را می گذرانند. گوئی که دختر مؤمن با یک پسر بی بند و بار ازدواج کند، از نظر لیبس پوشیدن، از نظر روزه گرفتن، نماز خواندن و یا معاشرت با دوستان شوهر و خانواده شل ناراحت سلت. او می تواند به اعتقاداتی که بدان پای بند است، جامه عمل بپوشاند و گاه اتفاق می افتد که شوهرش او را به انجام اعمال خلاف شرع نظیر عدم رعایت حجاب، دست دادن با مردان نامحرم و شرکت در جلسات لهو و لعب و نظایر آن وادار کند و در صورتی که طاعت نکند با او ناسازگاری کند و به او بر چسب هایی نظیر مرتجع و عقب افتاده بزند و چه بسا که زندگی را بری و تلخ سازد. همچنین خانواده هلی با نزاع و جدال در مواردی که شوهر به دین و رهی می آید و بیو بی و طب و نگ ریبی شنی نور هلی میبقی مشغول است، وزن باران مخالفتی کند، مواجه می شویم. هکی این حالت نیز صادق است؛ پس مؤمنی که با دختر بی بند و بار و به اصطلاح متجدد ازدواج می کند ، از رفتار و اعمال او لیبس پوشیدن و رنج می برد و اگر او را به اجبار به رعایت حجاب و سایر مسائل شوهر وادار کند، زندگی نزلت کننده ای خواهد داشت؛ چه بسا که خانواده های آنان نیز چنین اختلافی از نظر عقیده و رفتار داشته باشند و بالاخره پس از چند فرزند و سال ها تحمل ناراحتی، مجبور به طلاق و جدایی شوند.



### ب: آداب و رسوم در رابطه با ازدواج

در جوامع مختلف، آداب و رسوم متفاوتی را چه سنت. گاه عقیدت یا جامعه با عقاید جامعه دیگر در تضاد می باشد و این موضوع بخصوص در مسئله زناشویی قابل توجه است. در فرهنگ غرب اعتقاد به اصل آزادی جنسی آداب و رسومی را موجب شده است که با عقاید جوامع اسلامی مغایر است و با اعتقادات مسلمانان همخوانی ندارد. از جمله این آداب و رسوم می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- دست دادن زنها و مردها اعم از محرم و نامحرم؛

- معاشرت زنان و مردان نامحرم؛

- تشکیل جلسات لهو و لعب مختلط مرد و زن؛

- جدا شدن فرزندان از خانواده از 18 سالگی و گسیختگی رشته های عاطفی آنان با والدین؛

- اهمیت ندادن به صلح رحم؛

- عدم همیاری؛

- قطع ارتباط های خانوادگی.

با توجه به آداب و رسوم رایج در ممالک غربی و تضاد آن با سنن و آداب اجتماعی در ممالک اسلامی می توان نتیجه گرفت که ازدواج های زناشویی مشکلاتی را ایجاد می نماید. آداب و رسوم ده عوامل فرهنگی تنها از دید آداب و رسوم رایج، عواقب خوشایندی نخواهد داشت.

آداب اجتماعی اینچنینی که نه فقط باعث لجبازی و سنگین قدمتهای قلبیک

کشور متفاوت است و گاه در پیوندهای زناشویی مشکلاتی را ایجاد می نماید. آداب و رسوم ده با شهر، و آداب و رسوم اصناف و طبقات مختلف اجتماع با یکدیگر فرق دارد. لذا ضرورت دارد، و زندگی همه این موارد مورد توجه قرار گیرد. خانواده های سنتی اجازه نمی دهند که فرزند در حضور آنان آزادانه عمل کند. داماد یا عروس خانواده، چنانچه در حضور مادر

شوهر یا پرشوهر و یا پدر زن و مادر زن پایی خود را دراز کند و یا احیاناً نسنجیده سخن گوید، ناراحت می شوند و گاه این گونه رفتار به اختلاف و گله گذاری منجر می شود.

خانواده هابی که به اصطلاح متجدد هستند و فرهنگ غرب تقلید می کنند با خانواده های سنتی نمی جویند. طبق کواکب و متضعف از آداب و رسوم خاص خود پیروی می کنند. و این گونه طبقات آداب و رسوم فوی مطی ندارد. چهار زانو نشستن و استفاده از کلمات خصل و سخن گفتن و احیاناً دراز کشیدن و لم دادن در مجالس از آداب رایج است که به هیچ وجه این گونه رفتارها بر عی خانواده های فرنگی مآب قابل تحمل نیست و در نتیجه ازدواج های که در چند خانواده ها بی با آداب و رسوم متفاوت صورت می گیرد، برای زوجین و خانواده های آنان خشایند نیست و گاه به صورت مشکل حادی خودنمایی می کند که حلوت زندگی را از زن و شوهر می گیرد و خانواده های وابسته را نیز ناراحت می کند و به عکس العمل های ناخوشایند وا می دارد.

### نقش دیگر عوامل فرهنگی در ازدواج

#### لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت پنجم )



و قسمت قلی به مدله عقاید بینی و آداب و رسوم هر زوج که باید مد نظر زوجین قرار گیرد پرداختیم. اینک در ادامه به دیگر عوامل مؤثر در زمینه های فرهنگی می پردازیم...

#### ج- لباس پوشیدن و آراستن ظاهر

در از وچ مدله سلیق پوشیدن و آراستن ظاهر در رویض آنها بیوا حائز اهمیت است. چنانچه یک زن مؤمن محجبه با یک مرد بی بند و بار ازدواج کند؛ زندگی برای یک عمر برای او زجر آور خواهد بود. برعکس یک زن آرایش کرده بی حجاب نیز چنانچه با مردی متدین ازدواج کند؛ زندگی او با نواحتی و مجادله خواهد گذشت. خوشبختانه چون نحوه لباس

پوشیدن و آراستن ظاهر يك امر عيني است. بنابراین در این مورد بررسی و تصمیم گیری امر ساده نيست و هر سکی در نگاه اول مي تواند وضعیت خود را با طرف مقابل ارزیابی کند. قایل هر استکه در فرهنگ ایرانی مردن لم را مؤمن و پی بند و بار ، به ناموس خود اهمیت می دهند و غیرت مردانگی آنان اجازه نمی دهد که بدن همسر آنان عریان در معرض دید دیگران قرار گیرد و بخصوص روابط عاطفی با مردان دیگر داشته باشد. بنابراین دختران حرج باید این موضوع را در نظر داشته باشند و به خیال تجدد خواهی طوری عمل نکنند که وای جلب مردن و خودم ای ، حرکت جلف انجام دهند و لباس های نامناسبی بپوشند. آنچه در کنه ذات مردان با تعدیل های متفاوتی وجود دارد آن است که همسر آنان را آفتاب و مهتاب ندیده باشد.

### د- سنت های غیر معقول در زناشویی

بعضی از خانواده ها سنت های فرهنگی خود را حفظ کرده و آنها را به دیده احترام می نگرند و عمل می نمایند. از جمله سنت هایی ( خواه خرافی یا معقول) که در این زمینه مطرح است؛ عبارت اند از:

- مرد در خانه تصمیم گرفته ملت و زن باید ل و طاعت کند و به طور کلی مرد سالاری حاکم بر خانواده است.
- خانواده به دختر اهمیت نمی دهد و دختر داشتن يك نوع بدشانسی است. از يك مرد مخالف با دختر پرسیده شد که چند بچه داری گفت یکی، آن چهار دختر که به حساب نمی آیند!
- تحصیل دختران را ضروری نمی دانند و معتقدند که کار زنها بچه داری و خانه داری است.
- زنها را به صورت های مختلف تحقیر می کنند و آنان را به اسامی ضعیفه ، ناقص الایمان و نظایر آن می خوانند.
- مردها از گرفتن چند زن ابا ندارند.
- انجام ازدواج موقت برای مردان عیب نیست.
- زورگویی و دیکتاتوری به زن و بچه از مشخصات خانواده مرد سالاری است.
- بی بندوباری و فساد و دیر آمدن شوهران به خانه چندان مهم نیست؛ ولی کوچکترین خطا از سوی زن مصیبتی بزرگ است و به شدت با آن برخورد می شود.
- زنها را به عنوان موجوداتی که باید کار کنند و سهم نبرند؛ می شناسند.
- مرد در ثروت زن و مصف آن خا تک می کند و هیچ استقلال و شخصیتی برای زن قایل نیست.





- در بعضی از خانواده ها زن سالاری است و زن حاکم بر خانه است.

- او خانواده پدر سالاری که پدر بزرگ و پسران و دختران، عروسها و دامادها هر يك در يك یا دو اطاق ساکن بوده و همه با هم زندگی می کنند؛ استقلال عروس، داماد و بچه ها محدود و پدر بزرگ از موقعیت خاصی برخوردار است.

شوهرها یکی که هذکوشد بخشی از سنت های غیر معقول در خانواده هاست. دختر و پسری که بخواهند راجع کنند، بایستی در مورد خانواده مورد نظر خود تحقیق نمایند و در صورت موافقت بیاشد به آنچه گفته شد جلی خود را و خانواده مضی و زیدایی کند و چنانچه حاضر به پذیرش آنها نیستند از قبول همسر از چنین خانواده هایی امتناع ورزند.

#### ه - اعتقادات و باورها

علاوه بر اعتقادات دینی و مذهبی جنبه های دیگری را نیز در بر می گیرد که از نظر زندگی خانوادگی اهمیت زیادی دارد؛ بر بی خدایی که تمام هم و غمش توجه به لباس و تجملات و خودم لپی است، تحمل مردی که تمام اوقات خود را به مطالعه می گذراند و توجهی به لباس او و خودش و وضعیت خانه ندارد؛ مشکل است.

و زندگی هر فرد ارزش ها و ضد ارزش های فرهنگی نقش مهمی دارد؛ باید توجه داشت که کدام ارزش و عقیده خوب یا بد است. در اینجا آنچه مطرح است، اختلاف اعتقادات و باورها و ذائق آنها در زندگی خانوادگی است. این موضوع باید قبل از ازدواج مورد توجه قرار گیرد و فرد همسری انتخاب کند که اعتقادات و باورهای او به اعتقادات و باورهای وی نزدیک باشد. در این صورت آنها خواهند توانست با روش های منطقی بر اعتقادات و باورهای یکدیگر تأثیر بگذارند و اختلاف های جزئی را حل و ایجاد تفاهم نمایند.

#### وظایف مشاوران در امر ازدواج در رابطه با عوامل فرهنگی

1- مهترن وظیفه مشاوران در مورد دختر و پسری که متدین به دو دین متفاوت می باشند و قصد راجع دارند، آن است که آنان را با پیامدهای چنین ازدواجی آشنا سازند. دختر و پسر ممکن است تحت تأثیر مسأله ای حوئی به اهمیت اختلاف عقاید دینی توجه نکنند. مشاوران باید

محیطی فراهم کنند تا آنان علل ازدواج خود و جنبه هایی را که بدان توجه کرده اند ، بیان کنند. سپس همسر دیگری ز جمله لذت عقیده دینی را مطرح سازند و در این زمینه آنان هشدار دهند.

2- مشاوران باید دختر و پسری را که پیرو دو دین متفاوت می باشند، از نظر سطح ایمان در دینی که به آن اعتقاد دارند، بررسی کنند و چنانچه اعتقاداتشان عمیق و ریشه دار باشد ، آنان را به تغییر دین یا مذهب امیدوار ننمایند.

3- مسئله دیگری که مشاوران باید بررسی و اطلاعات آن را به چند دختر و پسر منتقل نمایند؛ مؤثر اختلاف عقاید بودن است. در بعضی موارد این اختلاف عقاید آنها است. ولی بعضی ادیان اختلاف جدی و حالت خصمانه نسبت به هم دارند؛ کمک مشاور در این زمینه می تواند در تصمیم گیری آنان مؤثر باشد.



4- پوند هسران متدین به دین و مذهب با سطح اعتقادی یکسان ، بهترین حالت ازدواج است. بنابراین مشاوران باید دختران و پسران را به این امر توجه دهند تا آنان در زندگی زناشویی از نظر تفویض و تقسیم مذهب رنج نبرند و توانند فرطی و مریسم دین را بطور مشترک انجام دهند.

5- و موری که پیرو دختر از نظر ایمانی و اعتقادی اختلاف دارند ، مثلاً یکی متدین و مؤمن و دیگری بی دین و بارو به صلح متجدد است ، وظیفه مشاور آگاهی دادن آنان به مشکلات بعد از زواج است. این امر چنانچه کاملاً توجیه و تفهیم گردد ، مطمئناً در تصمیم گیری آنان در جهت همسر گزینی تأثیر خواهد گذاشت.

6- در مورد اختلاف آداب و رسوم علم از این که در مجموعه یلو طبقه اجتماعی یک جامعه یا راجع به ساکنان قسمت های مختلف جغرافیایی یک کشور باشد ، مشاور باید دختر و پسر را از ظواهر و رسوم ریح گاهی ده دو اختلاف آداب و رسوم جمله ی طبقه اجتماعی هر یک را طرفین را مقایسه نماید . در صورتی که و این مقایسه اختلاف جدی و مشکل را وجود داشت؛ باید طرفین را به اهمیت موضوع توجه دهند.

تغییر ویژگی های فرهنگی و اجتماعی را به دلایل ریشه داری بین آنها بدین مشکل ملت . گاه این موضوع مسائل فرهنگی زوجین که از جمله یا طبقه اجتماعی متفاوت می باشند ، مشکلات جدی ایجاد می نماید .

7- موضوع لبس پوشیدن را دوجبه حلقی اهمیت است یکی این که پوشش زنان مرتبط با عقاید دینی است و دیگر این که از نظر اجتماعی واجد ارزش است .

بنا و این در ازواج نوه لبس پوشیدن نقش مهمی دارد که بایستی زوجین را بدان توجه داد . مشاوران باید در مسائل فرهنگی که برخلاف تعادلت و عادت ریشه در فرهنگ موردي را در زمینه ازواج نادیده نگیرند و به زوجین آگاهی و اطلاعات لازم بدهند .

8- در مورد رسم های غیر معقول و اعتقادات و باورها که نقش تعیین کننده در ازواج دارند ، باید مشاوران جداً وارد عمل شوند و در رابطه با باورها و سنت های که غیر معقول بوده و ممکن است شالو نوزادگی زن و شوهر را تحت نماید ، اطلاعات لازم بدهند و زوجین را در مورد عواقب بعدی آنها توجیه کنند .

**هوش علمی و منطقی IQ یا هوش عاطفی ؛ کدامیک در تداوم یک زندگی نقش اساسی دارند؟**

( قسمت اول )



کاربر محترم این مطلب در پنج قسمت ارائه خواهد شد.

میزان بهره‌ی هوشی برای توجیه تفاوت سرنوشت آدم‌هایی که از نظر تحصیلی، امید به آینده و فرصت‌های زندگی در وضعیت تقریباً یکسانی قرار دارند، معیار مناسبی نیست. هنگامی که نوپنج‌نوازی‌ها را که در دهه‌ی 1940 دانشجوی دانشگاه هاروارد بوده و اکنون به میان سال‌های رسیده بودند مورد بررسی قرار دادند، معلوم شد که تیزهوش‌ترین دانشجویان آن سال‌ها، و مقایسه با دانشجویان متوسط و قوی نبودند و به ویژه از لحاظ درآمد، پرکاری و ثمربخشی در وضعیت پایین‌تری قرار داشتند. آنها هم چنین از لحاظ رضایت داشتن از زندگی به‌تر از افراد نودندوویار تپاله با هوش، خانوار و روابط عاطفی و زندگی‌شان بدتر از افراد محسوب نمی‌شدند.

بهره‌ی هوشی افراد هیچ‌گونه اطلاعی در این باره نمی‌دهد که آنها در فراز و نشیب زندگی چگونه عمل خواهند کرد و مسئله همین جاست. هوش و استعداد تحصیلی هیچ‌گونه آمادگی و مهارتی برای جدل با ناملازمات زندگی یا استفاده از فرصت‌های مطلوب به دست نمی‌دهد. اما به‌رغم آن که بهره‌ی هوشی بالا هیچ نوع تضمینی و بی‌رفاه و تأمین مالی، اعتبار و شهرت اجتماعی یا خوشبختی در زندگی نیست ولی باز هم مدارس و فرهنگ ما بر هوش و استعداد تحصیلی افراد تأکید زیاد دارند و از شعور احساسی (یا هشیاری احساسی - عاطفی) که مجموعه‌ای از خصوصیات شخصیتی است و به همان اندازه در سرنوشت فرد مؤثر است، غافل هستند.

احساسات و عواطف همچون دروس ریاضی یا ادبیات، دارای اصول و فونونی اند که برخی در آن تبحر دارند و به‌ی هم و آن‌ها وضعی هستند. آن‌ها که شخص چقدر در این مهارت‌های عاطفی و احساسی خبره باشد، برای او سرنوشت ساز است. فردی که فقط از بهره‌ی هوشی (IQ) بالا برخوردار است (یعنی فاقد هشیاری عاطفی است)، تقریباً کلک‌ات‌وری‌یک آدم خردمند است. وی در قلمرو ذهن، چیره دست است ولی در دنیای شخصی خویش ضعیف می‌باشد. این امر در مورد زنان و مردان، کمی تفاوت دارد. مردانی که دارای بهره‌ی هوشی بالا هستند، در هیئت‌های هیگسترده‌ی غلانی‌شان - نه احساسی - مورد شناسایی قرار می‌گیرند. آنها آدم‌های جاه‌طلب، سودمند، قابل پیش‌بینی، لجوج، انتقادگر، فروغ، نازک‌نوازی و کم‌رو هستند که در روابط ناشویی خود راحت نیستند و از نظر احساسی سرد و بی‌عاطفه‌اند.

برعکس، مردی که از نظر هوش عاطفی قوی‌اند از نظر اجتماعی متعادل، شاد و سرزنده‌اند و هیچ‌گرایشی به ترس یا نگرانی ندارند. آنها ظرفیت چشمگیری برای تعهد و سرسپردگی به مردم یا اهداف خود، پذیرش مسئولیت و قبول چهارچوب اخلاقی دارند. آنها در روابط خود با دیگران، بسیار هوشمند و با ملاحظه‌اند و از زنگ‌های عاطفی‌شان و متغلبی برخوردارند. آنها با خود، دیگران و دنیا، اجتماعی‌تر از طرف خود بسیار راحت برخورد می‌کنند.

زنانی که فقط از بهره‌ی هوشی (IQ) بالا برخوردارند، اعتماد به نفس خوبی داشته، در بیان موضوعات عطفی رهنمون و دلبسته‌ی خود دقت کافی دارند و در این عطفی زیبایی‌شناسانه و روشنفکرانه‌ی زیادی اند. آنها افرادی درون‌گرا، مستعد‌نگرانی، فکر و خیال و گناه هستند و در ابراز خشم خود تأمل می‌کنند، اگرچه معمولاً آن را به طور غیرمستقیم نشان می‌دهند.



برعکس، زنانی که از نظر هوش عطفی قوی هستند و نتوانند احساسات خود را به طور مستقیم بیان داشته، رنج به خود مثبت فکر کنند. زندگی برای آنها معنا دارد و همچون مردان هم‌نوع خود، آدم‌هایی اجتماعی و گروه‌گرا هستند. سلب خود را به گونه‌ای مناسب ابراز می‌کنند و به خوبی از عهده‌ی فشارهای روانی بر می‌آیند. توازن اجتماعی این قبیل زنان باعث می‌شود تا به آسانی با آدم‌های جدید کنار بیایند، با خود راحت هستند، شاد و سلوخته خیال بوده، همواره پذیرای تجارب احساسی و هیجانی می‌باشند. آنها برخلاف زن‌های درونی‌بهره‌ی هوشی بالا (نوع خالص) به ندرت احساس‌نگرانی و گناه می‌کنند و کمتر غرق در اندیشه می‌شوند.

### مهارت‌های هیجانی عاطفی

هیجانی عاطفی را شامل پنج نوع مهارت دانسته اند:

#### 1- شناخت احساسات خود:

خودنگاهی یا تعین احساس در هم‌اکنون هر حاله قوی‌تر است، فهمیم و نگه‌داریم هیجانی‌های ظریف را شکل می‌دهد. فرد خودآگاه توانایی کنترل و اداره‌ی لحظه به لحظه‌ی احساسات را که نشان‌دهنده‌ی درک خویش و بصیرت روان‌شناسانه است، دارد و در نتیجه

کشتی‌زنگی را با مهارت بیشتری می‌تواند انجام دهد و خواهد توانست، شناخت واقعی بیشتری نسبت به شغل یا ازدواجی که می‌خواهد انجام دهد، داشته باشد.

## 2- کنترل احساسات:

کنترل و اداره هیولان احساسات و منطقی و به‌جا بودن آنها در هر موقعیت، مهارتی است که بر پایه هیولان خودآگاهی شکل می‌گیرد. یعنی فرد یاد می‌گیرد که چگونه خود را از شر اضطراب، افسردگی، کج خلقی و زودرنجی‌های شایع رهایی بخشد.

## 3- برانگیختن و به هیجان در آوردن خود:

ایجاد انگیزه و توانایی در لفظ و به تأثیر گذاشتن بر دیگران و سرکوب کردن هوس‌ها، زمینه‌ساز هر نوع مهارت و موفقیت است.

## 4- شناخت احساسات دیگران:

یک مهارت مردمی محسوب می‌شود و ریشه‌های وحدت و همدلی با دیگران است.

## 5- تنظیم روابط با دیگران:

هنر مراد و ارتباط با مردم، و مهارت کنترل و اداره هیولان احساسات دیگران است.

## نقش میزان تحصیلات در ازدواج

### لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت ششم )



در قسمت قبل به نقش عوامل فرهنگی در ازدواج پرداختیم اینک در ادامه می‌خوانیم...

میزان تحصیلات علاوه بر شکل‌دهنده شخصیت و بصورتی که بر رابطه بین‌کننده

وجه اجتماعی است.

احتمالات زیر را می‌توان درباره میزان تحصیلات زن و شوهر در نظر گرفت:

1- مرد دارای تحصیلات عالی است؛ ولی زن دارای تحصیلات متوسط یا کمتر است.

2- مرد و زن هر دو دارای میزان تحصیلات یکسانی هستند.

3- زن دارای تحصیلات عالی و مرد از تحصیلات کمتری برخوردار است.

4- مرد دارای تحصیلات عالی و زن بی سواد است ، یا تحصیلات اندکی دارد.

در حالت 1 و 2 مشکلی ایجاد نمی شود؛ ولی در حالت 3 و 4 غالباً زندگی زناشویی مواجه با ناسازگاری و در پاره ای موارد با هم پاشیده می شود. زنی که دارای تحصیلات عالی بوده، پزشک یا مهندس است، از نظر تفاهم با مردی که حداکثر تحصیلات ابتدایی دارد و مثلاً راننده یا لوله کش است تفاهم ندارد. مرد دنیا را به گونه ای می بیند و زن گونه ای دیگر. زن در مجالس و مهمانی، زمانی که شوهرش صحبت می کند و احتمالاً بیشتر کلمات را غلط ادا می نماید و به مطالب نخواستار نظیر مطرح می نماید، احساس ناراحتی و حقارت می کند؛ و در نهایت زندگی برای هر دو تلخ خواهد شد.

در حالت دوم که مرد دارای تحصیلات عالی و بی سواد یا کم سواد نیز همان وضعیت اول برای مرد وجود دارد. این حالت وقتی اتفاق می افتد که مرد در روستای خود در سن 18 تا 20 سالگی زنی که در دبستان درس می خوانده با یکی از دختران بی سواد روستایی خود ازدواج کرده و صاحب فرزند نیز شده است. سپس با توجه به استعداد و آمادگی ذهنی که داشته به شهر آمده و تحصیلات خود را تا مراحل عالی ادامه داده است. در چنین زندگی نیز فضایی شادی و مسرتی حاکم نخواهد بود.



لزم به یاد آوری سلسله کهنوع تحصیل مهم نیست. آنچه و ازواج مهم است سطح تحصیلات است. در عین حالچه ناچیز تحصیلات زن و شوهر ولی حوزه بلد؛ تفاهم زندگی بی بیشتر خواهد بود. به عنوان مثال ازدواج یک پزشک با یک پرستار بیشتر موفق خواهد بود؛ تا ازدواج یک پزشک با یک مهندس. معذرت می خواهم ازواج در مقام مقایسه با سطح تحصیلات بسیار کم اهمیت است. اهمیت سطح تحصیلات در ازدواج به قدری است که چنانچه تفاوت زیاد باشد، می توان گفت به ندرت سازگاری وجود خواهد داشت.

**مشاوره در امر ازدواج در رابطه با عامل تحصیل**

میزان توجه پدر و مادر در زندگی زناشویی است. بنابراین در انتخاب همسر باید مورد توجه قرار گیرد. مشاوران و رابطه با عامل تحصیل در امر همسر گزینی باید مراجعان را به اهمیت موضوع توجه دهند و در موارد مختلف به شرح زیر عمل نمایند.

1- با توجه به فرهنگ ایرانی چنانچه مرد تحصیلات بیشتری داشته باشد، در زندگی زناشویی مشکلی ایجاد نمی‌شود. معمولاً هدی‌انی که تحصیلات عالی دارند، میزان تحصیلات همسر خود را توسط متوسطه، و صورت هماهنگی سایر عوامل می‌پذیرند. بنابراین مشاوران و مورد مراجعان خود باید این نکته را مورد توجه قرار بدهند. مواردی دیده می‌شود که مرد با وجود داشتن تحصیلات عالی همسر خود را با تحصیلات متوسطه انتخاب می‌کند و مایل نیست که او تخصصی داشته باشد و خارج از خانه شاغل گردد. تمایلات دختر و پسر در مورد سطح تحصیل، در مشاوره همسر گزینی باید مورد توجه قرار گیرد. ولی به هر حال پایین تر بودن سطح تحصیلات دختر در مقابل پسر غالباً مشکل اساسی ایجاد نمی‌نماید.

2- دختر دارای تحصیلات عالی و پسر دارای سواد کم و یا تحصیلات در حدود متوسطه سلت. در این حالت ممکن است در زمان ازدواج به علت نکات مثبتی که در پسر وجود دارد، پیوند زناشویی انجام گیرد؛ ولی این تفاوت احتمال دارد به تدریج به علل اشتغال اجتماعی زن و اهل و بی نسبت به شوهر و برعکس لعل حقیقت شوهر در مقابل زن موجب اختلاف شود و زندگی شیرین زناشویی به کشتی روئی و خلاقی گردد. بنابراین مشاور باید علق بی این‌جانب را به پسر و دختر گوشزد کند و آنان را متوجه سازد که تفاوت سطح تحصیل بالاخره ممکن است زمینه‌ای برای اختلاف باشد و آنان باید در انتخاب همسر به این نکته توجه نمایند.



3- حالت دیگر آن است که زن یا شوهر پس از ازدواج درس خوانده و اختلاف سطح تحصیل ایجاد شده باشد و این امر موجب از هم گسیختن و یا به هم خوردن محیط گرم خانواده گردد. در این موارد مشاور باید شوهر را به زندگی پس از ازدواج مجدد و وضعیت زن اول و احیاناً



فرزندان قبلی او توجه دهد و با مقایسه دو حالت عدم ازدواج و ازدواج دوم او را به نابسامانی های حالت دوم متوجه سازد. وانگهی زن را در جهت تطبیق دادن خود با شرایط زندگی جدید شوهر ترغیب نماید و بالاخره زوجین را در جهت این واقعیت که از هم گسیختگی زندگی آنان شرایط بهتری را ایجاد نمی نماید؛ آگاهی دهد.

4- حاکم دیگر موردی است که زن پس از ازدواج تحصیلات عالی می نماید و به فکر جدایی و طلاق می افتد. در این حالت نیز مشاور باید با تشکیل جلسات مشاوره ای با زن و شوهر، به ویژه زن را متوجه زندگی بعد از طلاق و شوهر را در جهت هماهنگ ساختن خود با همسرش توصیه نماید.

5- دخترانی هستند با تحصیلات عالی که به علل مختلف با مردی کم سواد یا بی سواد ازدواج می کنند. هم موردی نگونه دختران و بالعکس پسرانی با این حالت، مشاور باید در انتخاب همسر، آثار اباهدیف رواج آشنا سازدو به آدلی بینش دهد که هدف ازدواج نه ترحم و ثوب لاری و ملتو ه افکرا غروا قی درجهت جلب رضایت والدین و یا حفظ موقعیت آنان. در این صورت مسلماً این گونه دختران و پسران تن به چنین ازدواج هایی نخواهند داد و نتیجه بانوالختی های بعد ازواج یا باطلاقو زا هم گسذ نگیانوادمواجه خواهند شد.

### گفت و گوی دختر و پسر قبل از ازدواج



از مهم ترین و مؤثرترین راه های شناخت یکدیگر قبل از ازدواج صحبت و گفت و گوی رو در روی دختر و پسر است. لازم و ضروری است که دختر و پسر، " مذاکره ی مستقیم " داشته باشند و وظیفی را لم و بونخف و قدرل ازطفد یگرن مسائل و ظرلتخود را برسی کنند. اینگف وگو باید خونسدانه و با آمادگی قبلی باشد. بین تصمیم گفت و گو و اجمل، باید فضلله بلد تلطرفن بوانددخود را لماده کنند و آنچه را می خواهند مطرح کنند، یادداشت نمایند.

اگر این مذاکرات ، چند جلسه و با فاصله ی زمانی بین جلسات باشد ، بهتر است . به طور کلی ، هرچه " وقت " نیاز دارند ، باید در اختیارشان گذارده شود .

یکی از فایده های مهم این گفت و گوها این است که : از سخنان شخص و صحبت با او ، می توان تا حد زیادی به مکنونات درونی اش پی برد و از احوال و صفاتش آگاه شد .

### امیرمؤمنان (ع) در این باره می فرماید:

" اشد هرچه را در لی و هوش پنهان کند ، از لثی هیز بان و حاک های چهره اش آشکار می شود! "

این یکی از اصول روان شناسی است که امام به این گونه بیان فرموده اند که : مسائل پنهانی و لول درونی انسان ، گاهی از زبان او می پرد و گاهی قیافه و حالات چهره اش به آن گواهی می دهد . و این دریچه ی خوبی برای راه یافتن به درون و ضمیر باطن اشخاص است .

پول و مادران - که سعادت فرزندان را می خواهند - باید آنان را در این مسئله ی مهم یاری کنند و زمینه ی انجام آن را فراهم نمایند و آرامش لازم را برایشان به وجود آورند . مبادا - خدای ناخواسته - از این کار جلوگیری کنند و تعصب بی جا به خرج دهند . این گفت و گو ، از نظر للام و عل ، پسندیده است . مبادا ل اسلام ، دفع توشیم و از پیمو کرم ، مدله ن تر! بسیل دیده ایم که پرو ما و نخو ، ل این گفت و گو ممانعت می کنند و این کوشش را به حسب للام و غیت می گذارند! در صورتی که اسلام و غیرت ، حکم می کند که وسائل سعادت و خوشبختی فرزندان را فراهم کنیم . و این گفت و گو ، در سعادت و تفاهم بین زن و شوهر ، تأثیر به سزایی دارد .

### دستور کار جلسه!

موضوعات قابل طرح در این گفت و گو و مذاکرات ، مختلف است ؛ زیرا افراد ، عقیده ها ، آرمان ها ، هدف ها و خواسته های آنان ، گوناگون هستند . اما بعضی از مطالب ، عمومی است و لازم است مطرح شود و روی آنها مباحثه صورت گیرد . بنابراین بعضی از آنها را بیان می کنیم تا جوان بتوانند از آنها به عنوان "دستور کار جلسه !" استفاده کنند:

### 1- بیان خط مشی کلی زندگی آینده



## 2- گفت و گو درباره اهداف آینده :

بین هدف هلی که قصد دارند در زندگی آینده شان دنبال کنند. هدف ها و آرمان های علمی ، اخلاقی ، اجتماعی ، شغلی و...

3- بیان صادقانه صفات و اخلاق و خصوصیات خود

4- بیان خواسته ها و انتظارات طرفین از یکدیگر

5- بیان نظرات خود درباره ی چگونگی برخورد و رفتار و رابطه با خانواده و بستگان و خویشان یکدیگر

6- طرح نظرات خود درباره ی شیوه ی تربیتی فرزندان آینده

7- بیان عیب ها و نواقص و بیماری های خود (دقت!)

گو نذ توپسر، بیموی اعب و نقدی درند صلفانه و بون کوزیه به یکدیگر

بگویند؛ زیرا:

**اولاً:** اینکار، و لجب است و پرده پوشی و مخفی کردن عیب ها ، " تقلب " و " تدلیس " و " کلاه گذاری " و " خیانت " محسوب می شود و حرام است.

**ثلیاً:** اگر ل اول گفته شود، طرف مقابل ، یا او را با همان عیب می پذیرد و یا رد می کند .

اگر پذیرفت ، خود ابروی خلی آن آمهی کند و اورا اندانیدادق و پت قلب و با

شهنک می بید و مشق را بهل می گود و خود را ه آینه " فوب خورده " حساس

نواهد کرد . لما اگر گفته نشود و بدون آگاهی طرف، وصلت صورت گیرد، در آینده از آن

عب و صتیق بلخر خواه شد خود را " فریخورده " و " خسد لئیده " و هسر و

خلواده ی او را " فریبکار " و " خیلنکار " می یند ... و نآ گا ه مشکلفه لوی بهار

خواهد آمد. محبت همسر از دلش بیرون می رود و کینه ی او را به دل می گیرد ؛ زیرا انسان

نمی تواند فردی " فریبکار " را دوست داشته باشد. اگر همین عیب و ایراد را قبلاً صادقانه به

او گفته بودند، ممکن بود بپذیرد ، اما حالا مسئله فرق می کند.

## توجه!

بعضی از عیبه‌ها و بیماری‌ها و اشتباهات گذشته، که هیچ ربطی به حقوق همسر و زندگی آینده ندارد، لازم نیست بیان شود.

اگر عیو و اشتباهی بوده یا هست و نمی‌دانید به حقوق همسر و زندگی آینده مربوط می‌شود تا بیان کنید، یا مربوط نمی‌شود تا بیان نکنید، در چنین حالتی با "راهنمایی دانا" مشورت کنید.

## شروط و خواسته‌های "ناحق" را نپذیرید!

گاهی مشاهده می‌شود که دختر و پسر قبل از ازدواج شرط‌ها و خواسته‌هایی را برای هم مطرح و بر یکدیگر تحمیل می‌کنند که نایق است و طرف را از حقوق مسلم و حتمی خود محروم و از او سلب اختیار می‌کند.

این شرط‌ها و خواسته‌هایی را به هیچ وجه نباید بپذیرفت. اختیارات و حقوقی را که خداوند به هر کدام از مرد و زن داده است، نباید با پذیرفتن شرط از دست داد. با خود نگویند: "غلامی بپذیرم اما جدا علی نمی‌کنیم." زیرا پذیرفتن شرط تعهد می‌آورد. "المومنون عند شروطهم" مؤمنان باید به شرط هایشان عمل کنند.

اختیار و حقوق مرد و زن به دو گونه است: "مسلم و واجب" و "غیر واجب". درباره‌ی غ و واجب‌ها می‌شود گفت و با شرط از آنها صرف نظر نمود. اما حقوق و اختیارات مسلم و واجب را نباید به کسی واگذار کرد. خداوند از روی حکمت و مصلحت آنها را واجب کرده است و دست‌انداز آنها را خلاصه‌گفت و مصلحت است و به زندگی لطمه می‌زند و زندگی را از مسیر طبیعی خود منحرف می‌کند.

## اهمیت هوش عاطفی در حفظ پیوندهای زناشویی

### هوش عاطفی و منطقی یا هوش عاطفی (قسمت دوم)



در هفت قلبی به بررسی تفاوت هوش علمی و هوش عاطفی و مهارت های هشیاری عاطفی پرداختیم . اینک در ادامه می خوانیم...

روند متداول ازدواج و طلاق باعث می شود هوش عاطفی بیش از پیش اهمیت پیدا کند. خطر افواش طلاق بیشتر متوجه زوج های تازه ازدواج کرده است. طی سال های اخیر، پیوندهای عاطفی میان زن و شوهر و نیز مرزهای گدل عاطفی که می توانند بنیان زندگی را از هم بشکافند، با دقتی بی سابقه مورد بررسی قرار گرفته اند. شاید بزرگ ترین پیشرفت برای فهم عواملی که یک زوج را حفظ می کند یا آن را از هم می پاشد، با استفاده از ابزارهای دقیق فزونی و روشی حاصل شده است. این ابزار هلدیبه لحظه به لحظه تفکرها و نظریات حساسی میان زن و شوهر را میسر ساخته اند. اکنون دانشمندان قادرند کوچک ترین تغییر و تحول و میزانی آونالین یا فشار خون یک شوهر را تشخیص دهند و جزئی ترین عواطف را و چهره های یک زن مشاهده کنند. این اندازه گیری های فیزیولوژیک، نوعی تفاوت بیولوژیک پنهان را به عنوان مثال بروز اختلاف میان زن و شوهر آشکار می کند؛ یک اختلاف سطح hormonal و قلبی هلدیبه عاطفی، که بر زن و شوهر ناخسوس است یا مورد بی توجهی واقع شده است. این اندازه گیری ها همان نیروهای عاطفی را که قادر به حفظ یا نابودی یک رابطه مشترک اند، در معرض دید قرار می دهند. مرزهای عاطفی، تفاوت میان دنیای عاطفی دختران و پسران را نشان می دهد.

و بدیلهی رله تله های زناشویی مشاهده می شود که مرد از خواست های « غیر منطقی زن شکایت می کند و زن از " بی تقویتی " مرد نسبت به آنچه او می گوید ناله سر می دهد. ریشه ی این تمایزات عاطفی را، علیرغم آن که بخشی از آن ممکن است بیولوژیک باشد - می توان در دوران کودکی و تفاوت نیای عاطفی که دختران و پسران در آنها رشد می کنند، ردیابی نمود. چرا که به دختر و پسر در مورد کنترل عواطف خویش درس های بسیار متفاوتی داده می شود. به دختران راجع به عواطف اطلاعات بیشتری داده می شود تا به پسران و با پسران بیشتر در مورد نتایج احساساتی مانند خشم، صحبت می شود.

« لدیلهی برودیم» و « جودیت هال» که در زمینه ی تفاوت های عاطفی میان دو جنس مذکر و مؤنث تحقیق می کنند اظهار می دارند که چون دخترها در به کارگیری زبان خیلی سریع تر از پسران سوهامه رله پیدای می کنند، بنابراین با فصاحت بیشتری می توانند احساسات خود را بیان کنند و همچنین بهتر از پسران می توانند واکنش های عاطفی را جایگزین جنگ های تن به تن کنند. برعکس، پسران چون هیچ تأکیدی بر توصیف احساسات خود ندارند احتمالاً از وضعیت عاطفی خود و دیگران بی خبرند. لپسران انتظار می رود که در موقع زمین خوردن گریه نکنند و باخروج خود از زمین بوی اجازه بدهند که بی ادامه یابد، اما دخترها بازی را برای کمک به فرد صدمه دیده متوقف می کنند.



از همین رو پسرها از جانب هر چیزی که استقلال آنها را به مبارزه بطلبد تهدید می شوند، در حالی که دخترها با بروز گسیختگی در روابطشان مورد تهدید قرار می گیرند. «دیواتانن» اشاره کرده است که این تفاوت دیدگاه ها بدین معنی است که زنها و مردها از یک گفت و گو چیزهای کاملاً متفاوتی انتظار دارند. مردها به صحبت درباره ی «مسائل» قانع اند، در حالی که زن ها در جست و جوی روابط عاطفی اند.

صها تحقیق نشان می دهد که سی همدلی زن هلدی قوی تر از مردهاست. آنها حداقل خیلی بهتر از مردها می توانند اضطراب قهوه، لحددا و دیگر اهدم غ پرکلاپی به اهدلدک درونی دیگران پی ببرند. به طور کلی زن ها هنگامی که وارد زندگی زناشویی می شوند برای ایفای نقش مدیریت عواطف و احساسات کاملاً تعلیم دیده اند، در حالی که مردها از اهمیت این امر برای حفظ بقای رابطه ی زناشویی درک کافی ندارند. تحقیقی که بر روی 264 زوج انجام گرفت نشان داد که راسی مهم ترین عنصر برای زنان – نه مردان – در رضایت از روابط است که «رابطه خوبی» با شوهرش داشته باشند. «تدهوستون» معتقد است که از دیدگاه زن ها، صمیمیت و نزدیکی یعنی گفت و گو راجع به مسائل، به ویژه در مورد رابطه ی زن و شوهر، اما مردها روی هم رفته درک نمی کنند که زن هایشان از آنها چه می خواهند. آنها می گویند: «من از او می خواهم که به اتفاق هم کاری انجام دهیم ولی همه ی کاری که او می خواهد انجام بدهیم این است که بنشینیم و حرف بزنیم». «هوستون» دریافت کرده است که هر دو طرف در رابطه ی زناشویی قبل از توافق بر روی مسائل بصری و ایجضمیمیت با همون خود دراز، اما به ضعی آن که زوج می کنند و وارد زندگی مشترک می شوند (به ویژه در زوج های پسنی) ونگ کمتری صوفصدب کرد زبا همسرشان می کنند.

انسیکت فایده نیل از انسدله بلکه ود ل باخوش بوی بیقی به زگی زناشویی خود نگاه می کنند. اما زن ها در کل و به خصوص در ازدواج های ناموفق، بیش از شوهران خود به گله گزاری می پردازند. حالا چگونه می توان این شکاف عاطفی را در هنگام بروز اختلاف نظرون ضایتی که هر دو رابطه ی زناشویی بیول طبیعی است، بررسی

کرده؟ درجه بقبضوعتاضل ملته دادد فك راطه يزند ثويي نو هيتربيت  
 وزندل، يامقدر سب لداز و قرض هيچ كدام نمي توانند باعث تحكيم يا متلاشي شدن پيوند  
 زناشويي شوند، بلكه عاملي كه سرنوشت يك زندگي مشترك را رقم مي زند اين است كه زن و  
 شوهر چگونه راجع به رنجش ها و دلخوري ها و مسائل آزار دهنده ي فيما بين ، بحث و گفت  
 و گو مي كنند. حتي توافق در مورد اين كه چگونه مخالفت خود را ابراز كنيم مي تواند راهي  
 بري بقبلي زندگي زناشويي باشد. زن و شوهر بايد در هنگام برخورد با احساسات و عواطف  
 سخت و انعطاف ناپذير يكدیگر ، بر تفاوت هاي دروني مربوط به جنسيت خود غلبه كنند.

## تأثير عوامل اقتصادي در ازدواج

### لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت هفتم )



در قسمت قبل به نقش ميزان تحصيلات در ازدواج پرداختيم . اينك در ادامه مي خوانيم ....  
 مدالی اقصيي مي تواند عالی اخلاف و زندگي ز نشويي بشلد . بعدا مختلفي كه در اين  
 زمينه مطرح مي شود؛ عبارت اند از:

1- مسكن؛

2- وسائل زندگي؛

3- هزينه هاي رفاهي و معيشتي.

هر يك را مكلت فوق برزندگي نشق مهي دارد كهنبودي اكهبود آه اي واند عمل  
 اختلاف و ناخشنودي گردد.

نكته مهمو اينجا آن است كه لختلاف سطح اقتصادي در دو خانواده كه قصد ازدواج دارند،  
 بايد مورد توجه قرار گيرد. پسر جواني كه در يك خانواده فقير بزرگ شده و فرضاً تحصيلاتي  
 هم دارد، مي تواند زياد با خانواده مرفهراقناعند. ان نخر و يزندگي پيا  
 لكاند زياد بزرگ شده و توقعاتي كه در خانه شوهر دارد در همان سطح است و چون چنين

وضعیتی در آن شوهر خواهد بود ، ثلث، طمأنینه و نواحتی وجود دارد.  
 بنا بر این بید و زمینه ملکات مالی و عرفاً مخلوطه و زمینی انقباض هر توجه خاص  
 مبذول گردد.

### 1- نقش مسکن در زناشویی

نقدن عملی که و مدله ازدواج مطرح می شود ، عالی مسکن است. هر خانواده به یک  
 واحد مسکن مستقل نیاز دارد. داماد یا عروس سرخانه شدن ، یا زندگی مشترک با خانواده  
 پسر ماوند پیش از آنکه هی آنها و دیگر خویشاوندان ، و در نهایت اختلاف و  
 نگرانی است. از آنرو قبل از ازدواج، باید موضوع مسکن حل شود. بیشتر زوج های  
 جوان و پسران ترجیح می دهند و لو بویک طلق ، مستقل زندگی کنند. بنابراین منظور از  
 مسکن، داشتن آپارتمان یا خانه بی مجلل نیست. البته اگر امکان مالی باشد، مانعی ندارد. اما در  
 حالتی که وسیع مالی نباشد ، آنچه مهم است استقلال در مسکن است؛ و لو بویک آپارتمان بسیار  
 کوچک و یا به صورت استیجاری.

بعضی از همسران طرار دارند با پدر و مادر و یا اقوام دیگرشان در یک خانه زندگی  
 کنند و برخی از آنها حتی این مورد را جزء شرایط ازدواج خود قرار می دهند. در این مورد  
 باید بررسی لازم به عمل آید و به این مسئله توجه شود که در نهایت چنین وضعی به ناراحتی  
 و اختلاف منجر خواهد شد. بنابراین طرفین باید سعی کنند این سنت ها یا شرایط را بشکنند و  
 از گام اولی چنین مشکلی پرهیز کنند و در نهایت و لو نباید قبول چنین  
 شرایطی، امتناع ورزد.

### 2- وسایل زندگی

در ابروم معمول دختر جهیزیه بی شامل و بی زندگی بلخود بخانه بخت می پرد.  
 چنانچه شوهری مددکم بونچه زیاده بفری کند و آنرا وسیله ای بری تغییر  
 هوش قرار دهد زمینه ناسازگاری را فراهم می آورد. باید زوج را با سادگی شروع  
 کرد و صرفاً وسایل اولیه را تهیه نمود. آنچه مهم است صفا و صمیمیت و هماهنگی اخلاقی و  
 فرهنگی است. درست است که اقتصاد در زندگی نقش مهمی به عهده دارد، ولی نباید اساس و  
 پایه زندگی زناشویی قرار گیرد.

وسایل زندگی را می توان به دو بخش تقسیم کرد. وسایل اولیه و ضروری و وسایلی که جنبه  
 رفاهی و تجملی دارد. بعضی خانواده ها با وسایل عادی نظیر یخچال و تلویزیون و فرش های  
 ارزان یا متوسط قیمت و سایر وسایل مورد نیاز، زندگی را می گذرانند. ولی برخی دیگر  
 زندگی لوکس و مرفه و وسایل مدرن و گرانبها در اختیار دارند و همیشه از آخرین مدل لباس  
 ، اتومبیل و مبلمان ، فرش های گران قیمت و وسایل خارجی و تجهیزات تفریحی و ورزشی  
 استفاده می نمایند. دختر و پسر جوانی که در دو زندگی متفاوت بزرگ شده اند، سازش آنها در  
 زندگی جنبه تصادفی دارد و احتمالاً با مشکلاتی مواجه خواهند بود. پسر جوانی که درآمد کافی



برای تهیه وسایل و هزینه‌های زندگی بر روی خود چنین خانواده‌ای ندارد؛ دیر یا زود مورد اهانت و اعتراض همسر خود قرار می‌گیرد و چه بسا که زن، خانه و کاشانه خود را ترک کند و شوهر را تنها بگذارد یا او را در فشار روانی یا عدم سازش قرار دهد و یک عمر زندگی را در اوج تلخ و نشا سازد. با وانی قبل از ازدواج و انتخاب همسر شرایط زندگی او مورد توجه قرار گیرد.



### 3- هزینه‌های رفاهی و معیشتی

و جملهاً تماماً تأمین هزینه‌های زندگی به عهد و شوه سلت. بعضی از دختران ملاک ازدواج امر اول و آمد پسر قرار می‌دهند تا بتوانند هزینه‌های زندگی را در یک سطح عالی تأمین نمایند. گاه توقع‌های موهجی شوکه‌شده بوجود دانشگاهی اطمینان، از ازدواج ضد شود. بنا بر این توقع‌ها باید وحدت‌آمی پسر و سعه‌امی او باشد و خود و هوقلی از زوج، شرایط شغلی و آمد و توقع همسر خود را در نظر بگیرند و در انتخاب همسر با آگاهی و بصیرت تصمیم‌گیری نمایند.

### ریشه اقتصادی اختلاف‌های زوجین

- 1- نداشتن مسکن و ناراحتی زوجین از اجاره نشینی یا سکونت در محل‌های نامناسب.
- 2- همد زنی که بردنی‌لی صنعتی و یا نیمه صنعتی وارد بازار کار شده‌اند، برای خانواده مطرح سلت؛ و از آنجا که تأمین هزینه خانواده و نفقه زن بر عهد مرد است، اکثر اوقات بین زن و مرد در هزینه کردن درآمد زن اختلاف وجود دارد؛ و گاه مشاجره و ناسازگاری در پی می‌آورد.
- 3- چون زن به وقت خود را در خانه می‌گذراند و به علاوه کار آشپزی و نظافت و سایر لهرخانه به عهد او است لذا رغبت زیادی به استفاده از وسایل مدرن نشان می‌دهد و فشار زیادی برای خرید آنها به شوهر وارد می‌کند و چون غالباً تهیه آنها برای شوهر میسر نیست، اختلاف و ناسازگاری پیش می‌آید.

- 4- بالا بودن هزینه های زندگی و احتمالاً مهمانداری از خانواده های وابسته.
- 5- شوهرانی که به خاطر ثروت زن با وی ازدواج کرده اند و در عمل زن ثروت خود را در اختیار آنان نمی گذارد.
- 6- رفاه طلبی بعضی زنان که بدون توجه به درآمد شوهر به خریدهای غیر ضروری می پردازند.
- 7- زنان بد رفتار که قندک صوفیه چپو بی لآن طح نیت و در مهملی و صوفی و ق و ترف و سایر امور دنیوی به جای بی به خانواده تحلی می کنند، موجبات نارضایتی و در نتیجه ناخشنودی همسر خود را فراهم می کنند.
- 8- شوهری که زیر بار هزینه های خانواده، کمرش خم می شود؛ مجبور است به شغل دوم و سوم روی آورد و نتیجه هتیه خست و صبدانی نسله ؛ و ممکن است در خانه با مردک بهانه بی به رفتارهایی خدویت مانوس می گردد. این امر اثرات سوء تربیتی روی فرزندان می گذارد. در خانواده های دو شغله اعم از این که زن شاغل دو شغل باشد یا مرد، مشکلات زندگی بیش از خانواده یک شغله است.
- 9- تعالی بوجه و کتول مخلخ خانواده درز ندگی زندوپی نشق مهی ایفا می کند. زیاد خج کونو و گرفتاری های ناشی از آن، صمیمت را در خانواده از بین می برد و باعث راهم گدی خ خانواده می گردد. بدو ان باید هزینه ها تحت کنترل باشد. این که چه کسی این کار را انجام دهد، زن یا مرد، به توافق و قدرت مدیریت اقتصادی آنان بستگی دارد.
- 10- مخفی نگاه داشتن درآمد زن و شوهر از یکدیگر.
- 11- در کشور ما پدر و مادر تا پایان عمر به فرزندان خود وابسته اند. یکی از موارد وابستگی آن است که چنانچه در زمان پیری از کار افتاده و از نظر مالی در مضیقه باشند، از فرزندان خود توقع کمک دارند؛ و شرعاً نیز نفقه پدر و مادر نیازمند و از کار افتاده به عهده فرزند پسر است. در چنین حالتی پدر یا ختو مؤلف است هزینه زندگی پدر و مادر پیر خود را تأمین کند. گاه هسر ل تزه به دوران رسیده و یا کم ایمان، در قبال این کمک بنای ناسازگاری می گذراند و اظهار می دارند که همسرشان نباید از دهان بچه ها بگیرد و خرج پدر و مادر خود کند. در این موارد باید حد تعادل حفظ گردد و در صورت ضرورت برای قانع کردن و توجیه همسران از مشاوران و روحانیون کمک گرفته شود.

### وظایف مشاوران در قبال مشکلات اقتصادی خانواده

شور و قبل مشکلات ازدواج و مسائل اقتصادی خانواده پیش از هر چیز باید جنبه های روانی امر را و نظر بگیرند و واقعیتها و شرایط موجود را مورد توجه قرار دهند. اهم فعالیت هایی که مشاوران در این زمینه می توانند انجام دهند به شرح زیر است:

1- خ ترو پيوي كه صفه زو پوچر لند ، بايد دجريان ملكه ماليه قوت قصادي يكدیگر قرار گیرند. آنچه در وهله اول اهمیت دارد وضع مسکن و میزان درآمد ماهانه پسر می باشد که دختر باید اطلاعات لازم را در این مورد کسب کند. یکی از مواردی که دختران را به نسلزگاری می کشاند، آن است که پسر قبل از ازدواج ، خود را صاحب امکانات معرفی کند و بعد زاد و پوچ مشغول می شود که پو آه و بدظن دارد. از همان زمان، پایه ناسازگاری و عم ظمینل گذاره می شود. زگی کهره پو عد صداقت گدله شه فجام هیي نواهد دنگت. مشاوران باید در مورد اهمیت بررسی وضعیت مالی پسر و میزان صداقت او طاعت لازم را به دختر بدهند و به آنان متذکر شوند که با تحقیق کافی در این زمینه تصمیم بگیرند.



2- خانی که شاغل است و درآمد ماهانه دارد قبل از ازدواج باید وضعیت خود را با همسرش روشن کند. او باید مشخص سازد که درآمد شخصی خود را در اختیار شوهر خواهد گذاشت یا خیر. این موضوع موجب خواهد شد که همسرش سبب ازدواج و ان مورد توقع بی جا نماندند باشد. جعی را شوهران طوبه ادامه تحصیل یا کار همسرشان در خارج از خانه نیستند. این مسائل باید قبل از ازدواج مشخص ، و جزء شرایط عقد ملحوظ گردد. در این زمینه مشاوران باید اطلاعات لازم را به مراجعان خود بدهند.

3- پو ضی از خانواده ها اولن عاملی که و زندگی زناشویی مورد توجه قرار می دهند، میزان درآمد و ثروت طرف مقابل است. توجه افطی به این عامل و نادیده گرفتن عوامل دیگر بنگرند ازدواج او مدیك لدوالمی سازد و به احتمال زیاد ناهماهنگی های اخلاقی و فرهنگی را پدید می آورد و موجب اختلاف و ناشادی در زندگی زناشویی می شود. وظیفه مشاوران این است که به مراجعان خود در مورد مسائل اقتصادی ازدواج ، آگاهی دهند

و در عین حل اهمیت عوامل دیگر را نزیبه آنرا تفهیم نمایند؛ و متذکر گردند که مسائل اقتصادی نباید موجب شود که اهمیت عوامل دیگر را مورد غفلت قرار دهند.

4- مشاوران باید اطلاعات لازم را در مورد عوامل اقتصادی که موجب اختلاف و ناسازگاری می شود، و رفتار زوجین قرار دهند. جمله مورایی که با بدخلمها بدین توجه نمایند عبارت اند از:

- پایین آوردن سطح توقع در حد درآمد خانواده؛

- جلوگیری از اسراف و هزینه های غیر ضروری؛

- تنظیم هزینه ها بر اساس درآمد بدون تحمیل شغل دوم و سوم به همسر.

مشاوران باید قبل از ازدواج حدود توقعات و شرایط زوجین را از نظر مالی بررسی نمایند و قیده انجام ازدواج را محدود به توانایی نملیند که فاصله در این زمینه زیاد نباشد. در این حالت با تشکیل جلسات مشاوره ای و توجیهی، امکان هماهنگی وجود خواهد داشت.

## تأثیر عوامل اخلاقی و روانی در ازدواج

### لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت هشتم )



در قسمت قبل به نقش عوامل اقتصادی در امر ازدواج پرداختیم. اینک در ادامه می خوانیم...

عوامل مؤثر در ازدواج هر یک در جای خود مهم است؛ ولی مهمتر از همه، عوامل اخلاقی و روانی است. بسیاری از کسانی که ازدواج هایشان از هم گسیخته است؛ علت را عدم توافق اخلاقی ذکر می کنند. هر چند ممکن است این سرپوشی برای

پوشاندن سایر عوامل باشد ولی واقعیت این است که "عدم توافق اخلاقی" محکمترین ضربه را بر پیکر خانواده می زند.

عوامل اخلاقی و روانی که در ازدواج نقش مؤثر دارند ، به دو دسته تقسیم می شوند:

### الف: عوامل توفیق و حفظ زناشویی

عوامل اخلاقی و روانی متعددی در توفیق و حفظ زناشویی مؤثرند، و باید قبل از ازدواج در انتخاب همسر مورد توجه قرار گیرند. مواردی دیده شده است که خصوصیات اخلاقی افراد تحت تأثیر پیشآمدها و مشکلات زندگی تغییر کرده و زندگی شیرین خانوادگی به تلخی و تباهی کشیده شده است. بنابراین ثبات در ویژگی های اخلاقی و شخصیت از عواملی است که در ازدواج نقش مهمی به عهده دارد.

عوامل توفیق در زناشویی علاوه بر آن که در انتخاب مهم است ، در حفظ و تداوم زندگی نیز اهمیت دارد. از این رو فردی که همسر مناسبی اختیار کرده ، باید متوجه باشد که بزرگترین نعمت در زندگی نصیبش شده است. او باید در نظر داشته باشد که نگهداری و حفظ نعمت ، از به دست آوردن آن مهم تر و مشکل تر است.



### مهمترین عوامل توفیق و حفظ زناشویی:

**1- حوصله و بردباری:** حوصله و بردباری در زندگی زناشویی از اهمیت خاصی برخوردار است. کسانی که در قبال مسائل خانوادگی و اختلافات بین خود و همسرشان حوصله به خرج نمی دهند و پس از کوچکترین موضوع مورد اختلاف ، عکس العمل نشان می دهند ، زندگی زناشویی را به طرف ناسازگاری و ناشادی پیش می برند.

**2- صمیمت و صداقت:** پایه و اساس زندگی خانوادگی است. چنانچه زن و شوهر مطالبی را از هم پنهان کنند یا به دروغ متوسل شوند، اعتماد و اطمینان آنان از یکدیگر سلب می شود و زندگی زناشویی با مشکل مواجه می گردد.

**3- خلوص:** منظور از خلوص ، سادگی ، پاکی و بی آلاچی است. اگر بین زن و شوهر ریا و تظاهر حکمفرما باشد ، زندگی صفا و صمیمیت خود را از دست خواهد داد. ریاکاری و تظاهر به مهربانی و صداقت بدون آن که واقعیت داشته باشد ، بنیاد زناشویی را سست خواهد کرد.

**4- مهربانی:** زن و شوهر باید یکدیگر را دوست داشته باشند؛ و نسبت به هم مهربان باشند؛ در غم و رنج یکدیگر شریک ، و در همه حال یاریگر هم باشند.

**5- از خود گذشتگی:** در زندگی زناشویی چنانچه گذشت نباشد زندگی به سختی می گذرد. بنابراین زن و شوهر باید در مقابل یکدیگر گذشت داشته باشند و وضعی پیش نیاورند که با لجابت ، زندگی را بر خود تلخ کنند. همسران خوشبخت سعی می کنند در همه امور زندگی و باورهای خود هماهنگ باشند. زن و شوهری که در موارد اختلاف ، از خود گذشت نشان می دهند و خطاهای یکدیگر را تحمل می کنند ، در جهت سعادت و زندگی شاد و شیرین زناشویی پیش می روند. چنانچه روابط بین همسران صمیمانه باشد، هیچ کدام از طرفین انتظار ندارد در ازای از خود گذشتگی، چیزی دریافت دارد. این امر نشانه عشق و صمیمیت زیاد بین آنهاست. فقط زوج های ناموفق در اندیشه جبران خوبی های خود هستند.



**6- صمیمیت:** صمیمیت حالتی است که بین زن و شوهر پرده و حجابی نباشد. آنچه در دل دارند بگویند و یار و غمخوار یکدیگر باشند و در این زمینه از صمیم قلب عمل کنند. صمیمیت اینه ای است که آنچه در ذهن و رفتار است در آن منعکس می شود. صمیمیت همیشه با نرمی همراه است و حتی اعتراض و خشونت چنانچه با صمیمیت همراه باشد مشکلی ایجاد نخواهد کرد.

**7- اعتماد و اطمینان:** یکی از پایه های مهم زندگی شاد و خوشایند، اعتماد و اطمینان زن و شوهر نسبت به یکدیگر است. زندگی زناشویی که در آن اعتماد حاکم نباشد

نتیجه اش اضطراب و نگرانی و بدبینی و بالاخره نابسامانی است. اگر پایه اعتماد و اطمینان در خانواده ای سست باشد؛ زندگی از نظر روانی وضع نامناسبی پیدا خواهد کرد. بنابراین رفتار و حرکاتی که ممکن است از طرفین سلب اعتماد کند؛ باید کنترل شود و ترتیبی فراهم گردد که زوجین از جمیع جهات نسبت به یکدیگر تفاهم کامل داشته باشند.

**8- نظم و انضباط:** یکی از عواملی که همیشه بین زن و شوهر منجر به بحث و گفتگوی اعتراض آمیز می شود، عدم رعایت نظم و انضباط در امور داخلی خانه است. زن یا شوهری که جوراب و لباسش وسط خانه افتاده باشد ، و یا نظافت و بهداشت خانه را رعایت نکند، مورد اعتراض قرار می گیرد. زمانی که هر دو طرف بی نظمند شاید مشکل کمتر باشد. ولی اگر یکی منظم و منضبط و دیگری بی قید و بی نظم باشد، مشکل بیشتر خواهد بود.

**9- همکاری:** بیشتر امور خانه نیاز به همکاری دارد. این همکاری ، ممکن است جنبه غیر ذهنی داشته باشد؛ مانند کمک در انجام امور خانه از قبیل شستن ظروف، خرید لوازم مورد نیاز، جارو کردن و ... ؛ و ممکن است جنبه ذهنی داشته باشد مانند همفکری برای رفع مشکلات و گرفتاری های مالی ، بررسی امور مربوط به فرزندان و مشابه آن. زن و شوهر باید در هر دو زمینه با هم همکاری نمایند تا مشکلات خانواده حل گردد. آنچه به بی سر و سامانی خانه و خانواده می انجامد ؛ خود رایی و عدم احساس مسئولیت یکی از طرفین است.

**10- سازگاری:** وضعیت خانواده ممکن است در شرایط مختلف از نظر روانی و رفاه دگرگونی هایی داشته باشد. مثلاً نان آور خانه شغل خود را از دست بدهد و درآمد خانواده کم شود یا شغل او تنزل پیدا کند و یا با رویدادهای پیش بینی نشده دیگری مواجه گردد. در این مواقع چنانچه زوجین قدرت سازگاری داشته باشند و بتوانند خود را با شرایط تطبیق دهند، بقای خانواده تضمین می شود ؛ در غیر این صورت احتمال از هم پاشیدگی خانواده می رود.

**11- تعهد:** زن و مردی که عقد ازدواج بسته اند باید به تعهدات خود در طول عمر زناشویی پایبند باشند و همواره در نظر داشته باشند که عدول از تعهدات زناشویی از عواملی است که ریشه های این پیوند مقدس را سست می کند.

**12- سخاوت:** خست هر یک از طرفین از عواملی است که ادامه زندگی را برای آنها مشکل می کند؛ مرد باید در اقتصاد خانواده میانه روی را اختیار کند و همسر خود را در هزینه های زندگی بیش از اندازه محدود نسازد. زن و مرد باید بین اسراف و خست ، نقطه میانه روی و اعتدال را انتخاب کنند و در این زمینه با هم هماهنگ شوند. دادن کادو و چشم روشنی به مناسبت های مختلف ، محبت و گرمی خانوادگی را افزایش می دهد و موجب استحکام پایه های زندگی زناشویی می گردد.

**13- وفاداری:** زن و شوهر آنچه لازمه همسری است باید تا آخر عمر، مورد نظر قرار دهند و حقوق همسر خود را رعایت نمایند. تعهد و وفاداری دو خصلت حمیده است که ستون های کاخ زناشویی را تشکیل می دهد. همسران متعهد به رعایت حقوق یکدیگر

تا پایان عمر به هم وفادارند و به هیچ وجه از وظایف و مسئولیت هایی که در این زمینه پذیرفته اند شانه خالی نمی کنند.

**14- احساس مسئولیت:** عدم احساس مسئولیت زن و مرد در امور خانه و زندگی یکی از عواملی است که می تواند زندگی زناشویی را با بحران مواجه سازد. بنابراین هر یک از زوجین باید در حدود وظایفی که در روابط با خانواده به عهده دارند ، احساس مسئولیت نمایند و نسبت به انجام آنها با جدیت اقدام کنند.

**15- مودت و حسن تفاهم:** یکی از عوامل حفظ و گرمی زندگی، مودت و حسن تفاهم بین زن و مرد است. زن و مرد برای آن که از لذایذ زندگی برخوردار باشند، باید نسبت به یکدیگر در حد اعلائی دوستی رفتار کنند و رفتار و روابط خود را براساس حسن تفاهم استوار نمایند.

**16- انعطاف پذیری:** گاه عواملی موجب اختلاف هایی بین همسران می گردد. در اینجا حل مشکل با انعطاف پذیری است. با انعطاف پذیری زن و مرد می توانند در جهات و ابعاد مختلف تنش های موجود را کاهش دهند ، و از دامن زدن به اختلاف ها جلوگیری نمایند، زیرا گذشت حالتی از انعطاف پذیری است و این امر نقش مؤثری در استحکام بنای زناشویی دارد.

## ایا نقص در هوش عاطفی ، زندگی زناشویی را دچار آسیب می کند؟

### هوش عاطفی و منطقی یا هوش عاطفی ( قسمت سوم )



«گتمن»، روان شناس دانشگاه واشنگتن، موشکافانه ترین تحلیل ها را در مورد چسب عاطفی که زوج ها را به هم پیوند می دهد و هم چنین احساسات مخربی که زندگی



زناشویی را از هم می پاشد به عمل آورده است و این کار را از طریق گوش دادن و مشاهده نوارهای ویدیویی از روابط زوج ها انجام داده است.

او دریافته است که یکی از نخستین پیام های هشدار دهنده، در مورد در خطر بودن زندگی زناشویی، انتقاد تند و بیرحمانه ی طرفین از یکدیگر است. در یک رابطه ی زناشویی سالم، زن و شوهر به طور آزادانه از هم انتقاد می کنند. اما غالباً در لحظات خشم است که گلایه ها به روشی مخرب و به شکل تهاجم به شخصیت همسر بیان می شوند. در صورتی که می توان به جای حمله کردن به طرف مقابل ، با اعتماد به نفس احساسات خود را بیان کرد.

بدتر از همه ، انتقاد همراه با تحقیر و تنفر است که این را می توان از کلمات و حالات غیر کلامی مثل پوزخند زدن، کج کردن لب به علامت تحقیر یا گرداندن چشم ها نشان داد. بدیهی است که بروز هر از چند گاه تنفر، هیچ پیوندی را متلاشی نمی کند ، ولی این گونه ضربه های عاطفی همانند سیگار کشیدن و افزایش کلسترول خون که عوامل خطر ساز برای بیماری های قلبی اند، هر چه مدت و شدتشان بیشتر شود، خطر آنها نیز افزایش می یابد و در جاده ی منتهی به طلاق، یکی از این عوامل، به طور زنجیره وار، دیگری را به دنبال می آورد.



وقتی که حمله ای از جانب یکی از طرفین صورت می گیرد ، طرف مقابل پاسخ « جنگ یا گریز» را در اختیار دارد. بدیهی ترین پاسخ، جنگیدن متقابل است که معمولاً به یک مسابقه ی بی حاصل داد و فریاد منتهی می شود. اما پاسخ دیگر - یعنی گریز - ممکن است مضرتر باشد، به ویژه وقتی که با حربه ی سنگین سکوت انجام شود. سکوت، پیامی سردکننده ، پر قدرت و آمیزه ای از بی میلی، فاصله و برتری ، و ویران گر سلامت رابطه است.

مکالمه های درونی و اندیشه ای افراد که در پس زمینه ی ذهن جاخوش کرده اند بسیار قدرتمندند و سیستم هشدار دهنده ی عصبی را به اشتباه می اندازند. وقتی فرد خود را قربانی زندگی بداند، به سادگی فهرستی از اعمال و رفتار همسرش را به خاطر می آورد که تداعی کننده ی قربانی بودن اوست و کارهای محبت آمیز او را نادیده می گیرد. افکار مسموم، عواطف را در چنگال خود می گیرند و نگرش های بدبینانه باعث می شوند فرد ، همسر خود را فطرتاً بد ذات و غیر قابل تغییر بداند، اما نگرش های خوش

بینانه و مثبت، شرایط را قابل تغییر جلوه می دهند. نگرش بدبینانه، اندوه بی امان را به ارمغان می آورد و نگاه خوش بینانه آرامش و تسکین.

در بین زن و شوهرها گاهی مشاجره هایی پیش می آید که منجر به طغیان می شود. زنان و شوهران پرخاشگر آن چنان در بدبینی نسبت به همسرشان غرق می شوند که در باتلاق احساسات وحشتناک و غیر قابل کنترل فرو می روند. در این حالت نه می توانند حرف ها را بدون تحریف بشنوند، نه می توانند با فکر باز و روشن به چیزی پاسخ دهند و نه می توانند به افکار خود نظم دهند، در نتیجه به واکنش های بدوی متوسل می شوند. البته آستانه ی طغیان برخی از افراد بسیار بالاست و به راحتی در مقابل خشنوت و تنفر مقاومت می کنند (مثل یک انتقاد ساده از سوی همسر).

در هنگام پرخاش ( طغیان ) ، تعداد ضربان قلب به 10 یا 30 بار بیشتر از حالت عادی می رسد و در بدن مقداری آدرنالین و چند هورمون دیگر ترشح می شود که رنج و اندوه را برای مدتی افزایش می دهد؟ عضلات کشیده می شود ؛ تنفس مشکل می گردد؛ باتلاقی از احساسات مسموم، ترس و خشم ناخوشایند به وجود می آید که گریز از آن ناممکن است ؛ اندیشه به قدری مغشوش می شود که امکان حل و فصل منطقی مسائل از بین می رود. فرد در این حالت مشکلات را غیر قابل حل می بیند. وقتی زن و شوهر در چرخه ی تکرار شونده ی انتقاد و تنفر، دفاع و سکوت سهمگین، اندیشه های اندوهبار و طغیان عواطف گرفتار می شوند، در زمینه ی خودآگاهی عاطفی، همدلی و توانایی آرامش بخشیدن به یکدیگر و خود ، دچار ناهماهنگی شده اند.

شوهرها در مقایسه با زن ها آمادگی طغیان بیشتری در برابر انتقاد از سوی همسران خود دارند. در هنگام طغیان آدرنالین بیشتری در خون مردها ترشح می شود و آنها در مقایسه با زن ها در برخورد با سطح پایین تري از رفتار منفي شروع به ترشح آدرنالین می کنند و به همین دلیل بهبود طغیان از نظر جسمانی در شوهرها بیشتر از زن ها طول می کشد.

## رابطه ی بین هوش عاطفی و سلامت روانی

### هوش عاطفی و منطقی یا هوش عاطفی ( قسمت چهارم )



یکی از عذر هوش منطقی، تفکر مثبت است. در مورد رابطه ی میثی خوشبینی و بهداشت روانی، پژوهش هلی انجام گرفته است. خوشبینی به آن لقب داده می شود که در زندگی فرد عموماً امور خوب (در

مقاله امر بد) اتفاق می افتد. خوشبینی موجب حرکت به سوی هدف، و بدبینی، موجب دور شدن فرد از هدف می شود. خود بینی و کنول آمدن با استرس، نقش واسطه ای مهمی دارد. زمانی که افراد سعی دارند با استرس به هورت یک مسئله مقابله کنند، خوشبینی بیشتری در مورد حل مشکل خود دارند. افراد خوشبین از شیوه های مقابله ای فعال استفاده می کنند. تحقیقی که در مورد رابطه ی بین روان رنجور (معادل Psychoneurosis) که به ناراحتی روانی و حالت همدی طلا ق می شود (که ای و حالت عاطفی مثل اضطراب، افسردگی، هم، زوتو ح قک انجام شده است، نشان می دهند که این حالت های عاطفی منجر به ایجاد دیدی منفی نسبت به دنیا و خود فرد می شود. همچنین میان رضایت شعلی و رضایت زناشویی و استرس و تعارض حسل شده توسط فرد رابطه وجود دارد. در بین افرادی که دچار حالات هیجانی منفی اند، گزارش های زیادی در مورد شکایت جسمانی وجود دارد.

توجه هایی و مورد برداری فکر (پنی سعی در فکر نکردن به بعضی مسائل، هیجانات و ...) و تأثیر آن بر سلامت روان انجام گرفته است که نتایج آنها نشان می دهد باز دلی، میب اف نل فکر کردن در مورد مسائل بزرگ شده می شود. ای احمد سل یا هیجان باز داری شده نسبت به حالت بیان آزاد، بیشتر تحریک کننده است. زان بیگلا بزدا فل می -ج بی تولد ملل دامیا فننوا کلن هله یجانی نولسته بلد. باز داری فکر مکن مدتبخ ضروری ایجاد فیبا (هراس)، وحشت زدگی و اضطراب نامت طلب بلد. بزدا ری هچلی (چه خود آگاه و چه ناخود آگاه) در سلامت روانی مؤثر است. استفاده از حمایت های اجتماعی و سطوح مطقی تنظیم هیجانی عموماً برای سلامت روانی فرد، مفید و مثبت است. تلاش برای سرگرمی، وقفه یا انکار هیجان ها موجب تشویش درونی و تعارض می شود و بهداشت روانی فرد را به خطر می اندازد.

بنابراین وجود فضای آزاد در خانواده برای بیان احساسات و هیجانات و بیان افکار، موجب افزایش سلامت روان می شود زیرا بزدا ری هی بی و ل مدت موجب گسترش بیماری های روان - تنی (1) می شود. تحقیقات نشان داده است که نوشتن تجارب دردناک در طول درمان، بر سطح سیستم ایمنی، سطح فشار خون و اندوه ذهنی افراد، مؤثر است.



شاید قلع کننده زن دله هادر مرد له میت عواهل، ل تحقیقات گسترده و عمیقی که بر روی چند هزار نفر مردون انجام گرفته است، حاصل شده است. نتیجه ی این بررسی ها باقی طبعی تأیید می کند که عواطف نگول کننده تا اندازه ای برای سلامت بدن مضرند. کسانی که دچار نگرانی مزمن، دوره های طولانی مدت غم و اندوه، بدبینی، تنش مداوم، یا تنفر و کینه توزی دائم و سوء ظن شدید هستند، دو برابر افراد عادی در معرض ابتلا به بیماری های قلبی، سردرد، زخم دستگاه گوارش و بیماری های قلبی قرار دارند. خطر عواطف منفی برای این نوع بیماری ها، مثل خطر سیگار کشیدن یا کلسترول بالا برای بیماران قلبی است.

این حقیق آملی هیچ‌گونه شکی باقی نمی‌گذارد که هر سکی دل‌لی و ط‌ مزین و یخیمی که بر شمردیم  
 بنده، منند ابلا به بیماری سلت. نگوانی و ضل‌طراب - گفتاری نثلی از فشارهای زندگی - شاید احساسی  
 است که بیشترین شواهد علمی در مورد ارتباط آن با بروز بیماری وجود دارد.

به نظر می‌رسد کیفیت روابط با دیگران به همان اندازه‌ی کمیت آن‌ها، برای مقاومت در برابر فشارهای روحی  
 مهم سلت. رولط منفی، عواقب خل‌خود را بپی‌دارد. وی‌م‌تل بخت و جدل‌های زناشویی، بر روی  
 سگ‌اه‌ایمنی‌ین تأثیر منفی و جی‌بی‌گذارند. تحقیقی که بر روی‌دا نشوی‌یل هم‌اتاق در یک کالج صورت  
 گتف، شیل‌داده‌و آنها بیدت‌ر ل‌همدیگر متنفر بودند، بیشتر در مقابل سرماخوردگی و آنفلوانزا حساسیت  
 داشتند و بیشتر به پزشک مراجعه می‌کردند.



جن کلسپیو، روان‌شناس دانشگاه اوهایو که تحقیق فوق‌الاجام داده است می‌گوید: «آدم‌هایی که در زندگی  
 روزه با آنها شفت و بخت‌می‌کنید، شش مهمی در سلامت شما ایفا می‌کنند و هر قدر این روابط معنی  
 دارتر باشد، تأثیر آنها بیشتر خواهد بود.»

1- روان - نی: (SomaticPsychic) یعنی گله‌بیماری جسمی، روح و روان را یک‌وی‌سؤ‌د‌و‌گاه  
 بر عکس. مفهوم ضمنی اصطلاح این است که اختلالات جسمی و روانی تأثیر متقابل بر هم دارند.

## مواردی که در زندگی زوجین سبب اختلاف می‌شود

### لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت نهم )



ب: ویژگی‌های فردی که در امر زناشویی نقش منفی دارد.

- 1- خست:** یکی از مواردی که زندگی زناشویی را سخت و مشکل می‌سازد؛ خست است. و این مورد سه حالت اتفاق می‌افتد؛ نخست وضعیتی که زن و مرد هر دو خسیس هستند که در این حالت مشکل روانی ندارد؛ ولی زندگی و فی خولند دشت. و حالت دیگر آن است که زن یا خسیس باشند. در این دو حالت زندگی هم از نظر روانی و هم از نظر رفاهی برای دو طرف شرایط سختی خواهد داشت.
- 2- عصبانیت:** زن یا مرد صدبانی زندگی را و دیگری شواری سازد. حساسیت های بی مورد و پرخاش و تهن و بی احترامی صفات مذمومی هستند که علاوه بر آن که طرف مقابل را ناراحت می‌کنند، به خود شخص نیز زیان می‌رسانند. و چنین موافی باید آلمش خود را حفظ کرد، آنگاه خشم همسر را آرام و توجه او را به امور دیگری جلب نمود و برای پالایش روانی او گفتگویی دو نفره انجام داد تا وی با بیان ناراحتی‌ها آرام گیرد.
- 3- دورویی:** زوویی که با او خنط با همو لجه شوند و در ظاهر و بطریق بگ نبینند؛ زگی طلویی خولند دشت. زندگی‌ای که در آن صداقت و صمیمیت نباشد؛ اعتماد و اطمینان از آن رخت بر خواهد بست و اضطراب و تزلزل روانی بر آن حاکم خواهد بود.
- 4- دروغ:** فرد دو رو کسی است که تظاهر به نیکوکاری و پاکدامنی می‌کند ولی در باطن طور دیگری می‌باشد؛ اما و ریگ کپی است که و جا صلخ و قع خود را بسنجد و قع بت را خریف می‌کند و بنا به میل خود کرد ل و رفتارش را تنظیم می‌نماید. دروغ نیز مانند دورویی بنیان خانواده را متزلزل می‌کند و اعتماد را از بین می‌برد.



- 5- پنهان کاری:** پنهان کاری عبارت از آن است که یکی از زوجین بدون نظر و اطلاع همسر خود و در غیاب او مدیریت به انجام اصلی بنماید و این اعمال را چه خوب و چه بد از همسر خود پنهان دارد. چنین رفتاری ولو به نفع خانواده نباشد، اعتماد را از بین می‌برد. گاه این گونه رفتار را جهت متک و بیه قع خود بیا خوید و دل سنی و به‌طور همسر و زندگی مشترک انجام می‌دهد. این گونه اعمال بتدریج بنیان خانواده را به هم می‌ریزد، هر یک از زوجین را قع بت دیگری بدبین و ناراحت می‌نماید و به عکس العمل و می‌دارد.

- 6- پرخاشگری و خشونت:** پرخاشگری به رفتاری اطلاق می‌شود که " هدفش اعمال صدمه و رنج" باشد. مثلاً زنی که غنمی مور نطقه شوهرش را نمی‌پزد و یا آن را می‌سوزاند، یا شوهری که از زنش مرتباً انتقاد می‌کند و به زنی می‌زند. هر یک از رفتارها بخشی از عنصر یک رفتار پرخاشگرانه بوده و موجب از هم پشنگی بنیاد زندگی زناشویی می‌گردد. خشونت و عی العمل بی‌زننده و شدید چه از طرف زن و چه از طرف شوهر قع بت تحطیف مقبل ل اعتقبت می‌نماید و زگی را ولی و دو متک می‌سازد. در

خانواده ای که خوف حاکم است، عطف و رفتار انسانی یک بر می بندد و محیط تربیتی نامناسبی از نظر تربیت فرزندان ایجاد می شود.

**7- اجتناب:** از دیگر عواملی بنیان کن در خانواده لجاجت است. این حالت بین زن و مرد زیاد دیده می شود و گاه به جایی می رسد که حرکتی لجاجت به شکلی بسا آهسته و آهسته می گردد. چنانچه این حالت، وضعیت افراطی به خود بگیرد، چه بسا به طلاق و از هم پاشیدگی خانواده منتهی گردد.

**8- خود بینی و تقوی دیگری:** خود بینی یا تصویر ذهنی هر کس از شخصیت خویش، از مجموع تصورات او درباره توانایی ها، احساس ها، اندیشه ها، آرزوها، داورها، و کوشش های وی تشکیل می شود.

مردان کسانی که خود کم بینند نگر فتنه فتنه حرکت اند، و خود کمتر، بی قدر تر و بی ارزش تر از دیگران می کنند؛ افرادی که دچار خود بزرگی می هستند؛ مبتلا به تکبر، نخوت، خود ستایی و جاه طلبی اند؛ چندان افرادی سعی می کنند با تحقیر دیگران، بزرگی فکری کنند. زن یا شوهری که خواهد همسر خود را تقویت کند، و خود را بالاتر احساس کند و خوبی های خود را به رخ دیگری بکشد، با دست خود تیشه به ریشه زندگی زناشویی خویش می زند.

**9- بی انضباطی:** مرد یا زنی که اسیر فتنه خود را بی انضباطی قرار دهد، مورد اعتراض همسر خود قرار می گیرد. گاه بی انضباطی منجر به بی اعتمادی می شود و گرمی و شلما نی را از خانواده می گیرد. مردی که شبد و به خانه می آید و زمانی را برای تفریح، مسافرت و معاشرت با زن و فرزندان خود در نظر نمی گیرد، موجبات نارضایتی خانواده خود را فراهم می آورد.



### وجوهی از اختلاف های زناشویی

تفاوت های فیزیکی قابل انکار است که برای نظام اجتماع و طبیعت ضروری است. به پیروی از این طبیعت طبیعی، بین زن و شوهر اختلاف وجود دارد و تا زمانی که این اختلاف ها فاصله زیادی نداشته باشند و با گفت و گو و چشم پوشی هم گسسته شود، مشکلی را ایجاد نمی کند. **مردان با اختلاف هایی که ممکن است، منجر به ناهمخوانی و ناسازگاری شود، عبارت است از:**

1- **اختلاف در خویله ها:** یکی از عواملی که در انتخاب همسر و زندگی زناشویی باید مورد توجه قرار گیرد، خویله های زن و شوهر است. زن یا شوهری که دل بی خویله ای ایده آل و متفاوت از دیگری باشد و در تعدیل آن اقدام نکند؛ احتمال ناسازگاری در زندگی زناشویی از این جهت وجود خواهد داشت.

2- **اختلاف سلیقه ها و عهده ها:** وجود اختلاف سلیقه و علاقه در افراد طبیعی است؛ ولی چنانچه در برنامه های زندگی، توانگی، ناهمخوانی ها، همخوانی بین زن و شوهر قابل توجه است؛ آن در آنکه به ناسازگاری منتهی گردد.

3- **اختلاف در دیدگاه ها:** انسان موجودی است با آرزوهای نامحدود، او هر چه بیشتر داشته باشد؛ بیشتر هم می خواهد و بر آورد شدن هر نیوی به جلیک ملتن از آرزوهای اندلی، نیازهای تازه ای را هم بر می انگیزاند. چنانچه و شوپی بایدهاگاه ها و رزوهیامتوکت ه لخلصولبه ن م بئد؛ وئانند درزگی زناشویی خود هماهنگی ایجاد کنند، زندگی شاد و موفق را خواهند داشت.

4- **اختلاف در خلق و خوی:** بعضی افراد عصبانی، خشن، متکبر، خودخواه، از خود راضی، و بعضی دارای روحیه ای گرم، خشن برخورد، متضع و مردم دوستی باشند؛ بناوان توقع اخلاقی در صدر عوامل انتخاب همسر قرار دارد.

5- **اختلاف در میزان هوش:** اختلاف سطح هوشی همسران نسبت به یکدیگر، ممکن است در زندگی زناشویی این مشکلاتی ایجاد نماید. بناوان در نظر گرفتن بهره هوشی و اختلاف سطح معادل وان زمینه خالی از اهمیت نیست.

6- **اختلاف در بُعد معنوی:** فروزنی که از ظروایت و پایداری به طور معنی لخلک سطح دردد، زندگی بی دغدغه ای نخواهند داشت. بنابراین در امر ازدواج بُعد اعتقادی به ویژه جنبه های معنوی آن باید مورد توجه خاص قرار گیرد.

## توصیه هایی برای همسران

### هوش علمی و منطقی ( IQ ) یا هوش عاطفی ( قسمت پنجم )



در وقت قبل طایلی راجع به رابطه ی هوش عاطفی و سلامت روانی عنوان شد. اینک در ادامه می خوانیم...

با توجه به نحوه ی برخورد متفاوت زن و شوهرها با احساسات رنج آور در زندگی، این سوال مطرح می شود که زن و شوهر برای تحکیم عشق و علاقه ی خود چه می توانند بکنند تا پیوند زناشویی آنها حفظ شود؟

کوشنلسن امیر زناشویی را سلی تحقیقاتی که روی زندگی زوج های موفق انجام داده اند توصیه ی خطی و پاوردها ون هاومچنین پیشنهادی لیکلی بوا هر هی لها

دارند:



- 1- تصدیق به مرها این است که در مقالی درگیری ها عقب نشینی نکنند بلکه درك کنند که اگر همسوشیل اخلا فی را طرح می کند ممکن است این کار را از روی عشق ، و به خاطر سلامت رابطه شان انجام دهد.
- 2- وقتی نطدایتی امکان ووز نیابد، بر فندل هوونی فود اقوده می شود و بالاخره به صورتز بانه لی ر آش ختم هو می آید؛ اما وقتی که شخص بتواند ناراحتی خود را به هر نحو طرح کند و وای آن پاسخی بیابد فشارهای درونی اش فروکش می کند. شوهرها باید فک کنند که ختم یا ناخشنودی همسرشان به منزله ی حمله به شخصیت آنها نیست. عواطف زن ها و غلب و فقتجلی تدید باقی نمی گد و قدرت درك آنها را در مورد موضوع مربوط نشان می دهد.



- 3- مرده همچنین نباید سعی کند با ارائه ی يك راه حل عملی سر و ته قضیه را هم آورده، گفت و گو را خاتمه دهند. برای زن خیلی مهم است که شوهرش به گله های او گوش کند و با احساسات او در مورد موضوع ، همدلی نماید ( گرچه لزومی ندارد با او موافق باشد ). ارائه ی سوپرا راه حل بویزن ، به معنی نلید ه لگتنتن لجلسد نطق ووسط هسر می باشد. در بیش از نیمی از موارد وقتی زن حس کند به نظریات و احساساتش توجه شده، آرام می گیرد.
- 4- مشکل اصلی مردها این است که همسرانشان در بیان شکایت های خود بیش از حد شدت و حرارت نشان می دهد، به همین دللی زن ها باید مراقب باشند که شخصیت مردها را مورد هاله قرار ندهند ، چن حمله به بی شخصیت مرد موجب جبهه گیری یا سکوت سهمگین او شده، حاصلی جز رنجش ندارد و فقط دعوا را حادثر می کند. يك روش سودمند برای زنان این است که انتقل خود را با الماطف ودر لا به بی جملاتی که دل از عشق به همسرشان است، بیان کنند.
- 5- مرده ننگام جث، افراد موفق سعی می کنند جهت بحث را به مسیری صحیح هدایت کنند تا موجی که نشن بشود. این عمل ساده همانند يك ترموستات عاطفی است که جلوی جوشش



شدید احساسات را می‌گیرد و به طرفین فرصت می‌دهد که بتوانند روی موضوع مورد بحث تمرکز کنند.



6- راه حفظ ازدواج تمرکز بر روی موضوعات مورد بحث فلتن هو شوهرها نیست، بلکه باید هشیاری عاطفی مشترک میان زن و شوهر را پرورش دهیم و بدین ترتیب امکان حل و فصل مشکلات را بهبود بخشیم. برخی از قابلیت‌های عاطفی مثل رفتارهای آرامش‌دهنده، هدلی و شونده‌ی خوب بودن، به گونه‌ای مؤثر می‌توانند اختلاف‌نظرها را از بین ببرند و آن را به «دعواهای خوب» تبدیل کنند.

7- یکی از مهارت‌های مهمی که زن و شوهرها باید بیوزند این است که احساسات را تبدیل‌کننده و آسوده‌ساز خود را تسکین بدهند و این به معنای ارتقای توانایی برای رهایی از طغیان احساسات و اثرات منفی است. از آنجا که در لحظه‌های طغیان عاطفی، توانایی بخشیدن، اندیشیدن و درست صحبت کردن از میان می‌رود، آرام گرفتن بسیار مفید و سازنده خواهد بود.

8- گفتگو باید با بلوغ و دقتی انجام شود. گفتگو نباید به معنی هتلی نگری، مهارتی است که پیوند میان زن و شوهر را حفظ می‌کند. مؤثرترین شکل گوش دادن، همدلی با طرف مقابل است که هک می‌کند تا احساسات پنهان در سخنان او را بفهمیم و این نیاز به تأمل دارد. نکات «هم‌گینوت» معتقد است بهترین فرمول در این زمینه (X Y Z) است: «وقتی تو کار X را انجام دای با ظرافت احساس Y در من شدی، ولی من توقع داشتم که تو کار Z را انجام می‌دای». عشق و احترام هرگونه خصومت را در زندگی زناشویی از بین می‌برد، بنا بر این با یقینی به عطف و احساسات مطلق احترام گذاشتن موجب احساسات مثبت در طرفین شد.

9- بیست و پنج درصد افزایش هوش عاطفی بنماید، زیرا 80% موفقیت در زندگی، ثلثی از هوش عاطفی و 20% آن ناشی از هوش عقلانی است.

## رفتارهای اختلاف انگیز زوجین و واکنش های دفاعی آنها لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت دهم ).



در قسمت قبل به بررسی اختلاف های زناشویی پرداختیم.

- لیف که ویژگی های مختلفی می مؤثر در این زناشویی بیان شد؛ لا ممتد به گونه رفتارهایی که از سوی هر یک از زوجین موجب اختلاف و ناسازگاری می شود اشاره گردد:
- تبعیض و پدیده احترام و خویشتن دانی زن از سوی شوهر و بالعکس. این امر موجب اختلاف و ناراحتی طرفین می گردد.
  - کمک های مالی زن به خویشاوندان خود از درآمد خانواده، بدون رضایت شوهر و بالعکس ( این کار باید با رضایت و مشورت انجام گیرد).
  - برخورد های سرد و خالی از عطف از سوی زن یا شوهر نسبت به یکدیگر.
  - ۱- تجاوز فیزیکی و لطمه های روحی زن یا شوهر بدون اطلاع و مشورت با دیگری بخصوص اگر این رفتار جنبه مالی یا ناموسی داشته باشد.
  - رفتار مستبدانه و تصمیم گیری های یک طرفه که بدون مشورت و هماهنگی با دیگری انجام شود.
  - خرید لباس یا خودآرایی بدون در نظر گرفتن ذوق همسر و حداقل نظر خواستن از دیگری.
  - بد زبانی و لجاجت و برتری طلبی از سوی یکی از زوجین نسبت به دیگری.

- همکلی نکرده و انجام کارهای خله. چنانچه مرد در انجام کارهای خانه شرکت نکند، ممکن است این احساس وزن پیدا شود که او کلاف خله است. وانگهی چون کارهای خانه یک نولت وخته کننده است و به علاوه شوهر را شریک خود می داند؛ این سوال برایش پیش می آید که چرا همسرش در کارهای خانه کمک نمی کند.



- عدم توجه به علایق زن اختصاص دادن و اوقات فراغت به کارهای شخصی.
- حسد و حساب خواستن از همسر؛
- بی توجهی به ارضای نیازهای جنسی؛
- غیرتی بودن بیش از حد مرد و حسادت بیش از حد زن در مورد معاشرت ها؛
- بعضی از زنان مطالبی اظهار می دارند که نشانه نارضایتی آنان از شوهر است. نمونه هایی از صحبت های آنها عبارت است از:
- نمی توانم با همسرم صادق باشم.
- نمی توانم خودم باشم.
- همسرم مرتب سر من داد می کشد.
- شوهرم تنها به فکر خودش و کارش است.
- شوهرم به صحبت های من گوش نمی دهد.
- با هم صحبت می کنیم؛ اما صحبت های ما سرد و بی روح است.
- شوهرم دو شغله است و همیشه خسته به نظر می آید.
- همسرم در تصمیم گیری ها به من فرصت نمی دهد.

- درآمد و مخارج را از من پنهان می کند.

- او ولخرج است و پس انداز ندارد.

- در تعیین اولویت های زندگی توافق نداریم.

- اوقات فراغت خود را با من نمی گذراند.

این اظهارات نشانگر آن است که مشکلاتی در زندگی زن و شوهر وجود دارد و باید علت یابی شود.

مشکل باید در صورت مراجعه به هسران به آنها با تشکیل جلساتی با اعضای خانواده و در صورت تضییع جلسات فردی، علل مشکل را مشخص و با استفاده از فنون مشاوره در جهت رفع معلول اقدام نمایند.



### واکنش های دفاعی زن و شوهر

زن و شوهر در موارد مختلف و مواجهه با مشکلات، سعی می کنند از خود نشان می دهند. این عکس العمل ها به صورت های مختلف اعمال می گردد:

- گریه کردن - ظهور اطفال زودرس - سرودن آه از دهان - سکوت کردن -
- قهقهه کردن - خود را ضربه زدن - به همسر خود دهنه زدن - مقابله به مثل کردن -
- تلافی کردن - عکس العمل قبل از عمل ( نظیر فردی که خلافی مرتکب شده، ایراد می گیرد و به طرف مقابل حمله می کند).

رفتارهایی فوق‌العاده گرایش اضطراب و تنش فرد می‌شود؛ ولی بعضی از این عکس‌العمل‌ها مشکل را حادتر می‌کند و گاه جنبه‌های غیر اخلاقی به خود می‌گیرد.

عکس‌العملی که در ازدواج جنبه منفی دارد به صورت یک وسیله ویرانگر عمل می‌کند، اغلب اجنبی‌انگیزی و حالت مقابله به‌مثل دارد. این وضعیت گاه به رفتارهایی غیر شرعی و خلاف اخلاق منجر می‌شود. مثلاً مرد بی‌بند و باری که دیر به خانه می‌آید و به دنبال روابط نامشروع با زنان ناهارم است؛ همگی به‌دفعه‌ای عمل تلافی‌جویانه و مقابله به‌مثل از طرف همسرش مواجه گردد.

نظران و پسرانی که می‌خواهند ازدواج کنند، باید همسر آینده خود را از این جهات آزمایش کنند و شرایطی را به وجود آورند که عکس‌العمل وی را در مواجهه با این امور مشاهده کنند. چنانچه وی در مقابل این‌گونه رفتارها، رفتارهایی ویرانگر و خشونت‌آمیز و یا خلاف اخلاق خود نشان دهد، مطالعه بیشتر در مورد ویژگی‌های شخصیتی و میزان تعهد وی ضرورت دارد.

## مشاوره ازدواج در رابطه با عوامل اخلاقی و روانی لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت یازدهم )



و قسمت قابل‌توجه رفتاری اخلاقی انگیز زین و واکنش‌هایی دفعی آنها پرداختیم. ایک و لام می

خوانیم...

پسر و دختری که قصد ازدواج دارند و مشکل آنها "عامل اخلاقی" همسر آینده آنان است، نیاز به مشاوره دارند.

یاری‌ها و توصیه‌های مشاور برای راهنمایی آنها می‌تواند به شرح زیر باشد:

1- مشاوری باید مراجع ( مراجع‌کننده ) را به خصوصیات اخلاقی که در زندگی مشترک خانوادگی نقش‌سازنده دارد و هیول بدین‌ساخت‌خانواده را بی‌ریزی می‌کند، آشنا سازد؛ تا مراجعه‌کننده با توجه به توصیه‌های مشاور نسبت به انتخاب همسر خود اقدام کند.



- 2- خصوصیات منفی که موجب از هم گسیختن خانواده و اختلاف زن و شوهر می شود، باید برای مراجع تشریح گردد تا او در صورت وجود چنین ویژگی هایی در فرد مورد نظر، در تصمیم گیری خود تجدید نظر کند.
- 3- او ن تخب هسو مواری شده می شود که رخی قیل گذشت است و احتمالاً قابل اصلاح ؛ مواری هم هت که نی و ل آنها را نادیده گرفت. مثلاً چنانچه فردی کمرو ، مستبد و لجوج باشد ، متفاوت است. کمرویی در امر ازدواج مشکل ایجاد نمی کند؛ ولی استبداد و لجاجت ، ریشه سعادت خانوادگی را قطع می نماید.
- 4- بغي و لئ مؤثر در رواج عی نی هت مانتد مشب ، نوه لب سل پویندن ، سن و قیافه، که شناخت آنها بدیارساده هلت. ولی آگاهی به خصوصیات اخلاقی و روانی بسیار مشکل و پیچیده است. بنابراین برای شناخت آن باید مراجع را بصیرت داد تا بررسی و زمان بیشتری صرف نماید.
- 5- و ای شناخت شخصیت و ضوییت الهی رله هی متغولی وجود دارد. یکی از ان شوهاکه نتایج عینی به هت می هد؛ تست های شخصیتی است. چنانچه مراجع مایل باشد خود را بهتر بشناسد و ویژگی های شخصیتی خود را در زمینه های مختلف ارزیابی کند مشاور باید او را به متخصص آزمون ارجاع دهد.
- 6- واری هت که نخز و پیر بری طمینی ل و فاق اخلاقی به مشاور مراجعه می نمایند؛ و هر دو تمایل دارند تست شوند. مشور و این مورد نسبت به اجرای تست و بررسی خصوصیات اخلاقی آنان اقدام می کند؛ چنانچه نتایج به هت آمده ههگی را در ابعاد مختلف اخلاقی تأیید نمود، در این زمینه به آنان اطمینان خواهد بخشید.
- 7- مکن هت پسیت تئ و یك علی بوزو رجسته ظیر زیبایی ، دیگر خصوصیات را نادیده بگیرد و یولد بلخ تی ازدواج کند. مشاور باید او را به هت یول هت یو یو معو لی لای نتیجه هد. ارزیابی یك بعدی و دید یك جانبه در همسر گزینی آفتی است که درخت پر بار خانواده را از پای در می آورد.
- 9- زانجا که ه ضوییت خلاق در زدگی نقش مهمی دارد باید مشاور مراجع خود را برای شناخت همسر آینده به منابع مختلف ( همسایه ها – همکاران – دوستان و ... ) راهنمایی کند؛ و نیز آنان را به ضرورت شناخت ج و لاهی خانواده خویشاوندان ، نوسترو پیر و ملر آگاهی هد. بی ل مطالعه و بررسی و شناسایی کامل خاواده و خصوصیات خلاق هسو مورد نظر هلت که می توان اطلاعات به دست آمده را مقایسه و تجزیه و تحلیل کرد و براساس نتایج حاصله تصمیم مناسب را گرفت.



## ازدواج را آسان بگیرید



### 3 تا 5 سال تأخیر در سن ازدواج

براساس آمار به هفت آماره آموزه سن ازدواج میان جوانان 3 تا 5 سال به تأخیر افتاده است. سن ازدواج در شهستان‌ها 18 تا 25 سال و در مراکز شهرها 25 تا 30 سال است. یکی از دلایل مهمی که سن ازدواج را در جوانان به تأخیر انداخته است، سطح خواسته‌های بالای طرفین، خریدهای کلان، مهریه‌های سنگین، قرار دادن تعهدات صعب الوصول و... است.

بسیار کمترین میزان مشاوره روان‌شناسی خلوات و دلایل روحی جوانان را قرار می‌دهد. به دلیل داشتن فرزند، مونس و یار، و گاهی به علت حرف مردم می‌دانند. وی معتقد است که ازدواج باید از روی شناخت و بر پایه عطفه و شکل‌نسل باشد، ازدواجی که به دلیل حرف مردم (دلایل اجتماعی) صورت بگیرد تحمیلی است و یک ازدواج موفق به شمار نخواهد آمد.

### جوان‌ها توقع زیادی دارند

تک‌تک‌ها نیاز و پناه‌ها را از زنی دو ازدواج کردن جوان‌ها می‌گوید: بیشتر روان‌شناسان سن ازدواج را در هر مقطعی بنا و ازدواج فیزیکی و لب و هویت می‌دانند. به اعتقاد وی عدم تمایل دختران و پسرها به ازدواج و زندگی جمعی و فیزیکی، روحی و روانی و مسئولیت‌پذیری از دلایل دیر ازدواج کردن جوانان است.

دکتر یعقوب برجلی، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی نیز در این باره می‌گوید: توقعات جامعه نسبت به 10 لی 20 سال پیش بسیار بالاتر است. و یکی از دلایل مهم و فزاینده ازدواج‌کردن دختران نقش به‌سزایی دارد، قبولی دختران در دانشگاه‌ها و مؤسسات عالی می‌دانند.

دکتر برجلی می‌گوید: در جامعه ما 65 الی 75 درصد قبولی دانشگاه‌ها از آن دختران است و این درصد قبولی به حدی می‌شود که آنها به سختی راضی به ازدواج با مردی بشوند که تحصیلات دانشگاهی ندارد. دختران پس از اتمام دروس دانشگاهی به دنبال شغل هستند و کمتر به ازدواج می‌اندیشند.

نکته کیهیل نیامی گوید: اعتقاد بر این است که دختر و پسر زمانی می توانند ازدواج کنند که از نظر فرهنگی و فیزیکی و اجتماعی و اقتصادی به بلوغ رسیده باشند.



### مسئولیت پذیر باشید

دکتر کیهیل نیامی می‌گوید: جوانان با ازدواج به موقع منطبق خود را مقلد خانواده‌های حساس مسوولیت می‌کنند و به کار دل می‌بندند و پا از جاده عفاف بیرون نمی‌گذارند و چون جوانند، فرزندان برومند و سالمی خواهند داشت. وی می‌فزاید: وقتی که به مجرد عادت کرد، به درآمد کم و محدودیت‌ها قانع است ولی دلشوره‌اش برای ازدواج بیشتر می‌شود. در این زمان تجربیات فرد بیشتر از گذشته می‌شود و ناخودآگاه انتخاب‌هایش مشکل خواهد شد و در نهایت ممکن است مجرد به ناتوانی جنسی منجر شود.

نکته برجسته نیز درباره مشکلاتی که ممکن است فرد در تأخیر ازدواج به آن دچار شود، می‌گوید: در این هنگام وقتی فرد خود را در عرصه زندگی بکشد و تنها می‌بیند دچار افسردگی، اضطراب، بیماری‌های روان‌تنی، یاس، ناامیدی و دلمردگی و در نهایت افت نقطه امید به زندگی می‌شود.

### مراقب انتخابتان باشید

دکتر کیهیل نیامی ازدواج را توصیه می‌کند با مشکلی که بر می‌شود و می‌گوید: نکته اول ازدواج‌هایی است که در سنین 20 تا 22 سالگی صورت می‌گیرد که به این دسته از ازدواج‌ها، ازدواج‌های احساسی گفته می‌شود که اگر به درستی مراقبت نشود، برخی از آنها با ناکامی همراه خواهد بود. دسته دوم ازدواج‌هایی است که با تفکری زیاد صورت می‌گیرد که این وصلت‌ها به دلیل هیجانات خاص هر سنی معمولاً به صورت دلمردگی در خواهند آمد و یا به متارکه ختم می‌شوند.

### ازدواج‌های آسان را بپذیرید

دکتر برجسته وی‌تی‌رف‌م‌علی تأخیر در ازدواج می‌گوید، جوانان برای این که دچار پیردختری و یا پیرپسری شوند باید سطح توقعات را پایین آورند و به سوی ازدواج‌هایی ساده‌تر روی بیاورند و این باور باید در آنها ایجاد شود که زود نباید به دنبال زندگی کلاسیک شدند، بلکه باید با یک استقلال نسبی و توقعات متوسط وارد زندگی شوند و از خانواده‌هایشان استعانت مالی بخواهند تا خانواده‌ها آنها را یاری کنند.

## ویژگیها و شرایط لازم دختر و پسر برای ازدواج (بخش اول)





خانواده مهترن نهاد اجتماعی و کوچکترین هسته‌ی جامعه است که از یک زن و مرد و فرزندان آنان تشکیل می‌شود. لامل و ری‌طدلی خلوا ده به عون زوبد نلی جمعه، زو لچ سلت. بدون تردید ازدواج بزرگترین و مهمترین‌حداه زندگی ه انسان است، به طوری که موفقیت و یا شکست هر یک از زوجین می‌تواند سرنوشت ساز باشد. به همین جهت ازدواج باید بر پایه‌ی اصولی صحیح صورت گیرد تا موجبات رشد و شکوفایی افراد و نتیجه‌جمعه را فراهم آورد. سب بر هر نخر و پسر، لازم است که قبل از ازدواج در مورد انتخاب همسر آینده‌ی خود اطلاعات کافی کسب کنند و سپس اقدام به ازدواج نمایند.

ما در جمع مختلف و جامعه‌ی خود مشاهده بسیاری از ناسازگاریهای خانوادگی و از هم پاشیدگی. خانواده‌ها هستیم که مهمترین عوامل آن، عدم شناخت و درک صحیح زن و مرد از یکدیگر و در نتیجه داشتن انتظارات و توقعات مبهم و غیر واقع بینانه از یکدیگر است.

### اهمیت و ضرورت ازدواج

ازدواج یک پیمان مقن است که در میل تمام اقوام و ملل و در تمام زمانها و مکانها وجود داشته است. سنت دوینه‌لی که زن و مرد زندگی مدتری را نماز می‌کنند و پیمان می‌بندند که صاحب، یار و غمخوار یکدیگر را خوش بخت‌کنند، خود و همدیگر را بهتر بشناسند. به یکدیگر عشق بورزند و با ازدواج خود بر تنهایی خویش پایان دهند.

ازدواج این دیر و خولتطییی زن و مرد است و همه مکاتب سالم در جوامع بشری به ویژه مکاتب آسمانی و خله بین مبین اسلام بر آن صحه نهاده و پیروان خود را به ازدواج دعوت و ترغیب کرده است. پیامبر گرامی صلاهدلی لله علیه آله می‌فرماید: هیچ‌دایی در لمام بنیا نگاری نشد. ه لسا که ترد خوند محبوبتر از ازدواج باشد.

بنا و این فرای بدی و زو لچ مترتب سلت، زیرا ازدواج از فطرت و آفرینش ویژه انسانها مایه می‌گیرد و از ضروریات زندگی انسان به شمار می‌آید.

### هدف از ازدواج

لر و اج ل ضرورت زندگی لندن به شمل می‌آید و هدفها و نیازهای بی شماری را تأمین می‌کند. از جمله مهم ترین هدفلی زادولعی تون نیل به آر هس ویکون، بقلی سل، تکمیل و تکالی، سلامت و هیت اجتماعی و سرانجام تأمین نیازهای روانی - اجتماعی در فرد را نام برد.

### 1- نیل به آرامش و سکون

مهمترین دیتی که و اثر ازدواج تأمین می‌شود، دیر به آرامش، لمدیت و آسودگی سلت. این نیاز که در سرشت آدمی ریشه‌دیده‌هی جائز له مپ امتا که خداوند متعال در بیان فلسفه ازدواج در سوره روم، آیه 21 چنین می‌فرماید: « یکی را آینه‌ی این است که برای شما از جنس خودتان جفتی را بیافرید تا با او انس بگوید و را نلی بیاید و در بین شما دوستی و مهربانی قرار داد، و در این امر برای افرادی که اهل تفکر باشند، آیتلو شدانه‌هایی وجود دارد.» بنا و این قرار دادن زوج (هسر) بر لی ه فرد، موجب آرامش و امنیت

خطه سناو اجد محتبوا لقبین زن و مرد و زذگی خلودگی فیز از شاده هلیج کت و رمت پروردگار است ، در واقع محیط خانه وسیله آرامش روحی زن و مرد قرار داده شده است .

## 2- تکمیل و تکامل

هیچ انلی به ته ابی کالی نیست ، به همین جهت پیوسته در جهت جبران نقص و کمبود خویش تلاش می کند . نخران و پو لاج ول سی ل بران بلوغ وجوا بیضن آنکه و صدد رسیدن به استقلال فکری هستند برای جبرل واصق خود و تأمین نیازهای بی شمار خویش به سوی ازدواج سوق داده می شوند ، و با گزینش همسری شایسته موجب رشد و تکامل و ثیرا ف ا هم می کنند . هنگامی که فرد در کانون یک زندگی مشترک قرار می گیرد ، وسایه اسن و افت و محبت و روابط نزدیک و صمیمانه ، بیشتر احساس مسئولیت می کند ، استقلال می یابد ، زندگی خویش را هدفدار می کند و از ثمرات کسب و کار و تلاش خود در واحد خانواده نوین یاد خویش بهره می گیرد .

وزندگی زندوبی زن و مرد در لذت شویقه ا حمایتها ، رهودها و کمپو ی ی بگر ه مد می گردند در خورد با مسائ و مشکلات زندگی از تعاون و همکاری هلی هس خوش استمد ل می چند . به همین دلیل و خورداری از همسوی مؤن و شاید ته یکی از بزرگترین نعمت هلی الهی سلت که برای دنیا و آخرت انسان سودمند خواهد بود .

## 3- سلامت و امنیت اجتماعی

ازدواج و بنی خلوده ، یکی از ارشمندترین و مقدس ترین اقدامات برای هر انسان تلقی می شود ، به گونه ای که هیچ اقدام اجتماعی دیگری را نمی توان از جهت ارزش با آن مقایسه کرد . خانواده یک گروه و واحد اجتماعی سلت که در برگیرنده ی بیشترین ، عمیق ترین و اساسی ترین مناسبات انسانی می باشد . ازدواج و تأسیس کانون خانوادگی ، برای سلامت ، امنیت و سعادت اجتماع ، سودمند و ضروری است . هر گاه جوان ها به موقع ازدواج کنند ، به کانون گرم خانواده دل ببندد و بنیاد خانواده مستحکم باشد ، به گونه ای قابل ملاحظه از فسادها ، پلیدیها ، انحرافها ، بی بندو باریها ، قتل ها و جنایت ها کاسته خواهد شد

## 4- تأمین نیازهای روانی - اجتماعی

زواج از ظرف بیه برلی اندلی نوعی کمال محسوب می شود و انسان بر اساس قانون آفرینش و حکم فطرت ، برای تأمین نیازهای مختلف روانی - اجتماعی خود و نیز برای بقای نسل ، آرامش جسم و روان و حل مشکلات گوناگون زندگی به ازدواج نیازمند است .

## ویژگیهای لازم برای ازدواج

مشاوره های خانوادگی و مطالعات و تحقیقات نشان می دهد که بسیاری از مشکلات زن و شوهرها قابل پیش بینی و نتیجه قالی جوگ وی خواهد بود . اگر زن و مرد ، دختر و پسر قبل از ازدواج آگاهی های لازم را درباره خود و همسری که انتخاب می کنند ، داشته باشند . بنابراین آموزش پیش از ازدواج یک ضرورت مسلم است که دختر و پسر را برای مهمترین تصمیم گیری و انتخاب در زندگی شان و نیز فرایند دشوار و پیچیده و درعین حال طلب و دلشین زواج لمد می کند تا با آگاهی ، دانش و بینش کافی درباره خود و همسر آینده شان اقدام به ازدواج کنند و از عهده نقش های خویش به عنوان زن و شوهر به خوبی برآیند .

خود و پسوی که می خواهند ازدواج کنند باید دارای شرایط لازم جسمانی ، روانی ، عقلی ، اجتماعی و اخلاقی باشند که در زیر ، هر یک از این ویژگیها مورد بحث و تحلیل قرار خواهد گرفت .

## 1- رشد جسمانی

در سلفت میز ل رشد جسمانی دختر و پسر ، نه فقط باید ل تبطل و همبیدگی بعد گونگون رشد را در نظر گرفت ، بلکه باید به دجمنی با عوامل روئ شد ناختی حائز له متب میدل سلت . به بیان دیگر ، بین رشد

جسمانی و سدگرایی بی رولنی - لجه عقی. فرد ارتباط نزدیک وجود دارد. رشد جسمی در میزان و الگوی رشد جسمانی، گو ناگونی بی بی را به هوه در دو انجاد نه دین نك زا ظرر و اشناخت بی مهترین و معنی دارترین حادثه ای است که در طول فرایند رشد جسمانی اتفاق می افتد.

## 2- رشد عقلی

رشد عقلی، عبارت است از مجموعه فعالیت های فرد که به ادراک، فهم، تشکیل مفاهیم، بررسی معانی، تفکر و تفق، ئی بینی و لبتند نج، و نامه ریزی، تعیین هدف و انتخاب راهبردهای برای رسیدن به هدف منتج می شود. اندیشه، دیدگاه و نگرش فرد نسبت به زندگی جنبه عقلانی شخصیت فرد است.

رشد فکی بی از بلوغ جسمانی رو به تکامل می رود. بی ل بوانه بی بلوغ، فرد استعدادها، تواناییها و لک انتا محیطی خود را بهر می شد نلد و نسبت به شخصیت خود بیشتر آگاهی می یابد. در نتیجه تصمیماتش بیشتر از عقل نشأت می گیرد تا از احساسات.

ضدت علی (ع) و توفیق عقلی فرماید: عقلی ن چوئی لمت که راه ضلالت را از خوشبختی تمیز می دهد و عاقل کسی است که هر کاری را در جای خود انجام دهد.

فردی که از رشد عقلی برخوردار است دارای ویژگی های زیر می باشد:

- 1) از مسائل درک و فهم بهتری دارد، برای مثال می داند که چرا ازدواج می کند.
- 2) در زندگی دارای هدف است.
- 3) برای رسیدن به هدف و اهداف خود در زندگی برنامه ریزی می کند.
- 4) در تصمیم گیری های خود بیشتر از عقلش تبعیت می کند تا از احساساتش.
- 5) انتظارش از خود و دیگران واقع بینانه است.
- 6) توانایی حل مساله را دارد، یعنی درباره ی هر مساله می اندیشد و راه های حل آن را مورد ارزیابی قرار می دهد.
- 7) از خود و محیطش شناخت دارد.
- 8) و مو لجه با مشکلات، موضع گیری های صحیح و اصولی دارد. یعنی به جای فرار از مشکلات و یا نادیده گرفتن آنها سعی می کند با آنها برخورد اصولی کند.
- 9) فردی مسئولیت پذیر است و مسئولیت اعمال، رفتار و تصمیماتش را بر عهده می گیرد.
- 10) بر رفتار کودکانه خویش غلبه کرده است و مطابق سن و رشد خود عمل می کند.

## 3- رشد عاطفی

انسان موجود چند بعی و و عین حال بسیار پیچیده است. با تمامی ارزش هایی که برای عقل متصور است، اما تمام سعادت بشر در گرو تکامل عقل نیست، بلکه سرمایه ی مهم دیگری به نام عواطف و احساسات در انسان وجود دارد که به اندازه ی عقلی هم است. انسان به کمک عقل و عاطفه (دوش به دوش هم) راه تعالی و تکامل را طی می کند.

رشد عاطفی و احساسی از شرایط لازم برای ازدواج است و دارای محاسن و مزایای بسیاری است:

- 1) عواطف و احساسات، قدرت محرکه ی انسان می باشد.
- 2) عواطف و احساسات، عامل اتصال و پیوستگی و تلطیف انسانها و جوامع است.
- 3) مهر، محبت و عواطف از مهمترین عوامل موفقیت در زندگی زناشویی است.

فرد برخوردار از رشد عاطفی، مهارت احساسات منفی و مثبت خود را در دست دارد. او در ابراز خشم و ترس، گریه و شادی، محبت و غیره در محدوده‌ی مورد قبول جامعه عمل می‌کند، نه همانند یک کودک.

رشد عاطفی نیز مانند رشد عقلی به‌سبب تقویت به‌میزان یادگیری، تجارب فرد و از همه مهمتر در تعلیم و تربیت کودک با والدین و دیگر بزرگسالان آموخته می‌شود. رشد عاطفی مانند رشد جسمانی از لحظه‌ی تولد آغاز می‌شود و حتی در وقت تولد عقلی کودک و هنگام تولد مشاهده می‌گردد و بر اثر تعامل با خانواده و دیگر افراد در جامعه رشد می‌کند؛ پس اکتسابی است.

#### 4- رشد اجتماعی

رشد اجتماعی، رابطه‌ی نزدیک با رشد عقلی و رشد عاطفی دارد. انسان دارای چهار دنیای اجتماعی است: خلو، اده، مریسه، شغلو. نوستن که فرد را باید از نظر اجتماعی در آنها مورد ارزیابی و بررسی قرار داد. فردی که از رشد اجتماعی برخوردار است روابط اجتماعی را بهتر درک می‌کند، به دیگران احترام می‌گذارد، حقوق دیگران را محترم می‌شمارد و حق، وظایف و مسئولیت‌های مربوط به خویش را به نحو احسن انجام می‌دهد. چنین فردی محیط زندگی و اجتماع خویش را خوب می‌شناسد، به ارزش‌ها و فرهنگ جامعه احترام می‌گذارد و رفتار خویش را با ارزش‌ها و رفتار مطلوب در خانواده، مدرسه و جامعه تطابق می‌دهد؛ ضمن آن که در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت دارد و مسئولیت‌های اجتماعی را می‌پذیرد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «کسی که ازدواج می‌کند باید همسرش را اکرام کند.» یعنی به او احترام بگذارد و گرامی‌اش بدارد.

به بیان کوتاه، فردی که از رشد اجتماعی برخوردار است:

- 1) در فعالیت‌های مختلف درگیر است.
  - 2) وظایف و مسئولیت‌های خویش را انجام می‌دهد.
  - 3) توانایی ایجاد ارتباط اجتماعی با دیگران را داراست.
  - 4) مسئولیت‌پذیر است.
  - 5) در برخورد با افراد دیگر رفتار سازگارانه‌ای دارد.
  - 6) در موقعیت‌های مختلف، متناسب با آنها عمل می‌کند.
- رشد اجتماعی نیز اکتسابی است و فرد مهارت‌های مربوط به آن را در خانه، مدرسه و اجتماع فرا می‌گیرد.

#### 5 - رشد اخلاقی

از شواهد لازم برای ازدواج، رشد اخلاقی است. اخلاق یعنی خودنظمی در اعمال و رفتاری که در آن رفاه فرد و دیگران هر دو مراعات شود.

حلاق، مجموعه‌ی ژانبل و رسوم، عادت و آله‌های رفتاری است که با معیارهای مطلوب گروهی که انسان با آن زندگی می‌کند تطابق دارد.

روابط و زندگی زناشویی همانند هر ارتباط اجتماعی دیگر بین انسانها، با در نظر گرفتن ارزش‌های اخلاقی و معنوی زن و مرد است که منجر به سعادت و معنویت زندگی آنان می‌گردد.

اخلاق عبارت از آن چیزی است که باید باشد. علمای اخلاق و انبیای الهی، جامعه را از آنچه که هست به سوی آنچه که باید باشد، سوق می‌دهند. پیام‌وگرایان ما می‌فرمایند: «حق و بی‌تکلیف اصول اخلاق و فضیلت را نگذخته شده‌ام. بیداری را امر و مسائل زندگی زناشویی در چهارچوب اخلاقی و فضایل اخلاقی قابل حل ملت و اندازه زن و شوهر متعلق به اخلاق و رفتار پسندیده مانند صداقت و گذشت، درستی و فداکاری و... باشند، زندگی‌شان از سلامت و آرامش بیشتری برخوردار خواهد بود.

اخلاق آموختنی است و یادگیری ارزش‌های اخلاقی از سه طریق اتفاق می‌افتد:

1) پاداش و تنبیه

2) تقلید ناخودآگاه از افرادی که فرد با آنها زندگی کرده است و ایده آلهای او را تشکیل می دهند .

3) از طوق تکرر . ندیده و تحقق نیارده ی بی آمد هلمرفقت و نتایج رعایت اصول اخلاقی در موقعیت های مختلف .

مام صادق (ع) و کتب الایق بی فرماید : « و لی اقام به هر کاری به کارگیری فکر و اندیشه و مطالعه جوانب مختلف آن و مال اندیشی شرط موفقیت و پیروزی است . »

بنابراین تردید نیست که اخلاق را باید یکی از مهمترین معیارها و شرایط ازدواج محسوب داشت .

## نقش ایمان و اخلاق در تحکیم بنیاد خانواده



خانواده ، يك واحد كوچك اجتماعى است كه با پیمان ازدواج زن و مرد آغاز می شود و با تولد فرزندان ، توسعه و استحکام می یابد. جوامع بزرگتر نیز از همین واحدهای كوچك تشکیل می شوند. بشر از آغاز ، زندگی خانوادگی را به عنوان بهترین نوع زندگی برگزیده و در همه زمانها و مکانها بدان پایبند بوده و هست.

این نوع زندگی ، از امتیازات انسان محسوب می شود و فوائد گوناگونی دارد ، از جمله اینکه زن و مرد را از پریشانی و بی هدفی نجات می دهد و به خانواده وابسته و دلگرم می سازد و آنها از نعمت انس و مودت بهره مند می شوند .

وابستگی کودکان ، نوجوانان و جوانان نیز به خانواده ، فوائد زیادی را در بردارد ؛ چرا که از انواع مفسد اخلاقی ، اجتماعى ، انحرافات جنسى ، ارتکاب جنایت ، بزهکاری و اعتیاد ، بیشتر مصون می مانند.

بنابراین ، سلامت و سعادت جامعه ، تا حد زیادی ، به وضع خانوادهها و کیفیت روابط بین زن و شوهر و والدین و فرزندان بستگی دارد. هر چه روابط بهتر و سالم تر ، باشد زندگی شیرین تر و با صفاتری دارند و ارتباط صمیمانه تري با خانواده برقرار می کنند و از خطر انحراف مصونیت پیدا می کنند.

هدف از ازدواج در اسلام ، یعنی ایجاد انس و محبت و صفا در خانواده ، خانه ای که در آن صفا و محبت نباشد از هم گسیخته است و ویرانه . حتی می توان گفت که زندانی بیش نیست.

### " معیار در انتخاب همسر "

اسلام در جهت تحقق اهداف ازدواج و تحکیم بنیاد خانواده ، بر دو امر تأکید دارد : یکی ایمان و دیگری اخلاق ، و به کسانی که قصد ازدواج دارند توصیه می کند که دین و اخلاق همسر خود را منظور بدانند.

مردی به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و در امر ازدواج با او مشورت نمود ، آن حضرت فرمود: «با زنان دیندار ازدواج کن تا خیر فراوانی نصیب تو شود». (1)

علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود: « سودی بهتر از زن صالح و شایسته نصیب انسان نمی‌شود ، زنی که شوهرش را خشنود می‌سازد و در غیاب او ، از خودش و زندگی شوهرش نگهداری می‌کند». (2)

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: « اگر کسی از دختر شما خواستگاری کرد و دین و اخلاقش را پسندید ، با او وصلت ایجاد کنید و گرنه فتنه و فساد بزرگی در زمین به وجود می‌آید». (3)

برای حسن رابطه بین زن و شوهر و بقاء و استحکام بنیاد خانواده ، و برای جلوگیری از اختلافات خانوادگی و وقوع طلاق ، بهترین وسیله رعایت ارزش‌های اخلاقی است و در این رابطه توصیه‌های فراوانی شده است .

اسلام ، ازدواج را پیمانی مقدس می‌داند که بین زن و مرد ، به اعتبار این که دو انسان هستند بسته می‌شود و مهمترین هدفش ، تامین نیازهای انسانی ، آرامش و سکون و انس زن و مرد به یکدیگر است ؛ حتی تولید و پرورش فرزندان را نیز ، در راه تامین هدف عالی انسانی محسوب می‌دارد.

قرآن کریم در این رابطه می‌گوید: « و از نشانه های خداست که برای شما از جنس خودتان همسرانی بیافرید تا با تمایل به سوی آنان آرامش بیابید ، و در میان شما محبت و دلسوزی قرار داد . همانا که در این موضوع برای اندیشمندان نشانه‌هایی است» (نور/ 21)

در آیه مذکور ، انس و آرامش خانوادگی به عنوان ثمره ازدواج معرفی شده است. در پیمان مقدس ازدواج ، زن و مرد با تمام وجود به سوی یکدیگر جذب و با هم متحد و يك دل می‌شوند و در تمام ابعاد زندگی ، در خدمت یکدیگر قرار می‌گیرند. مأنوس ، همفکر ، هم راز و يك هدف می‌شوند.

در آیه مذکور ، زندگی خانوادگی ، بر دو پایه نیرومند مودت و رحمت استوار گشته است . یکی از پایه های ازدواج ، مودت و علاقه زن و شوهر نسبت به یکدیگر است . زن و شوهر خوبی‌ها و نقاط مثبت یکدیگر را مورد توجه قرار می‌دهند و از صمیم قلب یکدیگر را دوست می‌دارند. هر يك از آنان ، دیگری را نعمتی ارزشمند از جانب خدا و وسیله انس و الفت ، آرامش و دلگرمی و شريك زندگی می‌شمارد و از این نعمت بزرگ فدردانی و سپاسگزاری می‌کند.

پایه دیگر ازدواج ، که در آیه به آن اشارت شده "رحمت" یعنی مهربانی و دلسوزی است ، هر گاه یکی از زوجین به نقصان و ضعف و نیازی در همسرش مواجه شد ، همدلانه فکر می‌کند ، او فکر کند که همسرش يك انسان است و انسان بی نقص نیست. چنان که خود نیز بی عیب نمی باشد . پس با نرمی و مدارا و از روی مهربانی و دلسوزی ، نقص او را در صورت امکان برطرف می‌سازد و در صورت عدم امکان ، او را با همان حال می‌پذیرد. نقصانش را نادیده می‌گیرد و به زندگی ادامه می‌دهد. لازمه رحمت و دلسوزی ، این است که چنانچه فرد خیر و صلاح خود را می‌خواهد ، در همه حال خواسته ها و

تمایلات همسرش را منظور بدارد ، هر چه را برای خود می‌خواهد برای او نیز بخواهد و همواره به فکر تأمین سعادت ، آسایش و آرامش او نیز باشد.

قرآن مجید در این رابطه ، تعبیر بسیار جالبی دارد و زن و شوهر را چنین توصیف می‌کند:

« زن برای شما لباس هستند و شما نیز برای آنان لباس هستید » ( بقره/187 )

لباس ، مجموع بدن انسان را با همه کمالات ، نواقص ، خوبی‌ها ، بدی‌ها ، زیبایی‌ها و زشتی‌ها در بر می‌گیرد و از سرما و گرما و خطر حفظ می‌کند . بر زیبایی‌هایش می‌افزاید و عیوبش را می‌پوشاند . لباس نزدیکترین اشیاء نسبت به انسان است و از جمله نیازهای اولیه به شمار می‌رود. زن و شوهر نیز ، نسبت به یکدیگر باید همانند لباس باشند ، همدیگر را با همه نواقص و کمالات بپذیرند. حافظ و نگهبان و آرامش بخش یکدیگر باشند. بر زیبایی‌های هم بیفزایند و عیوب هم را بپوشانند و رازدار و محرم اسرار باشند.

اسلام ، در مورد روابط بین زن و شوهر و زندگی خانوادگی چنین می‌اندیشد و آن را بر چنین پایه‌هایی استوار ساخته است. تشکیل چنین خانواده‌هایی در خور انسان است و سعادت جسمانی ، نفسانی ، دنیوی و اخروی او را تأمین می‌کند. اگر بنیاد خانواده بر پایه‌های ایمان و محبت استوار گردد ، کانون خانواده گرم و با صفا می‌شود و از کشمکش‌ها ، و اختلافات و طلاق و فروپاشی جلوگیری می‌کند.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: « کاملترین مردم از جهت ایمان ، کسی است که اخلاقش خوب تر باشد ، و بهترین شما کسانی هستند که نسبت به همسران خود خوش رفتارتر باشند . » (4) امام سجاد علیه السلام فرمود: « حق همسرت این است که بدانی‌خداي متعال او را وسیله آرامش و انس تو قرار داده و بدانی که او نعمتی است از جانب خدا برای تو ، پس او را گرمی بدار و با وی مدارا کن ، گرچه تو نیز بر او حقی بزرگ داری ، اما باید نسبت به او دلسوز و مهربان باشی . باید خوراک و پوشاک او را تأمین کنی و اشتباهات و لغزش‌هایش را ببخشی » (7)

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: « جهاد زن در این است که خوب شوهرداری کند » . (8)

اسلام عنایت ویژه‌ای به اخلاق دارد و رعایت ارزش‌های اخلاقی را برای سلامت خانواده و تحکیم بنیان آن ضروری و لازم می‌داند.

به نظر می‌رسد یکی از عوامل مهم تزلزل بنیاد خانواده ، بی‌توجهی به مسائل اخلاقی است و برای حل این مشکل بزرگ که خانواده را در معرض تهدید جدی قرار داده ، چاره‌ای جز احیای ارزش‌های اخلاقی به ویژه اخلاق خانواده نداریم.

### پی‌نوشت‌ها:

1- وسائل الشیعه، ج 20، ص 50.

2- همان، ص39.

3- همان ، ص77.

4- بحارالانوار، ج 71، ص389.

5- همان ، ج 74 ، ص 5.

## عوامل موثر در شکل گیری ازدواج (قسمت اول)



### عوامل اخلاقی و روانی

بسیاری از کسانی که ازدواجشان ناموفق بوده ، علت جدایی خود را عدم توافق اخلاقی ذکر کرده اند. هر چند ممکن است این دلیل، سرپوشی برای سایر عوامل باشد ، ولی واقعیت این است که نداشتن توافق اخلاقی شدیدترین ضربه را به پیکر خانواده می زند . عوامل اخلاقی و روانی در ازدواج به دو دسته تقسیم می شوند :

### الف) عوامل توفیق و حفظ زناشویی

**1- حوصله و بردباری :** کسانی که در قبال مسائل خانوادگی و اختلافات بین خود و همسرشان حوصله به خرج نمی دهند و با بروز هر اختلاف کوچکی ، عکس العمل شدیدی نشان می دهند، زندگی زناشویی را به سوی ناسازگاری و اختلاف شدیدتر می رانند .

**2- صداقت :** صداقت اساس زندگی خانوادگی است . چنانچه زن و شوهر مطالبی را از هم پنهان کنند یا دروغ بگویند ، اعتماد و اطمینان آنان از یکدیگر سلب می شود و در ادامه زندگی با مشکل مواجه می گردند .

**3- خلوص :** منظور از خلوص ، سادگی ، پاکي و بی آلایشی رفتار است . اگر بین زن و شوهر ریا و تظاهر حکمفرما باشد ، زندگی صفا و صمیمیت خود را از دست خواهد داد .

**4- مهربانی :** زن و شوهر باید یکدیگر را دوست داشته ، نسبت به هم مهربان و در غم و رنج یکدیگر شریک و یاریگر هم باشند .

**5- از خود گذشتگی :** زن و شوهر باید در مقابل یکدیگر گذشت داشته باشند و وضعی را پیش نیاورند که با لجاجت ، زندگی را به کام خود تلخ کنند.

**6- صمیمیت :** صمیمیت حالتی است که در آن، بین زن و شوهر دورنگی نباشد و آنچه از هم در دل دارند بگویند و غمخوار یکدیگر باشند و در این زمینه از صمیم قلب عمل کنند . صمیمیت آینه ای است که آنچه در ذهن و رفتار است در آن منعکس می شود . صمیمیت با ملایمت همراه است و حتی اگر اعتراض با صمیمیت و احترام همراه باشد ، مشکلی ایجاد نخواهد کرد زیرا آنها با یکدیگر منافاتی ندارند .

**7- اعتماد و اطمینان :** عدم وجود اعتماد در زندگی از مهمترین دلایل بروز نابسامانی است . بنابراین رفتارها و حرکاتی که ممکن است از طرفین سلب اعتماد کند ، باید کنترل شود تا زوجین از جمیع جهات نسبت به یکدیگر تفاهم کامل داشته باشند .



**8- نظم و انضباط :** عدم رعایت نظم و انضباط در امور داخلی خانه از موارد اختلاف انگیز است . زن یا شوهری که نظافت و بهداشت خانه را رعایت نکند ، مورد اعتراض قرار می گیرد . اگر هر دو بی نظم باشند ، زمینه اعتراض کمتر به وجود می آید .

**9- همکاری :** همکاری دارای دو جنبه فکری و عملی است . اموری مانند شستن ظروف و البسه ، خرید لوازم مورد نیاز ، جارو کردن و امثال آن ، به عنوان جنبه عملی همکاری مطرح اند و همفکری برای رفع مشکلات و گرفتاریهای مالی ، بررسی امور مربوط به فرزندان ، طراحی برنامه های کوتاه یا بلند مدت برای زندگی و مشابه آن ، مربوط به جنبه فکری همکاری می باشند . زن و شوهر باید در هر دو زمینه با هم همکاری نمایند .

**10- سازگاری :** وضعیت خانواده ممکن است در شرایط مختلف از نظر روحی و روانی و رفاه و آسایش دگرگونی هایی داشته باشد . در تلاطم زندگی ، چنانچه زوجین قدرت سازگاری داشته باشند و بتوانند خود را با شرایط تطبیق دهند ، بقای خانواده تضمین می شود .

**11- تعهد :** زن و مردی که عقد ازدواج بسته اند ، باید به تعهدات خود پایبند بوده و همواره در نظر داشته باشند که سرپیچی از تعهدات زندگی زناشویی ، عواقب بدی را به دنبال خواهد داشت .

**12- سخاوت :** خسیس بودن هر يك از زوجین ادامه زندگی را مشکل می کند . مرد باید در اقتصاد خانواده ، میانه روی را اختیار کند و همسر خود را نیز در هزینه های زندگی به اعتدال توصیه نماید و در این زمینه با هم هماهنگ شوند . دادن هدیه به یکدیگر به مناسبت های مختلف ، محبت و گرمی خانواده را افزایش می دهد و موجب استحکام پایه های زندگی زناشویی می گردد .

**13- وفاداری نسبت به هم :** آنچه زن و شوهر باید تا آخر عمر آن را مد نظر داشته باشند ، رعایت حقوق همسر است . همسران متعهد تا پایان عمر از وظایفی که نسبت به همسر خود پذیرفته اند ، شانه خالی نمی کنند .

**14- احساس مسئولیت :** هر يك از زوجین باید نسبت به وظایفی که در رابطه با خانواده به عهده دارند ، احساس مسئولیت کنند .

**15- اطفال پذیری :** با اطفال پذیری ، زن و مردی خواهند بود که مشکلات را کاهش دهند و از دامن زدن به اختلاف ها جلوگیری نمایند .

### **ب) وجوهی از اختلاف های زناشویی :**

**- اختلاف در خواسته ها :** زندگی زن و شوهری که خواسته های غیر واقعی و متفاوت از یکدیگر دارند ، رو به نابسامانی می رود . از این رو ، زوجین باید خواسته های خود را هماهنگ نمایند .

۲. **اختلاف در سلیقه ها و علاقه ها :** وجود اختلاف سلیقه و علاقه در افراد ، طبیعی است و چنانچه در زندگی زناشویی ، این اختلاف موجب هماهنگی بین زن و شوهر شود ، زندگی آرامی به وجود می آید .

۳. **اختلاف در دیدگاه ها و آرزوها :** انسان موجودی است با آرزوهای نامحدود ، چنانچه زن و شوهری با دیدگاه های مختلف و آرزوهای متفاوت که احتمال حصول به آنها کم باشد ، نتوانند در زندگی زناشویی خود هماهنگی ایجاد کنند ، زندگی شاد و موفق نخواهند داشت .

۴. **اختلاف در خلق و خو :** بعضی از افراد بسیار خشن ، متکبر ، خودخواه و از خود راضی اند و برخی روحیه ای گرم دارند ، خوش برخورد ، متواضع و مردم دوست هستند. بنابراین توافق اخلاقی ، در صدر عوامل و شرایط انتخاب همسر قرار دارد .

۵. **اختلاف در میزان هوش :** اختلاف فاحش سطح هوش همسران نسبت به یکدیگر ممکن است در زندگی مشکلاتی ایجاد نماید .

- **اختلاف در ابعاد معنوی :** مرد و زنی که از نظر رعایت و پایبندی به امور معنوی متفاوت هستند ، زندگی بی دغدغه ای نخواهند داشت . بنابراین در امر ازدواج ، باید بعد اعتقادی به ویژه جنبه های معنوی آن مورد توجه خاص قرار گیرد و از طرق مختلف اطمینان به پایبندی طرف مقابل احراز شود .

#### عوامل اقتصادی

عوامل اقتصادی می توانند عامل اختلاف در زندگی زناشویی باشند و مهمترین آنها عبارتند از :

#### الف ( مسکن :

هر خانواده ای به یک واحد مسکونی مستقل نیاز دارد . قبل از ازدواج نیز باید این مسئله حل شود . آنچه مهم است ، دستاورد مسکن است و اجاره آپارتمانی 50 یا 60 متری یا کوچکتر ، زوجین باید سعی کنند حتی الامکان جدا از پدر و مادر زندگی نمایند . بعضی از زوجین طول دهند که با پدر و مادر و یا اقوام دیگرشان در یک خانه زندگی کنند و حتی ، آن را خوشتر از بوی قرار می دهند . همین مورد باید بررسی لازم به عمل آید و به این مسئله توجه شود که در نهایت ، چنین برنامه ای به نارضایتی و اختلاف منجر نشود .

#### ب) وسایل زندگی :

برابر رسم معمول ، دختر جهیزیه ای با خود به خانه بخت می برد . چنانچه شوهر مقدار جهیزیه را دستاویزی برای تحقیر همسرش قرار دهد ، زمینه ناسازگاری ایجاد خواهد شد . درست است که اقتصاد ، نقش بسیاری در زندگی دارد ، ولی نباید اساس و پایه زندگی زناشویی قرار گیرد .

بعضی خانواده ها با وسایل عادی مانند یخچال ، تلویزیون ، فرش معمولی و سایر وسایل مورد نیاز ، زندگی را می گذرانند . ولی برخی دیگر ، زندگی لوکس و مرفهی دارند و همیشه از آخرین مدل لباس ، اتومبیل ، مبلمان ، فرشهای گرانبها ، وسایل خارجی و تجهیزات تفریحی و ورزشی استفاده می نمایند . دختر و پسر جوانی که در دو زندگی

متفاوت بزرگ شده اند ، به ندرت می توانند با هم سازش کنند . پسر جوانی که درآمد کافی برای تهیه وسایل لوکس برای دختری از خانواده ای مرفه را ندارد ، دیر یا زود مورد اهانت و اعتراض همسر خود قرار می گیرد . بنابراین قبل از ازدواج ، در انتخاب همسر باید به شرایط زندگی طرف مقابل توجه شود .

### ( ج ) هزینه های رفاهی و معیشتی :

در جامعه ما معمولاً تأمین هزینه زندگی به عهده شوهر است . بعضی از دختران ملاک ازدواج را میزان درآمد پسر قرار می دهند تا بتوانند هزینه های زندگی را در سطح عالی تأمین نمایند . گاه توقع زیاد موجب می شود که پسر با وجود داشتن شرایط مناسب از ازدواج منصرف شود . بنابراین دختر و پسر قبل از ازدواج باید شرایط شغلی ، درآمد و توقع همسر خود را در نظر بگیرند و در انتخاب همسر با آگاهی و بصیرت تصمیم گیری نمایند .

### نقش عوامل اجتماعی

پسری که در یک خانواده اشرافی بزرگ شده ممکن است با دختری از یک طبقه متوسط یا پائین به خاطر زیبایی و یا همکلاسی بودن ازدواج نماید . شاید این موضوع در ابتدا مشکلی فراهم نیاورد ، ولی به تدریج عدم معاشرت پدر و مادر و خانواده شوهر با خانواده زن ، به سبب این که به حیثیت اجتماعی آنها لطمه می خورد ، منجر به ناسازگاری و اختلاف می گردد و اگر به طلاق منجر نشود ، زندگی موفقی هم نخواهد بود . این حالت در مورد دختر نیز می تواند ایجاد گردد .

چنانچه جوانی با خصوصیات برجسته ، ولی از طبقه اجتماعی متوسط یا پائین بخواهد با جوانی از طبقه اجتماعی بالاتر لوط کند ، باید او و خانواده اش را با ویژگی‌های خودشناسی و نابرابری با تشکیل جلد لایه جهت شناخت بیشتر ، آنان را با اقوام و خویشاوندان خود مواجه سازد . در این حالت احتمال ناسازگاری کمتر ، خواهد بود .

چنانچه فرد لکان پیرشرف و توك لجه به پایگاه اجتماعی بالاتر را دارد باید با فردی که همان شرایط را دارا است ، زوج نماید . به طور کلی در این مبحث می توان گفت که هر چه طبقه اجتماعی دختر و پسر به هم نزدیکتر باشد ، موفقیت در ازدواج بیشتر است .

## ویژگیها و شرایط لازم دختر و پسر برای ازدواج ( بخش دوم )



### تفاهم در زندگی زنشویی

تفاهم ، عبارت است از فهمیدن و درک کردن . در زندگی برای نیل به تفاهم ، باید عوامل و شرایطی مهیا باشد که قبل از ازدواج ، زن و مرد با توجه و عنایت کافی به آنها زمینه ی تفاهم هر چه بیشتر را در زندگی فراهم آورند . پس دختر و پسر برای نیل به توافق و تفاهم در ازدواج باید دارای ویژگیها و شرایطی برای ازدواج باشند .

## عوامل مؤثر در تفاهم و توافق در ازدواج

### ایمان و اعتقادات مذهبی

زن و مرد يك عمر شريك هم در زندگي هستند و اكثر اوقات را با هم مي گذرانند ، پس تحت تاثير عقايد ، افكار ، رفتار و اخلاق يديگر قرار خواهند گرفت . بن و ديد موديا زن . معتقد ديدنر ه تنها همسر خود را به بينداري ، تقوا و عمل صالح تشويق مي كند ، بلكه مي تواند فضاي خانواده را به محيطي امن و دور از گناه تبديل كند . علاوه بر اين همسر با ايمان و با تقوا از هر جهت قابل اعتماد و براي تربيت فرزندان شايسته تر است .

### تحصيلات

شابه تحصيلي ، يكي از عوامل مهم و ايجاد تفاهم بين زن و مرد است ، ضمن آنكه علم و دانش به خودي خود يك مزيت و كمال مطلوب براي انسان محسوب مي شود . زن و مرد ي كه يكديگر را بهتر درك كنند ، بيشتري قادر خواهند بود با يكديگر ارتباط برقرار كنند و طبعاً وظايف و مسؤليت هاي خويش را بهتر انجام مي دهند و در تعليم و تربيت فرزندان خوش تر تفاهم و توافق بيشتري برخوردارند . هر چند كه تحصيلات به خودي خود نمي تواند عقل و هويت كافي را در زن دگر همين كند ، ولي به هر حال تشابه در سواد و تحصيلات زن و مرد ، عامل مؤثري در تفاهم بين آن دو به حساب مي آيد .

### سن

تدريس ، ميائزن و ود بل دورا از نظر نيرو و علاقه بهم تديكيمي كند و طبعاً در چنين شوايطي توقعات و انتظارشان از يكديگر واقع بينانه تر خواهد بود . در مورد تناسب سني ، معمولاً توصيه مس شود كه زن حدود نوتا چهار سال از مرد كوچكتر باشد . كارشناسان خانواده براي دختران سنين 22-20 سال و وي پسران 26-24 سال را مديه مي كنند . به هر حال بايد توصيه داشت كه رشد عقلي ، عاطفي ، اجتماعي و اخلاقي الزاماً با سن تقويمي و شناسنامه اي هماهنگ نيست ، به همين جهت نيز تناسب در سن را نبايد يك شرط ضروري و اولي و بي تفاهم بين زن و مرد و نظر گرفت ، مشروط بر آن كه عوامل ديگري كه از ويژگي هاي يك فرد رشد يافته است ، مورد توجه قرار گيرد .

### زمينه هاي تربيتي و فرهنگي خانواده

تحقيق تدبلي مي دهد كه يكي از مهمترين عوامل در ايجاد تفاهم بين دختر و پسر ، تشابه در زمينه هاي تربيتي و فرهنگي خانواده هلي آن وسيلت . رفتار ، كوتاهي لغت و خط و داده هنيه مهمتره و ستم ترين نهاد و تربيتي فرد سلت . بسيدي از عاقل ، سلوك ، رفتار و اخلاق و حدتي آبله غذا خوردن ، معاشرت ، حرف زن و بس يولي از ايش هلي فرد و رنگي ، و بسو خانواده لوخته مي شود . بنابر اين تشابه در وضعيت تدبلي و فرهنگي خانواده ي دختر و پسر ، از اهميت برخوردار است و عدم تشابه يا تضاد در شيوه هاي تربيتي در دو خانواده ، مي تواند منشاء بسياري از اختلافات و درگيري هاي زن و مرد در زندگي زناشويي شود .

و بين عوامل مؤثر و دطلاق ، اخلاق و تفاوت زمينه هلي فرهنگي و تربيتي خانواده ي زن و مرد ، از فراواني بالايي برخوردار بوده است .

### وضعيت اقتصادي - اجتماعي خانواده

كودنلسلخ لوده تسيه مي كند كه خانواده دخرو پور نظر طبقه و وضع اقتصادي - اجتماعي مشابه باشند تا سازگاري بيشتري را در كنار هم تجربه كنند . لكن اين مسأله عموميت ندارد و هستند افرادي كه با وجود تفاوت طبقي اجتماعي و ژويتو دل ابي و كنل هم زندگي سعادت مندي را مي گذرانند . بنابر اين آنچه براي سازگاري زن و مرد مهمتر و مؤثرتر است كمالاتي از قبيل ايمان و تقوا ، اخلاق و رفتار نيك ، هوش و درايست و تربيت و اصالت خانوادگي است .

### تناسب و تفاهم به جاي تطابق و تشابه

زن و مرد لظرف عواطف و احساسات و سلیقه و رفتار نمی‌توانند به یک وحدت دست یابند و تطابق و یکی بودن مطرح نیست، بلکه مراد توافق کلی زن و مرد در مسائل مختلف زندگی است که زیربنای آن تفکر و اندیشه است. هیچ دو تصد صدمثل هم نیستند و هیچ چیزی با پی با دیگری خویش ازدواج نمی‌کند، لکن هر اندازه نقطه مشترک و مشابه بنختر و پسر بیشتر باشد احتمال بهتر زیستن و سازگاری آنان بیشتر خواهد بود. و عنحل که زندگی های زنشویی نیز همانند افراد با یکدیگر متفاوت است و زندگی هر زن و مرد بی همانند و در نوع خود بی‌ظ و سلت. زن و مرد باید به رغم تفاوت‌های فردی خود که حاصل عوامل ارثی، محیطی و رشد طولی مثل بلوغ و پیری را بکنند زبان یکدیگر را بفهمند، تفاوت‌های آنها را بشناسند و یکدیگر را آن گونه که هستند بپذیرند.

سپس هر دو پوی که می‌خواهند با یکدیگر را بکنند باید با تکیه بر توان عقلمی و قدرت اندیشیدن خود معیار هی صولوی. هاننی روظ بگوید و نتیجه نقطه مشترک و شبهه بیشتر، هم‌رخویش را برگزینند، با او پیمان ازدواج ببندند و برای یک زندگی سازنده، شاد و سعادت‌مند بر خداوند توکل کنند.

اسلرظ روظ در زندگی زنشویی و خاویگی، پوی لظ هی لظی لظو ن صوفاً اکاء به ملتپظ و حق که ظن بر لظو زن یا و نازدرظ گفته سلت. جوانی که وچ لظو روز زندگی زنشویی، کبیل خانواده و حتی جوامع را تهدید می‌کند، عمدتاً معلول فقدان اخلاق و ارزش‌های اخلاقی است.

لظوهی تفاهم و خاوه ده و زندگی زنشویی، ر و دیه گت و عی، شک بیلو و دی بی صمیمیت و صداقت، حُسن خُلق و پذیرش، تکریم و تواضع، محبت و روابط مطلوب و سازنده زن و مرد است.

به خلق و لطف توان کرد صید اهل نظر به دام و دانه نگیرند مرغ دانا را

به امید اینکه همه ی جوانان برای تشکیل زندگی مشترک با توکل به خدا، برترین گزینه را انتخاب کنند.

## فاصله سنی چقدر مهم است؟



### چه کنیم که خانواده ای با دوام و مستحکم داشته باشیم؟

لظ سوالی سلبی است که هر جوانی در آستانه ازدواج مصمم به یافتن پاسخ آن است، گرچه پاسخگویی به آن بعد از ازدواج هم دل بی اهمیت است. جالب است که بدانیم جواب شرع، عقل، علم و عرف به این سوال یکسان سلت. و لظیک کلمه یعنی " کفو همدیگر بودن " است. کفو هم بودن دو همسر یعنی تناسب، همسانی و هم‌رازایی و در اصطلاح عرف یعنی با هم جور بودن.

زوج پیوند بین دو انسان و دوخاواده ملت که اجزاء اصلی و اساسی آن، زن و مرد می باشند و هر قدر بین این اجزاء و عناصر هماهنگی، تناسب و سنخیت بیشتری باشد. آن پیوند استوارتر، مستحکم تر، پرثمرتر و لذت شفی تر خواهد بود. و به تعبیر "فلسفه السنخیه علیه الانضمام"، سنخیت و همتایی سبب جذب و پیوند است. به عکس، هر چه این تناسب و هماهنگی کمتر باشد، زندگی سست تر، تلخ تر، کم ثمرتر و ناپایدارتر خواهد بود. علم و تجربه گوید زآنستکه عفت سلیبی بدینسانهاها و نانیگه وی هیاز زندگی زنده وی عم تناسب و ناهمگنی بین زن و شوهر است، بنابر این شناخت موری که موجب هماهنگی و تناسب بین زوجین است. ضروری و لازم می باشد و به هیچ وجه نباید این مسئله را به بعد از زواج میگویند. یکی از امور مسئله تناسب و هماهنگی در سن زندگی است. لزوم تناسب سنی از اطلاق آتی مثل "فانکخوا ما طاب لکم من النساء" همی مورد پند و دانشین انتخاب کنید، استنباط می شود. همچنین در روایات اسلامی به صراحت، هم کفو بودن مطرح شده است. پیامبر اسلام می فرماید: با همسان و هم شأن خود ازدواج کنید.

می توان گفت لازم معیار و ملاک همگنی در سن را به عقل و عرف و علم سپرده است. اگر فرد به تجارب و آرزو و تعینت هیلی موجود در جامعه و مدتلال هیلی علمی در این مسئله نظری بیفکند به راحتی پی خواهد و دکه هسر دلنشین و مورد پسند همسری است که دارای هماهنگی و تناسب سنی باشد. قابل توجه است که کفو هم بودن از ظرسین، تفاوت در سن ملت نه تساوی؛ زیرا این تفاوت در آفرینش مرد و زن در مورد سن بلوغ قرار داده شده است.

در مطلب ذیل ابعاد مسئله مورد نظر از دیدگاه علم و عرف مورد بررسی قرار گرفته است:

فصله سنی مناسب میان زن و شوهر را می توان 4-3 سال در نظر گرفت. البته این بدان معنا نیست که اگر یکی و سلا به این سنین افودو یا ز آن کلدته شود، حتماً نباید ازدواجی انجام گیرد. شاید بتوان گفت که اگر تمام زمینه ها بررسی شده باشد و شدنی خطی دیده نشود، می توان فاصله سنی را به دیده اغماض نگرست، ولی در حال بهترین و منطب ترین فاصله سنی 4-3 سال است. طبیعتاً که گساروشو ایط، منقلب نباشد، باز هم ازدواج نمی تواند موفق باشد.

براهبا با خانواده هایی مواجه می شویم که فاصله سنی زوجین حتی به 25، 20، 15، 13 سال و سال های بین این رقم بالغ می شود و با یکدیگر مشکلات عدیده ای دارند. ما در اینجا به بررسی معایب ازدواج هایی می پردازیم که فاصله سنی بین زن و شوهر در آنها زیاد است.

### 1- مشکل عدم درک مطلوب یکدیگر

وجود فاصله سنی زیاد موجب آن می شود که زن و شوهر نتوانند به خوبی یکدیگر را درک نمایند. فردی با داشتن دیت سال سن بیشتر، طبیعتاً که می تواند از تجربیات و خرد را بیاد یلا اقل می تواند چنین احساسی داشته باشد. لذا این مسئله زمینه ای فراهم می کند که شخص ارزش لازم را به نظرات فرد کوچکتر ندهد یا طرف مقابل بیش از اندازه احساس کوچکی نماید و همیشه در حال اضطراب و تشویش باشد و بالاخره از اداره زندگی رمانده شود و هر دو مورد زمینه عدم تفاهم را به وجود می آورد که خود سبب پدید آمدن مشکلاتی عظیم و رولبط زناشویی خواهد شد. اینان اغلب در وضع و موقعیتی هستند که توافق روحی ندارند و نمی توانند مسائل و مواضع یکدیگر را درک کنند.

### 2- عدم تناسب در تواناییهای جسمی

وقتی که فاصله سنی بین زن و شوهر زیاد باشد، هر یک در دوره ای از زندگانی به سر می برند که به لحاظ قوت و توان با همسرخود تفاوتی عده دارند. مثلاً زنی که هفده سال دارد، در دوران جوانی به سر می برد و همسر او که در 35 سالگی است به میز میسللی ز دیگشده است. یکی غالباً حال است و دیگری زودتر خسته و فرولتی منفعل می شود، گاه این خستگی و انفعال از طرف همسر جوان به خوبی مورد تجزیه و تحلیل قرار نمیگیرد و به حساب کم کاری گذاشته می شود، یا به عنوان شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت مطرح

می‌گردد، و وقتی که با این عنوان طرح می‌نماید، طبیعی است که طرف مقابل احساس ناراحتی می‌کند و ممکن است آن امر عملی برای او انگیزگی او شود و در نتیجه محیط امن‌خانه تبدیل به فضایی ناامن و غیر قابل تحلی شود. و حلی که مرد قصد شانه خالی کردن از مسئولیت را ندارد ولی از طرف همسرش متهم به تنبلی و بی‌مسئولیتی می‌شود و از آنجا که در چنین مواردی مرد تنبلی را نمی‌پذیرد، مجادلاتی در می‌گیرد.

### 3- انعطاف پذیری کمتر فرد بزرگتر

وقتی نوجوان با یک بگوز ننگی می‌کنند، به دلیل جوانی انعطاف پذیری بیشتری دارند. فرد در سنین پایین تر چون نهال جوان است، امکان تغییر فراوانی را دارد. اما درختان، مجال کمتری برای تغییر باقی گذاشته اند. هر من ممکن تغییر و تحول نکند که ما را به یاد کلام گوی بل پیل و سلام (ص) می‌اندازد که فرمود: بیشتر کسانی که به من ایمان آوردند، جوانان بودند.

وقتی که دو نفر جوان با هم ازدواج می‌کنند، برای دست یافتن به سازگاری تلاش می‌کنند به نظر همدیگر توجه می‌کنند و خود را طوری می‌نمایند که مورد پسند دیگری واقع شوند و بدین ترتیب رضایت طرف مقابل را جلب نمایند، حال آنکه با افزایش سن، تعطل نمی‌گردد و همین امر در زندگی مشترک معضل آفرین است.

### 4- پیدا شدن سوءظن

گاه وجود فاصله‌های سنی زیاد باعث می‌شود که زوجین سوءظن‌هایی نسبت به یکدیگر پیدا کنند و ممکن است حتی نتوانند دلایلی هم برای این گونه افکار ارائه نمایند.

### 5- عدم رضای غرایز

یکی از مشکلات ازدواج، طبعی غریزی است و این خود می‌تواند عامل مؤثری در تداوم زندگی خانوادگی باشد. لذا در سنین بالا، به لحاظ غریزی افول می‌نماید، به نحوی که زوجین نمی‌توانند موجبات رضایت یکدیگر را در روابط زناشویی به خوبی طلب نمایند و همین امر ممکن است موجبات درگیری را فراهم آورد، محیط خانوادگی را متشنج کند. این مسئله در مورد چشمگیری به بروز افسردگی در زنان جوان می‌انجامد و در برخی از زنانی که خویشاوندان و بائقوا نباشند، گرایش به انحرافات و لغزشها دیده می‌شود.

### 6- امر و نهی پیوسته ی فرد بزرگتر

در چنین خانواده‌هایی فرد بزرگتر به دلیل داشتن تجربه، خود را ملزم می‌داند که مدام به همسر خود امر و نهی کند و او را به نیت ازداد- که هم می‌تواند به نیت ریقت، بلکه سلیقه نیز در آن مستعمل می‌کند. موجبات ناراحتی همسر را فراهم می‌آورد. فرد بزرگتر احساس می‌کند که باید فرد کوچکتر را تربیت کند و حال آنکه او انتظار دارد که با همسر زندگی کند، نه آنکه همسر وی نقش پدر و مادر را بر عهده گرفته، به امر و نهی و توبیخ و مبادت ملید. البته زن و شوهر باید برای تکامل و تعالی یکدیگر تلاش کنند و در مواقع ضروری به امر به معروف و نهی از منکر یکدیگر بپردازند.



## 7- کمرویی با همسر

یکی از مواردی که در این گونه خانواده ها دیده می شود، این است که فرد کوچکتر دچار نوعی کمرویی رنج آور شده و نمیتواند به راحتی مشکلات خود را با همسر خویش در میان بگذارد. دلخوفهایی نگفته و این خانوادها به بیرون امت و مجال مناسبی برای طرح آنها وجود ندارد. سخنان ناگفته بر دل فرد رنجیده سنگینی می کند و گاه به فضایی بیرون از خانه کشیده شده، برای دیگران مطرح می شود و این امر مورد قبول و پذیرش فرد بزرگتر نیست. زیرا او فکر می کند که همسرش اصول خانواده را به بیرون از خانه برده، برای این و آن نقل می کند و این خود موجب بروز اختلافات تازه ای می شود و اگر فرد کوچکتر دردها را بازگو نکند، آنها بر روی هم انباشته شده، ورا افوده می کند. روحانی که در دل کین به راهش بود که می کند و او از این که همسرش دردی که به برددهای وی گوش می دهد، احساس آرامش می کند، زیرا خوب شنیدن درد دلها بخشی از تسکین آلام است و بدین ترتیب فرد به پالایش روانی دست می یابد. وجود چنین فضایی در خانواده ضامن سلامت و بهشت روانی زوجین است. وجود کمرویی بیرون رنج آور مانع بیان بردها شده، چنین تحلیله رولی صورت نمی گیرد، سلامت روانی فرد کوچکتر در معرض خطر قرار می گیرد. خانم جوانی می گفت: همسر من سالهاست که من بزرگتر بودم و من همیشه با وی رودربایستی داشتم. از وی سؤال شد: تا کی با همسر رودربایستی داشتی؟ او گفت: تا دو ساعت قبل از مرگ شوهرم.

## 8- دادن امتیازات بیش از حد

در این نوع خانواده ها، معمولاً مشکل دیگری این است که فرد بزرگتر برای این که فرد کوچکتر را جذب کند و زندگی تلوم یابد، باید مدام به او امتیازاتی بدهد که وی را به دوام زندگی دلگرم کند. اما هر کس قادر نیست که مدتی این امتیازات را بدهد، زیرا گاه دادن این نوع امتیازها برای فرد بزرگتر غیر قابل تحمل و یا غیر ممکن می گردد و بدین ترتیب لنگه و خطی مقالی وی ادامه زندگی می کند. از سوی طرف کوچکتر که از نقطه ضعف همسر خویش اطلاع یافته درصدد اخذ امتیازهای بیشتری بر می آید و تقاضاهای فراوانی بر انرژی و توان، اختلافات خانواده را تشدید و جو ناامنی را بر خانه حکمفرما می کند و بدین ترتیب خانواده ای نابسامان شدنی می گیرد که کشمکشهای ناشی از آن، از ارزش والدین در نزد فرزندان می کاهد و در نتیجه تأثیرات تربیتی آنها را نیز کاهش می دهد.

## 9- ترس و ناامنی

در مواردی که دیده می شود که فرد کوچکتر، دچار ترس و وحشت می شود و این هنگامی اتفاق می افتد که مرد خانواده از سن و سال بیشتری برخوردار است.

خدا می بیند که با اینکه چند ماهی از مرگ همسرش نگذشته بود، و چندان متأثر هم به نظر نمی رسید. وقتی از اختلاف خانوادگی و تأثیر منفی آن بر روی فرزندان سخن می گفت، به تفاوت سنی زیاد خود با همسرش اشاره کرد و گفت: روزی که ازدواج کردم سیزده ساله بودم و در حالی که شوهرم در آن روزها سی ساله بود و من را بیدار او سخت دچار وحشت شده، پیوسته از او می ترسیدم و این ترس و ناامنی تمامی وجودم را پر کرده بود و تا زمان مرگ او نیز وجود داشت، این ترس شدید همه ی آرامش مرا سلب کرده بود. پس اگر فاصله سنی میان زوجین زیاد نباشد، این گونه ترسها کمتر دیده می شود.

## 10- نتایج نامطلوب دیگر

تفکیک سنی بدین زوجین مشکلات دیگری نیز در پی دارد که در دوره های پایانی زندگی رخ می دهد و از آن میان می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف- احساس پشیمانی



درغاً بله موارد ، این نوع ازدواجها با پشیمانی همراه می شود، زیرا مشکلات فراوان ناشی از این نوع ازدواجها به قدری زیاد و غیر قابل تحمل است که در اکثر موارد موجبات پشیمانی را فراهم می کند.

ب- بروز مشکلات غیر منتظره

پیدا بی مشکلات غیر قابل انتظار، پیامد نامطلوب دیگر چنین ازدواج هایی است. خانمی که همسرش را از دست داده و دوباره با او تفویضی زیادی هم داشت، اظهار می کرد: به دلیل عدم درک یکدیگر، زندگانی ما سراسر پر از مشغله و دعوای بود. او فرمود که در عاقبت ننگ اینها با همسر فرگوا از خود می گفت: حالا که او مرده ، پسو بزرگم مرا رها نمی کند و پیوسته به من می گوید: بالاخره با آن همه دعا و جار و جنجالهایی که به راه می دانی کلی کرب که پدرم بمیرد و در واقع تو پدرم را کشتی و من هر چه می گویم مرگ پدر به دعوای ما ربطی ندارد از من نمی پذیرد و با من سر این موضوع درگیری پیدا کرده است، یعنی تا وقتی که همسرم بود ، با او دعا می کردیم و حالا پسرم جای او را در دعا و مشاجره گرفته است.

ج- جرم زایی فرزندان

مشکل دیگری که در این گونه ازدواجها دیده می شود ، این است که امکان جرم زایی در فرزندان آنها بیشتر از مواردی است که زوجین فاصله سنی مناسبی با یکدیگر دارند.

د- طلاق

مهمی دیگری که گاه در خانواده هایی که تفاوت سنی زوجین زیاد است دیده می شود ، مسئله عدم تحمل یکدیگر و وقوع طلاق است و در نهایت می توان گفت که مشکلاتی نظیر عدم درک یکدیگر ، نداشتن تفاهم ، عدم انعطاف پذیری کافی و عدم رضایعرازی ، گاه به عنوان موانعی جدی بر سر راه تداوم زندگی تلقی می شوند و طلاق که مرگ اجتماع کوچک خانواده است ، رخ می دهد.

### توجه

با بررسی سن ازدواج میان قهرمانی و تفویض و جوامع گوناگون و بی یابیم که غالباً سن مردان در جریان ازدواج دقیق از سن سلامت. آنی ژیرار می نویسد: گاهی هیئت شمسلسانها و بله سن هسرا به هنگام ازدواج نیز نه هلت و بی دانیم که بیشتر اوقات ، افرادی با هم پیوند زناشویی می بندند که از لحاظ سنی به هم نزدیک نیستند. از این رو نتوانستیم برای به عنوان بلفضوب مهم همسان همسری که در جامعه از اهمیت والایی برخوردار است، در نظر بگیریم.

### دیدگاه دینی

در نظر امام ازدواج کون با تفویضی زیاد ، امر نامشروعی نیست و آنچه ه سنت پیامبر دیده می شود، حدیث را مشروعتاً نوع ازدواج دارد. کمال پیامبر به عنوان انسانی کالی به حدی بود که به خوبی با حضرت خدیجه (س) زندگی کرد و در آن زندگانی معضلی به خاطر تفاوت سن و سال دیده نمی شد و از سوی دیگر خدیجه (س) نیز بی کمال و بی نظیر بود. تمامی ثروت فراوان خود را در راه تبلیغ اسلام صرف نمود و اولین زنی بود که به پیامبر ایمان آورد ، در شعبه ابیطالب بادین قلمی مشقت ها، به دلیل علاقه ای که به سلام و پیامبر داشت، همه آنها را تحمل کرد و فاطمه (س) را برای پیامبر به یادگار گذاشت. پیامبر نیز به عنوان همسری یواها هر گاه که نام خدیجه (ع) را می شنید اشک در چشمان مبارکش حلقه می زد، به نحوی که اطرافیان آن حضرت ، تأثر او را به خوبی حس می کردند.

نتیجه آنکه هتکسالی می تواند در این نوع ازدواج ها موفق باشند که از رفتار پیامبر (ص) و خدیجه (ع) به خوبی متأثر باشند.

امام صادق (ع) می فرماید :

العارفه لاتوضع الا عندالعارف

زن فهمیده ی فرزانه باید در کنار مرد فهمیده قرار گیرد نه غیر آن .

در پاپیل تأکید می‌کنیم که ضیق رفع مشکلات چنین خانواده‌هایی را طریق هدایت خانواده باید به دختران و پسرانی که عقد ازدواج دارند ، آتش داد که ضلالتی بین آن‌ها بن‌سبب یا چهار سال و حداکثر هفت سال باشد و این چیزی است که باید موقع راه‌اندازی را از او برای آنان تشریح نمود تا دریابند که با فاصله سنی کمتر ، مشکلات کمتری خواهند داشت، مشروط بر این که به سایر جنبه‌های لازم برای ازدواج موفق نیز توجه کافی مبذول دارند.

### تذکر

شاید یکی از خوانندگان این مطلب شمارا در باخا اوگرایی بشنید که تفاوت سنی زیاد با همسر خود داشته باشید و نفع شریف‌تان مشغول کودک این مشکل در زندگی ما هم بروز خواهد کرد. پس چه باید کرد و راه حل چیست؟ نگران نباشید ، زو اشما با پیامدهای تفاوت سنی زیاد آشنا شده‌اید و با اراده و کسب راهنمایی می‌توانید از بروز مشکلات جلوگیری نمایید.

## عوامل موثر در شکل‌گیری ازدواج ( قسمت دوم )



### عوامل فرهنگی

عوامل فرهنگی ابعاد مختلفی دارد که مهمترین آنها عبارتند از :

#### الف) دین و مذهب :

دختر و پسر که با اعتقالات دینی متفاوت ازدواج می‌کنند ، سعی در فروکش کردن احساسات پُرشور اولیه با مشکل مواجه می‌شوند . به عنوان مثال ازدواج یک پسر شیعه مذهب با یک دختر اهل تسنن ، مشکل اختلافات دینی را در پی خواهد داشت . هر چه تعصبات دینی بیشتر باشد این درگیری بیشتر می‌شود .

زن و پسر که در پی دو مذهب متفاوت اند ملزمند در چگونگی تربیت فرزند خود با مشکلات و مسائل زیادی مواجه خواهند شد و فرزندان هم در آتش و تربیت دچار سردرگمی می‌شود . دختر مسیحی روز یکشنبه به کلیسای رودو پیوسته در شب علوا به عزاداری مسلم حسین (ع) و مراسم دعا در شبهای جمعه روی می‌آورد . این عدم هماهنگی و تضاد می‌تواند زمینه‌ساز برای فلان‌کاری خانوادگی باشد .

مرد مسلمانی مسافر هستی زیارتی و حج را دوست دارد ، در حالی که زن مسیحی رغبت به چنین برنامه‌هایی ندارد و یا در مورد حج ، اجازه انجام اعمال را ندارد .

#### ب) آداب و رسوم :

در جوامع مختلف آداب و رسوم متفاوتی رایج است و گاه عقاید یک جامعه با عقاید جامعه دیگر در تضاد می‌باشد . این موضوعه خصوص در مسئله ازدواج قابل توجه است . آداب و رسوم ده باشو هلد نقل طبقات

اجتماعی‌مدار قلباً بیکدیگر متفاوت است. خانواده‌هایی که از فرهنگ غرب تقلید می‌کنند با خانواده‌های سنتی نمی‌جویند. پس باید در این زمینه نیز دقت لازم انجام شود.

### ج) لباس پوشیدن و آراستن ظاهر :

هر فردی تفکرات، اعتقادات و باورهای مخصوص به خود را دارد که نمودهایی از این طرز تفکر در چگونگی نوع پوشش و آرایش ظاهری هر فرد نمایان می‌شود.

بسیاری از جوانان سعی در تقلید از لباس‌های روز استفاده نمایند. از این رو پسر و دختری که می‌خواهند با هم ازدواج کنند، حتی الامکان نباید طرز لباس پوشیدن و آرایش ظاهری آنها با هم متفاوت باشد.

### د) سنت‌های غیر معمول :

در بعضی از خانواده‌ها، سنت‌های خرافی و نامعقول وجود دارد. مثلاً :

- 1- مرد و زن نه صد می‌گویند و نه صد می‌گویند ، بطوری‌که بدو سالاری در خانواده حکمفرما می‌شود .
  - 2- زن حاکم است و به اصطلاح زن سالاری وجود دارد.
  - 3- به دختر اهمیت نمی‌دهند و داشتن دختر بیک نوع بدشانسی محسوب می‌شود.
  - 4- تحصیل دختران را ضروری نمی‌دانند و معتقدند که کار زن‌ها جز بچه‌داری و خانه‌داری نیست .
  - 5- زن‌ها را به صورتهای مختلف تحقیر می‌کنند و آنها را به اسامی بد صدا می‌زنند .
  - 6- مردها از گرفتن چند زن ابا ندارند .
  - 7- انجام ازدواج موقت ( صیغه کردن ) را عیب نمی‌دانند.
  - 8- بی‌بند و باریک‌دین آمدن شوهر ل به خانه چندان مهم نیست ، ولی کوچکترین خطا از جانب زن مصیبتی بزرگ است و به شدت با آن برخورد می‌شود .
  - 9- زن‌ها را به عنوان موجوداتی که باید کار کنند و سهم نبرند می‌شناسند .
  - 10- مرد در ثروت زن و مصرف آن دخالت می‌کند و هیچ استقلال و شخصیتی برای او قائل نیست .
- و مورد دیگری را این قبیل که لازم است دختر و پسری که می‌خواهند ازدواج کنند باید در مورد خانواده مورد نظر خود تحقیق نمایند و در صورت مشاهده چنین سنت‌هایی ، از وصلت با آنها خودداری نمایند.

### ر) اعتقادات و باورها :

تقریباً تمام مردم و غش‌تجه‌بل و بی‌و و تمام ملت ، تحمل مردی که تمام اوقات خود را به مطالعه می‌گذراند ، ندارد . در زندگی هر فردی ارزشها و ضد ارزشهای فرهنگی نقش مهمی دارد. باید توجه داشت که کدام ارزش عقیده ، خی‌باید ملت . این موضوع باید قبل از ازدواج مورد توجه قرار گیرد و فرد ، همسری را انتخاب کند که اعتقادات و باورهایش به اعتقادات و باورهای او نزدیک باشد .

### عوامل جسمانی و ژنتیکی

با این‌که زیبایی ظاهری ممکن است دوام نداشته باشد و خیلی زود جای خود را به وضع جدیدی بدهد ، دو نفری که می‌خواهند یک عمر با هم زندگی کنند ، باید از قیافه یکدیگر خوششان بیاید . بعضی از دختران و پسران شیفته ظاهر می‌شوند و ساق و عوالمی را ندیده می‌گیرند . عده‌ای از پسران که خود دارای قیافه زیبایی نیستند ، توجه‌شان به دختران زیاد دارند ، عکس این حالت نیز ممکن است . البته زیبایی و زشتی قراردادی است و از دیدگاه‌ها بی‌تفاوتی می‌کند ، ولی آنچه مطلوب جامعه است معمولاً به صورت مد مطرح می‌شود . علاوه بر این ، مدل‌های نئیک از طرف فرزندان سالم و باهوش از اهمیت بسیاری برخوردار است . بعضی از مردان کوتاه

قد، زنان بلند قد را انتخاب می نمایند تا فرزندان آنان کوتاه قد نشوند و گاهی عکس این مسئله نیز صادق است. از طرف دیگر ازدواج های فامیلی که در آنها احتمال تولد بچه های معلول و ناسالم و یا کودن و عقب مانده ذهنی زیادتر است، مسئله ای است که باید با انجام آزمایش های لازم و قبل از ازدواج مورد توجه قرار گیرد.

### عوامل سیاسی

احکام نظر و امرسیلی به دلای بودزو بذلی عقودتی مدتی ممکن است بین پدر و مادر و فرزندان و خویشاوندان جا بی بیندازد. دیده شده است که پدر و مادر به علت اختلاف عقیده سیاسی، با همه علاقه و محبتی که نسبت به فرزندان داشته اند، او را از خانه طرد کرده اند. چنانچه ازدواجی با دو خط فکری سیاسی متفاوت صورت گیرد منجر به جدایی می شود. بنابراین شناخت نحوه تفکر سیاسی، قبل از ازدواج در انتخاب همسر از اهمیت زیادی برخوردار است.

### سن

سن ازدواج و شرایط جغرافیایی و اقلیمی مد نظر متفاوت است. معمولاً در مناطق گرم، سن بلوغ و ازدواج پایین تر و در مناطق سرد و کوهستانی بالاتر است. مهم نیست که در چه سنی فرد، بالغ می شود. مهم این است که دختر و پسر به بلوغ فکری، عاطفی و روحی لازم و اصولاً دیده بشوند و بتواند مسئولیت زندگی مشترک را بپذیرند.

اختلاف سن دختر و پسر با در نظر گرفتن موقعیت جغرافیایی و عوامل فرهنگی متفاوت است. گاه تفاوت سن تا ده سال هم مشکلی ایجاد نمی کند. ولی باید بین سن زوجین تناسب منطقی و معمولی وجود داشته باشد. دختر و پسر که بی برابری می خواهند زوج شوند و بین 18 تا 30 سال دارند، اختلاف بین چهار تا پنج سال مناسب است. در مورد اختلاف سن در ازدواج دوم، اهمیت مسئله به اندازه ازدواج اول نیست. سن ازدواج از دو نظر دیگر هم باید مورد توجه قرار گیرد:

### الف) جنبه روانی

افراد و فرایند رشد از نظر روانی در سنین مختلف ویژگی های متفاوتی دارد. یک جوان و یک پیرمرد از لحاظ روحی و روانی یکدیگر نیستند، هر چه سن بالاتر می رود حالت روحی تغییر می کند و رو به رکود می رود. بنا بر این زوج یک مرد پنجاه یا شصت ساله، با یک دختر هجده ساله از لحاظ روانی به سعادت و خوشبختی نمی انجمد و پیر یا زود به علت عدم انطباق نیازهای روانی، عروسی را با دلگیری به انتظار مرگ شوهر سالخورده مثل نشیند یا خواهان طلاق می شود. عکس این حالت نیز صادق است. بنابراین دختر و پسر نباید تحت تأثیر پول، مقام اجتماعی، مقام علمی و سایر امتیازهای ارزشمند، سن همسر آینده خود را نادیده بگیرند.

### ب) جنبه فیزیولوژیکی

همان طور که سن بر روان انسان اثر می گذارد، با افزایش سن قوای جسمانی هم رو به تحلیل می رود و علاوه بر جنبه های روانی، نیازهای جسمانی نیز مختل می شود.

### شغل

نوع شغل نیز در انتخاب همسر از اهمیت ویژه ای برخوردار است و برخی خدقن به سطح شغل همسرشان اهمیت می دهند و از نظر آنها نوع شغل مهم است. برای گروهی دیگر سطح شغل مهم نیست، آنان همسری می خواهند که کمترین فکری آنها را فراهم سازد و درآمدی کمی نداشته باشد. دختران شاغلی هم هستند که مایلند همسرشان در حوزه شغلی آنان کار نماید. بنابراین نوع شغل، سطح شغل، محل شغل و میزان درآمد در انتخاب همسر مؤثر است.

### نگرش شوهر به شغل همسر

بعضی زن و دل با اشتغال همسرشان در خارج از خانه مخالف اند و در پی همسری هستند که فقط خانه دار باشد ، و رهایی‌مطلوبه بختی تک‌پدر که آنرا جزء شرایط ایداج قرا می‌هند . عده‌ای نؤبر عکس و بت دارند که همسرشان شاغل باشد و نظر اصلی آنها از این اشتغال کسب درآمد است . برخی هم کسب درآمد هسر و اثین هم نیت و تف آنها را اشتغال هسر در خارج از خانه این است که با جامعه ارتباط داشته و اجتماعی تو باشد . برخی مدل میل اند همسرشان فقط در کارهای آموزشی ، آن هم در رابطه با دختران کار کننده مانی توگویی یاد بپی‌مد این خترانه . ولی گوی مردان نوعی ار همسوشن مهم نیست قط تمای دارند که او به کارهای نیمه وقت بپردازد ، تا به کارهای خانه نیز برسد . بعضی از مردان نیز مایل اند که همسوشن در محیط کار خود آنا نند اخی باشد . بنابراین نگویند مرد و رابطه با اشتغال همسرش در ازدواج باید مورد توجه قرار گیرد . کسانی هستند که پس از ازدواج برای کسب درآمد بیشتر به بیش از یک اشتغال رو می‌آورند گاه مکی است زن و مرد هر دو دارای دو شغل باشند . اشتغال خانواده به بیش از یک شغل ، گاه به علت نیاز ، گاه به علت علاقه به کار و یا حرص به درآمد بیشتر است . در صورت اول شاید علت موجه و برای رفاه خانواده باشد ، ولی در صورت دوم و سوم به هیچ وجه اشتغال ضرورت ندارد و موجب می‌شود که زندگی خانواده حالت سرد و بی‌روح داشته باشد .

### نقش زناشویی

اگرچه زن نشوین تنها هم‌تی از یک زندگی خانوادگی موفق است ، ولی نقش و تأثیر مهمی در موفقیت و یا عدم موفقیت آن دارد . به‌دور از تصبک باید نگف که ارضاء نشدن در امور زناشویی ممکن است سبب بسیاری از خلل‌ها ، عدم احساس امنیت ، احساس محرومیت‌ها ، نکلیمی‌ها و غیره شود . زن و شوهرهایی که به علت مخلف‌مانند نداشتن اطلاع کافی ، عدم بک ، رتسها ، اخراقات و ... و ان زمینه‌قادر به ارضاء یکدیگر نیستند ، زندگی مشترک‌شان با مشکل مواجه می‌شود . اطلاعات صحیح و کافی در این مورد باید به وسیله والدین ، سازمانهای صالح و رسانه‌های گروهی در اختیار نوجوانان و زن و شوهرهای جوان قرار گیرد ،

## شخصیت نکته‌شیرین درباره ازدواج



درباره ازدواج بسیار گفته و شنیده ایم. اما مطالبی که در زیر می‌آید شاید برای شما تازه باشد.

از مین ضیا المثل‌ه‌بی‌ملل مختلف و همین‌طور سخنان شخصیت‌های بزرگ جهان پیرامون ازدواج شصت مورد را انتخاب کرده‌ایم. بسیاری از این حرف‌ها جنبه شوخی و مزاح دارد اما تعداد دیگری از آنها شاید وصف حلا من و شما باشد! همین‌طور قسمت دیگری از این گفته‌ها می‌تواند برای عده‌ای حکم کلید راهنما را داشته باشد.

1- هنگام ازدواج بیشتر با گوش‌های مشورت کن تا با چشم‌هایت. (ضرب المثل آلمانی)

2- مردی که به خاطر "پول" زن می‌گیرد، به نوکری می‌رود. (ضرب المثل فرانسوی)

3- لیاقت داماد ، به قدرت بازوی اوست . (ضرب المثل چینی)

4- زنی سعادتمند است که مطیع "شوهر" باشد. (ضرب المثل یونانی)

5- زن عاقل با داماد "بی‌پول" خوب می‌سازد. (ضرب المثل انگلیسی)

- 6- زن مطیع فرمانروای قلب شوهر است. (ضرب المثل انگلیسی)  
7- زن و شوهر اگر یکدیگر را بخواهند در کلبه ی خرابه هم زندگی می کنند. (ضرب المثل آلمانی)



- 8- داماد زشت و با شخصیت به از داماد خوش صورت و بی لیاقت. (ضرب المثل لهستانی)  
9- دختر عاقل، جوان فقیر را به پیرمرد ثروتمند ترجیح می دهد. (ضرب المثل ایتالیایی)  
10- داماد که نشدی از یک شب شادمانی و عمری بد اخلاقی محروم گشته ای. (ضرب المثل فرانسوی)  
11- دو نوع زن وجود دارد؛ با یکی ثروتمند می شوی و با دیگری فقیر. (ضرب المثل ایتالیایی)  
12- بموقع خرید بچه محبتیه زن خوب نگاه کن و در موقع دلجو و بدباره مادر عیب ندیده کن. (ضرب المثل آذربایجانی)  
13- برای یافتن زن می ارزد که یک کفش بیشتر پاره کنی. (ضرب المثل چینی)  
14- تا که از خاک خوب و دختر را از مادر خوب و اصیل انتخاب کن. (ضرب المثل چینی)  
15- اگر خواستی اختیار شوهرت را در دست بگیری اختیار شکمش را در دست بگیر. (ضرب المثل اسپانیایی)  
16- اگر زنی خویشت که تو به خط پول همسرت شوی با او ازدواج کن اما پولت را از او دور نگه دار. (ضرب المثل ترکی)  
17- ازدواج مقدس ترین قراردادها محسوب می شود. (ماری آمپر)  
18- ازدواج مثل یک هندوانه است که گاهی خوب می شود و گاهی هم بسیار بد. (ضرب المثل اسپانیایی)  
19- ازدواج، زودش اشتباهی بزرگ و دیرش اشتباه بزرگتری است. (ضرب المثل فرانسوی)  
20- ازدواج کردن و ازدواج نکردن هر دو موجب پشیمانی است. (سقراط)



- 21- ازدواج مثل لوی لیک نه که بنگی نه که اگر اول نظر لیک اشتباه صورت بگیرد جبران آن غیر ممکن خواهد بود. (بورنر)  
22- ازدواجی که به خاطر پول صورت گیرد، برای پول هم از بین می رود. (رولاند)  
23- ازدواج همیشه به عشق پایان داده است. (ناپلئون)  
24- اگر کسی در انتخاب همسرش دقت نکند، دو نفر را بدبخت کرده است. (محمد حجازی)  
25- دختر بپر و مادر هفت خود انسیل نیست، ولی می توانیم مادر شوهر و مادر زنمان را خودمان انتخاب کنیم. (خانم پرل باک)

- 26- با زنی ازدواج کنید که اگر " مرد " بود ، بهترین دوست شما می شد . ( بردون )
- 27- با همسر خود مثل يك كتاب رفتار کنید و فصل هاي خسته کننده او را اصلاً نخوانید . ( سوني اسمارت )
- 28- براي يك زندگي سعادت‌مندانۀ ، مرد بايد " كر " باشد و زن " لال " . ( سروانتس )
- 29- ازدواج بیشتر از رفتن به جنگ " شجاعت " می خواهد . ( کریستین )
- 30- تا يك سال بعد از ازدواج ، مرد و زن زشتي هاي يكدیگر را نمی بینند . ( اسمایلز )
- 31- پیش از ازدواج چشم هایتان را باز کنید و بعد از ازدواج آنها را روی هم بگذارید . ( فرانکلین )
- 32- خانه بدون زن ، گورستان است . ( بالزاک )
- 33- تنها علاج عشق ، ازدواج است . ( آرت بوخوالد )
- 34- ازدواج پودي سلطه که از درختي به درخت ديگر بزندد ، اگر خوب گرفت هر دو " زنده " می شوند و اگر " بد " شد هر دو می میرند . ( سعید نفیسی )
- 35- ازدواج عبارتست از سه هفته آشنایی، سه ماه عاشقی ، سه سال جنگ و سي سال تحمل! ( تن )
- 36- شوهر " مغز " خانه است و زن " قلب " آن . ( سیریوس )
- 37- عشق ، سپیده دم ازدواج است و ازدواج شامگاه عشق . ( بالزاک )
- 38- قلی از دواج بویاه تربیت‌ظلال شی ظریه د نتم ، اما حالا شی فرزند دارم و داراي هیچ نظریه اي نیستم . ( لرد لوچستر )
- 39- مردانی که می کوشند زن ها را درک کنند ، فقط موفق می شوند با آنها ازدواج کنند . ( بن بیکر )
- 40- با ازدواج ، مرد روی گذشته اش خط می کشد و زن روی آینده اش . ( سینکالویس )
- 41- خوشحالی هاي واقعي بعد از ازدواج به دست می آید . ( پاستور )
- 42- دواج کدید ، به هوسیله ی که بی تولید . زیرا اگر زن خوبی گیرتان آمد بسیار خوشبخت خواهید شد و اگر گرفتار يك همسر بد شوید فیلسوف بزرگی می شوید . ( سقراط )



- 43- قبل از رق به جگ یکدیو بزو پیش از رق به خولتگاری سه بار برای خودت دعا کن . ( یکی از دانشمندان لهستانی )
- 44- مطیع مرد باشید تا او شما را بپرستد . ( کارول بیکر )
- 45- فن تنها با مردی ازدواج می‌کنم که عتیقه شناس باشد تا هر چه پیرتر شدم، برای او عزیزتر باشم . ( آگاتا کریستی )
- 46- هر چه متأهلان بیشتر شوند ، جنایت ها کمتر خواهد شد . ( ولتر )
- 47- هیچ چیز غور مرد را به اندزه ی شادی همسرش بالا نمی برد، چون همیشه آن را مربوط به خودش می داند . ( جانسون )

- 48- زن هیچ می‌دهد با وی ازدواج کد که زنگی خوبی نداشته باشد ، اما نمی‌تواند مردی را که شنونده خوبی نیست ، تحمل کند. ( کینه‌بازد )
- 49- اصل و نسب مرد وقتی مشخص می‌شود که آنها بر سر مسائل کوچک با هم مشکل پیدا می‌کنند. ( شو )
- 50- وقتی وی عروسی است خیلی فریه کنی ، مهمان‌ها بت رایک شب خوشحال می‌کنی و خودت را عمری ناراحت ! ( روزنامه نگار ایرلندی )
- 51- هیچ زنی در راه رضای خدا با مرد ازدواج نمی‌کند. ( ضرب المثل اسکاتلندی )
- 52- با قرض اگر داماد شدی با خنده خداحافظی کن . ( ضرب المثل آلمانی )
- 53- تا ازدواج نکرده ای نمی‌توانی درباره ی آن اظهار نظر کنی . ( شارل بودلر )
- 54- دوام ازدواج یک قسمت روی محبت است و نه قسمتش روی گذشت از خطا . ( ضرب المثل اسکاتلندی )
- 55- ازدواج پدیده ای است برای تکامل مرد. ( مثل سانسکریت )
- 56- زناشویی غصه های خیالی و موهوم را به غصه نقد و موجود تبدیل می‌کند . ( ضرب المثل آلمانی )
- 57- ازدواج قرارداد دو نفره ای است که در همه دنیا اعتبار دارد. ( مارک تواین )
- 58- ازدواج مجموعه ی آزمه هاست هم تلخی و شوری دارد. هم تندی و ترشی و شیرینی و بی مزگی . ( ولتر )
- 60- تا ازدواج نکرده ای نمی‌توانی درباره آن اظهار نظر کنی. ( شارل بودلر )

## تأملی بر ازدواج های دانشجویی



مدتی است که نوعی ازدواج در حلقه دانشگاهی ما به عنوان عالی‌ترین مکان فرهنگی ، تحقیقاتی و اطلاعاتی رو به پیدا کرده و بحثی به نام " ازدواج دانشجویی " را در بین علماء ، اساتید ، خانواده ها و جوانان رواج داده است. ما نیز بر آن شدیم به سهم خود این نوع پیوند را از زوایای متفاوت مورد تحلیل قرار دهیم.

از نواحی از طریق پیوند عاطفی ، روانی و جسمانی بین زن و مرد به عنوان عناصر اصلی تشکیل دهنده ی نهاد خانواده برقرار می‌شود و ندرتاً منافع ، عقاید ، سازماندهی ، هدفمندی و برنامه ریزی را طلب می‌کند تا به صورت ازدواجی موفق جلوه گر شود.

از نواحی موفق در فرهنگ های مختلف متفاوتی دارد. اما آنچه در تمام نظامهای عقیدتی و فرهنگی دنیا به عنوان مهمترین ضمیمه ازدواج موفق نکر می‌شود آنست که پیوند سالم و لایحه زنده و تدوم و تکرار طوفین را به همراه خواهد داشت. بدان صورت که با توجه به خواسته ها ، انتظارات و نیازهای خود و در نظر گرفتن هنجارهای جامعه به آنچه معقول و منطقی است ملت دمت یبند. عبارتی وجود دارد که در عین کوتاهی، به اندازه ای زندگی مشترک حرف به همراه دارد. " طلاق عاطفی!" و این بدان معنی است که زوجین علیرغم آنکه



با هم و وزیر یک سف زندگی کند، تنها سعی کرده اند در ظاهر، کنار هم باشند. اما در عمل همدردی، همدلی، تفاهم و احترام متقابل، تکمیل و تکلیف، و عشق را کنار خود نگذاشته و به هم می‌ریزند. کارکرد نظام خانواده که همانا محبت، عشق و رزق است در آن رعایت نمی‌شود.

### طرز فکر و دیدگاه مشترک

آنچه که برای ازدواج زنده، حیاتی تلقی می‌شود، طرز فکر یکسان و دیدگاه مشترک بین افراد است. طرز فکر هر یک را باید با توجه به سن، نوع فرهنگ و سطح تحصیلات رسمی یا غیر رسمی یا غیر رسمیمان شکل می‌گیرد. با این تعبیر بدیاری طبیعی است که نوع نگرانی انسان پنجاه ساله با افسانه بیست ساله تفاوت اساسی داشته باشد. البته و در سطح تصدیق و نامشروع به عدالت نزدیک و ن میزبان به ی هی و شوه و نگش آنها به محیط و امین، به شیوه ای معمولی یا انتزاعی می‌تواند به موفقیت یک ازدواج کمک می‌کند، اما عاملی اساسی در این مورد فرهنگ نیست. هر کس را که با نگرانی و نگرانی بدیلر کم دیده می‌شود. زوا علیرغم فرهنگ طلبی و کلی یافته اوستی، خرده فرهنگهای فراوانی را در شهرها، مناطق، روستاها و محلات متفاوت مشاهده می‌کنیم که با وجود تنوع فرهنگها و گسترش رانداط، هنوز به قوت خود باقی است. به عنوان مثال قوم کرد در منطقه غوی کشور تجمع یافته و قوم ترک در شمال و شمال غرب کشور؛ اما علیرغم همسایگی مکانی و نزدیکی جغرافیایی، از لحاظ رسوم، عقاید و سنتها و طرز تلقی مفاهیم متعدد مثل خانواده، خواستگاری، مراسم عروسی و عزا، خوب و بد... با هم بسیار متفاوت به نظر می‌رسند.

### تفاوت شیوه نگرش در خانواده

علاوه و مسائلی فرهنگی بد نیست بدانیم عالی بیاری و لزوم تفاهم پس از آن مؤثرند. عواملی که اکثراً در سطح نخواستگاه ذهن جای گرفته اند. طبق پژوهش‌های به عمل آمده یکی از علل مهم و قابل توجه طلاق در خانواده‌ها، بروز سوء تفاهم و عدم درک متقابل در طرفین است. اکثر زوج‌هایی در حال طلاق، عدم تفاهم و درک خانواده زوج را مهمترین عاملی جلی خود ذکر می‌کنند. علت بروز سوء تفاهم‌ها و ادراکهای متفاوت در موقعیت‌هایی یکدیگر است که در ابتدا با هم تفاوت‌هایی داشته‌اند. شیوه نگرش خانواده و نوع نگرانی است که در افراد مختلف به شدت متفاوت می‌نماید.

### فرهنگها و تجارب گوناگون

داشهریانی که با فرهنگها متفاوت و تجارب گوناگون تصمیم به ازدواج می‌گیرند باید به طور جدی متوجه پیشینه خانوادگی و فرهنگی مختلف و احتمالاً متناقض با شرایط طرف مقابل خود باشند. این بهترین راه برای پیشگیری از وضعیتی است که زوجین با مراجعه به مراکز مشاوره اظهار می‌دارند: همسر مرا درک نمی‌کند! گاهی برخی جوانان در ابتدا متوجه تفاوت‌های خود به لحاظ خانوادگی، شخصیتی، عقیدتی و... با مورد ازدواج خود هستند. اما بعد از آشنایی با همسر، کورکورانه، که فقط از روی احساس بدون پایه عقلی و منطقی ایجاد شده، بلساده اندیشی‌ها می‌کنند می‌توانند تفاوتها را در سایه "عشق" تنها به اشتراک تبدیل کنند. علاقه و محبت برلی تفاوت زندگی مشترک عامل اصلی و پایه اساسی تلقی می‌شود اما منطقی تر آن است که عشق را مکمل از نواح دانیم نه عمل آن. اصلک شدید و عطف رقیق جزل، گاه او را به سمتی می‌خواند که تنها ملاک انتخاب خود را بگذرد. بخورد کنی و د اشک‌های و ملاقه‌هایی که در اثر همجواری ایجاد شده خلاصه می‌کند. حال آن که عا نکندید اری، با عشق تفاوت‌های اساسی و اصولی دارد. آن هم عشقی که لازمه یک زندگی موفق و نثوی است. حتی بین از نواح نیز عشق و رزق هنری است که رعایت قوانین و اصول خاصی را طلب می‌کند. اصولی مثل پذیرش، درک و همکاری.

چنین توجه به این موارد، لازم است هر جوان در اعماق ذهن و افکار خود به خود شناسایی بپردازد. لازم است تا پیش از تصمیم به ازدواج،

هنگامی که ما تکلیف خود را با مفهیم انتزاعی و غوازی و انطوائی و اهداف خود روشن کنیم تا از گزند آمان گویای هر لوستن و درگیر شدن و دام و همارها بیاییم. شاید وسایله آن خود شناسی به واقع بینی و آنچه که یارو مددکار ما در حیات فکری و عقیدتی ماست دست یابیم.



### ویژگی های شخصیتی

یکی از سوالات کلیدی در زمینه خودشناسی که پیش زمینه اساسی انتخاب همسر و ازدواج تلقی می شود آن است که واقعاً هر آینه خود چه انظاری درم؟ و چگونه اندیگر آنچه شوهر فزونی ویژگی های شخصیتی، برای شراکت در زندگی می پسندیم.

لگروملتها و معی رلهی طلیو حدی می شفی خود را بیاییم با نیدی واقع بینانه و عمیق تر می توانیم به کوشش شریک باثوابی نزدیک به آن ویژگی ها بپردازیم. در این میان نباید تشابه فکری، عقیدتی و شخصیتی طرفین و خانواده آنان را از یاد برد. ازدواج نه تنها ترکیب دو انسان، بلکه تداخل دو خانواده است.

خانواده ها به عنوان عوامل بسیار مؤثر در زندگی یک زوج تازه پیوند یافته می بایست از تناسب در موقعیت های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، دینی و... برخوردار باشند تا به تبع آن تشابه تشابه زوجین نیز باشیم. درصد بیک طلاق و شدا به و موارد بلا بینا تشویق بسیار بالاست؛ زیرا در این گونه پیوندها معمولاً با خانواده های روبرو هستیم که هیچ گونه اطلاع و آگاهی از ساختار اجتماعی و فرهنگی یکدیگر ندارند و تنها به علت اصرار فرزندانشان موافقت کرده و به نوعی، تسلیم خواست آنان شده اند.

### استقلال مالی جوانان

ظهوری کندی تا چه حد می توانید از خدمت الهی، خاوندی، فرهنگی و رفتاری همگانی یا هم دانشگاهی خود اطلاع حاصل کنید؟ با توجه به این که انسانها موجودات پیچیده ای هستند و توانایی تظاهر و نقش بازی کردن را دارند. شاید به سبب همین توانایی، اغلب اوقات رفتار انسان غیر قابل پیش بینی است و به طور طبیعی هر یک از ما در جمع سعی می کنیم خصوصیات منفی خود را پنهان کرده، چهره ای منطقی، آرام و دوست داشتنی از شخصیت خود به نمایش بگذاریم. آیا چند برخورد و یارد و بدل کردن چند کتاب و جزوه و نهایتاً تحقیقی مشترک (که به شدت بعید می نماید) امکان شناخت زوایای تاریک شخصیتی و رفتاری طرف مقابل را به شما خواهد داد؟ می دانید که بیایی ل و قله رفته رفتلها میان حتی ویل خود ما روشن نیست. این همان چیزی است که در اصطلاح به بخش ناخودآگاه و خاطرات سرکوب شده ی ما مرتبط می شود.

مسائل اقتصادی نیز به نوبه خود توجه ویژه ای را می طلبد؛ چرا که اکثر دانشجویان از استقلال مالی برخوردار نبوده و به جهت طلبی شدن مدت تحصیل، میزان وابستگی مالی و استفاده از امکانات خانواده تا سنین بالا ادامه یافته و نسبت به قبل طولانی شده است. فوادی که هر گشته فرزندان به سرعت وارد بازار کار شده و درآمد مستقل مالی کب می کردند. گرچه کار و تحصیل منافاتی بهم ندارند اما بشرای زندگی امروزه، جباراً تحصیل علم بدون کار یا شغل مناسب برگزیده می شود. حتی پس از اتمام تحصیل نیز ضمانتی مبنی بر دستیابی به یک شغل مناسب و همسو با تحصیلات وجود ندارد. لازم نیست شروع یک زندگی همراه با رفاه باشد اما حداقل

بخرده ای از زمان مالی و ذهنی نغزه و نگری و لیا و ار شلی وحد متعالی، شرط لازم تلقی می

شود.

### نظرات و خواسته های منطقی

زندگی مشترک امری قوی و پایه اما و اگر، و طول سعت و نفع عمل بنا کرد. هچنای که هیچ معماری  
عاشق خود را و خک ست بند بیلی نمی گذارد. و زندگی پدوا نه لی قوی و منطقی می طلبد. مثلاً تشابه  
فهنگی و تمام دنیا را عاالی ببیل میم و فقیه زندگی مشترک محسوب می شود. زیرا عوامل فرهنگی به  
زندگی جهت می بخشند، اعتقالت، مذہب، خوه معاشرت، تربیت فرزندان و حتی پر کردن اوقات فراغت با  
عنایت به فرهنگ خاص هر خانواده و منطقه شکل می گیرد...

دو اج دانش جویی صورتی که تنها معیول اند تعبیل، برخوردار های ظاهری، بدون در نظر گرفتن مسائل اصلی  
حتی حاشیه ای باشد با درصد ریسک بسیار بالایی مواجه خواهد شد.

ساده اندیشی است که فکر کنیم: "من با یک نفر زندگی مشترک تشکیل می دهم، با خانواده او چه کار دارم؟!..."

نکته هینجست. ازدواج، برخوردار دو فامیل، دو خانواده و دو منطقه است. نادیده گرفتن خانواده ها، نظرات و  
خواسته های منطقی آن بی بزرگترین بی تجربگی و اندام محسوب می شود. ما آیا واقعا هچ ره می برای  
انتخاب همکلاهی بی عاالی شولیز زندگی فیت؟ آیا تمام از روی عاالی دانشجی خطو و مبدئی حساسات  
و عواطف گذرا و نامعقول شکل می گیرد؟

را دو اج دانشجویی نیز مانند هر بیوند دیگری می واند به شکلی منطقی و اصولی پایه ریزی شود. به شرط آن که  
و االی و معیار ره می م نایب و نظر گرفته شوند. طبعاً دوجنس مخالف در مکانی فرهنگی با هم برخوردار می کنند.  
جهت گیری فکی جوانان، شروع طلبی و شو ایطصل هوئی سبب می شود در برخوردارها نیم نگاهی هم به  
ازدواج داشته و در بین همکلاهی ها در جستجوی شریک زندگی باشند و گاه همسویی هایی بعضاً تصادفی آنها را  
به سدی هم می کشاند. اما خوب است قبل از ایجاد علاقه و ورود به دنیای لطیف عاطفه، پس از انتخاب اولیه که  
مبدئی و منطقی و در قیاس معیارها و عاالی مؤثر در سعات زندگی مشترک خواهد بود، انتخاب خود را با  
خانواده و میان بگذراند و نظر نک آنها و دلایلی که برای موافقت یا مخالفت با این بیوند دارند آگاه شوند. پس  
را موافقت خانواده و شناسیدن هر دو خانواده با هم، جوانان نیز می توانند در سایه ای استفاده از تجربیات خانواده  
و در محیط خانه، به طلاع آتی که لازمی شنخت هر بیلی شکلی ای زندگی مشترک است دست یابند و  
در حال صداقت، انتظارات، اهداف و خواسته های خود را از ازدواج بیان کرده و نظرات شریک احتمالی زندگی  
آینده خود را در بشنوند، و در سایه این گفت و شنودها، تشابهات و اختلافات شخصیتی خود را محک بزنند. در  
سایه این شنخت، بیوند مذنب تشخیص داده می شود و یا پیش از آن که اتفاقی بیفتد متوجه تفاوت های اساسی  
شده و از بروز اشتباه در انتخاب پیشگیری می شود.

### سعادت و خوشبختی

بی بیصادقانه و فکلی کنیم که والدین در پی سعادت و خوشبختی فرزندان شان هستند و گذر زمان تجربیاتی را در  
زمینه تفاهم، فک متقابل و هسو مذنب به آنها اعلاکو نه که چنیل آسلی و بی رهو به هنت نیامده اند.  
از اوج مهترین و سونوئیت سازترین تصمیمی است که در طول زندگی اتخاذ می کنیم. به طوری که درست یا  
غلط بوی آن، شو ایطصل طلبی، خانوانگی و اجتماعی ما را در تمام طول عمر تحت تأثیر خود قرار خواهد داد.  
بیلییدا ز تجربیک و االی نوجهت مبدیایی به شلی و آسلی بهر مو بییم و به جای این که آنها را مقابل خود  
بنازمیم و کذاشان قرار گیریم تا از درصد پشیمانی خود طی سالهای آینده کاسته باشیم. تحصیلات عالی، ارتقاء  
سطح فکی و توانایی های فنی، اندر قلی و ملتلا لی انسان را موجب می شود اما گروا ف بین باشیم باید  
بی بییم که تحصیلات جاشین تو بی بیتمفید و گرانبهایی بزرگترها خواهد شد. من و تو به عنوان جوان نیازمند  
تجربه ایم و اگر انسان هوشمند می باشیم همه چیز را خودمان تجربه نخواهیم کرد بلکه از تجربیات و توانایی های

دیگر خصوصاً بدنگی و دیک خود نیز بهره خواهیم جست . برخی تجربه ها به منزله ی هدر رفتن تمام عمر خواهند بود. آیا ق داریم به این بهانه که وی زندگی خود تصمیم می گیریم ، خود و اطرافیانمان را در دور بطل رنگ وی هلی خا و ادگی و زندگی تنگی از شتاب و اندک بل خود قرا ر دهیم ؟ اگر زندگی مشترک یکی از اضلی خانواده به ن بست برسد یا با مشکل مواجه شود تنها زوجین درگیر نخواهند بود بلکه اختلافات ، تمام اهلی خانواده را درگیر خواهد کرد. ضرب المثل معروفی است که می گوید : " آنچه جوان در آینه بیند پیر در خشت خام بیند."

به هرحال ای جوان ! انتخاب صحیح حق توست، از حق طبیعت دفاع کن و ازدواج را پیش از آن که شکل بگیرد نجات بده!

## توصیه به جوانان در آستانه ازدواج و خانواده های جوان



و بی یك زندگی مطلوب و منطبق بر اصول اخلاقی ، مسئله مهم میزان آگاهی و تقید کسانی است که می خواهند با تشکیل خانواده بهره مناسی از کون عر بگیرند. به طور معمول برای دادن اطلاعات از بایدها استفاده می شود، ولی در این مقاله بنا براین داریم که از نبایدها شروع کنیم و نتیجه گیری اصلی را به عهده شما بگذاریم.

1- ازدواج نباید بدون توجه به شرایط و موقعیت های زوج جوان صورت گیرد.

این پرسو دخترند که بایستی با تلفیق مجموعه ی توان ها و توانمندی های خود ، به يك زندگی سروسامان دهند نه دیگران . یکی از مشکلات اساسی زوج های جوان در جامعه ما این است که جوان با يك فکر و اندیشه ی آرمانی تصور رسیدن به يك مدینه فاضله است و این گونه تکرر به لجز ه تولد داد توأ قعی هی وجود را حاصل و بس کند. از سوی دیگر واقعیت های موجود در جامعه ، خود را به گونه ای دیگر جلوه می دهند و اولین تضاد این گونه ایجاد می شود. از این رو بهترین زندگی را کسانی دارند که بتوانند از این جدال و تضاد به عاقبت رهایی یابند.

از جمله شرایط موثرت ها، شواط اجتماعی و فرهنگی زوجی یعی طبقه و پایگاه اجتماعی پسر و دختر است که بایستی این شواط همخوان باشند. از شرایط دیگر ، تناسب جسمی و سنی زوج است که بر اساس دیدگاه های بزرگن دن و هچنین روانشناسان ، بایستی به میزانی معین از رشد جسمی و سنی رسیده باشند و دقیق و از رسیدن به این رشد، تناسب این دو با هم است . برای مثال اگر پسری همسری بزرگ تر از خود برگزیند ، یا فاصله سنی زوجین ده سال یا بیشتر باشد ، مشکلات عدیده ای برایشان رخ می نماید که مجال طرح آنها نیست

2- انگیزه ازدواج نباید شهوت و خوش گذرانی باشد.

ردی از دواج انگ و هلی عالی و رانشی چون بلخ به نای فلت، تلارد بتلی لب، لبه به سنت رسول الله ، همی و تکمل ، و همه قوی تر ط طفتا فرمائی خوند وجود دارد که چنانچه هر کدام از اینها به عون انگیزه از دواج بنده لت و شهوت و غیزه و... را به هو لخواهد داشت تا جایی که برای این لذت و

شوت ثوبه هم‌مخو اهد بود. لما گر این ارزش های عالی ملاک قرار نگیرد، چون آن خواست‌ها مادی و هدف‌هایی سهل‌الوصل اند، مداومت بر آنها انسان را خسته، سرخورده و محدود خواهد کرد.

3- ازدواج نباید همراه با انگیزه‌های مادی و دنیوی باشد.

زوج‌هایی که ویژگی‌هایی همچون جاذبه‌های مادی و قدرت پول و موقعیت اجتماعی نیستند، امکانات و بهره‌های دنیوی انجام‌شده، به علت مادی و نسبی بودن این اهداف و به ویژه این که در دوران حوادث و اتفاقات تحت تأثیر شدید قرار می‌گیرند و از بین می‌روند، معمولاً به نتیجه مطلوب نخواهند رسید.

4- ازدواج نباید برای برآورده شدن خواست‌های دیگران باشد.

به طور معمول، آرزوهای پدران و مادران، ایده‌آل‌های آنان، خودسری‌ها و کج‌فکری‌های آنها یا حتی انتقام‌جویی از زندگی و محرومیت‌هایی که بلیدنی، فرزندان را به سوی ازدواج‌هایی سوق می‌دهد که در آن یا بیستی نیستند، این عوطل‌میت و تحقیرات تلخی کند گشت‌مردی رخ‌نشانی دوبیقول موف بسوزد و بسوزد یا آن که هر دو طرف (زن و شوهر) خود را محکوم به پذیرش این تحکم بدانند یا با به هت لورن اندک بهانه‌هایی خواه‌تخودرا ل این تحکم پذیرها سلخته، و نتیجه با طلاق یا جدایی یا ... زندگی را بر خود و خانواده، ناگوار و تلخ کنند.

نگارگر از این عوطلت‌هایی افراد دیگری به غیر از پدر و مادر است. در بعضی جوامع دیده شده است که دختر خون‌بهایی مقتول است یا دختر به همراه مادر در خانه ناپدری یا ... زندگی کرده، برای امرار معاش تن به سرنوشتی می‌دهد که خود در شکل‌گیری آن نقش ندارد.

5- انگیزه ازدواج نباید چشم‌وهم‌چشمی‌ها و مقایسه‌های اجتماعی باشد.

چه بسا مشاهده شده است که پسر یا دختری تنها به خاطر این که مادر یا پدرش می‌خواهد فرزندشان از دیگران هم بی‌سوادتر و بدنگارتر و ... جلوه کند ناخواسته درگیر سرنوشتی می‌شود که نه به صلاح اوست و نه خود نقشی در شکل‌گیری آن داشته است.

6- ازدواج نباید بدون جلب نظر و راهنمایی و هدایت والدین باشد.

هچند کهورک بلا معمولاً گندم‌توجه پولو مادان و جلعه لک، لیک‌توجه این نکته نیز ضروری است که والدین بایستی به طور حتم در زندگی و تشکیل خانواده فرزندانشان نقش داشته باشند. یعنی لازم است حد و مرزها رعایت شود و فرزندان خودسرانه برای رسیدن به آن چه امروز می‌بینند اقدام به ازدواج نکنند. تناسب میان زوج جوان، چنانچه همراه با نظر و راهنمایی والدین باشد، نتیجه‌بخش خواهد بود.

7- ازدواج بایستی بدون مشورت و چاره‌اندیشی با بزرگترها صورت گیرد.

توبه بی‌که‌زنگ‌ترها از زندگی خود لخته اند درم‌وقعت‌هایی بایستی مورد استفاده کوچک‌ترها قرار گیرد. سبق‌بجایی‌ها که گفته شده است اینل باید در بارز زندگی کند، بار اول تجربه کسب کند و بار دوم با استفاده از آن تجربه گذراند، یک‌زنگی سالم داشته باشد. انسان اندیشمند با کمی تأمل به این نتیجه می‌رسد که از آنجاکه دو بار زندگی کردن ممکن نیست پس به جای زندگی اول می‌توان از تجربه دیگران و پیشینیان بهره جست. البته این امر در مسئله ازدواج بسیار ضروری است، چرا که آگاهی نسبت به مسائل اجتماعی از یک سو و شناخت‌مسئله و نسب و ژاد و ویژگی‌هایی اخلاقی هر فرد با توجه به تعلقی که به اصل و نژاد خود دارد از سوی دیگر، در مسئله‌ی همسرگزینی و توافق زن و شوهر در زندگی بسیار مهم و حساس است.

8- ازدواج نباید بدون توجه به قوانین و دستورهای الهی اسلام باشد.

غویزه‌ج‌نی و بیباری ل موجودات زنده از جمله حیوانات وجود دارد و انسان نیز در این ویژگی، با حیوانات شدت‌تربک‌ست. لیک‌ن‌چینی‌که‌م‌ب‌تفاوت انسان از سایر حیوانات شده، موقعیت و مقام و منزلت انسان در نظم هستی‌ست. بهمان اندازه که انسان و نظام هستی‌متعلقه‌ی سلیرحیوانت، لبر‌ترب‌شرافت

برخورد ل سلت ، مسئله ي برآورده کردن غریزه نیز باید با شرافت ، ارزش و توجه همراه باشد. لذا مکتب حیات بش ملام بر طیب بدین انسان به زمی نه بی که بقاوند فوزه جیسی را ارضا نماید، دستور ازدواج و زوجیت مرد و زن را مطرح کرده، بر مشروعیت آن تأکید دارد. دستورها و آداب خصلی که اسلام برای زن و شوهر قرار داده ، همه برای حفظ شرف و جایگاه انسانیت تا جایی که تمرد و سرپیچی زن از شوهر را به نوعی مدتیجه قبل دانسته و افراط و تفریط در این موارد را بین زن و شوهر مورد ملامت و سرزنش قرار داده سلت . بنابراین آنچه به ملامت موجب سعادت و پیشرفت خواهد بود در هیچ موردی تاکنون قانونی بهتر و متعالی تر از اسلام ارائه نشده است.

9- در ازدواج، انتخاب همسر نباید بدون معیار و ملاک باشد.

مکتب انسان ساز ملامت و همچنین روانشناسان بر انتخاب همسر و آنچه که در این بحث مورد نظر است تأکید فو ل و ن دارند. همگی این تأکیدات برای به کارگیری ملاک و معیار در انتخاب است. آنچه در اسلام به نام قانون که ویت مطرح است تعدد و بسط جمع و محتوا بی است که بررسی آن و جایگاه خود نیاز به ارائه مقالات متعددی دارد که در این جا به اختصار از آن خواهیم گذشت .

و کوفت هسران مسئله کفایت و جامعیت مطرح است و آن هم در ارتباط بین زن و شوهر و در جنبه های جسمی ، جنسی ، عقلی ، فرهنگی ، علمی ، لاجی ، اجتماعی ، روحی و روانی ، دینی ، خانوادگی و ... مورد نظر است. آن دو باید همه این جنبه ها را به عنوان ملاک برای انتخاب همسر در نظر بگیرند.

10- ازدواج نباید فقط تحت تأثیر عوامل اجتماعی صورت گیرد.

انگیزه های اجتماعی ، مضمناً آنسته که در ارتباط با گروه همسالان ، علت و انگیزه های انجام فعالیت می شوند، در ازدواج با بیتمیدیل کنترل شده و دقیق مورد تحلیل و توجه قرار گیرند. این انگیزه ها اغلب آنی و زودگذر و بسیاری را وقتاً هم فریبنده و کاذب . در ویت یا بی ها، محبت ها و عشق های خیابانی و کوچه بولی که معمولاً زموارد متقی عوامل اجتماعی اند و مقبولیت عام اجتماعی نیز ندارند، باید در ازدواج کاملاً کنترل بشوند، زیرا اگر ازدواجی با این انگیزه ها و عوامل انجام شود دارای عاقبت و پایان خوبی نخواهد بود.

11- ازدواج نباید مخالف امور و مقتضیات طبیعی باشد.

در نظام هتی که نظمی در ل یخند اطه و حد بد تقیق است، مسئله زوجیت یکی از مسائل مهم است. زوجیت ، لازمه تکمیل و ثمردهی هستی موجودات است و برای این امر مهم ، شرایط طبیعی نیز در نظر گرفته شده سلت . به عنوان مثال گرده افشانی گیاهان در زمانی معین به نتیجه خواهد رسید و ازدواج هم در کودکی یا میان سالی و پیری نتیجه خوبی نخواهد داشت . لذا لازم است در ازدواج به این گونه امور و موارد دقت و توجه کافی شود .

## ازدواج های فامیلی نیاز به مشاوره ژنتیک دارد



موروثی تاریخی بق مانگی ذهنی نشان می دهد که در هر دوره ای از تاریخ ، در هر فرهنگ و تمدنی و در همه طبقات اجتماعی او وجود داشته اند که از نظر فعالیت اجتماعی پایین تر از حد طبیعی بوده اند و این امر سبب گاهی آنها را با محیط زندگی شش مشکل سازنده ملت . تولد کودک معلول و عقب مانده ذهنی به مثابه زنگ خطری برای اجتماع است چرا که این افراد علاوه بر آن که در پیشرفت جامعه زیاد مؤثر نیستند ، به سبب ضیق و معلولیتش در اقتصاد سنگینی را بر خانواده و جامعه تحمیل می کنند . یکی از عوامل پیدایش کودکان عقب مانده ذهنی اختلال و نارسایی هورمونی است . از جمله عوامل متعددی که در ایجاد معلولیت ذهنی کودکان مورد نظر است ازدواج های فامیلی و پیوندهای خویشاوندی (همخونی) است .

تدقیق شش می دهد که نسبت خویشاوندی والدین حتی اگر در سطح چندمین نسل هم باشد می تواند سبب عقب ماندگی کودک شود . ژان تحقیقات چنین نتیجه گرفته شده است که مرگ و میر فرزندان در غیر خویشاوندان ، و حدود چهل در هزار و در زاد و بوم هیلی بین پیوسته و دختر عمو به شصت تا هشتاد در هزار افزایش می یابد .

نتایج تحقیقات دانشمندان آمریکا این شد که ازدواج بین اعضای دور و نزدیک خانواده ، باعث افزایش میزان مرگ و میر نوزادان و رشد گسترده انواع بیماری های جسمی ( قبل و بعد از تولد) می شود .

در کشور ما ، زوج های فلیلی و روستاها و مناطق عشایری بیشتر از نقاط شهری است و این به دلیل بافت فرهنگی و روابط غنی قومی حاکم بر این مناطق است .

غدا بروروستا شیان ترجیح می دهند که با وفای زلفه لوی زدیگان خوشی زوج کنند . نگاهی به سوابق تاریخی زوج خویشاوندی در ایران حکایت از این موضوع دارد که ازدواج خویشاوند مقدس شمرده شده است . و امپراتوری سلسلانی زوج باخو لوی بان پو امری مقبول و متداول بود . ازدواج با خواهر به ویژه در حفظ پاکی خون و میراث شاهانه به عنوان يك اصل به شمار می رفت . نه تنها در بین آریاییان بلکه بین اقوامی سامی نیز ازدواج با محارم سابقه دارد و این عمل ظاهراً در بین ملل شرق چندان قبیح نبود .

و بررسی سوابق تاریخی زوج های خویشاوندی در سایر کشورها چنین برداشت می شود که از دید جهان غیب زاد و بومی فلیلی عوقالی قبولی است . و اکثر ایالات آمریکا ، ازدواج با فامیل نزدیک مثل پسر عمو و دختر عمو ، نذر عمو و پسر دایی و بالعکس ممنوع و غیر قانونی است . این قانون در اواخر قرن 19 میلادی به ثبت رسید .

و پژوهشی که در سال 1376 تحت نظر اساتید دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران در این زمینه انجام گرفت ، 400 کودک بصورت نمونه و به طور تصادفی و سلسلانی لیست انتخاب شدند که 200 نفر از آنها کودک عقب مانده ذهنی و 200 نفر آنها عادی بودند . در این تحقیق همچنین به سن والدین در زمان بارداری و ترتیب تولد ، تحصیلات والدین در زمان بارداری و تعداد فرزندان خانواده توجه شده بود .

نتایج شش داد که سن پدر و زمل بار دای می تواند بر عقب ماندگی ذهنی کودکان تأثیر داشته باشد و زمان خوستای بچه ها در مردن بلید قبل از سن 40 سالگی انجام پذیرد و بهترین سن برای بارداری مادران سالهای 19 تا 34 سالگی است و مولانی که قبل از 18 سالگی یا بعد از 35 سالگی باردار شوند امکان به وجود آوردن کودک عقب مانده ذهنی و آنها پذیرفته است . و رابطه با و تدبیر تولد ، این موضوع با عقب ماندگی کودکان رابطه ای داشت . همچنین تحقیقات شش داد که معمولاً والدین کودکان عقب مانده ذهنی از لحاظ سطح سواد و تحصیلات از والدین کودکان عادی پایین تر بودند .

همچنین از لحاظ تعداد فرزندان ، نتایج شش داد که هر اندازه جمعیت خانواده بیشتر باشد و و خانواده افراد زیادی بی با هم زندگی کنند و ان نمی توانند به خوبی مایحتاج فرزندان را رفع کنند و این باعث می شود که بهره هوشی کودکان و خانواده های پر جمعیت کمتر باشد . در پایان نتایج نشان داد که تعدد پیوندهای خویشاوندی در

والدین عقب مانده نغنی نسبت به والدین کودکان عادی بیشتر است. به عبارت دیگر ازدواجهای خویشاوندی می تواند با عقب ماندگی ذهنی کودکان رابطه داشته باشد. در پایان پژوهش، پیشنهادهایی به قرار زیر ارائه گردید:

- ایجاد و گسترش مرکز مشاوره و کلینیک های مشاوره ژنتیکی در سطح کشور بخصوص در مناطق عقب افتاده عشایری؛

- تحقیقات گسترده بر روی نمونه های بزرگ در سراسر کشور در زمینه بررسی علل عقب ماندگی ذهنی؛

- مراجعه خانواده ها به مراکز مشاوره ژنتیکی قبل از اقدام به ازدواج های خویشاوندی؛

- آگاه کردن خانواده ها از خطرات ازدواج های خویشاوندی و منع این گونه ازدواج ها؛

و پدایی بایدنگف که غ لب ناهنجاری های ژنتیکی و بیماری های ارثی قابل پیش بینی بوده و با در نظر گرفتن

قوانین وراثت و مشاوره هیژنتیکی و انجام آزمایش های مختلف قبل از ازدواج های فامیلی می توان از تولد

تعداد قابل ملاحظه ای از کودکان معلول و بیگانه های کج معنای تالانتژنی می متولد میشوند

جلوگیری کرد.

## معیارهایی مشترک در انتخاب همسر

### با انتخاب صحیح همسر، خانواده ای مستحکم داشته باشیم

#### (قسمت دوم)



و قسمت اول مطالع می در مورد صورت و ظر گرفی ملاکها معیارها در انتخاب همسر مطرح نمودیم و

اینک در ادامه می خوانیم...

باید به خاطر داشته باشیم که هدف اصلی از زندگی مشترک اینهاگی بخور دل شدن زن و مرد اخضا و

صمیمیت است. به همین مناسبت زن و مرد باید انگیزه ازدواج را بر محور امور معنوی قرار دهند، نه امور

مادی همانند زیبایی. زیرا اگرچه زیبایی زن، خود یکی از عواملی است که هر انسانی به طور طبیعی جذب آن

می شود و اسلام نیز زیبایی زن را مورد توجه قرار داده است، ولی این به آن معنی نیست که انگیزه ازدواج تنها

بر محور جمال و زیبایی دور بزند و امور اخلاقی و معنوی نادیده گرفته شود.

باید توجه داشته باشیم که معیار زندگی مشترک تنها زیبایی ظاهری نیست، بلکه اخلاق و عفت و سازگاری نیز

لازمه زندگی است. پس اگر به همراه زیبایی، روحیه پاک انسانی نباشد، این زیبایی، نیکو و پسندیده نخواهد

بود و ازدواج با چنین زنی سعادت و خوشبختی به بار نخواهد آورد.



ملم جعفر صادق علیه السلام در این باره می فرماید : هر گاه مردی زنی را به خاطر زیبایی و ثروت به ازدواج خود در آورد ، سعادت و خوشبختی مرد موقوف به همان امر خواهد بود و اگر مردی زنی را به خاطر دینداری و تقوا به همسری برگزیند ، پروردگار متعال زیبایی و ثروت را نیز نصیب او خواهد کرد .

رسول خدا (ص) درباره این گونه بی بی می مدقوامی فرماید : از ازدواج با خضراء دمن پرهیز کنید ! سؤ لاشدد که مخرله دن چیت؟ آن حدت فرمود : گل زیبایی که در مزبله ها می روید . یعنی زیبا چهره یی که در کانون خلواده فسد رشد یافته و به عبارت دیگر زیبا چهره ای که در محیط آلوده به فساد و تباهی نشو و نما کرده است .

آنچه که در متن زندگی ویلی و ضرورت دلد خلاق و سازگاری زن است و آنچه که خانواده را خوشبخت می کند حیا و عفت زن است ، نه زیبایی تنها . به طور کلی آنچه که محیط خانواده را سرشار از عشق و محبت می کند ، رعایت اصول اخلاقی ، پاکدامنی و پای بندی به تقوا و درستی و راستی است .

دختر و پسرانی که وسوسه می شوند باید دقیق باشند و ضمن توکل بر خدا تا حد ممکن بررسی های لازم را انجام دهند و بر مبنای معیارهای اساسی و منطقی اقدام به ازدواج کنند .

ناگفته نماند همان طوری که بررسی ها و دقت های منطقی ، لازم و ضروری است ، وسواس و شك و تردیدهای بیش از حد معقول نیز نادرست و زیان آور است .

### معیار و ملاک های مشترک در انتخاب همسر

1- **طمانت خانوگی :** اولین و بسلی وین معیار و ی انتخاب همسر اعم از زن و مرد ، اصالت خانوگی است . کلامه طمانت از طی گرفته شده و طمان به معنی ریشه است . یعنی دختر و پسر از خلواده هلی باشند که دارای اصل و ریشه هستند .

دختر و پسر باید در خانواده هایی رشد یافته باشند که در آنها پدر و مادری عاقل و دلسوز با همه وجود در رشد و تعلیم و تربیت فرزند کدیده باشند ، نه خانواده هایی که زن و مرد ، خانه و کودکان را به حال خود رها کرده و به دنبال گشتن و تفریح خود بوده اند و با مردانی که بدون دلیل موجهی همسران متعددی گرفته اند و فرزندان خود را به حال خود رها کرده اند .

و خانواده های صلح ، پور و مدرن می کشند از نظر اخلاقی و رفتاری برای فرزندان خود نمونه و الگو باشند و بدون تردید پدر و مادر صالح از نظر ارثی نیز سرمایه های بس گرانبهایی را به فرزندان خود انتقال می دهند . دختر و پسری که در يك خانواده اصیل رشد می یابند ، سجایای اخلاقی را از پدر و مادر خود به ارث می برند و در برخورد با دشواری ها و سختی های زندگی هرگز لجباده ددرستی و راستی خارج نمی شوند . به عبارت دیگر پایبندی به آبرو و حیثیت ، آنان را از انحراف باز می دارد .

2- **ایمان و دین داری :** پایبندی به اصول آیین اسلام یکی از عوامل خوشبختی خانواده است . دختر و پسری که دیندار واقعی باشند دل تجلم بی بی را اعمال خلا خودد ری می کنند ، زیرا پایبندی به دین آنان را از انجام اعمال حرام و خلاف باز می دارد .

دین عاملی درونی است که همیشه همراه افراد است و آنان را از ارتکاب اعمال خلاف انسانی باز می دارد ؛ در حالی که قانی يك عالمی بیرونی است و طبعاً تأثیرات عامل بیرونی در حد ایمان نیست . به همین مناسبت وقتی ل پتوا یل دینی سؤ ل می شد که با چه گروهی باید ازدواج کرد ؟ در پاسخ می فرمودند : بر تو باد ازدواج با افراد متدین . یعنی سعی کن با همسری ازدواج کنی که دیندار باشد ، زیرا دینداری عامل قوی و استواری است که در بسیاری از موارد ، انسانها را از لغزش ها و ارتکاب اعمال خلاف باز می دارد .



3- **خلاق نیکو** : ناگفته نماند که زندگی زن و مرد در محیط خانوادگی احتیاج به اخلاق دارد ، زیرا تنها در پرتو قانون نمی توان زندگی کرد و همه انبیاء نیز به خاطر زنده کردن اصول اخلاقی مبعوث شده اند .

رسول اکرم (ص) خود می فرمود : همانا برانگیخته شدم تا مکارم اخلاق را بین مردم زنده کنم .

و محیط خانوادگی ، زن و مرد هر دو باید اصول اخلاقی از قبیل نرمی و ملایمت ، گذشت و سازگاری و عفو و اغاض را رعایت کنند و هر گاه یکی از آن دو دچار لغزش و اشتباه شود ، بلافاصله به عذرخواهی پرداخته ، از دست و دهی و جل جاحو ننهی کند زیرا دست و دهی صمیمت هوا زین بوده ، شمنی و فاق را جایگزین آنها می کند . بدیهی است که طرف مقابل هم باید عذر و بوزش شخص خطاکار را پذیرا شود .

علی علیه السلام می فرماید : بدترین مردم کسانی هستند که عذر دیگران را پذیرا نمی شوند .

وقی مردم از رسول خدایم پرسیدند که خود را به ازدواج چه افرادی در آورند ؟ آن حضرت در پاسخ می فرماید : کسی که اخلاق نیکو و دیدل باشد . نکته جلب آن که ایشان حُسن خلق را بر دینداری مقدم می دارند .

لزم به یاد آوری است که با مطالعه و بررسی روحیات پدر و مادر تا حدودی می توان به خوش اخلاقی پسر و دختر پی برد .

4- **رعایت اصول کفویت** : ترکیب نژاد شیمیایی ، ترکیب که با یکدیگر ترکیب می شوند هر قدر از نظر هویت و جیتی به یکدیگر نزدیکتر باشند ترکیب آن دو استوارتر و عمیق تر انجام خواهد شد و اگر بین دو عنصر تقارن و پیوندی وجود نداشته باشد ، ترکیب ، سست و لرزان است و پس از زمان کوتاهی از بین خواهد رفت .

بنابراین ویلی آن که پسر و دختر به زوج بستو ای دمت یلند ، هر دو باید اصول کفویت و همانندی را در با دسني ، جسمي ، رحي و رواني فرهنگي علمي و ايت کنند . به بلت يگر خود پندرابايبا ضعی دیدل ل زو مخ کند . زیرا دیندار و بی دین به طور طبیعی در مواردی با یکدیگر درگیری خواهند داشت . فرد تحصیل کرده هم بهتر است با شخص درس خوانده ازدواج کند تا یکدیگر را درک کنند .

همچنین توجه ننشاند د د هامتک وقتي طاقسين بن هُو و پسر يلد بُلد سبى زا گشساليه انچند استحکام خانواده دچار تزلزل می شود .

البته بدیهی است که همانندی کامل به صورت تطابق امکان پذیر نیست ، ولی این عدم امکان نمی تواند از رعایت هاند نیند سني مملک به هل آورد . بنابراین یکی از عواملی که خوشبختی زوجه شوهر را پس از ازدواج تضمین می کند ، رعایت اصول کفویت در حد همانندی نسبی است .

**شریک زندگی خود را چگونه انتخاب کنید؟**



ازدواج یکی از مهم‌ترین حوادثی است که در زندگی هر انسان رخ می‌دهد. نظر به اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده و تأثیر آن بر تداوم و استقامت خانواده، تربیت فرزندان، داشتن زندگی سالم توأم با رضایت و خوشبختی و احساس موفقیت، ضرورت دارد دختران و پسران هنگام ازدواج از خدمات مشاوره‌ای مناسبی بهره‌مند شوند و از این طریق با اهداف، وظایف و حقوق یکدیگر به خوبی آشنا شوند.

امروزه دختران و پسران جوان در آستانه ازدواج با بهره‌گیری از خدمات مشاوره ازدواج، می‌توانند با گام‌هایی راسخ و آشنو و طمین‌ان بیشتری در راه پربین و خم ازدواج و تشکیل خانواده گام نهند و در نهایت در این امر مهم موفق باشند.

متأسفانه در جامعه ما، و برخی موارد دختران و پسران بین طالع و گلی که بلر خورداري از لسل و ذوق، منهنی و لجادگو نگو لخلی، جمی و و لپا ی کیگر از دج می‌کند. پس از ازدواج نیز به دلیل عدم آگاهی، به این مشکلات دامن می‌زنند.

### نکاتی چند جهت انتخاب همسر

- 1) **نتب به لی مجرا واقع بین باشید.** تابع احساسات نگردید و به شکل منطقی جوانب کار را بسنجید. در تداوم یک‌زا لول دوت نل و شق و کچ لفرط لار لک لقی نیست. بی به و مدال مهم نیز بپردازید. رویایی نبینید.
- 2) **در برده لی تمالی طرف مقابل به ازدواج با خودتان تحقیق کنید.** اگر این تمایل بنا به مصالحی از قبیل پول و ثروت، شهرت، خروج از کشور و غیره است از آن صرف نظر کنید.
- 3) **شوک ادملی زندگی خود را بشناسید.** در چارچوب آنچه در دین و فرهنگ مجاز می‌باشد، قبل از تصمیم‌گیری و لیل لول شیک لاملی زندگی خود را بشناسید. لیشک یا ل واسطه رفت و آمد و پیش‌هی مد لیم‌حصل می‌گردند یا از طریق دیگر شنایان. توجه داشته باشید مسئول فرد، گاه برخی حقائق را پنهان می‌کنند. پیش‌اید بهتر باشد در بعضی مواقع به طور غیر مستقیم به پاسخ برسید. در مجموع شما بایستی و مورد دخی و خو، اهل، عقاید و خواسته‌ها، عادت، دیدگاه‌ها، حساسیت‌ها، نوع برخوردها، توانایی‌های ارتباطی و... شناخت پیدا کنید.



طرز برخورد فرد را در موقعیت های بحرانی و در برابر مادیات بشناسید.

**(4) اعتقادات و باورهای مذهبی طرف مقابل را درک کنید.** عقاید و باورهای همسر احتمالی خود را در مورد آئین و مذاهب جویا شوید و ببینید که آیا با برداشت شما از دین سازگار است یا خیر. چرا که اگر نقطه نظرات این فرد برای شما قابل قبول نباشد احتمال وقوع مشکلات شدیدی پیش بینی می شود. مگر آنکه در این زمینه انعطاف پذیر باشید و بتوانید خود را و چارچوب نظرتان و قرار داده و شوهر زندگی را بپذیرید. پس به طرف مقابل لحنی هدیه به طور وضوح برداشت خود را از مذهب بگویید و انتظارات خود را در مورد شما به عنوان همسر، بیان نمایید.

**(5) برخورد همسر احتمالی خود را در موقعیت های مختلف بررسی کنید.** هر چه بیشتر در شرایط متفاوت و متعدد بی همسر احتمالی خود را ملاقات کرده و مورد مشاهده قرار دهید، نشانه های بیشتری از طرز برخورد او با مردم و در موقعیت های مختلف خواهید یافت.

**(6) خویسته های انتظارات دیگری را مورد مطالعه قرار دهید.** شما باید بدانید همسر آینده شما چه انتظاراتی از خودش و شما دارد. شما باید در مورد مسائل مهم زندگی به توافق برسید. به طور مثال شما باید بدانید:

- در چه شهر یا کشوری زندگی مشترک خود را آغاز خواهید کرد.
- زندگی خود را با خانواده همسر آغاز خواهید کرد یا به طور مستقل.
- زمان بچه دار شدن تا حدی که چقدر مدت پس از ازدواج خواهد بود.
- نظر همسر احتمالی شما در مورد شغل و فعالیت های خارج از منزل چیست.
- نظر همسر احتمالی شما در مورد رابطه ها و معاشرت خانوادگی و دوستانه چیست.

و ...



7) **در برهه خانوادگی فرد مورد نظر تحقیق کنید.** آنها را بیشتر بشناسید. با فرهنگ و باورهای آنها آشنا شوید. رابطه فرد مکرر ابا و الدین، خواهر و برادرانش چیست؟ بررسی کنید که تعهد وی در قبال این افراد چگونه است و آینده چه تهدیداتی نسبت به آنها دارد و تداوم این موضوع بر زندگی شما چگونه خواهد بود. نسبت به احساس خانواده در مورد این ازدواج واقف باشید.

8) **با هر دو افعی تل مشورت کنید.** به ندای درونی خود گوش فرا دهید. از خود بپرسید آیا این فرد همان کسی است که میخواهید با او ازدواج کنید؟ آیا می‌خواهید این فرد را بازن پسر و مادر فرزندش بشناسد. اگر پاسخ صریحی ندارید دوباره بر روی موضوع تمرکز کنید و سعی کنید پاسخی قاطع برای آن بیابید چرا که ازدواج یکی از بزرگترین و مهمترین مسائل زندگی شما است و آینده فرزندان شما را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

9) **دلایل منتهی‌المراد برای ازدواج پیدا کنید و خود تصمیم گیرنده نهایی باشید.** هرگز تحت فشار برای ازدواج متقاعد نشوید. تذات و ناهماهنگی و ناهماهنگی طرفین و موارد طرف مقابل کافی نیست، قلب و منطق شما نیز باید در این کار ضایعیت دهد. ضمن احترام به تجربه و عقاید اطرافیان، به ویژه والدین و حفظ آداب و رسوم فرهنگی و مذهبی، تسلیم فشارهای اطرافیان نشوید.

10) **نسبت به سلامت جسمانی و روانی طرف مقابل اطمینان حاصل کنید.** به خاطر بسپارید که سلامت جسمانی و روانی و عدم اعتیاد به مواد مخدر یکی از فاکتورهای مهم و انتخاب همسر است. بنابر این پیش از تصمیم گیری درباره ازدواج، در مورد نکات مذکور اطمینان حاصل کنید. مسلماً شریکی وابسته به مواد مخدر و یا دارای بیماری خاص جسمانی، آینده مبهمی را رقم می‌زند.

11) **توجه داشته باشید که با شریک احتمالی زندگی خود برآورده‌مانند طبقه اجتماعی، میزان تحصیلات و توانایی‌های هوشی تناسب داشته باشید.** این موارد را جدی بگیرید.

12) **عجله نکنید.** با توجه به آنکه بسیاری از ازدواج‌ها به دلایل همتاچگی و عجله کردن در تصمیم‌گیری و نهایتاً به شکست منتهی می‌شود، در تصمیم‌گیری خود برای قبول یک ازدواج عجله نداشته باشید. حتماً در مورد فردی که می‌خواهید با او ازدواج کنید، تحقیق کنید. به شناخت برسید و وقت بگذارید. صرفاً به دلیل ناامید شدن از ازدواج تن به یک ازدواج نامناسب ندهید و خود را به فهرست قربانیان ازدواج اضافه نکنید.

13) **زادخود را درک و راه‌اندازی کنید.** با این ویژگی‌ها و ویژگی‌ها و بخواهید تدریجاً تخصص‌حریک زندگی، شما را آیداری کرده و مسیر مناسبی را پیش رویتان قرار دهد. چنانچه پس از مطالعه نکات مذکور هنوز تصمیم‌گیری خود دچار تردید هستید، می‌توانید به مشاورین حاضر در مراکز مشاوره رجوع کرده و با آنها مشورت نمائید.

## شریک زندگی خود را چگونه انتخاب کنید؟



ازدواج یکی از مهم‌ترین حوادثی است که در زندگی هر انسان رخ می‌دهد. نظر به اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده و تأثیر آن بر تداوم و تحکیم خلوات، تربیت فرزندان، داشتن زندگی سالم توأم با رضایت و خوشبختی و احساس موفقیت، ضرورت دارد دختران و پسران هنگام ازدواج از خدمات مشاوره‌ای مناسبی بهره‌مند شوند و از این طریق با اهداف، وظایف و حقوق یکدیگر به خوبی آشنا شوند.

امروز دختران و پسران جوان در آستانه ازدواج با بهره‌گیری از خدمات مشاوره ازدواج، می‌توانند با گام‌های ریسک‌ناز و آشنایی و طمینانی بیشتری در راه پریچ و خم ازدواج و تشکیل خانواده گام نهند و در نهایت در این امر مهم موفق باشند.

متأسفانه جامعه‌ی ما در برخی موارد نخبه‌ها و پهلوانان بدون مطالعه و آگاهی کافی بلبرخورداری از حل و تفک منتهی‌نقد را بعد از گوناگونی اخلاقی، معنوی و روانی بیکدیگر از دید می‌کند. پس از ازدواج نیز به دلیل عدم آگاهی، به این مشکلات دامن می‌زنند.

### نکاتی چند جهت انتخاب همسر

**1) نبت به بی‌مخبر واقع بین باشید.** تابع احساسات نگردید و به شکل منطقی جوانب کار را بسنجید. در تداوم یک‌نوع، دویت‌نشتی عشق اگر چه شیطانی است ولی کافی نیست. بی‌بسیار و سه‌التمیز بپردازید. رؤیایی نبینید.

**2) در برده‌های تمایلی طرف مقابل به ازدواج با خودتان تحقیق کنید.** اگر این تمایل بنا به مصالحی از قبیل پول و ثروت، شهرت، خروج از کشور و غیره است از آن صرف‌نظر کنید.

**3) شوکی احتمالی زندگی خود را بشناسید.** در چارچوب آنچه در دین و فرهنگ مجاز می‌باشد، قبل از تصمیم‌گیری و بی‌نواج شیک احتمالی زندگی خود را بیشتر بشناسید. آشنایی با بو لطیف و مد و پیش‌هی مس‌تقیم‌م‌گردد یا از طریق دیگر شنایان. توجه داشته باشید مسئول فرد، گاه برخی ح‌ق‌ق‌را پنهان می‌کنند. پرسش‌های بهتر باشد در بعضی مواقع به طور غیر مستقیم به پاسخ برسید. در مجموع شما با بی‌بسیاری و ورود خلق و خو، افکار، عقاید، خولده‌ها، عادت‌ها، دیدگاه‌ها، حساسیت‌ها، نوع برخورد‌ها، توانایی‌های ارتباطی و... شناخت پیدا کنید.



طرز برخورد فرد را در موقعیت‌های بحرانی و در برابر مادیات بشناسید.

**4) اعتقادات و باورهای مذهبی طرف مقابل را ارزیابی کنید.** عقاید و باورهای همسر احتمالی خود را در مورد آئین و مذهب جویا شوید و ببینید که آیا با برداشت شما از دین سازگار است یا خیر. چرا که اگر نقطه نظرات این فرد برای شما قابل قبول نباشد احتمال وقوع مشکلات شدیدی پیش بینی می شود. مگر آنکه در این زمینه انعطاف پذیر باشید و بتوانید خود را در چرخش طرف او قرار داده و شوهر دگی او را بپذیرید. پس به طرف مقابل لحنی دهنده به طور وضوح برداشت خود را از مذهب بگویید و انتظارات خود را در مورد شما به عنوان همسر، بیان نمایید.

**5) برخی وردهای همسر احتمالی خود را در موقعیتهای مختلف بررسی کنید.** هر چه بیشتر در شرایط متفاوت و متعددی همسر احتمالی خود را ملاقات کرده و مورد مشاهده قرار دهید، نشانه های بیشتری از طرز برخورد او با مردم و در موقعیتهای مختلف خواهید یافت.

**6) خواستهها و انتظارات یکدیگر را مورد مطالعه قرار دهید.** شما باید بدانید همسر آینده شما چه انتظاراتی از خودش و شما دارد. شما باید در مورد مسائل مهم زندگی به توافق برسید. به طور مثال شما باید بدانید:

- در چه شهر یا کشوری زندگی مشترک خود را آغاز خواهید کرد.
- زندگی خود را با خانواده همسر آغاز خواهید کرد یا به طور مستقل.
- زمان بچه دار شدنتان حدوداً چه مدت پس از ازدواج خواهد بود.
- نظر همسر احتمالی شما در مورد شغل و فعالیت های خارج از منزل چیست.
- نظر همسر احتمالی شما در مورد رابطه ها و معاشرت خانوادگی و دوستانه چیست.

و ...



**7) در برهه خاق ادهی فرد مورد نظر تحقیق کنید.** آنها را بیشتر بشناسید. با فرهنگ و باورهای آنها آشنا شوید. رابطه فرد متکثر ابا و الدین، خواهر و برادرانش را بشناسید. بررسی کنید که تعهد وی در قبال این افراد چگونه است و آینده چه تمهیداتی نسبت به آنها در دو تاد و این موضوع بر زندگی شما چگونه خواهد بود. نسبت به احساس خانواده در مورد این ازدواج واقف باشید.

**8) با خود واقعیت‌ها را مقابله کنید.** به ندای درونی خود گوش فرا دهید. از خود بپرسید آیا این فرد همان کسی است که شما به دنبالش میگردید. آیا این فرد بازن پر و ملایم و فرزندی است. اگر بله صریحی ندارید دوباره بر روی موضوع تمرکز کنید و سعی کنید پاسخی قاطع برای آن بیابید چرا که ازدواج یکی از بزرگترین و مهمترین مسائل زندگی شما است و آینده فرزندان شما را تحت الشعاع قرار می دهد.

**9) لایحه تسلیم و بی ازواجتی پیدا کنید و خود تصمیم گیرنده نهایی باشید.** هرگز تحت فشار برای ازدواج متقاعد نشوید. تنها خوب و نادرست طرفین و مورد طرف مقابل کافی نیست، قلب و منطق شما نیز باید

و اینکلی ضایعت دهد. ضمن احترام به تجربه و عقاید اطرافیان، به ویژه والدین و حفظ آداب و رسوم فرهنگی و مذهبی، تسلیم فشارهای اطرافیان نشوید.

**10) نسبت به سلامت جسمانی و روانی طرف مقابل اطمینان حاصل کنید.** به خاطر بسیاری که سلامت جسمانی و روانی و عدم گرایش به مواد مخدر یکی از فاکتورهای مهم و انتخاب همسر است. بنابراین این پیش از تصمیم گیری درباره ازدواج، در مورد نکات مذکور اطمینان حاصل کنید. مسلماً شریکی وابسته به مواد مخدر و یا دارای بیماری خاص جسمانی، آینده مبهمی را رقم می زند.

**11) توجه نداشتن به پیشینه ۴ باشیک احتمالی زندگی خود برادر دایمانند طبقه اجتماعی، میزان تحصیلات و توانایی های هوشی تناسب داشته باشید.** این موارد را جدی بگیرید.

**12) عجله نکند.** با توجه به آن که بسیاری از ازدواج ها به دلایلی نیتپاچگی و عجله کردن در تصمیم گیری و نه هلی به شکست مذهبی می شود، در تصمیم خود برای قبول یک ازدواج عجله نداشته باشید. حتماً در مورد فری که می خواهید عری را با وی سپری کنید، تحقیق کنید. به شناخت برسید و وقت بگذارید. صرفاً به دلیل ناامید شدن از ازدواج تن به یک ازدواج نامناسب ندهید و خود را به فهرست قربانیان ازدواج اضافه نکنید.

**13) زاندری د کک و راه های گیری.** با امانت وکل به خدا را و خواهید تدریاً نندخصیح شریک زندگی، شمارا ایاری کرده و مسیر مناسبی را پیش رویتان قرار دهد. چنانچه پس از مطالعه نکات مذکور هنوز و تصمیم گیری خود دچار تردید هستید، می توانید به مشاورین حاضر در مراکز مشاوره رجوع کرده و با آنها مشورت نمائید.

## توجه به چند نکته در امر ازدواج

### با انتخاب صحیح همسر خانواده ای مستحکم داشته باشیم ( قسمت سوم )



در قسمت دوم مطالبی در مورد معیارهای حفظ لختانواده و معیارها و ملاک های مشترک در انتخاب همسر مطرح نمودیم. اینک در ادامه می خوانیم...

#### مهریه سنگین

تدرید نداریم که ازدواج یک امر طبیعی است و دختر و پسر بر اساس تمایلات طبیعی با یکدیگر ازدواج می کنند. از آنجا که انجام امور طبیعی باید به طور سهل و ساده انجام شود، هر نوع قید و بندی تحقق این امر طبیعی را



نشور و سخت می‌کند. بدیهی است تأخیر و یا عدم انجام امور طبیعی نیز موجب به هم خوردن تعادل جسمی و روانی فرد خواهد شد.

از این گذشته باین اسلام درین سلسله وسایلی است و هیچ‌گونه شواری در آن وجود ندارد. به همین مناسبت پبل و بزرگوار (ص) و تمام از بول‌هلی که خود انجام داد و همچنین در ازدواج دختران خویش هرگز مهریه را سنگین قرار نداد.

رسول خدا (ص) عقیده داشت یکی را ندانم که بی زولج سلوار آن امت که میزان مهریه سبک باشد. بنابراین بی‌لستکلم بخشین بونگی‌خولگی، باید از مهریه‌لی سنگین‌لجت نلکیم. رسول خدا (ص) در فرازی فرمودند:

هر کار دشوار و سختی حرام است و در آیین اسلام اساساً دشواری و مشکل وجود ندارد.

مهریه سنگین شده عدم تمام به مرد است و بدیهی است که پس از گذشت مدت کوتاهی مرد خسته متوجه این نکته شده، رفتل و کردیل تغییر خواهد یافت و گویو نشاطخانه لبین رفته، سردی جایگزین آن خواهد شد. از این گذشته مرد یا زن ناصالح را هرگز نمی‌توان با تعیین مهریه های سنگین به صلاح و هدایت آورد، بلکه مهریه سنگین، بدرا بدتر می‌کند.

### ازدواج با مرد شرابخوار

یکی طولی که باید در موقع ازواج بیل توجه داشت اجتناب و پرهیز از ازدواج با مرد شرابخوار است و بدیهی است که همه محرّمات شرعی بر اساس عقل و منطق است.

ری این طلی کسی که از مکررات دوری نمی‌کند خود را اوحدریول قرار می‌هد. به عبارت دیگر در چنین شولیلی انسان خود را از وقعی افسانی تنزل داده، رفتارهایی از او صادر می‌شود که با شأن انسانیت سازگار نیست. همه می‌دانیم که امتیاز انسان از حیوان، عقل و خرد است. بنابراین وقتی فردی این وجه تمایز را از خود برکنار کند، در رده حیوانات قرار خواهد گرفت.

مطالعه دینی این واقعیت را بر همگان آشکار می‌کند که شخص دیوانه تکلیف ندارد. چنان که از رسول خدا نقل شده است کفر موندن: حکم تکلیف از کونکله دیوانگان برداشته شده است. بی‌شخصه تسلی از حیوان بر خردی لواز عقلو خود است. خداوند در ظرف و عالی زیوی خود می‌فرماید: همانا انسان‌های خردمند و عاقل هستند که بند پذیرند.

با توجه به مقدمات ذکر شده به خوبی آشکار می‌شود که فلسفه عدم جواز ازدواج با افراد شراب خوار چیست و چنانچه با چنین افرادی پیمان ازدواج بست. از امام رضا علیه السلام نیز نقل شده است که فرمودند: پرهیز کن از این که با مرد شرابخوار پیمان ازدواج ببندی.

مطالعه و ویوی کتبلی هی آسمانی و روایات و احادیث همه حاکی از آن است که حرمت استفاده از شراب در جمیع ادیان وجود داشته و این لوجنی نبوده است که آیین اسلام به تنهایی آن را حرام کرده باشد. از همین نکته به فساد و تباهی کلی شراب و نیز به تباهی و فساد شخص شراب خوار می‌توان پی برد.



### ازدواج با شریک نادان

از رسول خدا نقل شده است: از ازدواج با شریک نادان بپرهیزید، زیرا همدمی و مصاحبت با او تضییع (تباهی) عمر و گرفتاری است و فرزند شخص نادان نیز تباه و ضایع می شود.

حضرت عیسی (ع) نقل شده است که فرمود: به اذن پروردگار بیماران را شفا دادم و مردگان را زنده گردانیدم، ولی نتوانستن فرد نادان را درمان کنم.

و بل آن طلب معشرت و دوستی نیز از مجالست و مصاحبت با افراد نادان پرهیز داده شده است. در خلال همین روایات استدل شده که شونادانا به ل دوست نادان است، زیرا دوست نادان می خواهد خوبی کند، ولی در اثر کمبود عقل به دوست خود ضرر و زیان می رساند.

امام محمد باقر علیه السلام فرمود که پدرم امام زین العابدین درباره ی مجالست با شخص نادان چنین می فرمود: پیوم وگو با شخص نادان معشرت مکن و از دوستی با وی پرهیز کن. همیشه از او دوری گزین و هرگز با او مباحثه و مجادله مکن، زیرا شخص نادان نه خود دانش دارد و نه دانش دانشمندان به او سودی می دهد.

و لسل محتوی وخی ل روایات، شخص نادان به فرد ساده لوح و زود باور نیز تعبیر شده است. به عبارت دیگر شاهه صفت این است که اگر کسی چ زیرا که تحقق آن امکان پذیر نیست بگوید، شخص نادان آن را باور کرده، می پذیرد، در حالی که فرد عاقل آن را نپذیرفته و رد می کند.

در روایات ازدواج، هشدار داده اند که مراقبت کنید و ببینید مونس و انیس دائمی شما چه کسی می خواهد باشد.

آن نوع روایات به خوبی آشکار می شود که همسر انسان باید عامل انس و مودت و صمیمیت باشد، حال آنکه شریک ندان شایسته چنین مقام و مؤلفی ذیمت و حصول یک عمر زندگی با چنین فردی موجب تضییع عمر و پیری زودین سلت. چنل که در یخی ازروا یت آمده سلت که بعضی ها در اثر چنین ازدواج هایی به پیری زودرس رسیده اند.

چواننل باید هیل و بیدل بدل و به جلی فویفته شدن به زیبایی و جمال، از عقل و خرد همسر جویا شوند تا مبدأ گرفتار شریک ندانی گردند که ازدواج کردن با وی همان و بدبختی همان. بدیهی است که با صحبت کردن با فرد و مطالعه و وقت د رمزول عقل و شعور پیر و ملوخی می قول تا حوی پورشد و ضعفی شخص پی برد.

### یک انتخاب صحیح، یک عمر آرامش



خانواد مکچکزین، مهم ترین و مقسوس تر ان نهاد لجه لمي و بئخی بزرگی از دنیای اجتماعی کودک است و از پیوند بن بیک دختر بیک پسر تشکیل می شود و فزندیل شمره و مکی آن هستند و بصورتی که این پیوند و سومیه گ ذری درست و طوی انجام شود، این شراکت سوددهی خواهد داشت ؛ یعنی فرزندان صالح و با آینده روشن تربیت می شوند و اگر زن و شوهر بدون علاقه و صرفاً بر اساس جنبه های مادی و یا رفع تکلیف اقدام به زواج نماید ، این شراکت زمین می هدد و فرزندی حطیلا این را نوح آیند مبهیم و تلکی در انتظارشان است.

### ازدواج

مردم به لایلگو نگوین ازدواج می کند : عفی ( که مطلب وینین پاش انجم می شود ) ، مھی ( که واسیل شدو ک عقیده و ایبولوئی انجام می شود ) ، اقتصادی ( که صرفاً بر اساس ثروت یکی از طرفین انجام می شود ) و لجه لمي ( که شرایعین فرم بوده و ولسلست ها و عقتاً به صورت خواستگاری انجام می شود ).

توجه نشان داده شد که ازدواج های عاطفی ( که بر اساس علاقه ی فرد نسبت به هم است ) و اجتماعی موفق تر از انواع دیگر می باشند.

### شروط اصلی ازدواج

1- **بلوغ جسمی، روانی و لجه لمي** : بلوغ جسمی بر اساس شرایط جغرافیایی، تغذیه ای و نژادی تفاوت می کند ولی به طور متوسط برای پسران 13 – 15 سالگی و در مورد دختران 11-13 سالگی است.

2- **بلوغ روانی** 4-2 سال پس از بلوغ جسمی و بلوغ اجتماعی حدوداً 2 سال پس از بلوغ روانی صورت می پذیرد م تلافیانه هنوز در بعضی خانواده ها به محض ایجاد علائم بلوغ جسمی ، اقدام و یا تشویق به ازدواج نوجوان می نمایند و ی برای فرزندان عقب ماده ی نهی خود علویم بلوغ بدنی و عدم رشد و بلوغ روانی و اجتماعی، همسر تعیین می نمایند.

2- **شدق انگیزه** : بایستی دختر و پسر جوان انگیزه ای واقعی و ایچد پیوندز نشوی با فرد مورد نظر داشته باشند و خولت و علاقه ال دین و یا شلنایی و تولید نهاد لک هست وون ان پیوند می باشد . چه بسا جوانانی که بدون انگیزه ، ازدواج و مدت کمی پس از مراسم ازدواج اقدام به جدایی و طلاق می کنند.

3- **شدق اطلاعات** : فرد متقاضی ازدواج بایستی اطلاعات کامل در مورد ازدواج و نیاز های روانی و اجتماعی طرف مقابل را بداند و در صورتی که در این خصوص رو انشداختی ن و وود داشته باشد و یاید بگیرد که ازدواج یک پیوند مقدس الهی است و صرفاً به عنوان روشی برای ارضاء غرایز نیست.



### معیارهای انتخاب همسر

- 1- تشابهات شخصیتی
  - 2- تشابه فرهنگی و اجتماعی (زوجین در یک طبقه باشند).
  - 3- از نظر دیدگاه های فکری و عاطفی قرابت (نزدیکی) داشته باشند.
  - 4- اختلاف سن، ترجیحاً 2-7 سال و مرد بزرگتر باشد.
  - 5- ترجیحاً میزان تحصیلات و درآمد مرد بیشتر از زن باشد.
  - 6- بهتر است دختر و پسر مورد نظر مدتی قبل از ازدواج با یکدیگر آشنا بوده و در حضور خانواده ها با دیدگاه های فکری و اجتماعی و دلایل و برنامه ریزی های یکدیگر در زندگی مشترک آشنا بشوند.
- بی لاهول ط بنان زا توافق الحقی ، مریم خولسگی بکمترن تشریفات انجام شود و بهت سلت خانواده ها در مورد مهریه و جهیزیه دخالتی ننموده و آن را به عهده ی زوج جوان بگذارند.
- متألفا نه ریشیط فعلی ازواج ه لیشتر بسق چشم و همچی ور قلی لیم ی شودو طب ، لگزه ه ی مادی وجود دارد و روز به روز مراسم عروسی پرهزینه تر و تشریفاتی تر می شود و تأمین جهیزیه کوسی بریل خانواده ه شده سلت . به همین دلیل انگیزه برای ازدواج و انجام این سنت الهی کاهش یافته و در بسیاری از خانواده ها دختر و یا پسر در سنین 30 – 40 سالگی و مجرد زندگی می کنند.
- کمال مطلوب این است که در مورد فاصله ی سنی بین فرزندان نیز بین زن و شوهر توافق قبلی صورت گیرد.
- گاه فرزندی که مؤلد می شوند ناخولسته اند که یا به علت عدم آمادگی و توافق زن و مرد برای بچه دار شدن بوده ه لمتو یا این که نسبت به جنسیت فرزند متولد شده علاقه و توافق ندارد . به هر دلیل فرزندی که ناخواسته به دنیا بیاید هیچگاه مهر و محبت واقعی را از والدین نخواهد دید و در بزرگسالی کاندید ابتلا به اختلال افسردگی و اضطراب سلت . رفتل کودکان با شیوه های رفتاری والدینشان همبستگی زیادی دارد و کودکان ناموفق معمولاً محصول روابط ناسالم و نامطلوب والدین بوده و از توجه و محبت آنها محروم هستند.
- تجربه شدن دله لک و الدینی که خود ل محبت پرو و ملر محروم بوده اند، اغلب نسبت به فرزندان خود بی مهر هستند و نمی توانند والدین موفقی باشند.



والدین با به کارگیری تشویق و تنبیه و نمونه قرار دادن خود و روش های تربیتی و سنتی خود در گذشته به رفتار فرزند خود شکل می دهند. بهترین امتیاز دهنده فرزند نوزده ماهه پسر اینها را پاره و از این راه تجربه کسب کنند.

همه والدین خواهی سلامتی و نیکبختی، رفاه و امنیت فرزندانشان هستند ولی روشهای غلط آنها در تربیت اطفال موجب رشد فردی و هیجانی ناپذیری و کودک می شود. پدران و مادران کودکان خود را به دلیل خطاها و اختلال رفتاری و نداشتن گریه هایشان محکم و تکیه میکنند، صورتی که ندانند که بویها و شلنگها خودشان موجب بروز مشکلات آنها می باشد.

مشکل بزرگ والدین و تبعیض قائل شدن بین فرزندان از علل اختلال رفتار کودکان است. اختلافات خانوادگی، تشنجات و توهین ها، محیطی نا امن برای طفل به وجود آورده و او را وادار به نافرمانی می کند.

خانه وای کودک مکانی است که او به اجتمالی و زنی خورا با شتاب به هوش می آورد تا آن را مورد ارزیابی قرار دهد و به خاطر آن ستایش و تحسین شود.

بصورتی که انعطاف والدین از کوفت شدن و زرد شدن بوی و مکانیک کودک باشد، موجب شکست و ایجاد نگرش منفی نسبت به خود می شود. کودکی که بیش از اندازه مورد توجه والدین باشد، ناز پرورده بار آمده و نمی تواند به نفع کافی دست یابد و توانایی مقابله با مشکلات زندگی، ضایعات و حرومیت ها را نخواهد داشت. قادر به پذیرش و تکیه هیجانی نیست. محیط و حدت بیش از اندازه کودک را خواه، رسوا، خجالتی و بی تفاوت و پرخاشگر بار می آورد. کودک ناز پرورده در طول زندگی خود نیاز به رولت عاطفی شدید و بیش از حدی دارد که بتواند آنها را جایگزین روابط عاطفی دوران کودکی خود کند. وی دمدمی مزاج، تحریک پذیر، پر توقع تر از معمول و تا حدود زیادی بی نظم است.

طرد کودک موجب احساس ناامنی، ترس، بی اعتمادی، حسادت، کینه جویی و ناتوانی در ابراز محبت و قبول آن می شود.

## با چه زنان و مردانی نمی توان ازدواج کرد ؟



ازدواج نهایی مدنی و حقوقی اولی است که علاوه بر این که واجد آثار حقوقی و مدنی زیادی می باشد از نظر دینی هم اهمی بسیار پسندیده بوده و دارای آثار معنوی و اخروی نیز هست. لذا مجرد ماندن و ترک این شیوه ی هدیه مذمت (سرزنش) شده و ملتوجه ناپه فری به خطر ازدواج نکردن مرتکب گناه شود تجرد وی، حرام خواهد بود. به همین دلیل آشنا بودن با قواعد حاکم بر این نهاد، امری لازم است. یکی از این قواعد ها موضوع ممنوعیت نکاح با بعضی افراد است. لذا باید با کسی زواج کرد که از نظر شرعی و قانونی برای آن مانعی وجود نداشته باشد. و این بحث را به بررسی موضوع ممنوع بودن ازدواج با گروهی از زنان و مردان می پردازیم که در قانون مدنی ایران آن را جزء "موانع نکاح" شمرده اند.

#### از دیدگاه مقررات ایران موانع نکاح در پنج دسته جای می گیرد:

- 1- ناشی از خویشاوندی نسبی
- 2- ناشی از خویشاوندی سببی
- 3- ناشی از خویشاوندی رضاعی
- 4- موارد متفرقه
- 5- رعایت مصالح کشور

#### الف - موانع ناشی از خویشاوندی نسبی (خونی):

- 1- ازدواج با پدر و اجداد پدری و با مادر و جدّه های مادری.
- 2- ازدواج با فرزندان و نوه ها و نتیجه ها، هر چه قدر که پایین تر برود.
- 3- ازدواج با برادر و خواهر و اولاد و نوه ها و نتیجه های آنان.
- 4- ازدواج با عمه، خاله، عمه و دایی هایی خود و عمه و خاله و عموها و دایی های پدر و مادر و اجداد.

#### ب - موانع ناشی از خویشاوندی سببی:

- 1- مردی نمی تواند با مادر و نیز جدّه های زن خود و نیز مادر و جدّه های رضاعی زن خود ازدواج کند و این حرمت، ابدی است. یعنی اگر مردی فقط برای چند دقیقه با زنی حتی ازدواج موقت نماید و حتی آنها همدیگر را هم نبینند آن حرمت حاصل شده و آن مرد با مادر و جدّه های نسبی یا رضاعی همسر فعلی یا سابق خود برای همیشه محرم است.
- 2- زن نمی تواند با پدر و جدّه های خود و نیز جدّه های رضاعی خود ازدواج کند و تفصیل آن نیز مانند مورد بالا درباره زن نیز صادق خواهد بود.
- 3- زن پر یا جدّ نسبی یا ضعیفی بر لبه های برده شده بر وی حرامند. لذا اگر زنی ولو چند دقیقه نیز به عقد مردی درآید و بعد هم جدا شود برای همیشه به پسر و نوه و نتیجه های آن مرد حرام خواهد بود.

4- عروس نیز برای همیشه به پدر شوهر و اجداد شوهرش حرام است.

**تکر:** مومنت همدله ل زو بلخ هاي ياد شده هم خاص ازدواج دائم است و هم شامل ازدواج موقت مي شود . وجود رابطه زناشویی لازم نیست و صرف جاري شدن صیغه نکاح ، کافي براي اين محرمیت خواهد بود.

5- اگر مردی با زنی ازدواج کند و آن زن ، دختر یا دخترانی از شوهر قبلی اش داشته باشد ، تا زمانی که این زن در عقد و دلک این دختران نیز با پدر خوانده شان محرم هستند و اگر بین زن و شوهر مزبور ، رابطه زناشویی واقع نشده باشد پس از جدا شدن ، مجدداً این دختر بر پیخوانده ها حق نامحرم خواهد بود و می تواند با وی زواج کند اما اگر بین زن و شوهر مزبور رابطه زناشویی رخ داده باشد دختر زن به پدر خوانده یا همان شوهر مادرش برای همیشه محرم است و جدایی مادر نیز نقشی در این میان نخواهد داشت.

6- کسی نمی تواند هزمان با دو یا چند خواهر ازدواج کند. لذا اگر مردی با زنی ازدواج نماید ، تا زمانی که از وی جدا شده نمی تواند دوباره با او زواج کند که البته و این مرد خواهر زن ، محرم شرعی که ملزم به رعایت حجاب نیست نخواهد بود بلکه از این جهت نامحرم است.

**تکر:** اگر موی زشت را طاقی رجعی ( طلاق که مرد می تواند باز زن را به ازدواج خود در آورد ) دهد ، بی و این بی طاقی در عده قیاتی ( منتهی که زن بی طاقی بی عت شود نباید ازدواج کند ) ، زن همانند زوجه مودفرض می شود ، تا پایان عده ، حق ازدواج با خواهر زن وجود ندارد ولی در سایر طلاق ها با عده ی عقد موقت ، می توان در ایام عده با خواهر زن ازدواج نمود.

7- ازدواج بلا در زله یا خواهرزاده زجه ، بیون ان می منع ملت . لک اگر بی بی کب لازه هشی با برادر زله یا خواهرزاده او ازدواج کند این عقد جایز صحیح خواهد بود ولی اگر بعداً بتواند ضایعیت هشی را کمبکد و بی بی قبلی نافذ می کند و نیاز به عده مجدد نمی باشد . اما اگر هسرش از موضوع عقد با خبر شود و آن را تنفیذ ( تأیید ) نکند عقد باطل می شود.

**تکر:** اگر مردی با زنی ازدواج کند می تواند بعداً با خاله یا عمه وی ازدواج نماید و نیازی به اعلام موضوع به زن خود ندارد.

8- اگر مردی سه بار متوالی همسر خود را طلاق دهد ، پس از وقوع طلاق سوم ( سه طلاقه ) این زوجه مطلقه ، بر مرد حرام می شود خواه با وی رابطه ی زناشویی داشته یا نداشته باشد .

اگر مرد بخواد دوباره با وی ازدواج کند باید این زن با مرد دیگری ازدواج دائم نموده و با وی رابطه زناشویی پیدا شده باشد و بی بی جاشو و زنی بی بی قلمشش ایلمعه می توانه عده شوهر اول وید . اصطلاحاً به شوهر دوم محلل ( حلال گرداننده ) گفته می شود زیرا باعث از بین رفتن حرمت ازدواج بین شوهر اول و همسرش می گردد.

**تکر:** موضوع یا نشده خاص طلاق و ازدواج دائم است. لذا اگر مردی پس از عقد موقت از همسرش جدا شود یا بر اثر فسخ بین زوجین ، جدایی واقع گردد مشمول قاعده مزبور نخواهد بود.

1- اگر مردی سه بار متوالی طلاق دهد به صورتی که شش بار آن طلاق رجعی باشد این زن برای همیشه بر این مرد حرام می شود که اصطلاحاً به وی ( نه طلاقه ) گفته می شود و محلل نیز در این مورد کارساز نخواهد بود.



### ج- موانع رضاعي ( شيري )

يكي از اقسام خویشاوندی ، قرابت ناشی از شیرخوارگی ( رضاع ) است.

بدن و تیب که گزنی با شولیلک به کودکی شیر دهد بین آن کودک و زن نسبت مادر و فرزندی رضاعي شیب می آید و فرزندان زن تو باشد بیخوره ، خواه و برادر رضاعي می شوند و شوهر آن زن هم ، پدر رضاعي می شود و شوهر آن زن هم ، پدر رضاعي وی محسوب می شود و خلاصه برادر و خواهر آن زن هم دایی و خاله او به شمار می روند و همین طور الی آخر.

#### شرایطی که سبب قرابت ناشی از شیرخوارگی می شود :

- 1- شیر زن ناشی از حمل مشروع باشد.
- 2- شیر ، مستقیماً مکیده شود. لذا اگر شیر در قاشق یا سرشیشه ریخته شود و به کودک داده شود فایده ای ندارد.
- 3- کوک لاقل 15 نفعه مؤالی و یا در یک شبانه روز از شیر بخورد. ضمناً نباید در بین دفعات شیر خوردن ، از غذا یا شیر زن دیگری مصرف کند.
- 4- شیر خوردن کودک ، قبل از تمام شدن دو سالگی او باشد.
- 5- مقدار شیری که خورده از یک زن و شوهر حاصل شده باشد.

بدن و تیب خویشاوندی رضاعي (رحمتی) حرمتی و ما هی تکاح هلند قرابت نسبی است. لذا همان گونه که خوهر و برادر یا مادر و ماویزرگ نسبی محرم است ، رضاعي آن نیز محرم می باشد ولی رابطه توارث بین آنان ایجاد نمی شود.

**تکرم:** اگر ماویزگی به نوه ندخ و یخوشی با شرایط مزبور شیر دهد، مادر آن کودک بر شوهرش حرام می گردد و اگر با این کارش ، دخترش را به خواهر رضاعي نوه اش تبدیل نموده و چون ازدواج با خواهر فرزند جایز نیست این زن بر شوهرش حرام می شود.

### د- موانع متفرقه

- 1- اگر مردی با علم به این که زنی شوهر دارد با در عده طلاق یا وفات به سر می برد وی را به عقد خود در آورد ، هم عقد باطل است و هم آن زن برای ابد به او حرام می شود.
- لما لکر مودیه موارد مزبور جاهل باشد یعنی نداند زن ، شوهر دارد یا عده اش تمام نشده و زن را به عقد خود و آورد عقد باطل است ؛ لمانی و اندسی را اتمعه ده ، زن را به عقد خود در آورد ولی اگر بین آنها رابطه زناشویی نیز برقرار شده باشد، زن بر وی حرام همیشگی خواهد شد.



2- اگر مردی همسر دائمی اش را که مسلمان و عقیقه است لعان کند یعنی به وی نسبت زنا دهد یا فرزندش را از خود نفی کند این کار را با شرایطی نزد قاضی انجام دهد بین این زوجین برای همیشه جدایی واقع می شود و بر هم حرام ابدی می شوند.

3- اگر مرد یا زنی در حال احرام (حج) با فردی ازدواج کند و به حرمت این کار هم آگاه باشد بین آن دو حرمت ابدی حاصل می شود.

4- اگر مردی با زن شوهر دار یا زنی که در عده طلاق رجعی است زنا کند آن زن برای همیشه به وی حرام می شود.

**تذکر:** بعضی از فقها این کار را موجب حرمت ابدی نمی دانند.

5- اگر مرد بالغ با پسر یا لوط کننمادرو خهر و دختر آن پسر بروی حرام ابدی می شوند ؛ ولی مفعول می تواند با مادر و خواهر و دختر آن مرد ازدواج نماید.

6- زوج زن مسلمان با مرد غیر مسلمان باطل و حرام است و با علم به حرمت ، زنا محسوب می شود ولی مرد مدعی می تواند با زنی که او الهی کتاب ( مسیحی، یهودی و زرتشتی) ازدواج موقت نماید و بعضی از فقها، ازدواج دائم را هم جایز می دانند ولی ازدواج با زنان غیر اهل کتاب ، جایز نیست .

**تذکر:** بعضی از فقها گفته اند چنانچه مرد مسلمانی دارای زن مسلمان باشد بدون اذن همسر مزبور حق ندارد زن اهل کتاب را به ازدواج خود در آورد.

7- از واج بین پیروان مذاهب اسلامی مثل شیعه و سنی اشکالی ندارد ولی جهت رعایت کفویت ، بهتر است هر دو از یک فرقه باشند.

### هـ - رعایت مصالح کشور

1- زانوح مرد اولی بن غیرا و بنی لامع امتوی گرزنا و انیخواه با مسلمانی غو اولی ازدواج کند شرط شکالی نرد ولی وای ثبت آن و رسمیت داشتن باید ل دولت کسب مجوز کند و گرنه از نظر دولت این ازدواج رسمیت نخواهد داشت.

2- ازدواج اوانیو عضو وزارت امور خارجه یا نیروهای مسلح با غیر ایرانی ها ممنوع است و باید قبلاً مجوز آن از دینت اخذ شود و گرنه هم موجب تعقیب اداری و هم عدم به رسمیت شناختن آن خواهد شد ؛ اگر چه شرعاً صحیح است.

**تذکر:** طلبی که گفته شد بشود و مورد ایرانیان شیعه حاکم است و چون موضوع ازدواج از احوال شخصی محسوب می شود در مورد اهل سنت و نیز اهل کتاب ، احکام شرعی مذهب خودشان رعایت خواهد شد ، مگر این که آنان شخصاً رضایت خود را بر اعمال قوانین مدنی ایران بر روابط شخصی شان اعلام نمایند.

## می خواهم ازدواج کنم اما ...



" وَ مَنْ يَأْتِهِ أَنْبَاءُ لَكَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ فَسَبِّحْ لَهُمْ بِحَمْدِ اللَّهِ يَوْمَ هُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ " وَ مَنْ يَأْتِهِ أَنْبَاءُ لَكَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ فَسَبِّحْ لَهُمْ بِحَمْدِ اللَّهِ يَوْمَ هُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ " وَ مَنْ يَأْتِهِ أَنْبَاءُ لَكَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ فَسَبِّحْ لَهُمْ بِحَمْدِ اللَّهِ يَوْمَ هُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ "

" یکی از آیات و نشانه های لطف الهی آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید که در کنار او آرامش یافته و میان شما انس و دوستی و رحمت برقرار نمود که این نیز برای مردمان متفکر و آگاه از نشانه های علم و حکمت آشکار است ". (سوره روم / 21)

ازدواج و شد کلخاند و ادهسگ بنای دوام می‌دهد انسانی است که و انجام وظیفه فری و رولط اجتماعی آنها نقش بسزایی در دلد و یکی از مهم ترین و زیباترین سنن اجتماعی انسان ها در طول تاریخ است که ریشه در فطرت و آفرینش ویژه ی آدمی دارد و تأمین کننده و تعدیل کننده ی بسیاری از نیازهای روانی ، عاطفی ، اجتماعی ، اخلاقی ، اعتقادی و تفریحی انسانی می‌باشد که و اسلام بسیار مورد تأکید قرار گرفته است.

ما باید از نود و دو زوج این امر الهی ، اجتماعی و پدید می‌آید که همی جیبی سلام بشوی و لیان سلامتی و آن تکیه داشته و خود نیز ، ضروی ساده و مقدس است ، در عین حال یک پدیده ی فرهنگی هست که زد و ملتی رنگ خلی به خود گرفته است . و کشور ما با وجود عقاید ، الگوها و سنت های اصیل و سله ی اسلامی برای ازدواج متلفاً به فرهنگ حصر ان تلی متعلیو مقن و چنگل آ دل و بیوم غلط و ضد ارزش ها گرفتار شده است و در طول زمان دستورات ساده ی اسلام و سنن حسنه ی پیامبر گرامی و ائمه طهارت در پی عدم آگاهی ، طلقی تما یات و سلیقه افراد مختلف جهت داده و چیزی به آن اضافه شده است . بدین گونه که امروز ازدواج جوانان در میهن اسلامی ما بیش از آن که بُعد مادی و اقتصادی داشته باشد ، ریشه در بعد فرهنگی و دینی دارد که در رو ی دن بصورت دایمی ملاکها و آ دل و رسوم غلط ، تشدید و تقویت می‌شود و باعث می‌شود که غلبه ی مصلحت‌چشم و هم‌چشمی و رقابتی همی خراب ، تقلیدهای کورکورانه ، مسخ هویت و کرامت انسانی است.



برخی از مهم ترین و عمومی ترین آداب و رسوم و سنت های ازدواج بین خانواده های ایرانی:

## 1- ازدواج تحمیلی

با این که مؤخر بختانها از طریق دلی و شجرانها و خوا و له ها ، از شد این مؤلفه بر خط صلوات للاحی و اجتماعی و حکم اسلامی ملت ، کلدته شده ، اما هنوز هم در برخی مناطق ، پدر و مادر و نزدیکان داماد ، هر رخ تیرا که پسندیدند و پیشنهاد نمودند بدون نظر خواهی معقول از پسر ، او را مجبور به ازدواج با آن شخص می‌کنند و بعضی پسر ها هم بدون توجه به مشکلات بعدی به راحتی می‌گویند هر که را شما بخواهید و هر چه شما بگویید! در این خانواده ها عموماً وضع دختران و مجبور کردن آنها به ازدواج های تحمیلی ، بسیار وخیم تر است.

## 2- شیربها

و بعضی شهرها و روستاها برسد مگر ظن آن است که قبل از عروسی برای تهیه مقداری از جهیزیه، از داماد مبلغی پول نقد به عنوان شیربها می گیرند که خود مانع و مشکل بزرگی برای خانواده هاست و یکی از آسیب های کلیدی این ملت که خانواده ی داماد در مقابل، عموماً انتظار دارند که جهیزیه مفصلی باز گردانده شود. کاش این افراد لحظه ای می اندیشیدند که شیر مادر چیزی نیست که قابل خرید و فروش باشد.

### مهریه

مهریه لقبی است که از زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) وجود داشته و تعیین آن بر دلکلی است. با این که عده ای می گویند مهریه را چه کسی دلخواه می گیرد، پرداخت آن عدالتی به برنمی خورد؛ یعنی هرگاه زن طلب مهریه کرد شوهر باید آن را پرداخت کند. تقدیم مهریه عموماً ساده و برپای سنتور است اسلامی، به روال مهر السنه ی حضرت فاطمه زهرا (س) بوده است، امامت فاطمه ایوه بس بوی ز مردم، این سنت پسندیده را مطابق با تمایلات خود جهت داده اند و مهریه را به عنوان اثری از خود می دانند. چرا باید بعضی دختران به بالا بودن نامعقول مهریه خود افتخار نمایند؟ مگر الگوی زنان ما فاطمه زهرا (س) نیست؟ و مگر الهی زده ای که خدا و رسول خدا و الهی طهارت پسندند زود عفو بر آن صدها گذرد و ضایع خلق خدا را فراهم می سازد، ازدواج بزرگ مرد تاریخ اسلام حضرت علی (ع) با فاطمه زهرا (س) نیست که با هم ملتاف برخی ازدواج ها با تمام محسنات داماد، به علت عدم توافق بر سر مهریه و مبلغ آن، صورت نمی گیرد.

این دسته از والدین را باید آگاه کرد که دختر، و زنگی او کالای مورد معامله نیست تا بر سر مبلغ مهریه اش بحث کنند و باید بدانند که طلب کردن مهریه ی سنگین، نشانه عدم اعتماد و اطمینان کمتر است و بهانه ای برای اجتناب از نفع و هزینه ی خارج از توان، که همه ی اینها از آفت های ازدواج و آسیب های فرهنگی و اجتماعی آن محسوب می شوند.

### 3- جهیزیه

جهیزیه باید سبک، ساده و در حضور و ریختن اولی یه شروع زندگی جدید باشد همان گونه که جهیزیه حضرت فاطمه زهرا (س) به روایتی هدیه قلم و ده لنگه و آن زمان به 63 درهم خریداری شده است و این هم از سفت های حسنه ی الهی است که به تدریج از هفت صلی دور شده و متأسفانه در زمان ما یکی از مشکلات را بوجود آورده است، بدانگونه که برخی خانواده ها به جهیزیه عروس شدن با وسواس توجه می کنند و اگر آن را نپسندیدند نمایه ی شوکتی خود و خانواده خود تصور می کنند و ارزش عروس خود را با وجود فضائل اخلاقی فراوان به جهیزیه ملل می شناسند! و توقع دارند که به طراح لشدیروغ تا جلی همراه خود بیاورد! تا جایی که دیده شده است پدری یکی از کلیه های خود را برای تهیه جهیزیه دختر خود فروخته است و بختیوه عطف و عدم ت و نا بی بهی جهیزیه، ل زاد و بچیه و کده است. به علوبسیار شاهه ی شوده بعضی از وسایلی که به عنوان جهیزیه با هزینه های کمر شکن تهیه شده است، سال ها دست نخورده مانده و فقط به نمایش درآمده است.



#### 4- تجمل و تشریفات دست و پاگیر

باید هفتی برضد ازدواج های پر خرج و تشریفاتی به وجود آورد که هزینه های زیادی را می بلعد و نابود می کند و نگرزه یلغز بچم و هم چپی و رقبت هیامخیندارد. بل با لایم از دستت عالی للاحیا هرگونه جلی پستی و خرج تراشی های بی دلیل در امر ازدواج به شدت مبارزه کرد. باید در فرهنگ عمومی این بؤرا اید شود که خرج تراشی و هزینه های زیاد در مراسم مختلف ازدواج نه دلیل شخصیت، نه نشانه یی آو و نه موجب تحکیم پوند زندگویی سلت. ریشه ی بسیاری از کدورت ها، اختلافات خانوادگی و جدایی ها را باید در همین آلدو ریوم غلط، در همن ثب ه لئ جئن و بیور پرخرج، تقید به مشتی آداب و رسوم غلط و وقعت بجاو توجه قراطی به ظواهر ملی به هنگام خولدنگاری جستجو کرد. افسوس که تقلیدهای کورکورانه، چشم و همچمی ها، آویه ی خیالی بدو ل ه بی لروپی و ذولبه یی خرگژیی مرگبار، بی مؤهار ام نمجد کرده و از درک حقایق و واقعیت های ازدواج باز داشته است که حاصلی جز اضطراب، افسردگی، تظاهر و زندگی بی روح و نشاط و اختلالات عصبی و روانی ندارد.

اما فریبوندی که دختر و پسر از روی شناخت، با یکدیگر صمیمیت و تفاهم داشته و والدین آنها بدون سختگیری هلی بیجو سئ از مشاوره و بروسی آن را تصویب می کنند و در یک محفل شاد و دوستانه و صمیمانه برگزار می شود، نیازی به تشریفات کمرشکن، پیرایه های ابلهانه، تجملات و مخارج رویایی و افتخارات موهوم ندارد. مسلم سلتکه در چندن لروچی، کببهو سلت آن را ازدواج لاهی و طعی بنلم، نه زامه ریهای کمرشکن و جزیه های ر نو و درشت ذ بی هت، نه از شو بی ا و طلا و جواهرتزیید و گران قیمت و هد ای لی سولم آورو آینه شمع بل هی غی رضروپی، خریدهای آن چنانی قبل از عقد برای عروس و خانواده یی لو، تقدیم و لبدل هدایا در اعیاد و روزهای خاص و بالاخره تشریفات و اسراف های مراسم عقد و عروسی با هزینه های سنگین و...

نکته عجب و قبل تأمل و تحقیق این است که گروه عمده ای از خانواده ها که از این پیرایه ها و تشریفات زاید و کورسکن شکایت دارند، ناله می کنند و در مقام بحث با این گونه آداب و رسوم غلط و دست و پاگیر مخالفت می ورزند، و عین حال غالباً به آنها پای بندند و زمانی که خود به عنوان والدین پسر یا دختر در موقعیت قرار می گیرند صورت مدللراپک کرده در دام آن تارهای عنکبوتی افتاده و به مصیبت و خطا گرفتار می شوند. شاید بتوان گفت که یکی دلالی این قلد عقید ه و علی، عدم شها ص کفی و ضعف اراده و تفکر و ایمان آنها به مبارزه و شکستن سنت ها و آداب و رسوم موهوم و غلط است.

فارس بیکن فیلسوف انگلیسی قرن 17 میلادی، خطا های مبتلا به ذهن آمیان را که در تحصیل علم و آگاهی و فنگ حقیقت، میله گراهی لاسل میشوند بت ندیده و ز آنها بمعنوان بت هیاطلیه یی، شخصی، بل لی و ذم لئی نم برده سلت. این گونه آداب و رسوم ست هی ناپند و اخراف از فطرت خدیدی و سلامی راندو لجمه به هی فرهنگی و هی امروز مین اسلامی می توان نامید که نیاز به بت شکن و قهرمان های فرهنگی و فکری دارد و درمانش هم بازگشت به سنن اصیل اسلامی است.

## موارد همتایی و تناسب دختر و پسر



مردی از پیامبر اسلام (ص) پرسید: "با چه کسی ازدواج کنیم؟" ایشان فرمودند:

"الاکفاء"

او پرسید: "کفوها چه کسانی هستند؟" حضرت فرمود:

"المؤمنون بعضهم اکفاء بعض"

مؤمنان، کفو و هم شأن هم هستند.

### 1- همتایی دینی و ایمانی

زن متنی و پایبند به قوانین و طلی و فوج نلام، باید با نسانی مانند خود ازدواج کند. البته تنگ صد و صد لکن ندارد، اما هرچه به هم نزدیک تر باشند و فاصله کمتر باشد، بهتر است.

می بینیم که پیامبر اکرم، معیار و زیر بنای اصلی هم کفوی را "ایمان" بیان فرمودند. انسان مؤمن، اگر با همسر بی ایمان ازدواج کند و نتواند او را متدین نماید، یا باید هم رنگ او شده و بی دین شود و یا در برابر او مقاومت کند و دائماً نزاع و زد و خورد داشته باشد؛ که هر دو، خسارت بزرگی سلت و فرزندانی هم که محصول چنین زندگی های آشوب زده ای باشند، به سعادت نمی رسند.

### 2- همتایی و هماهنگی فرهنگی و فکری

تفاهم و توافق فکری و فرهنگی میان دو همسر در زندگی مشترک، نقش اساسی دارد. برای ایجاد یک زندگی پویا و پر بار، باید معماران این کانون بتوانند یکدیگر را درک نموده و مکنونات و محدودیت درونی خود را به هم تفهیم کنند و در بسیاری از مسائل، تصمیم مشترک و یکسان

گرفته می‌شود و براساس يك طرح هماهنگ تربیت کنند.  
 را براساس يك طرح هماهنگ تربیت کنند.

امام صادق (ع) می‌فرماید:

" العارفة لا توضع الا عند العارف "

زن عارفه ( فهمیده ی فرزانه ) باید در کنار مرد عارف ( فهمیده ی اهل معرفت ) قرار گیرد ،  
 نه غیر آن .



### 3- همتایی اخلاق

همه اهنگی و تدلب لاقی ، ل مهم ترین موارد هم کفویی و همتایی بین زن و شوهر است .  
 ممکن است زن و شوهر از جهت " دینی " کفو هم باشند اما از جهت اخلاقی نه.

### 4- کفو هم بودن در تحصیلات علمی

بهتر آن است که زن و شوهر از نظر موطا و تحصیلات عالی، خیل به هم طفله  
 نداشته باشند تا تفاهم بیشتری در زندگی شان وجود داشته باشد.

البته این خصوصیت را باید به طفلت و ویژگی های دیگر بررسی کرد. به این معنا که مثلاً  
 گر " زن " نکر و غور پچا دلرد و کم ظرفیت است ، نباید سواد و تحصیلاتش بیش از  
 مرد بلند بیزرا - حتماً - م شکاک و ولینی و زندگی شان به وجود خواهد آمد. اما اگر  
 متواضع باشد، احتمال بروز این مشکل کمتر است. در مورد " مرد " هم مسئله به همین شکل  
 است با کمی تفاوت.

## 5- تناسب در زیبایی

توجه به توازن و تناسب میان دو همسر در زیبایی صورت و اندام و قیافه ی ظاهری نیز لازم است. لگگی از آن دو، " زید اویش اندام ختیپ " بشدو یگری " شت صورت و بد اندام"، احتمال به وجود آمدن ناراحتی و مشکل برای هر دو، و عقده های روانی و انحراف و بی عفتی و حسرت و ... برای فرد زیبا، وجود دارد.

## 6- تناسب سنی

در انتخاب همسر توجه به همتایی و تناسب در سن نیز لازم است.

تفاوت سن بلوغ در دختر و پسر، یک امر طبیعی است. پسر، حدود 4 سال دیرتر از دختر به بلوغ می رسد. پس خوب است که تفاوت سن آنان در امر ازدواج نیز به همین مقدار باشد ( پسر، بزرگتر باشد). کفو هم بودن دختر و پسر از نظر سن، " تفاوت سن" است، نه " تساوی سن". زیرا این تفاوت، در آفرینش آنان قرار دارد. البته رعایت این تفاوت سن به این مقدار ( حدود 4 سال ) واجب نیست. بهتر است که چنین باشد.

این خصوصیت را باید با مجموعه ی صفات و خصوصیات دختر و پسر بررسی کرد. ممکن است دختری سنش به این مقدار کمتر از سن پسر نباشد، اما امتیازات دیگری داشته باشد که آن را جبران کند.

## 7- تناسب مالی

قدیمی های عالمی که می توانی بله مطرح کرد این است که: صلاح نیست دختر و پسر و خانواده هایشان، از نظر " مالی و ثروت" تفاوت زیادی داشته باشند.

اگر ما کسی هستیم که با مقادیری ثروت و توانگری، خود را گم می کنیم و تکبرها، غرورها، منت گشایی ها، تحقیر کردنها و ... به سوهلی می آید چرا خود را فریب هم؟! معمولاً چندان است که اگر پسری فقیر یا متوسط از نظر مالی، با خانواده ای ثروتمند وصلت کند، باید " نوکر و برده ی" آنان شود. و اگر دختری فقیر، عروس خانواده ای ثروتمند شود، باید " کنیز" آنان گردد! البته استثناهایی نیز وجود دارد.



## 8- تناسب خانوادگی

ازدواج با يك فرد، مساوي است با پیوند با يك خانواده و فامیل و نسل!  
در مسئله ي " انتخاب همسر " ، معقول نیست که انسان بگوید: " من مي خواهم با خود اين فرد ازدواج کنم و کاري به خانواده و خویشان و فامیلش ندارم " زیرا:

1- این فرد، جزئی از همان خانواده و فامیل ، و شاخه اي از همان درخت است. و این شاخه ، از ریشه هلي همان درخت، تغذیه کرده است . مسلم است که بسياري از صفات اخلاقي ، روحي، عقلي و جسي آن خانواده و فمیل ، از راه وراثت و تربیت و محیط و عادات ، به این فرد منتقل شده است.

پیامبر اسلام (ص) در این باره مي فرماید: تَزَوَّجُوا فِي الْحَجْرِ الصَّالِحِ ، فَإِنَّ الْعِرْقَ نَسَّاسٌ  
" با خانواده ي شایسته ، وصلت کنید؛ زیرا عرق ( ژن و خصوصياتي که به وسیله ي نطفه و وراثت از پدران و مادران به فرزندان و نسل هاي بعدي منتقل مي شود. ) تاثیر مي گذارد".

2- لَوْ تَوَّجَّأْنَا كُلُّ دَلَّيْتِهٖ بِأَبِيهِ، لَمَّا تَوَّجَّأْنَا بِأَبِيهِمْ! هرگز نمی تواني همسرت را از آذنی و نان را از همسرت جدا کنی . خودت هم نمی تواني رابطه ات را با آنان قطع کنی . يك عمر باید با آنها معاشرت و زندگي نمایی.

لَکُمْ خَطْوَاهُ وَخَوِشِلُهُ ، نَابِلُو فَلَیْبَسْنَهُ لِسَانَ رَا " نچرکش " مي کند و از دخالت هاي آنان در زندگي و از ارتباط با آنان نمی شود به کلي جلوگیری کرد.

3 - بَدَلِي يَأْتِيهِمْ أَدْنَى ، تَا آخِرِهِمْ أَوْ سَلْبٌ لِي لَمْتُ وَدِرْزَنِي تَأْتِيهِمْ  
گذارد. تحمل بدنامي آنان ، بسيار مشکل خواهد بود.

4 - صفات و خصوصيات آنان، در فرزندان آینده ، تأثیر دارد.

پیامبر اکرم (ص) در این باره مي فرماید:

" بنگرید چه کسی را به همسري برمي گزینید ، زیرا فرزندان ، شبیه دايي هایشان مي شوند".

## 9- تناسب اجتماعی





سطح بلای طبیعی و حدود 6/3 درصد و متوسط زلزله شدت 5.5 تا 6.5 با درآمدهای پایین حدود 2/3 درصد بوده است.

یعنی جمعیت ایران حتی نسبت به کشورهای با درآمدهای پایین نیز سریع تر رشد کرده است و این نرخ باروری سبب تغییر ساختار جمعیتی کشور شده است. از دهه فوق تا سال 1380، پسران و دختران در دهه های سنی 15 تا 25 ساله قرار دارند و این رده های سنی از سال 1378 تا 1388 در سن ازدواج قرار می گیرند. بنابراین طبیعی است که در این سال ها شاهد اختلال در وضعیت ازدواج باشیم.

بر اساس سرشماری انجام شده پسران 25 ساله حدود 540 هزار نفر هستند، میلیونها دختران سه سال کوچکتر از خود یعنی با دختران 22 ساله ازدواج کنند. تعداد دختران 22 ساله در سال 1380 حدود 799 هزار نفر بود. با وجود این حدود 160 هزار دختر شانس ازدواج نداشتند. در مجموع رده سنی 15-25 ساله همین پدیده اتفاق می افتد.

### سن ازدواج در مردان و زنان

قلی توجه این که در ایران، تعدد فرزندان پسو بیشتر از نوزادان دختر است. اما مسئله اصلی سن بلوغ و اخفاس و ازدواج زودتر و دل سلت. بلوغ دختران زودتر از پسران است، بنا بر این دختران در سن ازدواج زودتر می گیرند، اما پسران در همان سن، به مرحله ازدواج نرسیده اند. برای مثال، دختران از سن 12 سالگی برای ازدواج آمادگی دارند، اما پسران در سن 15 سالگی وارد سن ازدواج می شوند.

### ترس از طلاق

البته ترس از طلاق می تواند عامل مهمی در برابر ازدواج نکردن باشد. با توجه به آمارهای ارائه شده از مرکز آمار ایران در سال 1365، 340342 مورد ازدواج و 35211 مورد طلاق ثبت شده است. در سال 1357، 479263 مورد ازدواج، 37817 مورد طلاق و در سال 1379، 646498 مورد ازدواج و 53797 مورد طلاق ثبت شده است.

طبق آمار ارائه شده، تعداد مردان هرگز ازدواج نکرده بیشتر از زنان هرگز ازدواج نکرده در سال 1375 است. این آمار در هر سال طبق شواهد علمی باید روند صعودی در پیش داشته باشد. با توجه به مؤید و عتلا مورد بحث، سؤالی به ذهن می رسد و آن این که علت افزایش دختران در سن ازدواج، هرگز ازدواج کرده و « درس ازدواج » و « درس ازدواج » بلند. یعنی وقتی مملی گویند زن هرگز ازدواج نکرده، ممکن است يك زن 50 یا 60 ساله باشد و وقتی می گویند دختران در سن ازدواج، دختران جوان در سن 29 یا 25-15 ساله را در نظر می گیریم. البته این بحث نیاز به کارشناسی دقیق تری دارد که در حال حاضر مجال آن در این تحقیق وجود ندارد.

عده دیگری افواشی دختران در سن ازدواج می‌تواند بلوغ زودرس دختران باشد. بنابراین هر سال و دختران در سن ازدواج افزوده می‌شود، ولی ممکن است پسرانی که در سن ازدواج هستند به آن اندیشه نباشند. دلیل دیگر همگامی و زود پس مردان (به دلیل هیجانانگیزی روحی بیشتر پسوان و علاقه آنها به کراهتلی خطرناک) و یا سوپسوان جوان به خارج از کشور است. عوامل فرهنگی و اجتماعی هم به نوبه خود می‌تواند مانع مؤثری بر سر راه ازدواج باشد.

### تأثیر تحصیلات دانشگاهی

در نهایت می‌توان «تحصیلات» را در دوره معهود بزرگترین مانع و سبب در مقابل ازدواج دانست. میزان علاقه به تحصیل عالی در دختران اولی یافتن این مسئله باعث شده که توقع دختران از همسر آینده بالا رود و به همان نسبت شانس آنان را برای زوج پلین آورد. علاوه بر این، استقلال مالی که دختران تحصیل کرده به دست می‌آورند، موجب می‌گردد که نیاز کمتری برای ضرورت ازدواج احساس کنند.

سطح تحصیل مذهباً و میان زنان می‌تواند مستقیماً بر سن ازدواج تأثیرگذار باشد. می‌توان گفت که این عمل تلاشی از مرزبده به بی‌اجتماعی عبور کرده است و قابل کنترل نیست و یک حالت عادی یا بهتر بگوییم دنباله روی از همدیگر (عرف) وجود دارد و باعث می‌شود تا دختران وقت خود را به جای زندگی مشترک و تربیت فرزندان، صرف تحصیل و یافتن شغلی مناسب کنند.

لازم به ذکر است که نباید فقط به ترغیب ازدواج و گفتن «زود ازدواج کنید» بسنده کرد. به نالی این که یکی از مؤثرترین عواملی در طلاق، گسترش ازدواج در سنین پایین بوده است. بنابراین باید تدابیری اندیشید تا شرایط زوج به موقع و مناسب را برای دختران و پسرانی که هم از نظر جسمی و هم از نظر قلبی به بلوغ رسیده باشند، فراهم کنند. به عبارتی رشد عقلی آنان کامل شده باشد و مفهوم زندگی مشترک را درک کنند.

### آیا می‌دانید سه رکن اصلی زندگی سالم چیست ؟



بسیاری از جوانان ما در حالی که در کنار رشد جسمی، رسیدن به رشد اجتماعی، اخلاقی و عاطفی از شروط لازم برای ازدواج است که به آن اشاره می‌کنیم:

### 1) رشد اجتماعی

رشد اجتماعی، سؤالی است که در زندگی ما مطرح می‌شود و از جمله با همسر است که قرار است عمری با او زندگی کنیم. افرادی که در زندگی مشترکشان رعایت حقوق همسر را می‌کنند، احترام می‌گذارند و حق تصمیم‌گیری برای همسر قائل می‌شوند از رشد اجتماعی برخوردارند. یکی دیگر از مشخصه‌های رشد اجتماعی، داشتن استقلال فکری است. افراد مستقلاً و ناپه‌ها و محدودیت‌هایشان را به خوبی می‌شناسند و این شناخت به تصمیم‌گیری صحیح کمک می‌کند، آنها در مورد مسأله‌های مختلف خب می‌اندیشند و ارزیابی می‌کنند و پیامدها و نتایج کارهای خود را بر عهده می‌گیرند. در بسیاری از ازدواج‌ها عدم استقلال یکی از زوجین باعث بروز اختلافات می‌شود. افرادی که استقلال ندارند، وابسته‌اند و چشم‌پوشی بیشتر مطلق‌بینی‌گر از نیت تاخوشی، لاف‌کرن و لادین‌بینی‌ستند و چون خود را قبول ندارند دائماً دنبال کسی هستند تا به جای آنها تصمیم بگیرد و مسئولیت را از گون آنها سلب کند. گاهی حتی برای امور ساده‌ای مثل انتخاب رنگ پارچه دچار تزلزل می‌شوند. افرادی که روحیه استقلال طلبانه ندارند زندگی مشترک ناموفقی خواهند داشت.

استقلال فکری از دو راه به دست می‌آید: یکی از طریق مطالعه (درسی، متفرقه و آزاد) در مورد چگونگی رفتارهای اجتماعی و دیگری از طریق تجربه؛ به این معنا که تجربه‌ای که از کارهایی گذشته داریم درمورد کارهایی آتی و نظر بگیریم. در اینجا ذکر این نکته لازم است که مستقل بودن به معنای مشورت نکردن نیست، استقلال فکری وقتی تحقق پیدا می‌کند که هر دوی آن شخص دنبال می‌کند تنها به واسطه صحبت دیگران زیر پا نگذارد بلکه برای رسیدن به آن اهداف از مشورت کردن با دیگران استفاده کند.

یکی دیگر از فاکتورهای رشد اجتماعی اعتماد به نفس است. یعنی باور داشتن توانایی‌ها و شناخت محدودیت‌ها و این که فرد بداند چه توانی از عهده‌ی مسئولیت‌های خود برآید. می‌توان اعتماد به نفس را نوعی واقع‌بینی نیز دانست؛ زیرا افرادی که دارای اعتماد به نفس هستند، تصویر درستی از خود دارند و افرادی که اعتماد به نفس ندارند مردود و دودل هستند. کاری را شروع کرده ولی به آخر نمی‌رسانند و بیشتر منفی‌بافند. "من نمی‌توانم" غیر همگی است. "نه توانم تصمیم بگیرم" جملاتی هستند که این افراد زیاد به کار می‌برند و تحت تأثیر دیگران قرار گرفته تصمیم‌گیری‌شان سست می‌شود. نقطه مقابل این افراد، افراد مغرورند که توانایی‌های خود را بیش از اندازه می‌پندارند و در ارزیابی خود دچار اشتباهند.

روی تقویت اعتماد به نفس باید شناخت واقع بینانه ای از توانایی ها و نقاط مثبت خود داشته بشویم و آنها را تقویت کنیم. به کار رین ع برکت مثبت نیز و تقویت اعتماد به نفس نقش مؤثری دارد. باید هدف‌هایی را که انتخاب می‌کنیم در حد توانایی‌هایمان باشد تا هر بار که کاری را با موفقیت به اتمام می‌رسانیم یک لایه به اعتماد به نفس ما اضافه شود.

## 2) رشد اخلاقی

شدد الهقی یعنی کنترول داشتن رهورفتل، عدل و خلق و خوی خود؛ به طوری که هم حقوق خود و هم رفاه و حقوق دیگران رعایت شود. کسی که رشد اخلاقی دارد خصوصیات زیر را داراست: همیشه پیامدهای اجتماعی و رفتار و اخلاقش را در نظر می‌گیرد، حتی در دن عصبانیت آنقدر کنترل دارد که حرفی نزند تا بعد احساس گناه کند و یا باعث قطع روابط شود و به طور کلی پیامد بدی داشته باشد. یکی از فوائد داشتن رشد اخلاقی این است که انسان احساس آرامش می‌کند چرا که وقتی کسی کنترل رفتار و گفتارش را داشته باشد بیشتر از همه خودش احساس آرامش می‌کند. رشد اخلاقی باعث نزدیکی دلهاست و در یک تعریف جامع می‌توان گفت که: واقعیت آن چیزی است که هست و اخلاق آن چیزی است که باید باشد.



## 3) رشد عاطفی

رشد عاطفی به معنای داشتن کنترل روی عواطف مثبت و منفی است. یکی از نشانه‌های رشد عاطفی شدن متدال است؛ هم‌طور که پرخاشگری محض غلط است، مطیع بودن محض نیز غلط است. مطلب دیگری که در رشد عاطفی هر فرد باید مورد توجه قرار بگیرد حس وظیفه‌شناسی است. به شخصی وظیفه‌شناس گفته می‌شود که وظایف نقشی را که ایفا می‌کند به خوبی بداند و انجام دهد. به طور کلی وظیفه‌شناسی در نقشها بیان می‌شود؛ افراد وظیفه‌شناس احساس مطوعی از زندگی دارند و آن را رضی هستند. افرادی که از رشد عاطفی برخوردارند در زندگی احساس آرامش می‌کنند و به دیگران هم آرامش می‌دهند. ذکر این نکته را اینجا ضروری به نظر می‌رسد و آن نقشی است که والدین در تربیت فرزندان خود دارند، چرا که نوزاد یا پسر باید از جنسیت خویش راضی باشد در غیر این صورت رشد عاطفی با اختلال روبرو می‌شود. والدین باید بدانند که دختر و پسر فرقی ندارند. تفاوت

هر نقشی است که آنها در آینده ایفا می کنند . باید آنها را با صداقت ، قاطع و دلسوز و مهربان تربیت کرد.

تا اینجا به نکر مسأله پرداختیم که قلی از دواج باید مورد توجه قرار بگیرد اما بسیاری از کتبات که بعد از دواج باید مد نظر داشت و پری رسیدن به حد مطلوب آن تلاش کرد.

ظناً هر دختر یا پسر جوانی که سؤال شود معیار خوشبختی بعد از ازدواج را چه می داند ؛ یکی از معیارها این را به داشتن تفاهم اختصاص می دهد . بسیاری تفاهم را شبیه هم بودن و اختلاف نظر نداشتن می پندارند در حالی که زن و شوهر باید مکمل هم باشند نه این که مثل هم شوند . برای دستیابی به تفاهم باید بتوانیم شرایط یکدیگر را درک کنیم و خود را درجای دیگری ببینیم و هم اهدا می شویم . چیزی که هر زوج جوانی باید بداند این است که هیچ رفتاری به خوبی خود ، سو نمی زند . زن و مرد باید بتوانند از دریچه چشم هم به مسائل بنگرند نه این که مقابل هم قرار بگیرند .

یکی دیگر از راه های رسیدن به تفاهم ، داشتن صبر و شکیبایی و گذشت است . اما گذشت و شکیبایی باید دوطرفه باشد . گذشت یک طرفه باعث بدتر شدن و تقویت رفتار نامطلوب طرف مقابل می شود . گذشت منطقی و آگاهانه گذشتی است که طرف مقابل از آن اطلاع پیدا کند و خود نیز پشیمان و متنبه (تنبيه ، آگاه) شود و در نتیجه ، تغییر رفتار ایجاد شود . در غیر این صورت گذشت یک طرفه امری بیهوده است . برای ایجاد تفاهم نباید به منزلت و ارزش انسانی خود ضربه زد .

### هنر گوش دادن

عمل دیگری که هر دگی زناشویی بسیار حائز اهمیت است ولی که توجه آن پرداخته می شود؛ هنر گوش دادن و چگونگی سخن گفتن است.

وقت و توجه به صحبت دیگران و مفاهیم آن ، به موقع صحبت کردن و سخن مفید و نه بیهوده گفتن یکی از عواملی است که به درک متقابل زوجین کمک بسزایی می کند . باید به صحبت های طرف مقابل با دقت و بی‌پیشگیری گوش داد . به خصوص در زمان بحث و گفتگو که آن نیز زمان خصوصی دارد . این امر باعث می شود که بحث به مشاجره کشیده نشود . مطلب دیگر با ملاحظه نقد کردن است چرا که گاهی خواه و چگونگی سخن گفتن مقدم بر محتوا و به عبارتی "چه گفتن" است.

### صداقت

در انتهای این مبحث به " صداقت " در زندگی زناشویی می پردازیم . بسیاری از مردم با نظر  
 یکی از بزرگان واقفند که گفته است " توجیح می دهم از شنیدن حقیقت غمگین شوم تا از  
 شنیدن دروغ خوشحالگردم " . چرا که عم صدفت هت می شود تم پلصدهت های  
 شی زیرسوارود وو تمام آنها نك و ژید به وجود آید . هیچ نو به اندل هدم  
 صدا بق بهت بی اعتمادی در زوجین نمی شود در عین حال سبب کینه نیز می شود و فضای  
 مسمومی را ایجاد می کند .

**نیمه ی گمشده !**

**معیارهای ازدواج ( قسمت اول )**



ذک بختی میسر نخواهد شد مگر آن که دختران و پسران را با انتخاب صحیح آشنا سازیم و به  
 عنوان پیشگویی به آن بیاموزیم که چگونه انتخابی صحیح ، درصد خطر پایین تری خواهد  
 داشت . و جامعه باید گاهی لازم در مورد معیارهای ازدواج در اختیار جوانان قرار گیرد تا  
 باگله می استولتر، ست پلپ به شای و رآمش و تعادل را تجربه کنند و زمانی که تصمیم  
 می گیرند نیمه گمشده خود را بیابند با آگاهی و دانایی، راه صحیح را شناخته و برگزینند؛ چرا  
 که انتخاب درست راهی جهت پیشگیری از مشکلات پس از ازدواج خواهد بود .

ظنون و بب فله فله زل و ل و چو پل یکی شدند و جینخ فل درج یان زگی ،  
 دولت لنی مذل گونه دارد . وزما نهی هدیل قدیم ، و بتدای خلقت بشر ، انسانها دارای کالبد  
 تک پل از زن و مرد بودند . (هرما فرودیت، موجود هم نر و هم ماده که به نوعی در نظریات  
 وخی رو ل شناسل نوب با تعابیر خاص مشاهده می شود) کالبدی که دو سر داشت و درست  
 مثل دو انسان کامل در کنار هم قرار گرفته بود . لذا موجودی بود پر قدرت، توانمند و بی رقیب  
 و به جت همن اقدرل بی رقیب مورد حسادت خدایان بزرگ یونان قرار گرفت . ( می دانید

که و ذیل بلندت معتقد به چند خدایی بودند. بدان معنا که برای هر چیز خدایی با ظاهری که برایش پدید می‌آید، هفتاد و هفت نام مناسب می‌دانستند در ظری می‌گرفتند) تا آنجا که خدایان تصمیم گرفتند با هر ترفندی که این قدرت را از آنها بکنند، سپ با توفدی همچون صاعقه، انسان قدرتمند را از وسط به دو نیم کردند به طوری که زن و مرد وجودی انسان از هم تفکیک شد. زن مخلوقی هستی‌شده و مرهجوی نگردد. زهر بلزمن انسان وقتمند، توانی افسانه طو بیره قی خود را از دست داد. پس از مدتی برای بازپس گیری آن قدرت از کف دله، به این نتیجه رسید که وی باز گشت به آن درون پر شکوه و جلال می‌بایست دوباره نیمه از دست رفته خود را پیدا کند و در پناه اتحاد با آن نیمه به عزت و اقتدار گذشته بازگردد. وجد تجوی یافتن هو اه زندگی، هگاه نیمه گشت به طلی خود را به دست آورد به همان قدرت و شکوه بزاگشت و سعادت و کامیابی را در زندگی تجربه کرد و اگر نیمه ای را برای خود بوگرید که متعلق به کلیدی دیگر بود، ره را شی و خوشبختی را ندید. شاید ضرب المثل معروف اوسی که «فلانی تکه فلانی نیست» ریشه در همین گونه داستان‌ها داشته باشد خوانند نیز و قرآن می‌فرماید: «از شما نه هی خلق آن است که بخواهیم از جنس خودت را فریدیم تا در کنار آنان به سکون و آرامش در آید و بین شما رحمت و صمیمیت قرار داد که وان کاشته هلیات وی او بی که هل قو و لدیستند». بگزیدن هله ناجر وی شرکت روز نگی نتیجه اهد فل انوقی است که برای ازدواج در نظر می‌گیریم. اهدافی مثل داشتن پول و ثروت و یا زیبایی طرف مقابل بدون در نظر گرفتن سایر معیاره بی تعیین کننده، یا دارا بودن عنوان و مدرک تحصیلی بخصوص مثل تاجر، دکتر و ...





گاهی ازدواج نادرست بر مبنای جلب رضایت خانواده و یا اطرافیان صورت می‌گیرد یا عقاید نادرستی که در مورد حق برتری ازدواج پسر عموها با دختر عموها بین برخی اقوام ایجاد شده است، (حتی با وجود مخالف هی فراوان علم ژنتیک در خصوص ازدواج فامیلی و احتمال مشکلات وراثتی و ژنتیکی ناشی از آن) و ... گاهی ازدواج با هدف بهره‌کشی صورت می‌گیرد. مثل نگهداری از فرزندان زوجه و جلوگیری از فرار از منزل و وظیفه مخصوص خانه‌داری، یا نگهداری از سالمندان سالی و خانواده و مراقبت و بستاری از آنها مثل مراقبت از معلولین و از کار افتاده، بدون توجه به اینکه برای انجام این امور می‌توان از افراد دیگر نیز استفاده کرد. گاهی نیز ازدواج یا انتخاب بر مبنای دلسوزی شکل می‌گیرد که بدین و خودک تراشی ازدواج است جاکه به دلیل نداشتن پیشینه ژنتیکی احتمال فرار و گریبانگیر فرد خواهد شد.

اما معیارهای علمی و صحیح انتخاب زوج کدامند؟  
عواملی را مد نظر قرار دهید تا انتخاب صحیح را صورت داده از بروز اختلاف و درگیری‌های آتی پیشگیری کرده باشیم در اینجا این معیارها را بر می‌شماریم»

### تناسب سنی

یکی از سؤالات بسیار رایج در زمینه معیارهای زوج، اختلاف سنی و تناسب بین زن و مرد، به عنوان ارکان تشکیل دهنده هسته خانواده است. بسیاری از جوانان می‌پرسند اختلاف سنی تا چه حد در میزان تفاهم مهم است و یا اصولاً چند سال اختلاف سن مشکل جدی ایجاد نمی‌کند؟

و خصوصاً اختلاف سن بسیار واضح است که هر دو به عنوان یک گاه خانواده می‌بایست بزرگتر از زن باشد. اما در باب میزان این تفاوت در یکی از کشورها فرمولی را ارائه داده اند که طبعاً ظاهری نیست. به این شکل که نصف سن مرد به علاوه هفت سال مناسب ترین سن برای دختر در حال ازدواج با آن مرد است. مثلاً مردی 34 ساله می‌بایست با دختری 24 ساله ازدواج کند. ( $17+7=24$  نصف سن مرد).

البته چنین فرمولی‌هایی طبیعت ندارند؛ زیرا در حیطه علوم انسانی و بطرفراد، معیارهای بسیار زیاد و عناصر تعیین کننده دیگری وجود دارند که چنین فرمول‌هایی را تحت الشعاع قرار می‌دهند. برخی معتقدند مرد حدود 4 الی 5 سال بزرگتر باشد و تحقیقات جدیدتر واریات سنی دهنه تعیرواتی را در نظر می‌گیرند و معتقدند فاصله سنی بین 2 تا 6 سال بهتر است. اما هنوز سن ازدواج را برای دخترها بین (23-18) سال و برای پسرها (28-24) سال تعیین کرده‌اند. بدین معنی که زوجه را پس از قدرت سازگاری به‌طور طبیعی موفقیت بیشتر را در زندگی زناشویی به همراه داشته است. به هر حال واضح است که همه نگی رولی - عطفی و خدای فریب بسیار مهتر از اختلاف سن معنی و تعیین شده است..



### بنیه اقتصادی

دانش شغل و ملکیت نه منحل خانواده ل معیاره یی لولیت که هر مرد در شرف لولج باید اوار ل بتلد. طبق قوانین شوع و فوی اولین تأمین خلواده و نیازهای اولیه و اساسی زندگی مثل خوراک، پوشاک و مسکن همسر و فرزندان، آن هم بر طبق شأن و منزلت زن و وظایف و مسئولیتها لجتبلد اپنودست. بی شغل و کار مناهب، بون و لمدو با تکیه بر لمول و درا یی خلواده و والدین چگونه می توان زندگی شاد و سالمی را پایه ریزی کرد؟

شروع زندگی با ویری که کوا ندرد، تنهابه امید آنکه و آینده شغلی خواهد داشت چندان مطلق نیست. اگر این اتفاق نیفتاد، اگر حتی با وجود تحصیلات و توانایی، کاری درآمدزا پیدا شد چه باید کرد؟ مسئله، نوع کار نیست. اگر چه بهتر است شغل مناسب با شخصیت، مقام و توانایی فرد باشد، اما لازم نیست به بهانه ی یافتن شغل متناسب با شأن و منزلت تحصیلی و خانوادگی، از انجام کارهای سالم و منطقی سرباز زد.

### اصالت خانوادگی

زرگ تون سومایه خول و پسران جوان، اصالت خانوادگی و داشتن رشد فکری، عقیدتی و لاتی است. خا وده طلب و توانا، ایمیل، الهی نیکو و راه دوست زندگی را از ابتدا در تربیت فرزند مد نظر قرار می دهد. والدین نیکو، الگوهای بسیار مناسب در پروراندن فرزندان نیک سوئو وانا خولند بود. فرزندان خانواده های اصیل می آموزند در هنگام سختی ها صبر پیشه کنند و حفظ عصمت و آبروی خود را بر هر چیز مقدم بدانند.

### اعتقادات و مذهب

دن به عول علم لیدونی، در رگ و نه تمامی شئولت زندگی فوی و اجی لسان است. به طوری که به عنوان مهم ترین و برترین عامل ایندولوژیک به انسان می آموزد چگونه

رقل کدد، در درن چگونه بیدیدد و و برن چگونه رفتار کند. دین و مذهب نسخه برتر رفتاری و عقایدی است و مستحکم ترین عامل در پیشرفت و پیشرفت و معیارهای خوب و بد ما و بیانگر شیوه زیستن یا به عبارتی چگونه زیستن است. از آنجا که دین پرست و طهرت انسانی دارد حتی کسانی که در ظاهر به عناد با دین و دینداری معروفند در بطن خویشی، و خدای تعالی و اندیشه ها و در ژرف ترین و بی پیرایه ترین افکارشان، تک تأثیر مابین فکری و عقیدتی ناشی از مذهب قرار دارند. پس دین و مذهب، حتی میزان اعتقاد دینی و ایمانی به طول عقیدتی مذهب، نکته بسیار مهمی در تفاهم و درک متقابل دین و دینداری است که معیارهای زندگی فردی که از درجه بالایی در پایبندی به اصول دینی برخوردار است، متفاوت از کسی خواهد بود که آن درجه از اصول را در رفتار و شیوه زندگی قائل نیست.

قبل از انتخاب همسر این مسائل را در نظر بگیرید...

معیارهای ازدواج (قسمت دوم)



در وقت قبل به تعدی از معیارهایی زواج یعنی تناسب سنی، بنیة اقتصادی، اصالت خانوادگی و مذهب پرداختیم. اینک در ادامه دیگر معیارهای ازدواج را عنوان می کنیم.

#### اصل کفویت

آنچه که در اسلام با عنوان "کفو بودن" بدان اشاره شده در واقع شباهت و همشأن بودن زن و مرد در جنبه های متفاوت شخصیتی، روانی، فرهنگی، علمی، سن و ... است. به عنوان مثال تعالیات مشابه مسیب همگونی است. زواخصیلات نزدیک به هم، گاه نتیجه تشابه درجه

هوش افراد است. از طرفی تفاوت در سطح تحصیلات، تفاوت های عمده ای در جهان بینی و نگرش افراد ایجاد می کند. آیا فردی که تحصیلات دانشگاهی مثلاً در مقطع لیسانس را تجربه کرده و مدار و عقایدش به طرز خطی که منطبق با محیط و فضای حقیقی دانشگاهی است شکل گرفته و آموخته است افکار انتزاعی خود را در برخوردها فعال نگه دارد و برلی هر چیزی دلیلی جلالید، با فردی که دارای بهره هوشی طبیعی و دارای تحصیلات مثلاً مقطع ابتدایی است یکدیگر خواهد بود؟ آیا رفتارها، نحوه سخن گفتن، نشست و برخاست، معنویت های اجتماعی، توانایی های متفاوت و مهم رتبه های لازم برای یک زندگی مشترک و قی، نت تداومستقیم آموش های ناشی از میزان تحصیلات نیست؟ تفاوت سنی، همان طور که اشاره شد از عوامل مهم اشتراك در زندگی است. اگر اختلاف سن خیلی زیاد باشد و جوانی با فردی میانسال ازدواج کند، اختلاف سن، از آن جهت که مسبب اختلاط در جهان بینی و نحوه نگرش به زندگی، خویشتن و دیگران است، توقعات و انتظارات را به شیوه ای دیگر شکل می بخشد. پس کفو بودن در سن، و تفاوت 3 تا 4 ساله (یعنی مرد بزرگتر باشد)، یکی از عوامل مؤثر رسیدن به زندگی متعادل و منطقی خواهد بود.

### طرز فکر یکسان

در بین دو طرف، یکی از عوامل مؤثر رسیدن به زندگی متعادل و منطقی، طرز فکر یکسان است. طرز فکر و اندیشه افراد از نوع فرهنگ، سطح تحصیلات و سن افراد تأثیر می پذیرد. مشابه بودن نوع تفکر، و به تبع برتری کفو فکری، همسطح بودن و یکسانی در نوع جهان بینی و فهم و ادراك زن و مرد نسبت به مسائل مختلف فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است و کمک می کند تا شیوه تفکر افراد که مسلماً در مراحل مختلف زمانی به صورت های گوناگونی اندیشند، هگام و همسو خول یابد. افکار یکسان و به یک جهت نگرستن کمک می کند تا طرفین بتوانند از دریچه چشم دیگری به دنیا بنگرند و مسائل گوناگون را تحلیل کنند. **طبیعتاً دیدگاه مشترك و نسل مشترك، به همراه فرهنگ مشترك پایه های استواری برای کوچکترین و مستحکمترین نهاد اجتماعی بشر (خانواده) خواهد بود.**



## عوامل فرهنگی

بسیار مهم است تا واقعاً همسر پدیده اجتماعی و رادری داشته باشیم تا از جنبه وقت‌بندی و تأثیر پذیری از مسائل فرهنگی، خصوصاً فرهنگ مشترک، یکسان باشیم. زوایا عوامل فرهنگی دارای ابعاد متفاوتی است که ریشه در افکار انسان داشته و با رسوخ در تمام جوانب حیات، به زندگی جهت می‌بخشد. نحوه معاشرت، برخوردها، تربیت فرزندان، دیدگاه نسبت به پسر یا دختر و... متأثر از فرهنگ حاکم بر زیستگاه و ذهنیات ماست. تشابه یا تضاد فرهنگی در معنیت‌ها و رفتار و آمد و رفت‌ها و طرفین دخیل بوده و مستقیماً در زندگی زوج‌ها مؤثر خواهد بود. چرا که زوج‌ها خود را فرهنگ مسلط بر محیط خود می‌پندارند و آن‌ها را پذیرفته‌اند و کنار گذاشتن فرهنگ یعنی نادیده گرفتن سبب ارثی، افکار، عقاید و به هم ریختن تمام ملاک‌های اخلاقی و اجتماعی، بی‌هویت شدن و درم ریختن ریشه‌ها و سردرگمی فرد. سبب‌ها به دلایل متعددی می‌تواند باشد، بخصوص، تأثیر فرهنگ و آنچه باید باشد و آنچه هست را در زندگی نادیده گرفت.

ح. بی‌گوش کنیم که زوج‌ها بتوانند دوسا به‌علاقه و خصوصاً یک‌مدت‌ها، اخلاقی، تحصیلی و... راه مسالمت‌آمیزی جهت‌یافتن فرهنگ‌های متضادشان بیابند، تکلیف خانواده‌ها چه خواهد شد؟ ازدواج نه تنها پیوند دو فرد بلکه اتصال دو خانواده به‌همدیگر است. چرا که اختلاف و سیستم ارزشی آنها تأثیر مستقیمی بر شرایط زندگی و تعادل و سلامت خانواده خواهد داشت. می‌دانیم که عوامل فرهنگی ریشه در ناخودآگاه ذهن افراد دارند. هر چه قدر عمیق‌تر فکر کنیم و تصمیم بگیریم، لحظاتی از زندگی پیش می‌آید که عقلی، تسلیم‌ناخودگام شده و تنها ظاهری استدلالی و منطقی و پیکر رفتاری می‌نشانند که ریشه در عوامل فرهنگی رسوخ یافته در ناخودآگاه ما دارد. پس جوانان را دعوت می‌کنیم تا بی‌ناخودآگاه‌ها را بشکافند و از واقعیت وجودی خویش اطلاع یابند. تجارب زندگی ما ریشه در فرهنگ و اعتقادات فرهنگی ما دارد. تجارب ما که خواه ناخواه در آینده رفتاری ما آنگاه یا ناخودآگاه مؤثر خواهد بود. عوامل فرهنگی و تشابه در بین خانواده‌ها و افراد به‌عکس تشابه در تجارب و دیدگاه‌ها، مهم تلقی می‌شوند. اگر انتخاب همسر بر مبنای توجه به معیارهای خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی صورت گیرد، با درصد موفقیت قابل توجهی مواجه خواهد شد. زوج‌های ترکیب دو انسان و دو خانواده است. اگر تناسب بین افراد و خانواده‌ها کم باشد زندگی تازه تشکیل یافته، سست و تلخ و ناپایدار خواهد بود.

## نکته ای دیگر

هر کس پیش از ازدواج می‌باید تکلیف‌خود را با مسئله شغل یا خانه‌داری بودن همسر روشن کند. برخی قبل از ازدواج، شاعلی بودن همسر را به صورت ملاکی آنچنان برجسته در ذهن خود حک می‌کنند که بسیاری از موارد دیگر را به پای آن قربانی می‌کنند. در حالی که

الإَّ كَرَّ زَيْنًا بِه خَلَطَ وَ لَمَّدَ اِقْتِصَادِي وَ اسْتِقْلَالَ مَالِي اِنْتِخَابَ كُنُنْدَ هَدَفَ اَز اَزْدَوَاجَ بَهْرَه  
 كَثِي خَوْلَادَ بُوَدَ ، كِه يَكِي اَز اَهْدَافَ اِنْخِرَافِي اَزْدَوَاجَ اسْت. دَر اَيْنَ صَوْرَتَ ، بِيَشْتَرِ بَه اَنَ زَن  
 بَه صَوْرَتِ يَكِ كَالَايِ اِقْتِصَادِي وَ سَوْدَاوَرِ نِگَا هُ شَدَه تَا يَكِ هَمْسَرِ ، يَكِ شَرِيكِ ، يَكِ هَمْرَاهِ ...

دَوَاطِيقَ قَوَائِيْنِ دَوَقِي ، شَوْعِي وَ عَرَفِي مَأْ ، تَأْمِيْنِ مَعِشَلِ بَه عَهْدَه مَرْدِ اسْتِ وَ نَفْقَه زَن چَه  
 شَدَاغِي بَشَلَدَ ( دَر اَمِي نَشُدَه بَشَلَدَ ) وَ چَه نَشَلَدَ ، بَه عَهْدَه شَوهرِ اسْتِ وَ هِيچَ وَظِيْفَه قَانُونِي ،  
 بَرَايِ زَن دَر مَوْرَدِ تَأْمِيْنِ مَخَارِجِ خَانَوَادَه دَر نَظَرِ گِرْفَتَه نَشُدَه اسْت. تَنَهَا مَسْئُولِيْتِي اِخْلَاقِي اسْتِ  
 كِه سَبَبِ مِي شُوْدَ زَنَانِ شَاغِلِ هَمْدَلِ وَ هَمْرَاهِ شَوهرِ ، پَا بَه پَايِ مَرْدِ خَانَه كَارِ كُنُنْدَ وَ هَر دُو هَر  
 چَه دَر اَنْدَبَا خَلُوصَ تَمَامَ بَه نَعْفِ اَعْضَايِ خَانَوَادَه خَرِجَ كُنُنْدَ. دَر اَيْنَ بِيْنِ هَسْتَنْدَ زَنَانِي كِه دَر اَمْدِ  
 اَقْتِصَادِي رَا بَه صَوْرَتِ سَوْمَايَه وَ بَرَايِ خُودِ پَسِ اَنْدَازِ مِي كُنُنْدَ وَ دَر مَوَارِدِي كِه هَدَفِ اَز  
 اِنْخِبَ ، مَكِّ قَدِّ لِي بُوْدَه بَلَدِ دَاطِيْبِي شَدَه كِه اَهْلِ مَرْدِ لُ اَز بُوچِ بَرِ اَوْرَدَنَشُدَه ،  
 تَر گُوِي وَ لَهْفَ بِيْنِ زَوْجِ پَشِي خَوَا هَدَ لَمْدَ. پَسِ چَه بَهْتَرِ كِه طَرْفِيْنِ اَز اَبْتَدَا بَه دِيْدِي كَامَلَا  
 وَ اَقْعِ بِيْنَانَه بَه مَسْئَلَه اِسْتِغْالِ زَن بِنِگَرَنْدَ وَ اِگَرِ دَر كِنَارِ مَسْئُولِيْتِ خَارِجِ اَز مَنزَلِ ، وَظَايِفِ خَانَه  
 دِي كَمَرِگَشْتِ جَلِي وَ لِي گَلَه وَ شَكَايَتِ بَقِي نَمَانْدَ. خُصُوصَا مَسْئَلَه حَقُوقِ وَ دَر اَمْدِ زَن  
 مَوْرَدِ بَررَسِي قَرَارِ گِيْرَدِ وَ زَنَانِي كِه قَصْدِ دَارَنْدَ دَر اَمْدِ خُودِ رَا نَه دَر رَاسْتَايِ اَمُورِ مَالِي مَنزَلِ  
 بَلَكِه بَر لِي خُودِ ، هَر يَنَه وَ يَا پَسِ اَنْدَازِ كُنُنْدَ اَز اَبْتَدَا تَصْمِيْمِ خُودِ رَا مَبْنِي بَر عَدَمِ مَشَارِكَتِ دَر  
 لَو اَقْتِصَادِي خَاوَلَه بَدِيْنِ كُنُنْدَ تَا مَرْدَانِي كِه يَكِي اَز پَايَه هَايِ اِنْتِخَابِ خُودِ رَا دَر اَمْدِ هَمْسَرِ  
 قَرَارِ دَادَه اَنْدَ ، دَر اِنْتِخَابِ خُودِ تَجْدِيْدِ نَظَرِ بَه عَمَلِ اَوْرَنْدَ.



### والدين و حق انتخاب

شَاهِ كَرْدِ يَمَ زَ نَوُجِ شَخْصِي تَر كِه مَوْضُوعِ بَرزْدِگِي سَلْتِ . خُبَسَلَوِ اَلْبِيْنِ نِيْزِ حَقِ  
 اَنْ تَحْتَلِرَا بَه هَوَانِ بَهْنَدَ . حَقِ كِه بَا ظَهَارَتِ بَزْرِگَسَالَانِ مَعْنِي پِيْدَا مِي كُنْدَ . جَوَانَانِ نِيْزِ بَدِ  
 نِيْعَتِ دَانَنْدَ تَحْوِيْلَتِ بَزْرِگَرِهَا دَر اَمْرِ اَزْدَوَاجِ بَسِيَارِ بِيْشِ اَز اَنْچَه تَصَوْرِ مِي كُنُنْدَ مِي تَوَاَنْدَ  
 رَا هَمْدَلِ رَا هَنْظِيَا نِيْلَ بَلَدَ . تَعْدِي وَ قَدَلِ مَوْقِيْتِ هَر كَلِ سَلْتِ . هَا نَظَرِ كِه  
 اَزْدَوَاجِ هَلِي جَلِيْبِي كِه بَا زَرِ وَ لِمَالِ هُوَا وَ اَلْبِيْنِ بَر دَخْتَرِ يَا پَسَرِ تَحْمِيْلِ مِي شُوْدَ پِيُوْنْدَ  
 مَوْفَقِي نِيْعَتِ ، خُودِ سِي ، يَكَا ذَبَه تَمَمِمْ كُو قَتْنِ هُو اَنْدَلِ وَ مَقَابَلَه بَا جَرَبِيَاتِ مَفِيْدِ وَ سَوْدَمَنْدِ

زیرگ تهنو بوا اثبتخوهر امه جاپه تحولهرد. **تا فته هت لجریبیات و**  
**وانای هیوالله بنگده کنده تا بعد ها افسوس فته هیله که بوا سواجستن از**  
**نظریک آنها را نشتیدو استفاده کردید بر شما مستولی نشود.** اگر عقاید بزرگترهای خود  
 را نمی پذیرد خود تن دست به کار شده و تحقیق کنید. بیایید خانواده های موفق و ناموفق را  
 شناسایی کنید. آن آنها که موفق بوده اند معیارها و شیوه ازدواج را جویا شوید و از خانواده  
 هیله مطلقه به عنوان زوجی شکست خورده علیحدگی ایبر اجیاشوید. هسه سومی هم  
 وجود دارد. می توان از مطلقه های عاطفی نیز (البته بدون وسواس) تحقیق کرد. زیرا خانواده  
 هیله نپسامان و آشفته ای هم هستند که به دلایل مختلف مجبورند تا آخر عمر با ناراحتی با هم  
 زندگی کنند. **بنیتو انل بیید ایگوه چمید لی برای لواج شنه لکه فلا**  
**مبور به تهل همدیگر هستند.** سپس می توانند از تجربیات کسانی که موفقیت یا شکست آنها  
 را به چشم دیده اند استفاده کرده و در جهت سعادت خود بهره جویند، که از قدیم الایام گفته اند:  
 « انسان عاقل همه چیز را خود تجربه نمی کند، بلکه از تجربیات دیگران نیز استفاده می کند».

### سخن پایانی

هو مقوم وهد فدای که توانا بی طلیق با شرایط جدید خود را داشته باشد یکی از موهبت  
 های بزرگ الهی است. به هر حال برای انتخاب همسر می بایست بسیاری از نکات و معیارها  
 را مدنظر داشت و رعایت کرد و با اطلاع کامل و کافی از وضعیت خانواده ها، و اخلاق و  
 رفتار و مورد نظرش به انتخاب زد. **بقی فکری همسر، صلت هره با خرام،**  
**خصوصیت لاقی متدلسب، تلاش جهت حل مشکلات همدیگر در سایه همفکری، تناسب و**  
**تفاهم از نکات غیر قابل انکار در معیارهای اساسی انتخاب همسر شمرده می شود.**

خانواده می تواند و انتخاب صحیح پذیرد و اگر شما بلند ما نهیلتا این شما هستید که به عنوان  
 عدل لیلی می بیست شناخت درستی از خصوصیات، توانایی ها، خواست ها و انتظارات  
 خود از زندگی داشته باشید تا بتوانید بر مبنای آن معیارها و خودشناسی که در سایه خلوت با  
 خوشی و جستجوی لایه هیله نهی خود که مسلماً و صداقت کامل به دست آمده مناسبترین  
 فرد را برای شرکت در تمام زندگی خود برگزینید. چنانکه گفته اند: « با فردی ازدواج کن که  
 اگر هم جنس تو بود بهترین دوستت بود.»

ازدواج رویا بی سلت که انسانها را با اعتقادات، اولویت ها، مذهب، پول و عادات خانواده ها  
 ( که بعضاً بسیار متفاوت است) رو به رو می سازد. پس خوب است اگر این انتخاب بر مبنای  
 معیارهای منطقی و عقلانی باشد. پس از انتخاب عقلانی، عواطف نیز شکل می گیرند. اما بر  
 عکس. اگر دست شدق لری حساس باشد و تنها ملاک، علاقه بدون پایه عقلی و منطق  
 باشد، به احتمال زیاد با شکست مواجه خواهد شد. و تمام فرهنگ ها ازدواج امری عادی  
 سلت و هی آسانترین قمت ل نولج تلقی می شود. لما به یاد داشته باشیم که زندگی قرار

نیست آسان باشد. در سایه درک و تفاهم متقابل است که می توان بسیاری از معیارهای پیش از لولج را سهل پوود به خق رساند. به عبارت بسیار ساده عشق می تواند مکمل ازدواج باشد اما گر تنها عامل پیوند، علاقه، محبت و شاید عادت دیداری طرفین باشد و آنها با علاقه شدید و لولج هیجی، اقدام به مضمیم گوی کرده و هست به انتخاب بزنند مشکل بتوان ادعا کرد انتخاب درستی انجام شده باشد.

### هفت راز ازدواج موفق



(1) **زوج های موفق خود را با اندک خود را به صراحت می گویند.** زوج های موفق قبل از ازدواج، توقعاتی که از یکدیگر دارند مطرح می کنند، اگر توافق اساسی با هم ندارند (ویا مثلاً مورد فزندی خواهد و پلخانم مخالفت)، می توانند به شروع و یا خاتمه لولج بطور جی فکر کنند. بعد از لولج، زوج های موفق به طو مظم در مورد توقعات و انتظارانش با هم صحبت می کنند و اگر اختلافی پیش آمد، آن را به زمان دیگری موکول می کنند تا همدیگر را درک کنند و به توافق برسند.

(2) **زوج های موفق فردیت خود را حفظ می کنند.** بعد از ازدواج استقلال زوج ها کم می شود اگر افراد فرزندان داشته باشند، بهر حال بهر دوام بیگ بیثیر می شو و گلی افول حساس خستگی می کنند. زوج های موفق می دانند حتی اگر به هم علاقه داشته باشند، گاهی احساس خستگی می کنند. **آن یکدیگر را اشوقی کنند تا همیشه "ما" نباشند و زمی هپرای "خود" داشته باشند و به کارهای مورد علاقه خود بپردازند.** بدین ترتیب زوج فردیت خود را حفظ می کند و زندگی، شاداب می شود.

(3) **زوج های موفق هدیگر را مرکز توجه قرار می دهند.** آن هدی بگر را دست کم نمی گیرند و همیشه به فکر خوشبختی همسر خود و خانواده هستند. معمولاً افراد چند سال پس از ازدواج مانند سال های اول به هم توجه نمی کنند. ولی زوج های موفق، کارهای کوچک نظیر اولویت قرار دادن نیازها و کلهای همسر و کل های بزرگ ظیر احترام و گوش کردن به حرف های هم را مدنظر قرار می دهند. ازدواج دریای تغییرات است. شما اغلب فراموش می



کنید همسران مهم است و به او توجه نمی کنید. در عوض به کار، سرگرمی و دوستان اهمیت می دهید ولی زوج های موفق همديگر را مرکز توجه قرار می دهند.

(4) **زوج های موفق روش های حل اختلاف را می آموزند.** "جان گاتمن" روانشناس که 20 سال زندگی زوج ها را مطالعه کرده، عملی موفقیت یا شکست ازدواج را توانایی، یا عدم توانایی حل اختلافات می داند. حتی اگر همسران و شما کاملاً با هم یکی باشید، گاهی با نظر هم موافق نیستید و این مخالفت باعث ناراحتی می شود. نباید به اعتیاد، خشونت و ... رو بیاورید. اگر خواسته شما و همسران با هم فرق دارد، باید آن را حل کنید. زوج های موفق با صحبت می کنند، حتی اگر احساس بی شکی به هم دارند. آنان و مورد اختلافات و مخالفتها با هم مذاکره می کنند تا به نتیجه عادلانه برسند. آنان از یکدیگر حمایت می کنند و غر نمی زنند. آنان می پذیرند در مواردی عشق، برتر از پیروزی است.

(5) **زوج های موفق با هم رشد می کنند.** مسلماً فردی که امروز با او ازدواج می کنید، 10 سال آینده متفاوت خواهد بود. شما هر دو تغییر می کنید. به ویژه در شرایط سخت زندگی مانند ازدواج و قرائت قرآن و والدین. زوج های موفق می دانند که یکی یا هر دو در طول زندگی تغییر می کنند و قرائت قرآن می شود. پس لازم است تغییر کنید تا بتوانید روابط در حال تغییر را عوض کنید.

(6) **زوج های موفق به حفظ روابط می کوشند.** زوج های موفق به طور منظم وضعیت زندگی خود را بررسی کرده و با هم صحبت می کنند تا از شادی و رضایت هر دو از زندگی مشترک مطمئن شوند. اگر یکی، یا هر دو شما از زندگی مشترک ناراضی هستید، مشکلاتتان را حل کنید.

(7) **از مراجعه به مشاور خجالت نکشید.** زوج های موفق قبل از مراجعه به مشاور، سند طلاق را امضا نمی کنند. آنان می کوشند که مشکلات را در اولین فرصت حل کنند.

## خانم ها همسران را خودتان انتخاب کنید



## افلاطون

"بدبختی آدمی از جهل نیست، از تنبلی است."

تلمیح جوامع هنگام گذر از اوضاع پیشین خود به وضعیت های جدیدتر، با مشکلات پیچیده اجتماعی مواجه بوده اند که از آن جمله موضوع انتخاب همسر و ازدواج است. در این وضعیت معمولاً شناخت انسان ها از یکدیگر کم و آنرا نتخب شک تر می شود. از طرفی چون در همه جای دنیا و به خصوص در کشور ما بیشتر مردان انتخاب کننده هستند و پیشقدم می شوند، بنابراین خانم ها کمتر قادرند دست به انتخاب بزنند؛ و حتی وقتی با مردی روبرو می شوند که شرایط مورد نظر آنها را دارد بسیار منفعلانه رفتار می کنند.

شاید شما هم دخترانی را سراغ داشته باشید که با وجود این که به مراتب بالایی از رشد اجتماعی رسیده اند اما نواندته اند که با یکدیگر منطبق نشده باشند. یکی از مسائلی دیگری که برخی از دخترها با آن درگیرند، این است که چگونه در بسیاری از موارد که در ماه چه کدام از خواستگاران مرد را نواجهیم نمی شوند. به این گروه از دخترها باید کمک را گفت و آموزش لازم را باید داد. از طرف دیگر خانم هایی را در جامعه می بینیم که روز به روز سنشان بیشتر می شود در حالی که فرصتی برای ازدواج نمی یابند. در این مقاله ضمن آموزش برخی از موضوعات مذکور، به خانم ها تلاش می کنیم که شما یادآوری کنیم که نباید نقش اراده را ناچیز شود و در این مورد هم فعلاً به راه و خواست خود عمل کنید. ما انسان ها عادت کرده ایم وقتی مشکلی پیدا می کنیم همه چیز را به گناهان و نواقص خود بازمی گردانیم، اما باید بدانیم مشکلات مان را در وجود خود جستجو کنیم.



## بزرگمهر

"روزی به تقدیر است، اما تو در تدبیر کوتاهی مکن."

1- **تقدیر معیار زوج برای یک مرد، وضعیت ظاهری و به ویژه چهره زن است، چهره ای شاداب و سرزنده و مو بلی با تبسمی همیشگی؛ اما شاید همه ما با یک سؤال مواجه شده باشیم که:** "چرا کسی با ظاهری ضعیف تر از من و یا شرایطی (شغلی، تحصیلی، اجتماعی و...) پائین تر از من، موفق شده ازدواج مناسبی داشته باشد، در این خصوص باید متوجه شویم چهره و بیرونیت یک معیار انتخاب نیست پس چهره معیاری نیست که لحظه ای سلب امامت می و بی توقف نیست و باید علاوه بر آن به مهارت های ارتباطی **چگونه** **چگونه** نیز **چگونه** و عرف حل که باز هم روی شاد بودن به عنوان یک معیار کلیدی تأکید می شود اما علاوه بر چهره، کلا وضعیت ظاهری فرد مثل تیپ او، تنوع در لباس پوشیدن، تمیز و مرتب بودن و ... همگی مهم است.



صحت می‌کند، وحلی که باید تداوم کند و رابه عوالم بی‌آمنی و بی‌ثباتی برای یادگیری بیشتر دانست. کلماتی که تداوم کند و جلست آشنایی یا به اصطلاح خولتگاری- و کلاً در تمام مجامع دیگر- و اهمه دارند، کم‌تر ظهور می‌کنند، در نتیجه آدمی بسته و نفوذ ناپذیر و یا خجالتی جلوه می‌کنند و باعث می‌شوند دیگران از آنها دوری کنند. پس در جلسات سؤال کنید، حتی اگر اشتباه سؤال کنید. انسان‌ها و از جمله مردها، از شخصیت بدنه خوششیل نمی‌آید. شخصیت بدنه به کسی می‌گوئیم که در اظهار نظر تردید می‌کند. می‌توانید طرز صحبت کردن بی‌تور با خوافی کتباً هفتی‌مناب مقررین کنید. ما باید از خودمان به دیگران، اطلاعات بدهیم. اگر از خودمان به کسی اطلاعات خوب بدهیم، خواه ناخواه او جذب ما می‌شود، حالا چه زن باشد و چه مرد. **سپس جلستاً ظاهراً در کمال به شما خود را داده اند و به شما را دوست خواهند داشت.**

وضع این که خوب صحبت می‌کنید شونده خوبی هم باشید و با پر حرفی‌های خود طرف مقابل را خسته نکند. سعی کنید با یک مرد در مورد مطالبی سخن بگویید که مورد علاقه اوست و با او هم حساسی داشته باشید، اما به‌اراهلی ارائه ندهید و پدر از یاد عقل‌تر از جلوه ندهید. گاهی بخاندنها- چنانچه آنها که متأهل هستند- توصیه می‌کنیم که خیلی خود را با تجربه و باهوش‌تر از شوهرشان نشان ندهند. حتی گاهی به طور عمد شد باها حرفی را نزنند تا شوهر آن را اصلاح کند و سوء برداشت او را رفع کند. خانم‌ها با جنبه احساسی یک مرد، سو کل در اندیشه جنبه عقلانی او. بگذارید گاهی مرد شما را از سوء برداشت‌تان آگاه کند و به اصطلاح چیزی را به شما یاد بدهد، آن وقت بگویید: "ای وای، من این را نمی‌دانستم!"

البتّه مظهر این نیست که شما زن‌ها همیشه باید کم‌هوش‌تر از مردها باشید. در فرهنگ ما معمولاً زن، مشاور مرد است. مشاور باید عاقل‌تر از خود فرد باشد، اما نباید به عاقل‌تر بودن خود تظاهر کند. مثل پادشاهان که در قدیم مشاوری برای خود داشتند و مشاور همیشه عاقل‌تر از پادشاه بود، ما در عمل سعی می‌کرد پادشاه را بالاتر از خود جلوه دهد.

5- **با خریدن صاق بشید و احساسات وونی خود را بشناسید.** شاید شما هم از آن دسته خانم‌هایی باشید که همیشه یکی بایی سوتی بوده که مدام به شما گفته باید فداکاری و از خود گذشتگی داشته باشید و همیشه باید به شوهر و بچه این‌ها بندهید و از حقوق و بگل بطوری که هر وقت بخواهید بدق خود را بگیری، احساس گناه می‌کنید.



### ناتانیل براندون

"به اغلب ما از دوران کودکی آموخته‌اند که به علایم داده شده از جانب دیگران بیشتر توجه کنیم تا اعلامی که از درون خودمان می‌آید. ما را شوقی کرده‌اند که نیازها و خواسته‌های خود را نادیده بگیریم و زندگی‌مان را بر اساس توقعات دیگران بنا کنیم."

اگر بخواید جنبه مثبتی باید خود را واقعی جلوه دهید، بجز وید که "من بدون اشتباه نیستم". آدم طبیعی دوست نداشتنی است. حتی ممکن است دردنی صحبت کردن از خجالت سرخ شوید، اما هیچ اشکالی ندارد، بگذارید تا سرخ بشوید. این برای طبیعی یک احساس است که در همه ما وجود دارد. کسی که راحت احساسش را بروز می دهد و نظر دیگران را فدای طبیعی و دوست داشتنی جلوه می کند. حتی باعث می شود دیگران هم با شما راحت باشند.

### دوروتی بریگز

"وقتی احساسات خود را مخفی می‌دیم، ل خود را نگران بیگانه می‌شویم. نهایی ما که اونسبی است."

باید بی‌زودی که شما هم مثل تمام انسان‌های دیگر، حق دارید از چیزی خوشتان بیاید و یا از چیزی اجتناب کنید. شما هم گاهی حسیل نهایی می‌کنید، گاهی نبت به کمی خشمگن و عصبانی می‌شوید، گاهی دلخور می‌شوید و گاهی هم احساس گناه می‌کنید. اینها همه احساساتی طبیعی هستند که باید آنها را به بهترین وجه ابراز کنید. باید راه را برای بروز تمام این احساسات باز کنید، اکثر بیماری‌های جسمی و روحی از انباشته شدن همین احساسات مختلف بر روی هم و تبدیل شدنشان به ناپیوستگی ناشی می‌شود. هر روز که امروزه شاهد افزایش افسردگی و ططرب و بین‌زنها هستیم. اگر خانم‌ها، وقتی احساس دل‌تنگی و یا افسردگی می‌کنند جلوی گریه کردن خود را می‌گیرند و سعی می‌کنند تا خود را نزد دیگران شاد و خوشحال جلوه دهند.

### یک نویسنده

"کسانی که بلد نیستند از ته دل گریه کنند، از ته دل خندیدن را نیز بلد نیستند."

جایی خشم خود را می‌گویید و آن خشم را به سوی خودتان سوق می‌دهید، در مورد نگرانی و اضطرابتان با کسی صحبت نمی‌کنید و همیشه تمام احساسات فک افدانی خود را نلود می‌کنید. در حالی که بروز دادن تمام این احساسات در جلی خود با روشی منسب، باعث می‌شود تا با حالات انسانی خود بیشتر آشنا شویم و بتوانیم در ضمن کمک گرفتن از دیگران، ارتباطات خود را نیز وسعت بخشیم.

6- **با دیگران نه نصلقاته رفتل کنید.** به این مهم توجه داشته باشید که درست است همیشه، باید صادقانه حرف بزنید، اما صداقت همیشه باید با درایت همراه باشد، ما عادت داریم صداقت را با صراحت یکی بدانیم. صداقت در مرلسم معرفه - یا اصطلاح خواستگاری - به معنی دروغ و راست نیست، بلکه به این معنی است که چه چیزی را باید بگویید و چه چیزی را نگویید. ما حق داریم بعضی چیزها را نگوییم اما اگر چیزی را گفتیم حق نداریم دروغ بگوییم. لازم نیست همه چیز و همه جنبه اول گفته شود. شما اگر یک عیب واضح و مهم دارید آن را نپوشانید بلکه زیکا نه بیل کنید، ما عیب‌هایی خود را - که شاید اصلاً عیب نباشد - لازم نیست در همان جلسه اول خواستگاری بی‌بیل کنید. خواستگاری نباید به لای جلسه محدود شود. وقتی مردی بهتر و بیشتر شما را شناخت و با خصایص شما آشنا شد بهتر هم می‌تواند پذیرای عیب شما باشد.

7- **لام نوبت به طلاح زیاد از خود مایه بگذارید و حقوق خود را نادیده بگیرید.** اگر طرف مقابل رفتاری داشت که دوست داشتید اما حق دراید با متانت و وقار حرف خود را بزنید و خود را دست کم نگیرید. هیچ گاه خود را دونه و نشانی ندهید، دروغ را نصدورت لحدالین که او خود را از شما دور کند، زیاد خواهد شد. هیچ وقت از این که ممکن است او را از دست بدهید، نترسید. این ترس می‌تواند آن چنان شما را مسحور او کند و دیده عفتان را کور کند که اثر بدی روی رفتار ظاهری شما داشته باشد و همه چیز را به هم بریزد. کلا در تمام لظات - و از جمله هونگام خد لظاتی - باید طوری رفتار و صحبت کنید که نشان دهید از طرفی برای

شخصیت او به عنوان يك انسان احترام قائلید و از طرفي هم داراي اعتماد به نفس هستيد و براي رفتار خود حد و حودي قائل مي بشويد. رفتار شما بايد در کنترل خودتان باشد. بايد هر وقت تصميم گرفتيد خداحافظي كنيد، نه اين كه آنقدر صحبت را طول بدهيد كه طرف خسته شود و يا اگر ضعفي در شماست، به آن پي برد.

8- در مورد راههاي انتخاب دوست و شي هياشه ناخنتن طرف مقبل، بيشتر بررسي كنيد تا اگر بعد از تمام انشاه ها به ورسيديد، روي ر ان تخب خود پديش نشويد. براي اين كه انتخاب درستي انجام دهيد بايد احساسات خود را كنترل كنيد.



#### آناطول فرانس

"هرگز به احساساتي كه در اولين برخورد از كسي پيدا مي شود، نسنجیده اعتماد نكنيد."

گرچه حساست خود بيش از اندازه فرصت بروز بدهيد باعث مي شود نتوانيد طرف مقابل را به خوبي بشناسيد و ندانسته از او قهرماني افسانه اي براي خود مي سازيد كه احساسات شما را جريحه دار مي كند.

نكته مهدي كه لازم ملت همهي نخوها به آن توجه كنند ان ملت كه "تا وقتي سر سفره عقد نشسته ايد، به كي مل نپنديد". رگ دل بيگي مي تواند در روز و ننگي شمه اثير بسيا مخري داشته بجد. كم نسنند نختراني كه به خطر اين وابستگي شديد، حتي سر از بیمارستان در آورده اند. احساس شما هميشه بايد در كنترل شما باشد.

#### بيلي هالدي

"گاهي اوقات برنده شدن از باختن، بدتر است."

وابستگي داشتن، قدرت تفكر شما را محدود مي كند، طوري كه با هر بار ناكام شدن، تمام دنيا روي سرتان خراب مي شود؛ اما اگر وابسته نبشيد مي توانيد د عتر فترا طرف مقابلي را بهتر درك كنيد و در رفتارتان، آرامش بيش تري نلده بشويد. به جهن بد بن ن بلديد، شما خودتان را تغيير دهيد، مطمئن باشيد جهان هم خودش را براي شما تغيير خواهد داد و با او ان تعبير يا فن خودتق آنقدر صمم بشويد كه موانع را از سر راه موفقيت خود برداريد.

#### روزولت

"تا هنگامي كه در قلب خود احساس مي كني حق با توست، هرگز از حرف ديگران دلتنگ مباش."

سي در مورد ل لوج هم فعلا نه برخورد كويد، نه منفعلانه. شما مي توانيد انسان بسيار جالب تري باشيد طوري كه ديگران به شما غبطه بخورند.

## لزوم مشاوره ازدواج در رابطه با شغل همسر

لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت چهاردهم )



در قسمت قبل به نقش شغل در تداوم زندگی زناشویی پرداختیم . اینک در ادامه می خوانیم ....

یکی از عواملی که مشاوران در رابطه با همسر گزینی باید مورد توجه قرار دهند، " شغل " است.

نخترل یا بیرون در انتخاب همسر به شغل طرف مقابل اهمیت می دهند و اطلاعات لازم را در این مورد به دست می آورند. هنگامی که پویی برای خواستگاری یا آشنایی با یک دختر به منظور ازدواج وارد عمل می شود ، نخستین چیزی که نختر در مورد او جویا خواهد شد ، شغلی اوست . مهمترین کمکی که مشاور در مورد شغل همسر می تواند انجام دهد ، دادن اطلاعات لازم و مورد آن شغل و بررسی نگرش مراجع در رابطه با آن ، از جهت میزان درآمد مورد نظرش و ... می باشد.

نخترانی که به به علت علاقه موط به یک شغل ممکن است تحت تأثیر آن ، سایر عوامل مؤثر در ازدواج را نادیده بگیرند ، باید مورد مشاوره قرار گیرند.



و بسیاری از موارد شغل شوهر و عدم اطلاع کافی دختر ، موجب ازدواجی می شود که فرجام آن رضایت بخش نیست . و این وارد شغل باید در زمینه شغل مزبور به مرجعی که تحت تأثیر شغل مرد قرار گرفته و می خواهد با او ازدواج کند ، اطلاع کافی بدهد به علاوه سایر عوامل مؤثر در ازدواج را نیز ( به همان اندازه که شغل را مطرح می سازد ) مورد توجه قرار دهد تا مراجع با بصیرت تصمیم گیری نماید.

بسی از زنان و مشاغل که لیبیل خطی دارند ، مانند لیل نظامی ، نیروهای ، ویدیویی ، روحی و ... خوشن می آید و شغل تلویزیون را به ازدواج می نمایند . و این وارد شغل باید آنرا را به سایر عوامل مؤثر در ازدواج توجه دهد تا تصمیم گیری عجولانه ننمایند.

در مورچنق ازدواجی مشاور باید اهمیت عاملی را که در نظر مراجع به صورت غیر واقعی او را تحت تأثیر قرار داده است در حد واقعی پایی بیارد و او را متوجه سن و خلاق و سایر عوامل مؤثر در ازدواج نماید تا عاقلانه تصمیم گیری کند .

بدانی هستند که به طرف زنان شاغل می روند و هدفشان از این ازدواج حقوق و درآمد زن است که به زندگی آنان کمک کند. مشاورانی این قبیل بودن باید هدف را از اول برآیند تعیین کند و عمده نتیجه به سایر عوامل و عواقب آن را طرح نماید؛ به علاوه این موضوع را که ممکن است زن درآمد خود را در اختیار خانواده قرار ندهد با مراجع در میان بگذارد. در موارد زیادی مراجع در تصمیم خود تغییر می دهد؛ ولی چنانچه مسئله درآمد زن برایش مهم بود و زوج سرگردد؛ احتمال زیادی وجود دارد که نظر مرد تأمین نگردد و ناشادی بر زندگی حاکم شود.

مردی بازنانی که به خاطر موقعیت شغلی همسویا موقعیت شغلی پدر و همسر، یا به خاطر رسیدن به هدف های شخصی و احساسی خود، اقدام به ازدواج می کنند؛ زندگی را به خاطر هدف های غیر واقعی باخته اند. از جمله این موارد:

- مرد یا زنی که بایک فرد جانباز به خاطر مزایای مادی، تحصیلی و یا اجتماعی او ازدواج می کند و وقتی به هدفش رسید دیگر همسرش برای او اعتباری ندارد.

- شخصی که به منظور استفاده از اعتبار شغلی و موقعیت اجتماعی پدر دختر با او ازدواج می کند.

- مردی که به خاطر اشتغال برای گرفتن مجوز اقامت در یک کشور با یک زن خارجی ازدواج می کند.

و این قبیل موارد را باید آنرا با هدف های ازدواجی که در آن از زنی زتوی توجه نمود با بررسی های همه جانبه با مراجعان، هدف انتخابی آنان را در جهت صواب تغییر دهد.

- مرجعانی که لظلمتی دارند شفی شهر و اثیل مهم نیت؛ بلکه آنچه مهم سلت فرهنگ و اخلاق است. مشر باید این گونه مراجعان که به یک یا چند عامل مؤثر در ازدواج توجه دارند، به اهمیت سایر عوامل توجه دهد و آنان را با عواقب ناخوشایند نادیده گرفتن سایر عوامل مواجه سازد.



### خانواده های دو شغله

کسانی هستند که پس از ازدواج برای کسب درآمد بیشتر به بیش از یک شغل رو می آورند. گاه ممکن است زن و مرد هر دو برای نوشتن بندهای خانواده ها این قبیل خانواده ها را تشکیل دهند. شغل اول خانواده به بیش از یک شغل، گاه به علت نیاز است و گاه به علاقه به کار یا در صورت درآمد بیشتر. در صورت اول شاید علت موجه و برای رفاه خانواده قابل توجیه بود؛ ولی در حالت دوم به هیچ وجه شغل ضرورت ندارد و موجب می شود که زندگی خانواده حالت سرد و بی روح داشته باشد و چه بسا که به علل مختلف به ناسازگاری ها و ناهنجاری های دیگری نیز بیانجامد.



مشاوران باید و این گونه وارد ، واجعتن خود را متوجه این نکته سازند که تلاش بی نهایتی در اهدافی زندگی را  
تک اشباع قرار ندهند و اگر زحمت و کسب درآمد دویله بی نتیجه حصول به هدف های  
زندگسویی است.

## تأثیر شغل در تداوم يك زندگي

لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت سیزدهم )



در قسمت قبل در مورد سن مناسب ازدواج صحبت کردیم. اینک در ادامه می خوانیم ...

یکی از عواملی که در همگرایی بایمورد توجه قرار گیرد نوع شغلی است. بعضی وقتها ما می بینیم شغل  
همسرش را می بینیم. بعضی از مردان می بینند که همسرشان خانه دار باشد. تعدادی می بینند که وی در خارج از  
خانه شغلی داشته و برخی قطعاتی به کار همسرش و آموزش و پرورش و کار معلمی هستند. بنابراین نوع  
شغل در انتخاب همسر از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

در مورد شغل شوهر آنچه مهم است تأمین نظر دختر است. در این زمینه موارد زیر قابل توجه است:

1- **ذوقی هستند که به سطح شغلی اهمیت می دهند.** از نظر آنان نوع شغل مهم نیست. آنها همیشه مهندس،  
نکتر، حقوق دان و مشاغل را می پسندند که نظر وجه اجتماعی در سطح بالایی قرار دارند و گاه اظهار می  
دارند که مثلاً " لوله کشی هم شغل " ، این عده نجاری یا بنایی و یا سیم کشی و نظایر آن را که از نظر سطح  
درآمد ممکن است بسیار بالا هم باشد نمی پسندند.

2- **برخی گویی از ذوق سطح شغل مطرح نیست؛** آنان همسری می خواهند که امکانات رفاهی آنان را فراهم  
کند و درآمدی داشته باشد. بعضی نیز درآمد و سطح شغل برایشان مهم نیست ولی می بینند شوهرشان شغلی  
داشته باشد که تمیز باشد همیشه اظهار می دارند که شوهر روغن مالیده یا پر از خاک و گچ نمی خواهند  
منظور تعمیر کار یا بنا و گچ کار است).



3- **زنان شاغلی هم هستند که می بینند شوهرشان در حوزه شغلی خود آنان کار کند.**

به عنوان مثال اگر زن آموزگار باشد؛ مایل است شوهرش دبیر یا استاد باشد یا اگر پرستار است ، شوهرش پزشک  
باشد. نکته قابل توجه این است که اکثر زنان مایل نیستند شوهرشان از نظر سطح شغلی پایین تر از آنان باشد.

4- **بعضی از ذوقی هستند تأثیر برنده های هنری تلویزیون و سینما ، شوهر هنرمند می خواهند.** در این جا  
این نکته قابل ذکر است که این تمایل ممکن است تحت تأثیر عوامل احساسی موقتی باشد، لذا مشاوران در کمک به

انتخاب‌ها سو به‌ان گونه نخب باید برسی بی‌لاروا اند لهندو چنانچه رغبتو لاهقا نانخبه  
احسلی دشته بتند و لجر امتوجه علاقه واقعی او بنمایند. گاه ممکن است اجرای تست بتواند به این موضوع  
کمک کند. در این صورت با پیشنهاد و قبول مراجع می‌توان از آزمون نیز استفاده کرد.

5- و بلاخره بری گروهی ل نختون شغلی شوو برایشان مهم نیستو بهماو عوامل مؤثر در ازدواج از  
جمله مسائل فرهنگی، اخلاقی و اقتصادی توجه بیشتری دارند.

با و نظر گرفتن مطالب فوق می‌توان نتیجه گرفت که در انتخاب شوهر در ارتباط با شغل موارد زیر باید مورد  
توجه قرار گیرد:

- نوع شغل؛
- محل شغل؛
- میزان درآمد؛
- سطح شغل.



### نگرش شوهر درباره شغل زن

بعضی زانو بی با اشتغال همسرشان در خارج از خانه مفضل هستندو به دنبال زنی هستند که فقط خانه دار  
بتند و بری این مسئله به قوی تکیده دارند که آن را جزء شواظ ل و لجر قرار می‌دهند. در مقابل مردانی نیز  
هستند که می‌خواهند همسر آنان شاغل باشد و نظر اصلیشان از این اشتغال کسب درآمد است که کمک هزینه خانه  
بتند. بیخی هم کم درآمد و گرفتند حق و ایشان مهم نیست؛ هدف آنان از اشتغال همسر در خارج از خانه  
آن است که با جمع‌آوری بت بط ندهت و لجرتم غی تر باشد و از زن خانه دار به عنوان زن عقب افتاده و منزوی یاد  
می‌کنند.

لهوه و مورد فوق، بچوه دیگری را بت تغل نز و بی زن طرح است که به ذکر نمونه‌هایی مبادرت می  
شود:

- 1- مردانی هستند که می‌دانند هر انشیل قط در کل هی آمویی آن هوو ربتل بلختر لکا رکنند مثل  
آموزگاری یا دبیری مدارس دخترانه.
- 2- بری گروهی را و دن نوع کار همسرشان مهم نیست؛ ولی تمایل دارند که همسرشان در کارهای نیمه وقت  
شاغل باشد که به کار خانه نیز برسد.
- 3- بعضی را و دن میلند همسرشان در حیط کار خود آنان شاغل باشد. مثلاً اگر خودش پزشک است همسرش  
پرستار یا ماما باشد.
- 4- بعضی از مردان زنلی را می‌خواهند که علاوه بر خانه داری در خانه، در محلی نزدیک خانه به کار دیگری  
نظیر خیاطی یا آرایشگری اشتغال داشته باشد.

با توجه به مطلب بالا می‌توان نتیجه گرفت که نگرش مرد در مورد اشتغال زن در ازدواج باید مورد توجه قرار  
گیرد و شغل او از زمینه به حق و پسر و زمل انتخب، آگاهی و بینش لازم را بدهند و وضعی پیش  
نیاید که این مسئله مهم در زمان گزینش همسر تحت تأثیر عوامل دیگر نادیده گرفته شود.

## نقش عوامل جسمانی و ژنتیکی در ازدواج

لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت پانزدهم )



در قسمت قبل به لزوم مشاوره قبل از ازدواج در مورد شغل همسر پرداختیم. اینک در ادامه می خوانیم...

یکی از عواملی که در ازدواج نقش مهمی دارد، قیافه ظاهری و وضع جسمانی همسر می باشد. بعضی از قد بلند و اندام بزرگ خوششان می آید، عده ای چاق می پسندند و بالاخره بعضی از ابروی پیوسته و بینی کشیده و برخی از بی مجعد و چشم لبی و صورت گرد و دهانی چتره بولایو اندام موزون می پسندند. با این که زیبایی ظاهری ممکن است دوام نداشته بلند و به زوی جی خود را به قیافه و وضع جدیدی بدهد؛ معذالک فردی که می خواهد با کسی یک عمر زندگی کند، باید از قیافه او خوشش بیاید. علاوه بر این، مسئله ژنتیک از نظر داشتن فرزندان سالم و بهوش از اهمیت زیادی برخوردار است. بعضی از مردان کوتاه قد زن بلند قد می گیرند که بچه های آن قد کوتاه شوند و می آیند که نوزاد ممکن است پیش بیاید. از طرفی ازدواج های فامیلی که احتمال تولد بچه های معلول و نندالمو یا کورن و عقب منده ذهنی در آنها زیادتر است، مسئله ای است که باید مورد توجه قرار گیرد.

### ازدواج و رابطه آن با قیافه ظاهری

یکی از عواملی که پدر و دختر بدان توجه می کنند، قیافه ظاهر ری است. بعضی از پسران که خود قیافه تندیابی دارند توجه خاص به دختران زیبا دارند؛ عکس این حالت نیز ممکن است اتفاق بیفتد. البته زیبایی و ژنتیکی قراردادی است و از دیدگاه های مختلف فرق می کند؛ ولی آنچه مطلوب جامعه است معمولاً به صورت مد مطرح می شود؛ مثلاً ممکن است زمان ندام بلند و باریک برای دختران و قد بلند و چهارشانه برای مردان مد روز شود و زمینی دیگر که مویز و اندام چاق و پهلوان و قد بلند و اندام بزرگ بر طپسرا. بنابراین زیبایی پسر و مد می گردد و صورتی که با مطالب بیثباتی پیدا می کند. مسئله زیبایی، خود جثه مفصلی دارد که در این مقوله نمی گنجد. به هر حال در ازدواج دیدگاه طرفین در پذیرش و اقتناع یکدیگر از لحاظ وضعیت جسمانی مهم است.

بعضی دیگر سلامت جسم ( از ظو بهاری و معلولیت ) است. ممکن است مرد یا زنی معلول (مثلاً لنگ، کر، کور، بی دست) باشد یا به بیماری های قلبی، کمردرد و غیره مبتلا باشد. در این موارد ممکن است ازدواج با همدیگر با وضع شدیده مشکلی ایجاد نکند؛ ولی چنانچه فرد سالمی خواهد با فرد معلول یا بیمار ازدواج

کند. باید وضعیت بیول با ترم خصوصیت و بی طرف مقابل بازگو شود، تا قبول ازدواج با آگاهی و بصیرت کاملی انجام گیرد. در غیر این صورت پس از مدتی احتمال سرد شدن روابط و بالاخره از هم گسیختن خانواده می رود.



#### نمونه هایی از ازدواج های ناموفق در این زمینه ذکر می شود:

- بعضی از دختران و پسران شفته وضعیت ظاهر طرف مقابل می شوند و سایر عوامل را نادیده می گیرند. این حالت نیز می تواند از مدتی که عوالم دیگر مانند خود را نشان می دهند و عمل زیبایی در مرحله بعد قرار می گیرد، خوشی و شطرا از خانواده می گوید و چه بد آنکه زندگی گرم و پر شور اولیه به سردی گراید. خطر دیگری که در مورد تکیه بر زیبایی وجود دارد آن است که زیبایی جنبه ثابت و دائمی ندارد؛ و می تواند در اثر یک حادثه و یا در طول زمان یا بر اثر وجود یک بیماری از بین برود و به زندگی شاد ناشوئی آسیب برساند.

مشکل دیگری که در مورد این وجود دارد آن است که آنان ممکن است به اتکاء جمال خود، از خود راضی و خودپسند بار آید و چه بسا فرصت هلیه ناسپرا که در آن نوع برتری آتی پیدا می شود، از دست بدهند و یا در زندگی نتوانند زیبایی خود را به رخ همسر خویش بکشند و احیاناً او را تحقیر کنند و خود را در مرتبه بالاتری قرار دهند. این حالت ممکن است برای شوهر زجر آور باشد و زندگی را به سردی و ناشادی سوق دهد.

#### مشاوره ازدواج در رابطه با عوامل جسمانی و ژنتیکی

واجبی که در زمینه و جسمانی و ژنتیکی به مشاور می دهد، نمی تواند از مسائل زیر را مطرح می کند:

- می باقیافه معمولی دختری بسیار زیبا را برای ازدواج در نظر می گیرد، و دختر نیز با این وصلت موافق است. آیا این ازدواج پایا و عاقبت بخیر خواهد بود؟
- مری قد بلند، زنی کوتاه قد انتخاب می کند؛ به این امید که بچه هایش متوسط القامه شوند. آیا این انتخاب با این هدف مناسب است؟
- دختری قد بلند، پسری کوتاه قد را برای ازدواج انتخاب می کند؛ تا او در برابرش احساس حقارت کند و دختر در خانه، تعیین کننده باشد.
- پسری چاق و جسور را با دختری باریک اندام و لطیف تا به آرزوی خود (لاغری) در همسرش نایل گردد.
- پسر با دخترو و دختری با پسرخاله به این اعتقاد که عقد فامیل های نزدیک در عرش بسته می شود، قصد ازدواج دارند. از نظر ژنتیک چه مشکلی وجود دارد؟
- دختر یا پسری که از نظر ارثی مرض قند دارد، قصد ازدواج دارند. آیا چنین انتخابی مناسب است؟



### مشاور در مقابل موارد فوق چه باید بکند؟

هر یک از موارد فوق به بررسی دارد؛ بررسی از نظر شرایط و مقتضیات و از نظر خصوصیات فردی. از آن رو می توان برای همه آنها حکم واحد صادر کرد. حکم عمومی درباره مشکلات انسانی نظیر پزشکی است که بیرون از آن نیست؛ آنها را دسته بندی کرد؛ به همه تب دارها، یک نسخه و به شکم دردها نسخه دیگری داد و خلاصه آن که همه بیماران را با پنج نسخه ویزیت کرد!

در برابر هر یک از موارد مطروحه بالا باید به طور ویژه عمل نمود:

- مری که در قبال زیبایی بی حد زن آینده اش حساسیت دارد و چنین فکر می کند که این ازدواج به علت امتیاز زنی همسرش پلای و عاقبت به خیر خواهد بود: باید موضوع از جهات مختلف بررسی و با موارد موفق مشابه مقایسه شود تا در مراجع این حساسیت از بین برود و بتواند عاقلانه تصمیم بگیرد.

- راجع به مردی قد بلند که زن کوتله قد اندک بل کرده تا بچه هایشان متوسط القامه باشند: باید از او سوال کرد که علم و اطلاع و زمینه این موضوع را از چه منبعی دریافت نموده است. وانگهی آیا هدف ازدواج، داشتن بچه متوسط القامه است؟

- نخواستن بلندی که عقد دراد با پسر کوتاه قد به خطر تسلط بر او ازدواج کند. آیا هدفش حاصل خواهد شد و اصولاً غرض از ازدواج "تسلط بر شوهر" است؟

شور باید این موارد را با مشارک و اجعتن ل جهت حذف و بیی کد تا آنها بتوانند با آگاهی، تصمیم بگیرند.

- در دو او پسر چاقی که می خواهد با دختری باریک اندام به خاطر ارضای آرزوهای خود ازدواج کند: مشاور باید با مراجع موضوع ا رز بیی کند و بگویند این رز و چنه فیرای او دارد. و انگهی این هل چنانچه با رعایت جوانب دیگر انجام نشود، ممکن است زندگی وی را به تباهی بکشاند.

- زوجه پسر عمو با دختر عمو و دخترخاله با پسرخاله به علل ژنتیکی بهتر است انجام نگیرد ولی چنانچه عشق و عشقی اخلاقی در راضوی سرد، باید قلی ل زوجه با مراجعه به یک متخصص، مشاوره ژنتیکی صورت گیرد و سپس مراجع تصمیم خود را بگیرد.

- فرزند دختر یا پسر که وضعی مته یا بیماری ژنتی دارد: اولاً مشاور باید ببیند آیا بیماری او خطرناک است؟ ثانیاً این بیماری به بچه ها نیز منتقل می شود یا خیر؟ به هر حال بهتر است در مورد ازدواج چنین دختر و پسر بررسی پزشکی و تحقیق ک لازم انجام گیرد. چنانچه بیماری برای خود فرد خطری نداشته و قابل انتقال به بچه ها نباشد؛ از نظر ازدواج مشکلی وجود نخواهد داشت.

- نظریه ای که قیده ظاهری عاملی عینی است و زیبایی جالبه بسیاری برای ازدواج دارد، بنابراین احتمال دارد که پسر یا دختر با عشق و علاقه افراطی، دیگر عوامل مؤثر در ازدواج را کنار بگذارند و تنها با توجه به زیبایی بهوی ز نلوی کشید شوند. و اینوار دوظیفه مشاور است که با شکل جلسه مشاوره و بررسی های همجانبه و مولج کرنولج با ازو لجهی مشابه ناموفق، شوق و واھی وی را تعدیل

نماید. چشم واقع بین بر لبري دينء وامل مختلف مؤثرتر ز نئسبي، فعل نملي تا ضمير گير ي و انتخاب همسر، عاقلانه و با توجه به جهات مختلف انجام گيرد.

مطلب کلام آنکه مشور بايد هررد را با مشورت مراجع از جمع جهات بررسي کند، با موارد ديگر مقايسه کند و نتايج کل را در اول قدم نتيجه نني نميد. تا بالاخره مراجع با کسب اطلاع و تفکر و بصيرت به تصميم گيري مناسب نائل گردد.

## تغيير دادن شخصيت همسر پس از ازدواج



اغلب به دخترتل و پسول بي آموزند که با فردي ازدواج کن که پس از ازدواج شخصيت او را آن طور که مي خواهي تبديل بدهي. بايد به اين عده گفت شايد همسر شما دچار يك نوع ضعف اخلاقي باشد که پس از [ازدواج](#) با دلگرمي او به زندگي خانوادگي بتوانيد نأ صغرا و لؤ بن بيريد. اما محل لت بتوانيد شخصيت فديک نفر اعرض کنيد. زوازه مثل ورن کودي تملي ديده ها و شنيده ها و اندر زها در فرم دادن به شخصيت و ثق اساسي دارند. پس چطور ميگوي است شما بتوانيد کسي را مجبور کنيد تمامي خاطرات ذهني خود را که و طول زندگي و هن او تبليته شده سلامت از خود دور کند و از او شخص ديگري آنطور که شما مایلید بسازد.



الديه هانظر که و ابتدا نکر شد گاهي بعضي از اخلاق و رفتارهاي غلط آدمي بر اثر عدم آگاهي است که اگر نسبت به آن مسائلي گاهي و شنخت پيدا کدد يگر آن رفت و ليا غطرا نکرل نمي کند. ضمناً فرد وقتي قادر لت چنين تبديل اتي در خود بدهد که نياز به تبديل را احساس کرده باشد. پس نبايد فراموش کرد که بايد کسي را بر ليز ننگي انتخبل کرده دور از عول هلي لجماعي و تبيل ظاهر، از نظر عقيدتي اشترک زيادي با شما داشته باشد.

## مواردی که طی مراسم عروسی باید در نظر گرفته شود

لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت هفتم )



در قسمت قبل به بررسی برخی مراحل قبل از عروسی پرداختیم. اینک در ادامه می خوانیم ...

سپس از تصمیم گیری و بی عروسی، چنانچه جشنی برپا شده و دوستان و آشنایان دعوت شده باشند دیگر جشنی صورت ندارد. و این صورت دختر و پسر با تمهید مقدمات به سفر می روند و به اصطلاح ماه عسل می خوانند و به خله بخت برمی گردند. اما اگر مراسم عقد بدون جشن یا به طور مختصر برگزار شده باشد، معمولاً جشنی برای اطلاع دوستان و آشنایان برپا می شود و زن و شوهر به خانه بخت می روند. نکته قبل توجه را اینجا، آن است که مراسم عروسی باید ساده و کم هزینه با شرکت اقوام و خویشاوندان و دوستان و طب انجام شود. مهیه های سنگین، ثویفک، پهرینه و جیزیه های پر بها موانع مهمی در راه ازدواج است و گاهی موجب می شود که زن و مرد به علت هزینه های انجام شده با کوله باری از قرض و قسط به خانه بخت بروند و پس از چند روز ناسازگاری های ناشی از مشکلات مالی آغاز می شود.

مورد مختلفی بود و دکمه های اولیه ازدواج، گری زندگی نشوید به سینه میگراید و نلساز گوی بروز می کند. در این موارد مراجعه به مشاور خانواده می تواند کارساز باشد. نکته مهمی که در این زمینه باید مرد توجه و ل گیرد، آن است که بسیاری از مشکلات قابل حل است و بیشتر اختلافات، سطحی و نهی ل پیوند و شخصیت ممت فلت است که به تدریج باید خود را با شرایط جدید هماهنگ سازند؛ ولی چنانچه مشکلات حاد و غیر قابل حلی در زندگی زناشویی پیدا شود، قبل از آن که با گذشت زمان و تولد فرزندان راه جدایی مشکل گردد؛ باید چاره اندیشی شود. چاره حل مشکلات زناشویی متفاوت است و تنها زمانی که به بن بست برسد گره گد اطلاق و جدایی است؛ این امر زمانی تجویز می شود که شرایط زندگی زناشویی با شرایط طلاق مقایسه و چشم انداز آینده آن بررسی شود. چنانچه نتیجه حاصل طلاق و جدایی را چاره ساز دانست، این عمل هر چه سریع تر باید انجام گیرد.



### نقش مشاور در رابطه با جهیزیه و تشریفات عقد و عروسی

مذله جهیزیه و هزینه هلی سنگن عقد و عروسی و پاره ای از موارد مانع بزرگی برای انجام ازدواج است. چنانچه مشاور به جایی برسد که کلیه عوامل برای ازدواج مساعد است ولی تهیه جهیزیه و انجام مراسم عقد و عروسی و ابروف و عقیقه ختنه پوم و سو نیت ، مشاور باید در این مورد با تشکیل جلسات مشاوره با شرکت ختنه و پسر و در مراحل بعد با شرکت آنها و خویشاوندان نزدیک، طرفین را برای تهیه وسایل مختصر زنجیر و نگار و گزای و سله و کم هزینه ای در پی عد و هیی آملعازد تا از دگی متوک آنها با امکان ننگ عتو و باشا و صدفی کالی شروع شود؛ سپس برای تهیه تدریجی وسایل لازم، اقدامات لازم به عمل آید.



### توصیه به دختران و خانواده ها

ازدواج سودی عورت و اقامی سر نوشت ساز. نهی تون با فلسفه " هیچی بقی آید خوش لید"، عمر را بخت. تلم برحالی که و بی رواج تعیین شده باید با کمال دقت طی شود. مرحله بررسی و شناخت، برای اندک از لامیت خطی برخوردار است. و این مرحله باید از روش های مستقیم و غیرمستقیم استفاده شود و زمانی کافی برای آشنایی با دوستان و آشنایان دو طرف و تماس های مستقیم با فرد مورد نظر در اختیار باشد. باید زمینه های اجتماعی، سطح تحصیلات، مسائل اقتصادی، سن، شغل، عوامل جسمانی و از همه مهمتر عوامل اخلاقی، روانی و فرهنگی در دو خانواده از دوستان و اقوام و بستگان دختر و پسر بررسی شود، و در صورت هماهنگی، و اصل بجز این دو یعنی عقد و عروسی انجام گیرد. انتخاب از راه و یا نداشتن از سر نوشت زندگی را به دست شانس و اقبال می سپارد و احتمال یک ازدواج موفق را کاهش می دهد.





### مشاوره در رابطه با مراحل ازدواج

برای آن جام ز لوج و طی مولی ن و در نه لت صمیم گبی م نلب ، مشورن می و نند به مراجعان خود کمک های مؤثری بنمایند. از جمله مواردی که مشاوران در این زمینه اقدام می کنند، به شرح زیر است:

1- مشاوران روابط با انتخاب هسر باید کدام دایه مراحل ازدواج را توصیه نمایند. زیرا احتمال دقیق ازدواج های شتابزده کمتر است.

2- مهترن مرحله ازدواج ، " مطالعه و بی انتخاب " است. و این مرحله مشاوران باید مراجعان خود را در زمینه شناخت خود و همسر آینده کمک کنند و به آنان تفهیم نمایند که برای شناخت همسر از ابعاد مختلف و از کلیه امکانات استفاده نمایند.

3- یکی از مواردی که شخصی ممکن است به انتخاب مناسب نرسد؛ نگرش یک بعدی است. منظور حالتی است که دختر یا پسر نتواند تأثیر جنبه مثبت و ضعیف به انتخاب بر دایه زد و سوا و ابعاد را نادیده بگیرد. در این موارد مشاور باید توجه مراجع خود را به کلیه عوامل جلب نماید و او را در بررسی های لازم کمک کند.

4- یکی از مراجعان در محدوده شناخت فقط به روش های غیر مستقیم گفتا می کنند و در مرحله روش های مستقیم به علت اعتقادات خاص مذهبی یا حجب و حیای شخصی متوقف می شوند و براساس اطلاعات به دست آمده از روش های غیر مستقیم تصمیم گیری می نمایند. چون روش های غیر مستقیم برای شناخت همسر کفایت نمی کند. بنابراین مشاوران باید مراجعان خود را برای مطالعات مستقیم توجیه و ترغیب نمایند.

5- نظر به این که علاوه بر همسر، پدر و مادر و خویشاوندان نیز در زندگی زوجین نقش مهمی به عهده دارند ، بنابراین مشاوران باید در طالع مراحت عقل ل لوج موچین خود را به مغف با پدر و مادر و خویشاوندان همسر آینده خود ( برای شناسایی در حد روابط بعدی آنان ) ترغیب نمایند.

6- مشاوران باید مراجعان دختر خود را به این نکته توجه دهند که پس از قبول خواستگاری، کلیه مراحل و شرایط به بی ل لوج رابه صورت ساده و کم هزینه برگزار نمایند و وضعی پیش نیاورند که بلافاصله پس از خویله نگاری ، عولانه و به سادگی به خانه شوهر بروند. این وضع قدر و ارزش آنان را در نظر شوهر کاهش خواهد داد.

7- روالی و لایه لوج و قلی از چه دل نین ، چ نچه لسل شد شرایط ادامه زندگی ست سلت و سؤنگی و تفاهم وجود ندر دوو آینده نیز مشدک به بن بست می رسد، مشاوران می توانند با بررسی های لازم و اجعتی خود را قبل از ایجاد معضلات بعدی برای جدایی آماده نمایند. البته باید توجه داشته باشند که طلاق و یخواتاده های که با مسائل مختلف ساخته و بچه دار شده اند، بسیار مشکل و دردناک است. بدیهی است چون به اطلاق پردلت بهیگی افرا می طلبد، بنابراین تجویز آن زمانی انجام خواهد گرفت که هیچ راه گریزی در بن بست زندگی وجود نداشته باشد.

## فرایند ازدواج و مراحل آن

### لرزم مشاوره در ازدواج ( قسمت شانزدهم )



در قسمت قبل به لزوم مشاوره در مورد عوامل ژنتیکی و جسمانی پرداختیم . اینک در ادامه می خوانیم...

در فرایند ازدواج مراحل وجود دارد که اگر به درستی انجام گیرد، تداوم و استحکام زناشویی را در پی خواهد داشت. این مراحل عبارت اند از:

- بررسی برای انتخاب همسر
- برگزاری مراسم عقد
- انجام مراسم عروسی

### **الف: بررسی برای انتخاب همسر**

در ایران رسم بر آن است که پیشنهاد ازدواج از سوی مرد انجام می شود. بعضی بر این باورند که این پدیده امتیازی برای مردان است و زن در انتخاب نقشی ندارد؛ در حالی که زن می تواند پیشنهاد را قبول یا رد کند. بنابراین پیشنهاد دادن تنها پنجاه درصد مسئله است ، قبول یا رد آن توسط دختر در واقع تعیین کننده 50% بعدی است. حال که پیشنهاد از سوی مرد انجام می گیرد، آیا این کار باید بدون مطالعه و صرف وقت و به صورت آزمایش و خطا انجام شود ؟ برخی از مردان معتقدند که "تیری به تاریکی بزیم ممکن است به هدف بخورد". در نتیجه بدون در نظر گرفتن شرایط خود ، از دختر به طور مستقیم یا غیر مستقیم خواستگاری می کنند. اما چنین ازدواج هایی فرجام خوشایندی در پی ندارد، بلکه مرد دچار مصیبت و شکایت شده و به جای زن ، بازداشتگاه و زندان نصیبش می شود. **انتخاب بدون مطالعه ، سپردن زمام زندگی به دست نصادف ، شانس و اقبال کار عاقلانه نیست.** بنابراین برای انتخاب همسر باید قبلاً بررسی های لازم انجام گیرد.

### **روش های مطالعه برای انتخاب همسر**

روش ها و شیوه های مختلفی برای مطالعه و شناخت برای انتخاب همسر مناسب وجود دارد که می توان آنها را به دو گروه تقسیم کرد:

### **روش های غیر مستقیم**

در ابتدا برای شناخت فرد مورد نظر باید از افرادی که با وی در تماس هستند اطلاعات لازم کسب شود. منافع کسب اطلاع در روش غیر مستقیم عبارت اند از:

- 1- همسایگان؛
- 2- خویشاوندان و دوستان خانواده؛
- 3- همکاران پدر، مادر و سایر فامیل؛
- 4- محل تحصیل و شغل؛
- 5- همکلاسی ها و دیگر کسانی که با فرد مورد نظر سروکار دارند.

حال سؤال این است که فرد مورد مطالعه را چگونه باید پیدا کرد؟

معمولاً کسی که می خواهد ازدواج کند، در اطراف و جوانب به تفحص و تجسس می پردازد و درباره ی خانواده ها و دختران زیادی که در دانشگاه ، محل کار، معاشرت ها و مجامع آشنا شده ، بررسی می کند. او در این بررسی ها افرادی را مناسب تشخیص می دهد و برای تکمیل اطلاعات خود اقدام می کند. از آن جا که این اقدامات اولیه برای تأیید یا رد دختر مورد نظر او می باشد؛ و ممکن است به قطعیت نیاانجامد لذا تمام بررسی ها باید غیر مستقیم انجام گیرد.

برای انتخاب ، مرد باید اطلاعات لازم را در زمینه های اجتماعی، فرهنگی، تحصیلات، وضعیت مالی، اخلاق، سن و شغل دختر کسب شود و از نظر تطبیق وضعیت با شرایط خودش بررسی های کافی به عمل آورد. این بررسی ها علاوه بر دختر باید در مورد خانواده، فامیل و خویشان و دوستان وی نیز انجام گیرد.

### روش های مستقیم



نظر به اهمیتی که دین مقدس اسلام برای شناخت قبل از ازدواج قائل است، بررسی های مستقیم زن و مرد را در صورتی که قصد ازدواج داشته باشند، مجاز دانسته است. بنابراین ابتدا به ذکر احادیث و فتاوی که در این مورد بیان گردیده می پردازیم:

إذا القي الله في قلب امرأة فلا باس ان ينظر

"وقتی خداوند خواستگاری زنی را به دل کسی انداخته باشد، مانعی نیست که او را بنگرد". پیامبر اکرم (ص) ( نهج الفصاحه، حدیث 185)

حسن سرّی گوید از حضرت صادق (ع) پرسیدم، مرد جایز است قبل از ازدواج زن را به دقت ببیند، پشت سر و صورتش را نگاه کند؟ " فرمود آری مانعی ندارد که زن مورد نظر را از پشت سر یا جلو رو ببیند."

باز مردی از آن بزرگوار سؤال کرد: " جایز است مرد موی سر و زیبایی های زنی را که می خواهد بگیرد، ببیند؟ حضرت فرمود: اگر منظور لذت بردن نباشد، اشکال ندارد و در خبر دیگری سؤال می کنند جایز است زن بایستد تا مرد او را ببیند؟ می فرماید: آری، بلکه لباس نازک پوشیدن در آن موقع هم مانعی ندارد. "

مرحوم صاحب جواهر از علمای بزرگ شیعه می فرمایند:

" کسی که اراده تزویج نموده ، می تواند به صورت ، و دست ها ، موی سر و محل زینت زن نگاه کند؛ با توجه به مطالب فوق، مطالعه حضوری از نظر دیدن و کسب اطلاعات قبل از ازدواج اگر هدف ازدواج باشد نه کسب لذت، بلامانع است. چنانچه پس از بررسی های لازم با هدف ازدواج، مرد به جایی رسید که دختر مورد مطالعه اش مناسب نیست؛ در آن موقع می تواند مطالعه روی فرد دیگری انجام دهد. اگر دختر مناسب تشخیص داده شد، اقدامات بعدی برای قبول پیشنهاد از طرف دختر و خانواده وی، انجام می گیرد. بنابراین پس از آن که پسر در انتخاب مصمم شد ، موضوع به اطلاع خانواده دختر می رسد. پس از آن، تحقیقات دختر و خانواده وی برای شناخت پسر شروع می شود. و همان مرحله را که پسر طی کرده ، توسط خانواده دختر انجام می گیرد. نتیجه بررسی ها به خانواده پسر اعلام و در صورت پذیرش پیشنهاد ، خواستگاری انجام می شود. برای انجام این امر معمولاً افرادی مجرب و محترم از سوی خانواده پسر و به طریق اولی پدر و مادر با اطلاع قبلی برای طرح موضوع با خانواده دختر تماس می گیرند و جلسه ای تحت عنوان " بله برون" در خانه دختر منعقد می گردد. در این جلسه از سوی پدر و مادر یا بزرگان فامیل پسر، موضوع خواستگاری از دختر مطرح می گردد و پس از قبول، قرار مراسم عقد و نامزدی گذاشته می شود. از این زمان به بعد و قبل از مراسم عقد معاشرت های خانواده دو طرف و نیز دختر و پسر کم و بیش وجود دارد؛ ولی این وضع چندان به طول نمی کشد و مراسم عقد برگزار می گردد.

### **ب: برگزاری مراسم عقد**

مراسم عقد و نامزدی با جشن مختصری با شرکت خویشاوندان نزدیک دو طرف انجام می گیرد. در این مراسم صیغه شرعی عقد جاری می شود و از این تاریخ دختر و پسر محرم ، و شرعاً زن و شوهرند؛ ولی برابر عرف ، زمان رسمی زناشویی پس از مراسم عروسی آغاز می شود. ( معمولاً در زمان عقد ، تاریخ عروسی مشخص می شود).

مراسم عقد باید بدون تشریفات و با حداقل هزینه انجام گیرد. برگزاری مراسم عقد به معنای کامل ازدواج نیست.

### **هدف از دوره عقد عبارت است از:**

1- آشنایی کامل دختر و پسر و ارزیابی نتایج و بررسی های مرحله اول ازدواج.

2- تصمیم‌گیری نهایی براساس نتایج ارزیابی شده جهت برگزاری مراسم عروسی.

### برنامه های دوران عقد

دوره عقد نباید آنقدر کوتاه باشد که شناسایی لازم میسر نگردد و نه خیلی طولانی شود که در صورت تشخیص عدم مناسب بودن پیوند زناشویی، قطع آن، ضایعات بیشتری داشته باشد. دوره عقد سه ماه تا یک سال پیشنهاد می‌شود و به منظور تکمیل اطلاعات قبل از ازدواج انجام می‌گیرد.

### برنامه هایی که در دوره عقد باید انجام گیرد، در دو زمینه است:



1- معاشرت دختر و پسر در حدی که سنت ایرانی ایجاب می‌کند (در این دوره رابطه زناشویی به معنای زمان عروسی وجود نخواهد داشت).

2- معاشرت با خانواده و خویشاوندان طرفین به منظور شناخت بیشتر و تکمیل اطلاعات زمان قبل از عقد.

**هدف از معاشرت دختر و پسر شناخت طرفین از جهات مختلف می‌باشد. در این دوره همسران باید یکدیگر را ارزیابی نمایند و در نظر داشته باشند که آنان باید یک عمر با هم زندگی کنند و ضمن سرنوشت مشترک، دارای فرزند شوند.**

معمولاً شناخت در دو بُعد انجام می‌گیرد: بعد عینی و بعد ذهنی؛ مطالعه عینی نظیر طبقه اجتماعی، تحصیلات، سن، مسائل اقتصادی و نظایر آن در دوره بررسی‌های اولیه انجام گرفته و تکمیل آن مشکلی در بر ندارد. هدف اصلی معاشرت در دوره عقد، شناخت ابعاد اخلاقی و روانی است که ضمن معاشرت توسط طرفین از جهات مختلف ارزیابی گردد.

هدف از معاشرت با خویشاوندان آن است که طرفین با فرهنگ و اخلاق فامیل هم آشنا گردند. خویشاوندان بخصوص اقوام درجه یک و دو در زندگی به علت معاشرت و دید و بازدیدها نقش مهمی دارند. بنابراین در دوره عقد، طرفین دید و بازدیدهایی با اقوام و خویشان خود صورت می‌دهند تا از این جهت بخشی از مسائلی که با زندگی آنان ارتباط دارد، ارزیابی گردد و نتایج حاصل در تصمیم‌گیری مورد توجه قرار گیرد.

### تصمیم‌گیری نهایی

پس از گذراندن دوران عقد زمان تصمیم‌گیری نهایی فرا می‌رسد. چنانچه مشکل اساسی در سازش و هماهنگی در این دوران به وجود نیاید، به مبارکی و میمنت، عروسی انجام می‌شود و زندگی شیرین زناشویی آغاز می‌گردد. اما اگر بررسی در مرحله اول ازدواج به درستی انجام نشده باشد؛ و در طول دوران عقد با مطالعه تکمیلی،

طرفین به جایی برسند که مشکلات اصلی لاینحلی وجود دارد و ازدواج مناسبی نیست؛ برگشت از نیمه راه به نفع آنها خواهد بود. مسائلی وجود دارد که پس از مدتی حل می شود؛ اما برخی از آنها مانند اعتیاد، انحرافات جنسی، و ناهنجاری های روانی به سادگی قابل حل نیست. در این گونه موارد به تمام دختران و پسران توصیه می شود که شرایط عقد را طوری قرار دهند که قبل از عروسی امکان به هم زدن عقد از هر دو طرف وجود داشته باشد. بدیهی است تا جایی که امکان سازش یا اصلاح باشد؛ به هم زدن عقد مفید فایده نخواهد بود. زیرا دختر و پسری که چند ماه باهم معاشرت و رفت و آمد داشته اند در صورت به هم زدن عقد از اعتبار و ارزش آنان ( به ویژه دختر) کاسته می شود.

### در اینجا چند نکته مهم قابل تذکر است:

1- با همه تجدد و غرب گرایی در برخی از خانواده ها، هنوز هم بسیاری از مردان ایرانی، زنانی را می پسندند که جلف و فرنگی مآب نباشند و پوشش و حجاب خود را رعایت کنند. این اظهار به وسیله اکثر مردان به زبان می آید که زن خوب آن است که او را آفتاب و مهتاب ندیده باشد.

2- بررسی و تحقیق در دوران قبل از عقد باید چنان کامل و با دقت انجام گیرد که احتمال به هم خوردن به حداقل برسد؛ زیرا دختری که مدتی با مردی معاشرت داشته است در ازدواج بعدی شانس یافتن همسر مناسب تر برای او کم می شود. به علاوه خود این موضوع هم برای پسر و هم برای دختر یک شکست محسوب می شود و در موقعیت های بعدی آنان اثر منفی می گذارد.

3- جدایی زمانی مجاز است که مشکلات موجود به هیچ وجه قابل اصلاح نباشد و گرنه طلاق عوارض شکننده ای نظیر احساس شکست، تأسف، عصبانیت و ناراحتی های روحی و مشکلات اجتماعی و مالی به دنبال دارد که گاه با همه دردها و ناراحتی ها، ادامه زندگی زناشویی را توجیه می نماید.

4- دختران باید توجه داشته باشند که رفتار و حرکات آنان در روزهای اولیه آشنایی و زمان عقد در اعماق روح همسر آینده آنان اثر می گذارد؛ و با توجه به این که هرگونه حرکت جلف یا لباس نامتناسب رشته ای از ریسمان غیرت مرد را پاره می کند، باید نسبت به اعمال و رفتار خود دقت لازم به خرج دهند و در نظر داشته باشند که با وجود تأثیر فرهنگ غرب در مردان ما، هنوز هم غیرت و حفظ ناموس در زوایای ذهن آنان وجود دارد. مرد ایرانی حتی اگر سالها در غرب زندگی کند زنهای بی بند و بار آنجا را نمی پسندد. اکثر آنها برای ازدواج به ایران رو می آورند و با این که ممکن است در کشور بیگانه زندگی کنند، ولی همسر خود را ایرانی ( که پابند به مسائل ناموسی باشد ) انتخاب می کنند.

### یک همسر مناسب چه خصوصیاتی دارد؟

لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت نوزدهم )



در قسمت قبل به هدف های انحرافی ازدواج پرداختیم. اینک در ادامه می خوانیم ...

### راهنمایی و مشاوره برای انتخاب همسر مناسب

و لی آن که معیار های مناسبی برای انتخاب همسر در دست باشد، به پاره ای از ویژگی های یک همسر شایسته اشاره می شود:

### خصوصیات شوهر شایسته

**1- دینت و تقوی :** شوهری که متدین و با تقوی باشد، حقوق همسرش را حفظ می کند و هیچ گاه در پی هوس های نامشروع نیست، به او احترام می گذارد و از هرگونه ستم احتراز ( دوری ) می کند.

امام باقر (ع) می فرماید: " شاید تکی دلماد در تقوا و دیانت و امانت او نهفته است؛ هر کس واجد این شرایط باشد درخواست وی را بپذیرید."

**2- حسن خلق:** یکی از ویژگی های شوهر شایسته آن است که از نظر اخلاقی مهربان، خوشرو و نسبت به همسرش دوستی مخلص باشد.

حضرت رسول (ص) می فرماید : هرگاه فردی به خواستگاری دخترتان آمد که از نظر دین و اخلاق شما را راضی می کرد دخترتان را به ازدواج او در آورید.

**3- قناعت و تلاشگر :** شوهر باید برای تأمین نیازمندی های مادی و معنوی خانواده اش کوشش و فعالیت نماید. بهترین شوهر کسی است که در خانه بنشیند و همسرش را برای تهیه مایحتاج خانه به کار وادارد.

**4- عفت زبان :** بیان، یکی از عوامل تشکیل دهنده شخصیت است. کسی که در گفتار با کلمات نهن آمیز و فحش و ناسزا دیگران را بیازارد، عفت زبان ندارد. چنین فردی قبل از هر کس همسرش را مودحمله قرار دهد و بر او برهر چه بگوید که طلق مثیلی نیندبده

دندان گویی می پردازد. بنا بر این، داشتن عفت زبانی از خصوصیات یک شوهر شایسته است.



**5- سخاوت :** فردی که خست و بغیرا بر خود و دیگران روا دارد، شوهر خوبی نخواهد بود. بخشش و فراهم کردن رفاه و توسعه دادن به زندگی خانواده از طریق مال حلال و دست و دل نیا بودن، از خصوصیات یک شوهر خوب است. تهیه هدیه و کادو برای همسر از اعمالی است که یک شوهر شایسته به مناسبت های مختلف انجام می دهد.

**6- مهمان نوازی :** مردی که نان خانه اش را کسی ندیده و در منزلش را به روی دوستان و اقوام ببندد همسر خوبی نخواهد بود. این مرد باید بداند همش که بخانه پدر و مادر رفته و با خویشاوندانش معاشرت و رفت و آمد نداشته، نمی تواند با آنان قطع رابطه کند. بنابراین مهمان نوازی و معاشرت با خویشاوندان از صفات یک شوهر خوب است.

**7- راستگویی :** هر مائظری که شوهر متوقع است همش راست بگوید، خوشی نیز باید به وضع ظاهر ریسور نظر لبلی و ظقت هفتک لایفینماید. خیلی از مردان به وضع ظاهر خود توجه ندارند و همیشه مورد انتقاد و اعتراض همسر خود قرار می گیرند.

**8- مین بودن :** مرد باید از هرگونه پنهان کاری یا عدم صداقت با همسرش بگریزد؛ زن، امنی او و او، امنی زن است. در این صورت که زندگی، سعادت و خوشبختی را به دنبال خواهد داشت.

**9- اصالت و نجابت خانوادگی :** از ویژگی هایی که در شوهر اهمیت خاص دارد، یکی وراثت و دیگری محیط است که اصالت خانوادگی هر دو را در بر دارد. بنابراین دختران باید در نظر داشته باشند که شوهری رگزینند که از یک خانواده نجیب و خوشنام بوده و در یک محیط خانوادگی سالم بزرگ شده باشد.





**10- عاقی و خردمند :** کپی زل و بیژگی هلی شوهر شایسته، دانشش هس و ذک و کلهی و تخصصی سلت. چدن شوهری آموزش لازم برای اشتغال به کسب حلال را دیده؛ و هر اندازه علم و کمالش بیشتر، و هوش و درایتش زیادتیر باشد، شایسته تر خواهد بود.

**خدا می تو نگه که زن باید ز زواج با مردی که دارای ضد ارزش های زیر است، خودداری کند.**

1- شرابخوار؛

2- بد اخلاق؛

3- بد چشم و بی بند و بار؛

4- بدبین ("سوء ظن"، نه "غیرت")؛

5- خسیس؛

6- بدون احساس مسئولیت؛

7- تنبل؛

8- سفیه و ناهنجار؛



**خصوصیات زن شایسته**

**1- همه‌نگی باشوهر :** برای حفظ هر نظامی هماهنگی ضروری است. بنابراین چنانچه زن با شوهر هماهنگی نداشته باشد و از او تبعیت ننماید، نظام خانواده به هم خواهد خورد. بدیهی ملت هماهنگی زن با شوهر در امری ملت که در لاج‌زمن نطق و وظیفه نباشد، و متقابلاً شوهر نیز باید در این هماهنگی، مقابله به مثل نماید.

**2- تمکین تلفظ نیازجنسی :** یکی از نگره‌های مهم زناور لاج نیاز جنسی است که ضرورت دارد طرفین در ارضای این نیاز اقدام کنند.

**3- زینت و آرایش و بی‌شوهر :** زن باید بر روی جلب توجه شوهر به نظافت و آرایش خود رسید و لباس آراسته بپوشد. انجام این امر به قدری مهم است که در بعضی از موارد به از هم پاشیدگی اساس خانواده می‌انجامد. در اینجا لازم به یادآوری است که هیچ شوهری از زنی که برای دیگران خودآرایی و خودنمایی کند، خوشش نمی‌آید.

**4- داشتن و شی‌منسلب :** زنی باید بدن خود را نامحرم بپوشاند. یکی از عللی که در غرب بنیان خانواده را سست کرده و از هم گسیخته، خودنمایی زنان با بدن‌های عریان است. مردان ایرانی، حتی افراد بی‌بند و بار و به اصطلاح متجدد، زنی را که با اندام بدون پوشش و لباس‌های کوتاه و تنگ در برابر نامحرم ظاهر شود، برای همسری نمی‌پسندند.

**5- داشتن جمال و کمال :** زن باید از نظر فیزیکی سالم، و از نظر زیبایی مورد پسند همسرش قرار گیرد. همسر زیبا و سالم با داشتن خصوصیات خلقی مناسب و سایر شایستگی‌ها، نعمتی است که مافوق آن متصور نیست.

**6- طباک خانوگی :** چون **وراثت و تربیت** اساس رفتار انسان را تشکیل می‌دهد، بنابراین منظور از اصالت خانوادگی آن است که دختر در خانواده‌ای مؤمن و با فرهنگ تربیت شده و از نظر وراثت نیز زمینه داشته باشد؛ در این صورت متعلق به اخلاق حسنه خواهد بود.

**7- عاقل و خردمند :** زنی که **عقل و خرد** با مردی مصاحبت دارد، باید باهوش و خردمند باشد. عقل و خرد از ویژگی‌های زن شایسته است.

اموالومنین علی (ع) فرمود: **زناور لاج بزنی که کم‌خودد است خودد را بکشد.** زیرا مصاحبت او گرفتاری سختی است و فرزندان او ضایع و مهمل خواهند بود.

و توضیح این مطلب باید گفت چون **وراثت و میزان هوش** مؤثر است بنابراین احتمال کم‌هوشی در کودکان بوالدین کونی و کم‌هوش زیادتر است. وانگهی زن بی‌سواد یا کم‌سواد قادر به رفع نیازهای خانوادگی و به ویژه **مسائل تربیتی فرزندان** نخواهد بود.

**8- دیانت و تقوی و حسن خلق :** همانطور که دیانت و تقوی و حسن خلق از **معیارهای شوهر** شایسته است، برای زن نیز از جمله حسنات و ضوابط شایستگی به شمار می‌رود.

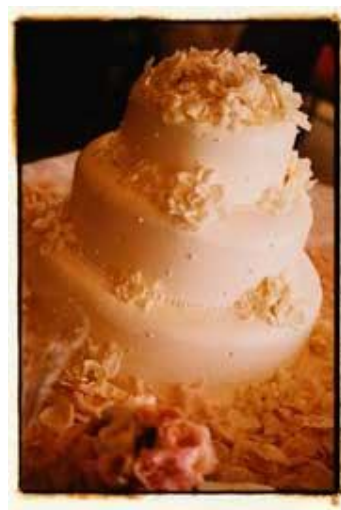


بنابراین از ازدواج با زنی که واجد ضد ارزش های زیر باشد، باید خودداری کرد:

- 1- بی بند و بار؛
- 2- بی حجاب؛
- 3- بد اخلاق و عبوس؛
- 4- بی عفت؛
- 5- سفیه و ناهنجار؛
- 6- خودپسند و از خود راضی؛
- 7- کینه توز؛
- 8- لجباز و ناسازگار؛
- 9- بد زبان و درشت گفتار.

## ازدواج با هدف های انحرافی

لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت هجدهم )



در قسمت قبل به مواردی که باید در طی مراسم عروسی در نظر گرفت پرداختیم . اینک در ادامه می خوانیم...

**هدف های ازدواج:**



ابتدا مشاور باید بررسی نماید که هدف‌های واقعی ازدواج، مورد نظر مراجع هست یا خیر. چنانچه مراجع در انتخاب هوسنتک تأمل و عمل یا عملی ضعیف قرار گرفته است، مشاور باید او را به هدف‌های ازدواج در ارتباط با ارضای نیازهای روانی و جسمانی و داشتن یک زندگی خوشایند و لذتبخش و با ثبات توجه دهد و نتیجه‌گرایش فعلی او را در رابطه با اهداف هیجانی ازدواج بسنجد. و این رابطه مهم آنست که با استفاده از روش غومنتدیم، عواملی که موجب راجع را منصرف ساخته، تقویت یابد و شخصاً و جهت انتخاب منطبق بدین حیطه نماید. بدین جهت برای حصول به این هدف، مشاور باید وقت بیشتری بگذارد و از فنون و روش‌های مختلف استفاده کند تا بتواند در تغییر مسیر مراجع تأثیر بگذارد.

**فنون و روش‌هایی که در این مورد می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد به شرح زیر است:**

- **دختران کم‌سن و سال (در سن دبیرستان) غالباً بدون توجه به کلیه عوامل مؤثر در ازدواج و تنها تحت تأثیر یک یا چند عاملی مورد علاقه خود به پسر یا مردی خاص اظهار علاقه می‌کنند.** در چنین مواردی مشاور باید علاوه بر آن که مراجع را به کلیه عوامل مؤثر در ازدواج توجه می‌دهد، او را از مخاطرات همسرگزینی باک‌په‌بر که خصوصیت‌گناه‌سازد. بلید از پدر و مادر او کمک بگیرد و ضمن مشاوره با مراجع، والدینش را قبل از وقوع حوادث در جریان قرار دهد.

- **پدران و مادرانی که روی عقاید خاص، دختران و پسران خود را مجبور به انتخاب همسر می‌کنند، باید مورد مشورت قرار گیرند.** به این گونه پدران و مادران باید مفهوم ازدواج و هدف‌های آن تفهیم گردد و ضمن طرح موارد مشابه و نتایج شوم حاصله، به آنان بصیرت داده شود، تا از فشار بر جوانان (که تنها همسر پیشنهادی آنان را قبول کنند) دست بردارند.

- **پدیده می‌خواهد برای پسرش همسری انتخاب کند که مطیع محض او باشد (به جای همسر کلفت بگیرد).** قوم و قبایله‌ای که ظرشان در روابط جصلحو و تندی سلت یا کسانی که به خاطر ثروت ازدواج می‌کنند، بهتر است و آیرسین به هدف خود وسیله دیگری را برگزینند. مشاور با روش‌های مختلف باید به این قبیل افراد، اهمیت امر زناشویی را تفهیم کند و راه‌هایی که می‌تواند هدف آنان را تأمین کند نشان دهد.



- **دختران یا پسرانی که تحت تأثیر عناوین علمی یا شغلی، یا به خاطر زیبایی طرف مقابل بدون احتساب سایر عوامل مؤثر در ازدواج به انتخاب می‌پردازند، نیل به مشاوره دلیند.** عنوان علمی و شغلی، یا زیبایی از عوامل مهم و مؤثر به شمار می‌رود؛ ولی مهمتر از آن نادیده گرفتن عوامل اخلاقی و فرهنگی و سن ازدواج و سایر عوامل است که احتمال وقوع ازدواج لذت‌بخش و خوشایند را کاهش می‌دهد. مشاور خانواده باید این گونه مراجعان را به ظرات یک بعدی نگرستن در ازدواج توجه دهد، و سعی کند اهمیت سایر عوامل مؤثر در زناشویی را نیز به آنان تفهیم نماید.

- **دختران و پسرانی که به خاطر هنر، استعداد و نبوغ، لباس، ظواهر و قهرمانی فریفته ازدواج می‌شوند و سایر جنبه‌ها را نادیده می‌گیرند نیز باید با موارد مشابه که زناشویی موفق نبوده، مواجه گردند و با بحث و بررسی، آگاهی کافی در مورد عواقب نامطلوب نادیده گرفتن عوامل مهم زناشویی به آنان داده شود تا بینش لازم را به دست آورند و بتوانند تصمیم عاقلانه بگیرند.**

- **فردی که هدف آنان از ازدواج سوء استفاده است.** چون ویژگی های اخلاقی و شخصیتی در طول زمان ایجاد می شود و بری طراح آن به زعم زیبایی نیاز فته، بناوان مشاور رن باید با استفاده از فنون و روش های متفکر و ثقیل ج شامته مشاوره نسبت به طراح رفتار آن گونه افراد اقل نما ینهمچنین باید به مراجعانی که ممکن است طعمه این افراد قرار گیرند اطلاعات لازم داده شود

## عواملی که سبب از هم گسیختگی خانواده می شود لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت بیستم )



در قسمت قبل به ویژگی های همسر شایسته پرداختیم . اینک در ادامه می خوانیم...

### ساختار خانواده و همسر گزینی

ساختار یعنی مجموعه ای از اجزای به هم پیوسته. هر یک از اجزا دارای یک کارکرد است که نتیجه مثبت برای کل مجموعه دارد؛ حال اگر این مجموعه ( خانواده ) از ساختار مطلوبی برخوردار نباشد، نابسامانی ها و از هم گسیختگی هایی به شرح زیر پیدا می کند:

- 1- انکار:** خانواده های نابسامان مسائل خود را انکار می کنند؛ به همین جهت مشکلات آنها حل نمی شود.
- 2- ارضا نشدن نیاز اعضای خانواده:** در خانواده ی مسئله دار نیاز فرزندان و سایر اعضای خانواده بر آورده نمی شود؛ به همین جهت در این خانواده جو نامطلوبی حاکم است.
- 3- فقدان انعطاف:** در خانواده های بی سامان برخوردهای خشک و بی روح وجود دارد و اعضای خانواده در رابطه با مسائل رفتاری از انعطاف لازم برخوردار نیستند.
- 4- فقدان صمیمیت:** در خانواده های نابسامان صمیمیت وجود ندارد و اعضای خانواده ظاهر و باطن واحد ندارند و ترس و دورویی و در پاره ی موارد خجالت حاکم است و از مهربانی و الفت خبری نیست.
- 5- روابط نامطلوب:** در این گونه خانواده ها رفتارهای ضد و نقیض به چشم می خورد؛ افراد با هم به مخالفت بر می خیزند و ارتباط انسانی وجود ندارد.

**6- حاکمیت مقررات خشک:** مقررات خشک و لا یتغیّر از سوی رئیس خانواده ابلاغ می شود و کلیه اعضای خانواده ملزم به اجرای آن هستند.

**7- جنگ قدرت و نبود آزادی:** در چنین خانواده هایی بین اعضای آنها همواره جنگ قدرت وجود دارد؛ و از آزادی و دموکراسی خبری نیست. ساختار خانواده، بر عدم اعتماد و سرزنش و انتقاد اعضا از هم پا گرفته است.

**انتخاب همسر** در این گونه خانواده ها به دلیل قرار گرفتن در چنین ساختار نامناسبی ، احتمال موفقیت کمتری دارد؛ بنابراین در زمان همسرگزینی، شناسایی جو حاکم بر خانواده از اهمیت خاص برخوردار است. همچنین انتخاب همسر از خانواده هایی که بی بند و بار و دارای اعتیادهای مختلف، اشتغالات و سرگرمی های نامشروع نظیر قمار و پارتی های شبانه و سایر مظاهر و مفاسد غربی می باشند مشکل است. انتخاب باید با تأمل و بررسی همه جانبه انجام گیرد و کسی که با چنین فرهنگی غریبه باشد و بدون مطالعه دست به انتخاب بزند ، فرصت بهره مندی از زندگی شاد را نخواهد داشت.



### نقش دختر در رابطه با همسریابی

دختران در رابطه با جذب پسران برای خواستگاری خود باید اصولی را رعایت کنند. بعضی از دختران با حرکات جلف و زننده یا نشان دادن اعضاء و اندام و یا آرایش و زیورآلات خود می خواهند توجه پسران را به خود جلب کنند و بدین طریق خواستگاری برای خود پیدا نمایند. غافل از این که چنین حرکتی نه تنها پسران را مجذوب آنان نمی سازد ، بلکه آنان را برای همیشه از خواستگاری نیز منصرف می نماید. ممکن است پسران بی بند و باری به طور موقت و برای خوشگذرانی به چنین دخترانی روی آورند؛ ولی پس از مدتی معاشرت ، برای همیشه آنان را ترک می نمایند. این اصول باید با موازین شرعی و شرایط فرهنگی منطبق باشد. برخی از آنها را به شرح زیر گروه بندی می کنیم:

1- پسر، برای دختری که با تلاش و کوشش به دست آورده بیشتر ارزش قائل است؛ از این رو از دختری که آسان به دست آمده باشد، خوشش نمی آید؛ بنابراین دختران نباید خود را سهل و آسان به دست پسران بسپارند. این موضوع پس از ازدواج نیز ممکن است در روابط آنان تأثیر بگذارد و شوهر ارزش لازم را برای همسرش قائل نباشد. دختران باید متانت خود را حفظ کنند و تا تمایلی به آنان نشان داده شد ، فوری و بدون هیچ

تشریفات خود را به دست پسران نسپارند. تمام تشریفات اعم از خواستگاری ، مراسم عقد و عروسی در حد متعارف باید انجام شود.

2- دخترها باید در مجامع و برخوردها با لباس کاملاً پوشیده حضور یابند و با وقار رفتار کنند و در نظر داشته باشند که پسران با وجود غیرت مردانه از دخترانی که جلف و بد حجاب باشند ، خوششان نمی آید و در نهایت دختران نجیب و متین را انتخاب می کنند.

3- بیان و اخلاق خوب، گرم و صمیمی بودن از ویژگی هایی است که مردان را جلب می کند؛ بنابراین دخترانی مورد توجه قرار می گیرند که در رفتار و کردار آنان بدون تخطی از موازین شرعی این خصوصیات دیده می شود.

4- معمولاً پسرانی که در صدد انتخاب همسر می باشند در مورد کسانی که با دختر مورد نظر در تماس هستند تحقیق می کنند. بنابراین دختران نباید با خدشه دار کردن حیثیت خود و تماس مستقیم با پسران، خود را برای جلب خواستگار عرضه نمایند. رفتارهای مناسب در مجالس و محافل زنانه و مردانه ، معرف **شخصیت** آنان است و در صورتی که این گونه رفتارها سنجیده باشد پسران را به طرف آنان جلب خواهد نمود.



5- دختران قبل از ازدواج و در طول دوران نامزدی نباید آرایش کنند. این عمل نه تنها به زیبایی و طراوت شان لطمه می زند، بلکه آنان را در نظر پسران بی مقدار می نماید. علاوه بر این استفاده از زینت آلات بی مورد و آویزان کردن اشیاء مختلف که نشانگر کمبود شخصیت است از ارزش و احترام آنان می کاهد.

6- عده ای از دختران با پوشیدن لباس های مدل دار و به اصطلاح مدهای رنگارنگ و یا بیرون گذاشتن مو و یا پوشیدن لباس های تنگ می خواهند پسران را به خود جلب کنند. این گونه رفتار ممکن است توجه پسران بی بند و بار را برای یک تفریح موقت جلب کند؛ ولی چنین دختری را برای همسری انتخاب نخواهند نمود. استفاده از لباس های ساده و متعارف بدون هیچ پیرایه ای بهترین وسیله برای جذب پسران است.

دختران در مجالس مختلط مرد و زن نباید با صدای بلند و غیر عادی و با قهقهه و خنده های بی مورد و شوخی های بی جا و به اصطلاح مزه پراندن و غیره جلب توجه کنند. حُجَب زنانه در فرهنگ ایرانی ارزش خاصی دارد. رعایت وقار و متانت در کلاس های مختلط دانشگاهی نیز وسیله مؤثری برای مجذوب کردن پسران است.



7- بعضی دختران در مجالس عروسی به این عنوان که زمان شادی است و باید به گرمی مجلس کمک کرد، دست به حرکات جلف می زنند. این نوع رفتار ولو مجلس زنانه باشد، پسندیده نیست و از قدر و ارزش آنان می کاهد.

8- احتمال دارد پسران بی بند و بار و هرزه از دختران جلف و بی بند و بار استقبال کنند؛ ولی باید در نظر داشت که این گونه پسران از ازدواج هدف مقدس ندارند و دیر یا زود به دنبال هوسرانی های دیگر خواهند رفت و در نهایت دختر، خود و خانواده اش را در منجلاب فساد و بدبختی گرفتار خواهد نمود.

### پرسش هایی چند در مورد همسر گزینی

#### دختران برای جلب توجه پسران به دو طریق عمل می کنند:

گروهی با پوشیدن لباس های جلف، و با ادا و اطوار ناهنجار، آرایش و به کار بردن زینت آلات، پسران را به طرف خود جلب می کنند.

گروهی دیگر به جای عرضه جسم و ظواهر هوس انگیز، در مجامع بسیار سنجیده، موقر و کاملاً پوشیده (با رعایت ضوابط شرعی) ظاهر می شوند. اینان در مواقع مقتضی علم و هنر خود را از طریق بیان، شعر و نقاشی و کار دستی، نوشته، مناظره ارائه می نمایند.

حال سؤال این است: شما به عنوان مردی که قصد ازدواج دارد، کدامیک از دو گروه فوق را به همسری انتخاب می کنید؟

و سؤال دیگر از دختر یا زنی است که می خواهد شوهر کند. به نظر شما کدامیک از دو گروه فوق موفق ترند؟

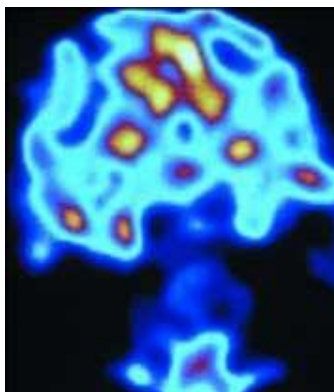
### ازدواج از راه دور

گاهی اوقات خواستگاری به سراغ دختری می آید و اظهار می دارد پسر من مهندس و دارای شغل آبرومند و درآمد زیاد در (فرضاً) آلمان است. او به عللی به ایران نمی آید، ولی زن ایرانی می خواهد و مشخصاتی که داده به دختر شما می خورد. پسر من خوش اخلاق است، خوش تیپ است، بذله گو است و... وکالت داده است تا دختر شما را به عقد او درآوریم تا راهی آلمان شود و به خانه بخت برود. دختر و خانواده او هم با سابقه ذهنی از مهندس پُر درآمد، خوش تیپ و خوش اخلاق خواستگاری را می پذیرند و دختر راهی فرنگ می شود. به محض ورود به آنجا تمام بهشت موعودی که در ذهن داشت نقش بر آب می گردد. عاقبت چنین ازدواجی را می توانید حدس بزنید.

مواردی نیز پیش می آید که مردی به قصد ازدواج با دختر ایرانی راهی ایران می شود. ظرف مدت چند روز که در وطن اقامت دارد دختری را به عقد خود در می آورد و راهی دنیای غرب می شود. دختر و خانواده اش هم به دلخوشی عناوین و ظواهر رضایت می دهند. پس از ورود به کشور بیگانه و چندی بعد به علل مختلف، ناسازگاری شروع می شود و بالاخره کار به جایی می رسد که عروس خانم با تلخکامی و صرف هزینه با عنوان زن مطلقه به خانه پدر برمی گردد. او دیگر یک بیوه زن شکست خورده است و ارزش و اعتبار اولیه را از دست داده و در خانواده پدری نیز احساس وابستگی گذشته را ندارد.

با این همه ، موارد فوق قابل پذیرش است. در مواردی ازدواج با مقاصد شومی صورت می گیرد؛ مثلاً مردی را بدون ازدواج، اجازه مسافرت به خارج نمی دهند. هدف او خروج از کشور است؛ بنابراین زنی را وسیله قرار می دهد و پشت مرز او را رها می کند یا فرد دیگری دختران و زنان ساده لوحی را برای مقاصد سود آور به عنوان ازدواج به خارج از کشور می کشاند و...

## صرع و ازدواج



وقتی یک فرد مصروع تصمیم به ازدواج می گیرد، سؤالات متفاوتی برای وی وجود دارد. از جمله این که آیا می تواند ازدواج کند یا خیر؟ آیا بیماری او به فرزندش نیز به ارث می رسد؟ و... ابتدا باید به این مسئله توجه داشته باشیم که اگر یک فرد عادی با شرایط طبیعی بچه دار شود، احتمال این که فرزندش دچار صرع شود ، حدود نیم درصد است. حال اگر مادری مبتلا به صرع باشد، به دلیل آن که صرع طبعاً سراسر ژنتیکی هم دارد، احتمال ابتلای کودک به صرع، حدود 5 درصد است. علی رغم این مسئله باید در نظر داشت که به احتمال 95 درصد ، مادر مصروع کودک سالمی را به دنیا می آورد و این شانس بسیار بالایی است.

**به فری که مبتلا به صرع است ، توصیه می شود قبل از ازدواج ، تحت مشاوره (خصوصاً مشاوره ژنتیک) قرار گیرد و در طی دوران بارداری حتماً تحت نظر پزشک زنان و متخصص مغز و اعصاب قرار گیرد تا بدین ترتیب هرگونه احتمال خطر برای کودک وی از بین برود.**

بین ترتیب با بررسی صحیح و منطقی این مسئله ، بیماران مصروع می توانند یک زندگی و ازدواج موفق داشته و فرزندان سالمی به دنیا آورند.

برخی از انواع بیماری صرع اساس ژنتیک شناخته شده ای دارند (مانند صرع کوچک) که ما می دانیم ممکن است به ارث برسند. ولی برخی دیگر از انواع آن اساس ژنتیک ندارند. مثلاً اگر فردی در اثر ضربه مغزی دچار بیمار صرع گردد، هیچ گونه علت ژنتیکی در این مورد وجود ندارد. یا اگر کودکی در جریان زایمان دچار مشکلاتی از قبیل نرسیدن اکسیژن به مغز شود ، احتمال ابتلای وی به صرع در آینده وجود دارد. ولی چنانچه عوامل بیرونی موجب به وجود آمدن این اختلال باشد، این بیماری به فرزند به ارث نمی رسد.

خوشبختانه در صرع، مواردی که علل ژنتیک ندارند کم نیستند و در برخی از مواقع می توان گفت انواع صرع اساس ژنتیک ندارد.

ضمناً توجه به این نکته ضروری است که علی رغم اینکه این بیماری متأسفانه خوشنام نیست و افراد جامعه عقاید نادرستی در مورد آن دارند، ولی باید یاد بگیریم که آن را آگاهانه بشناسیم.

هر بیماری مزمن شرایط اجتناب ناپذیری عطا می کند و این امر می کند که لازم است کیفیت زندگی در آن بررسی گردد.

صرع، اختلالی است که در آن تخلیه ناگهانی انرژی در مغز صورت می گیرد و می تواند با اختلال حسی، حرکتی و رفتاری توأم گردد که وقتی تخلیه امواج به صورت عمومی باشد، موجب حذف هوشیاری و شکل عمومی تشنج می شود و وقتی هوشیاری کاملاً از بین نرود به صورت تشنج موضعی، ساده یا پیچیده بروز می کند.

صرع به عنوان یک بیماری مزمن، نمی توان حملات را پیش بینی کرد و همیشه دغدغه لحاظ با فرآیند شروع وجود دارد. در هرین سلسله عوامل مهمی ترکیب فیتزگی مصروعین (در کودکان و بزرگسالان) وجود دارد که به آنها اشاره می کنیم:



### کیفیت مراقبت در کودکان

مهمترین مشکل در کودکان این است که افزایش یا کاهش بیش از حد مراقبت در آنان می تواند در کیفیت زندگی آنها تأثیر بگذارد. این مسئله به خصوص در مادران وجود دارد که به علت علاقه شدید به فرزندشان می توانند در این مسئله سهم به سزایی داشته باشند.

### - کیفیت آموزش

لکن آموزش و این مورد باید دقت و توجه ویژه داشته باشد. زیرا آموزش مناسب می تواند در ادامه زندگی فرد تأثیر به سزایی داشته باشد.

### ازدواج مصروعین

فرد مصروع نباید بیماری خود را در زمان ازدواج کتمان نماید و باید حقیقت را با صداقت به همسر آینده خود بگوید و با پزشک خود مشاوره ای را انجام دهد.

### بارداری فرد مصروع

بهتر بی‌شک در بارداری این است که قبل از بارداری برنامه ریزی صحیحی در این مورد وجود داشته باشد و فرد مصروع این مسئله را با پزشک خود و پزشک زنان در میان گذارد تا در لوی مناسبی بی‌شک تجویز گردد و طول دوران بارداری تا حد ممکن تاگر حاصل شد مشکلی بی‌شک وجود ندارد به وجود می‌آید با بررسی‌ها بی‌شک انجام گرفته بتوان بر خورد مناسبی با این مسئله داشت.

داروها نیز در حین بارداری اده پیدا می‌کند و نحوه زایمان هم بنا به تصمیم پزشک است. بعد از زایمان نیز مادر می‌تواند به فرزند خود شیر دهد زیرا مصرف داروها تأثیر منفی در فرزند ندارد، بلکه نتیجه به این مسئله منوطی است که گمانه‌پرداز در دوران بارداری بدون مشاوره پزشک، خودسرانه داروی خود را قطع نماید و دچار حمله تشنج گردد، این امر می‌تواند برای وی خطرناک باشد.



### ازدواج مصروعین از دیدگاه روان پزشکی

روان‌پزشک تقی‌کلی‌بی‌را در مورد مشکلات و بیماری‌هایی که در کنار صرع وجود دارد، ایفای کرد و می‌تواند در مورد اخلاق دروپی (تداخل عصبی و اثر داروها با یکدیگر) جهت درمان بیماری‌های همراه با صرع، راهنمایی و مشاوره به بیمار، همسر و خانواده او ارائه دهد.

یکی از مشکلات عمده، نگرش‌ها، دانش‌ها و باورهای غلط فرد یا خانواده یا خانواده همسر او در مورد بیماری است. حتی علاوه بر آنها، این باورهای غلط در خود پزشکان نیز در مورد ازدواج یک فرد مصروع می‌تواند وجود داشته باشد.

مسئله دیگری این است که بی‌شک از افراد ازدواج اینده، شفا و راه‌های طبیعی مشکلات خود می‌دانند و فکر می‌کنند هر مشکل روانی- جسمی که وجود داشته باشد، ناشی از فشارها و مشکلات جنسی است و به دنبال آن حکم ازدواج را صادر می‌کنند.

در زمان مشاوره روان‌پزشکی، پزشک ابتدا به نگرش‌های فرد توجه می‌نماید. به این که آیا این نگرش‌ها به ازدواج فرد صدمه می‌زند؟ در غیر این صورت فرد را مجاز به ازدواج می‌داند. و من مسئله‌ای که پزشک مد نظر قرار می‌دهد، این است که آیا بیماری‌های همراه در یکی از طرفین وجود دارد یا خیر؟ نکته دیگری که در این نوع باید به آن توجه نمود کفایت

روایی - عظمی بیمار ملت وان که آیا فرد مصروعی که حملات وی کنترل شده و مانعی برای ازدواج ندارد، کفایت همسری، پدر یا مادر بودن، بارداری و ... را دارد یا خیر؟!

کته بیواکل پی وهم در **مشاور قبل و بعد از ازدواج**، آموزش‌های جنسی است که متأسفانه در کشور در مورد آن سکوت می‌شود و حتی پدر و مادرها نیز نوعی خودسانسوری را وان مورد پیش می‌گیرند. لذا بهترین زمان اطلاعات گرفتن از بیماران، راجع به مسائل جنسی، زمان شروع بحث خواستگاری و ازدواج است که بسیاری از مراجعین در مورد این موضوع یا اطلاعات ندارند یا اطلاعات غلطی دارند.

بناوان کل کردن ری آ موش هلیچ نسی، شناخت فرد روی فیزیولوژی خود، اطلاعات هورمونی، اطلاعات آناتومی، اطلاعات رول شدن نختی، نورل بار دای شدن نخت دارها، اثت ل بر ری بود ری وجین و... موضوعی هستند که و قبل نه امیتوان اطلاع مربوط به مسایل زناشویی، آموزش های جنسی و به ویژه جلوگیری از بارداری را به مراجعین راه که هر ماه ه لوسل هلی ولیه لین افراد باید از بچه دار شدن جلوگیری نمایند و چگونگی تأثیر این **داروها** بعد از ازدواج نیز بررسی گردد.

## اهمیت مشاوره برای انتخاب همسر ایده آل لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت بیست و دوم )



در قسمت قبل به چند **رهنمود در انتخاب همسر** اشاره نمودیم ، اینک در ادامه می خوانیم.

مراجعاتی هستند که در انتخاب همسر به صورت ایده آلی فکر می کنند و چنانچه معیارهای ازدواج با ایده آل آنها تطبیق نکند، آن را رد می کنند. لازم است به این مراجع به طور مستقیم تفهیم گردد که به ندرت مواردی پیش می آید که همه شرایط به طور کامل فراهم باشد، زیرا **معیارهای مورد توجه در همسر** گزینی نسبی است. یکی از راه هایی که وجود دارد، آن است که به عوامل مختلف امتیاز داده شود و براساس مجموع امتیازات انتخاب صورت گیرد. در این روش باید به این نکته توجه شود که امتیاز یک عامل، عامل دیگری کاملاً نپوشاند ( مثلاً سطح تحصیلات ، امتیاز سن را نپوشاند ) زیرا عامل سن نقش مهمی در زندگی زناشویی دارد. در انتخاب همسر هر عاملی به تنهایی باید از حداقل امتیاز برخوردار باشد تا جمع امتیازات مبنایی برای مقایسه و انتخاب قرار گیرد.

بسیار دیده شده است که دخترانی زیبا و واحد همه شرایط به علت در نظر گرفتن ضوابط ایده آلی در انتخاب همسر، خواستگاران زیادی را رد کرده اند و با بالا رفتن سن به اصطلاح پیر دختر شده اند و دیگر کسی به سراغ آنها نیامده؛ ناچار به ازدواج نامناسبی تن در داده اند. همچنین در مورد پسران که در خواستگاری از دخترانی با ضوابط ایده آلی موفق به ازدواج نشده اند، با گذشت زمان با حالت سرخورده از ازدواج منصرف شده و تمام عمر را به تنهایی گذرانده اند، یا به ازدواج نامناسبی رضایت داده و تمام عمر را در زندگی زناشویی ناشادی به سر برده اند.



مشاوران باید با مقایسه موارد ناموفق، مراجعان را به سوی واقعیت سوق دهند؛ و توقع آنان را تا حد معقول و عملی تعدیل کنند و از بین موارد موجود به انتخاب احسن بپردازند. در ایران رسم است که دختران یک خانواده به ترتیب **سن ازدواج** کنند و چنانچه یکی از دختران بزرگتر به عللی در خانه بماند و خواهران کوچکتر ازدواج کنند، این امر برای آن دختر و خانواده مصیبتی است. این وضعیت از نظر روانی خرد کننده است و خردکنندگی آن بیش از آنچه مربوط به اصل موضوع باشد به طعنه و نیش زبان های دیگران برمی گردد که چرا خواهران کوچک او عروس شده اند و برای او **خواستگار** پیدا نشده است؛ حتماً او عیبی دارد؛ یا ...

در این موارد ممکن است تحت فشارهای اجتماعی و رسم های سنتی ازدواج نامناسبی انجام گیرد. دختری که خواهران کوچک او عروس شده اند برای رهایی از طعنه و سرزنش و تهمت دیگران یا برای رهایی از مزاحمت ها و نظره های افراد ناباب و بوالهوس، احتمال دارد به ازدواج غیرمعقولی دست بزند و عمری را ناشاد به سر برد؛ چنانچه این دختر به موقع تحت شرایط عادی به انتخاب می پرداخت، گرفتار حالتی این چنین نمی شد. مشاوران به چنین دخترانی باید توصیه نمایند، **از ازدواجی که در آن ناهماهنگی های بارز وجود دارد، پرهیز کنند و فشار اجتماعی را تا فراهم شدن شرایط نسبتاً مناسب تحمل کنند و به محض ایجاد امکان با دیده اغماض و انعطاف برای ازدواج اقدام کنند.**



### مشاوره با نوعروس و تازه داماد

اغلب با نوعروس ها و تازه دامادهایی مواجه می شویم که پس از چند ماه یا چند هفته زندگی مشترک اختلافشان شروع و گاه به مراحل حادی منجر می شود. روزهای اول ازدواج معمولاً توأم با عشق و دلدادگی است و جاذبه های جنسی روی تمام نابرابری های دیگر سرپوش می گذارد؛ ولی پس از مدتی که انگیزه های جنسی ، **عشق** و دلدادگی ، قدرت نخستین خود را از دست داد؛ عوامل دیگر خودنمایی می کند. در این دوره است که مشاور نقش مهمی به عهده دارد. **مشاوران در مواجهه با چنین مراجعانی با توجه به مقتضیات و شرایط هر مورد باید از روش های متفاوتی استفاده نمایند. برای توجیه مطلب به چند مورد اشاره می شود:**



1- دختر و پسر همه جهات را رعایت نموده و انتخاب مناسب نموده اند، ولی مشکلی که دارند تطابق و سازگاری آنان با شرایط جدید است. آنها از خانواده جدا شده و ارتباط خود را با پدر، مادر، خواهران و برادران از دست داده اند. آنها مسئولیت جدیدی را پذیرفته اند و گاه از شهر و دیار و والدین خود نیز دور شده اند. مشاور در ارتباط با چنین مراجعانی که بهتر است در یک جلسه سه نفری ( مشاور، نوعروس و تازه داماد) انجام گیرد، باید مراجعان خود را در سازگاری با شرایط جدید و در نظر گرفتن عوامل تداوم زناشویی یاری نماید.

2- در مورد زن و مردی که انتخاب مناسب نداشته اند، مثل دختر 18 ساله ای که با مرد 40 ساله ازدواج نموده و پس از مدتی متوجه شده که شوهر وی پاسخگوی نیازهای روانی و جنسی وی نمی باشد ، زندگی زناشویی به محیط سرد و ناشادی تبدیل می شود. در این موارد مشاور باید زوج ها را به تعدیل تمایلات و ارضای نیازها یا استفاده از برنامه های جبرانی متوجه سازد. در مورد شوهر مسنی که با دختری کم سن و سال

ازدواج نموده، پر کردن اوقات فراغت وی با برنامه های مورد علاقه همسرش نظیر مسافرت کردن، برنامه های هنری و ورزشی، مفید خواهد بود.

## رهنمودهای چندی در انتخاب همسر لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت بیست و یکم )



در قسمت قبل به عواملی که سبب از هم گسیختگی خانواده می شود پرداختیم. اینک در ادامه می خوانیم...

در زندگی زناشویی حالات متفاوتی وجود دارد. بعضی از خانواده ها در شرایط مطلوبی به سر می برند و از زندگی زناشویی خود لذت می برند و از نظر روانی شاد هستند؛ و بهترین زمان زندگی آنان وقتی است که زن و شوهر و بچه ها در خانه دور هم جمع می شوند. برعکس خانواده هایی هستند که بدترین لحظات زندگی آنها ساعاتی است که در خانه می گذرد و محیط خانه محل مشاجره و ناسازگاری بین زن و شوهر و احتمالاً بچه هاست. وضعیتی بین دو حالت نیز با تفاوت هایی دیده می شود. در اینجا یک پرسش مطرح است:

### چرا بعضی از خانواده هایی که خانه آنها محل جنگ و دعواست و در زندگی زناشویی ناشاد و ناراحتند، مبادرت به طلاق نمی کنند؟

خانواده هایی وجود دارند که یک عمر را با یکدیگر به حالت قهر و آشتی و ستیز می گذرانند، ولی حاضر به طلاق نیستند. یکی از علل تحمل این شرایط مشکلاتی است که پس از طلاق وجود دارد. در جامعه ایرانی زن بیوه به عنوان کالای دست دوم محسوب می شود و خریدار زیادی ندارد؛ وانگهی داوطلبان ازدواج زنان بیوه معمولاً از شرایط پایین تری برخوردارند، در نتیجه بسیاری از زنان بیوه تا آخر عمر یا تنها می مانند یا نمی توانند همسر مورد نظر خود را به دست بیاورند. مسئله دیگر وضعیت بچه ها است. مادر از نظر عاطفی حاضر به جدا شدن از فرزندانش نیست. پدر نیز به خاطر تأمین هزینه زندگی بچه ها در کنار مادر مطلقه، حاضر به تحویل بچه به مادرش نیست. مشکل دیگر تربیت بچه ها در کنار مادر خوانده یا پدرخوانده است که مشکلات زیاد عاطفی و تربیتی در پی دارد.



مسائل مطروحه بالا و مشکلات روانی و مالی دیگر موجب می شود که بسیاری از زن و شوهرها با شرایط نامساعد زندگی خود بسازند و به طلاق تن در ندهند چون در صورت طلاق، مشکلات و شرایط بدتری را خواهند داشت.

### برای آن که زندگی زناشویی تداوم یابد، موارد زیر توصیه می شود:

1- برای آنکه بتوانید همسر مناسب انتخاب کنید و زندگی شاد و خوش خود را تا پایان عمر حفظ نمایید، به خانواده هایی که در حوزه اقوام و دوستان شما از زندگی شاد و خوبی برخوردارند، مراجعه نمایید و رمز انتخاب مناسب و توفیقات زندگی زناشویی را از آنان بخواهید. مراجعه به چند خانواده و مقایسه عوامل توفیق آنها، راهنمایی برای شما در انتخاب همسر مناسب و ادامه **زندگی شاد و موفق** خواهد بود.

2- به مردان و زنان مطلقه مراجعه نمایید و علل طلاق و شرایط بعد از طلاق را از آنان بخواهید و پس از مقایسه از عواملی که شرایط طلاق و یا زندگی بعد از آن را فراهم آورده، اجتناب کنید.

3- وضعیت خانواده هایی که بی سامان و آشفته اند، ولی در شرایط نامساعد و ناشادی، زندگی زناشویی را تحمل می کنند بررسی نمایید و پس از کسب اطلاعات مورد نظر ضمن کمک های لازم به آنان، برای زندگی آینده خود با توجه به اطلاعات مکتسبه، با بینش و بصیرت برنامه ریزی نمایید. قبل از انتخاب همسر، روزی را در نظر بیاورید که احتمال دارد برای جدایی در جاده پرخطر دادگاه مدنی خاص طی طریق کنید یا الزاماً در طول عمر زندگی ناشادی را تحمل نمایید.

4- قبل از انتخاب همسر، خود را کاملاً بشناسید. این که در چه موقعیتی هستید، چه خصوصیتی دارید، در چه خانواده ای بزرگ شده اید، شرایط سنی شما چیست، از چه فرهنگی برخوردارید و ... مسلماً همسر شما باید در زمینه های مختلف هم وزن شما باشد. پس شناسایی او نیز در ابعاد مختلف ضرورت دارد. از آن جا که انسان ها، خواست ها و نیازهای درونی گوناگونی دارند و تا زمانی که در پی شناخت نیازها و بررسی نقاط قوت و ضعف خود نباشند، با هر فردی در برابر خود، حتی بهترین موجود روی زمین دچار مشکل خواهند شد، بنابراین شناخت خود، پیش از شناخت شریک زندگی یا هر کس دیگر ضرورت دارد. حل بحران هویت، یکی از اساسی ترین راهها برای گام نهادن در آغاز یک زندگی مشترک است.

5- در آخرین لحظات **انتخاب همسر**، دستخوش احساسات نشوید و در صورت کوچکترین احتمال عدم ناسازگاری و نامناسب بودن موضوع، به مشاور خانواده مراجعه نمایید و مطمئن باشید که او در انتخاب احسن به شما کمک خواهد نمود.



### مشاوره در انتخاب همسر

چون مسئله ازدواج و انتخاب همسر از اهمیت ویژه ای برخوردار است ، لذا مراجعان زیادی برای حل مشکلات خود به مشاوران خانواده مراجعه می نمایند. پرسش هایی چند در این زمینه مطرح است:

- آیا احمد برای همسری من مناسب است؟
  - بین احمد و تقی و علی کدامیک را انتخاب کنم؟
  - نسرين با این خصوصیات برای همسری من خوب است؟
  - زهرا بسیار زیبا است ولی بد اخلاق است؛ آیا او را به همسری انتخاب کنم؟
  - من از نظر مالی فقیرم ولی لیسانس دارم، مریم ثروتمند و چند سال از من بزرگتر است، می خواهم او را به همسری برگزینم . نظر شما چیست؟
  - همسر اول من فوت کرده و از او دو فرزند دارم. دختر 18 ساله همسایه را به همسری انتخاب کنم یا خیر؟ پدرش به این امر راضی است.
  - محمود و فاطمه یکدیگر را دوست دارند و تصمیم به ازدواج گرفته اند ، ولی خویشاوندان آنها مخالفند . آنان از مشاور می خواهند آنان را در رفع این مشکل کمک نماید.
- مراجعان زیادی در انتخاب همسر مشکل دارند و نوع مشکل و شرایط هر یک از آنان با دیگری متفاوت است. مشاور در این میان چه باید بکند؟



## اصول کلی زیر می تواند راهنمایی برای مشاوران در رابطه با کمک به مراجعان در امر انتخاب همسر باشد:

- 1- اصول کلی مشاوره در زمینه ایجاد رابطه ی حسنه و گوش دادن به مراجع و سایر فنون باید در مشاوره های خانواده نیز به کار گرفته شود.
- 2- در مورد کمک به مراجع در انتخاب همسر، باید وضعیت و شرایط هر یک از طرفین ( زن و مرد ) در زمینه های مختلف اجتماعی ، فرهنگی ، سیاسی ، تحصیلات ، اقتصادی ، اخلاقی ، روانی ، شغل ، سن ، خصوصیات جسمانی و ژنتیک بررسی و مقایسه شود. چنانچه هماهنگی وجود داشت، ضمن بصیرت دادن به مراجع ، توصیه لازم به عمل آید.
- 3- معمولاً برای مشاوره در امر انتخاب یکی از طرفین، دختر یا پسر مراجعه می کند. گاه لازم می شود که با طرفین مشاوره انجام شود؛ در این صورت پس از رضایت مراجع، مشاوره با طرف مقابل نیز انجام گیرد.
- 4- آنچه در انتخاب همسر از اهمیت ویژه ای برخوردار است ، موضوع خصوصیات اخلاقی و روانی است. سایر عوامل عینی است و شناخت آن نیاز به زمان زیادی ندارد. در مورد ویژگی های اخلاقی و روانی ، گاه ایجاب می کند که تست های شخصیتی و رفتاری به کار برده شود. در این موارد در صورت رضایت مراجع ، مشاور باید اقدام کند.
- 5- مواردی مشاهده می شود که اختلاف در یک زمینه خاص بسیار زیاد است: مثلاً **اختلاف سن طرفین**. مشاور نباید فوری موضوع را غیر قابل بررسی و آن را نامناسب اعلام کند ، بلکه باید موضوع از جهات مختلف بررسی گردد. گاه خود مراجع به این نتیجه می رسد که این ازدواج مناسب نیست ؛ گاه نیز ممکن است نظر مراجع تغییر کند و راه های جدیدی پیشنهاد گردد.
- 6- مراجعانی هستند که تصمیم به ازدواج گرفته اند و با بررسی های انجام شده ازدواج آنان مناسب تشخیص داده شده است، ولی به علت مشکلات مالی طفره می روند و در انجام ازدواج تردید دارند. در این موارد مشاور می تواند با بررسی های همه جانبه در رفع مشکل آنان بکوشد. یکی از این موارد حذف تشریفات زاید و پر خرج عقد و عروسی و تهیه جهیزه گرانبها و خریدهای بی مورد است. مسئله دیگر مسکن و اشتغال می باشد که باید در این زمینه بررسی هایی انجام گیرد. گاه این مشکل با کوچ به شهرستان ها یا کاریابی، از سوی مشاور قابل حل است. بنابراین باید مشاور و مراجع همه زمینه ها را بررسی کنند، سپس به تصمیم گیری مناسب پردازند.
- 7- دخترانی هستند که از بین چند نفر که تقریباً وضع مشابهی دارند، می خواهند یکی را انتخاب کنند. مشاور باید عوامل مختلف مؤثر در ازدواج را در هر یک با نظر مراجع بررسی و اولویت ها را مشخص نماید؛ و حتی می تواند با امتیازبندی این عمل را دقیق تر انجام دهد تا بالاخره با نظر مراجع به انتخاب احسن برسد. بدیهی است در نهایت تصمیم گیری به عهده مراجع خواهد بود.



8- در انتخاب همسر مراجعانی وجود دارند که ثروت و زیبایی که ارضا کننده سریعتری است؛ برای آنان درصدهای عوامل قرار دارد و احتمال آن می رود که تحت تأثیر آنها ، عوامل مهمتر را نادیده بگیرند. در این موارد مشاور باید آنان را به اهمیت عوامل دیگر توجه دهد و متذکر گردد که زیبایی و ثروت مهم است؛ ولی آنچه از آن مهمتر است، عوامل فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی و تحصیلات و در مجموع توجه به کلیه این عوامل است نه صرفاً دو عامل مذکور.

9- مراجعانی که به علت فوت همسر اول ، قصد ازدواج با همسر دوم دارند ؛ که این دو حالت دارد: گاه مراجع مرد است و می خواهد زن بگیرد و گاه مراجع زن است که به علت فوت همسر یا مطلقه شدن می خواهد شوهر کند. در هر دو حالت مشاور باید آنان را توجه دهد که شرایط آنان در ازدواج دوم با شرایط ازدواج اول متفاوت است. داشتن فرزند و یا بالا رفتن سن و در مورد زنان مسئله بیوگی ، خود وضعیت جدیدی برای آنان ایجاد کرده است که باید بدان توجه کنند و در انتخاب، سهل تر عمل نمایند. شاید ازدواج این گونه زن و مرد ( خواستگار ازدواج دوم ) در صورت هماهنگی شرایط دیگر، مشکلات کمتری داشته باشد.

10- مردانی هستند که با وجود داشتن زن، قصد ازدواج دوم دارند. چنین ازدواجی در مورد بعضی از مردان نظیر موردی که زن اول آنان عقیم یا مشکلات فیزیولوژیکی و مشابه آن دارد، ممکن است با رضایت زن اول قابل توجه باشد. به هر حال مشاور باید موضوع را بررسی کند و چنانچه انجام امر از روی بوالهوسگی باشد، جوانب امر از نظر شرایط بعدی با مراجع در میان گذاشته شود و دو حالت زندگی با زن موجود و زندگی با دو زن در طول عمر مقایسه گردد؛ چه بسا مراجع از قصد خود منصرف شود. در حالی که هوس او بر نظر مشاور بچربد و اقدام به ازدواج دوم نماید؛ بر مشاور است که در شکست های بعد نیز در جهت مناسب او را راهنمایی کند. مشاور باید متذکر گردد با این که در شرع مقدس اسلام به ملاحظات اجتماعی **تعدد زوجات** جایز است ، ولی در فرهنگ ایرانی دارای مقبولیت اجتماعی نیست. از این رو در نظر گرفتن شرایط فرهنگی و تبعیت از آن از اصولی است که مشاور باید آن را مورد توجه قرار دهد.

11- مشاوران باید توجه داشته باشند که کمک به امر ازدواج و پیوند زناشویی مناسب، از ثواب عظیمی برخوردار است. بنابراین باید در این مورد بیش از هر عملی تلاش نمایند، وقت صرف کنند، حوصله به خرج دهند تا مرد و زنی را به پیوند زناشویی شایسته ای

برسانند. در مورد ثواب و اجر اخروي کمک به امر زناشويي ، به ذکر حديث زیر از نبي اکرم (ص) مبادرت مي گردد:

**هر کس مقدمات ازدواج دو نفر را فراهم نماید، خداوند او را با زنان بهشتي تزويج مي فرمايد و به هر قدمي که برداشته و به هر کلمه اي که در این مورد بیان داشته است، پروردگار عالم ، پاداش یک سال عبادت را براي وي مرحمت مي فرمايد.**

## توصیه ها و شرایط مشاور در امر ازدواج لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت بیست و سوم )



در قسمت قبل به اهمیت مشاور برای انتخاب همسر ایده آل پرداختیم . اینک در ادامه می خوانیم...

مشاوره در هر امری ضروری است ولی در مورد ازدواج به علت اهمیت موضوع ضرورت بیشتری دارد. به همین علت کمتر کسی بدون مشورت با دیگران به انتخاب همسر و پیوند زناشویی مبادرت می کند. در این مورد آنچه اهمیت دارد انتخاب مشاور است. اکثر جوانانی که قصد ازدواج دارند برای مشورت در انتخاب همسر و تشکیل خانواده به پدر، مادر، مادر بزرگ، پدر بزرگ، عمه، عمو، خاله و دایی روی می آورند؛ خواه این افراد صلاحیت این کار را داشته باشند یا خیر و مهمتر این که گاه مسئله ازدواج به اجبار و تحمیل انجام می شود. پدری که دنیا را در پول می بیند، همسری را توصیه می کند که پولدار باشد و گاه اصرار او به اندازه ای است که با استفاده از روابط عاطفی ، نظرش را به فرزندش تحمیل می کند. مادری که به خواهرزاده اش قول ازدواج برای پسرش داده از عاطفه مادری خود برای انجام ازدواج از هر شرایطی استفاده می کند و بعداً که زناشویی به ناسازگاری و اوقات تلخی منتهی شد، به نصیحت می پردازد و تقصیر را به گردن این و آن می اندازد. عمه که پیر دختر همسایه را از دیدگاه خود مناسب تشخیص می دهد، به پسر جوان برادرش توصیه و اصرار می کند که این دختر همسایه موقر و خوش اخلاق است و استدلال می کند که من و شوهرم بیست سال تفاوت سن داریم و خیلی هم خوشبختیم و از زندگی خود راضی هستیم. اینها نمونه ای از مشورت های ازدواج است که به هیچ وجه مناسب نیست. حال سؤال این است که **برای ازدواج باید با چه کسی مشورت کرد؟** به عبارت دیگر مشاور در امر ازدواج چه شرایطی باید داشته باشد؟

**شرایط مشاور ازدواج**

مشاور ازدواج باید از دو ویژگی برخوردار باشد: **ویژگی خلقی و شرایط علمی و تخصصی**. مشاور ازدواج از نظر علمی باید حداقل لیسانس و دارای تحصیلات تخصصی مشاوره باشد و در دوره فوق لیسانس واحدهای درسی ویژه مشاوره خانواده را طی کرده و در این زمینه کارآموزی و تجربه لازم کسب کرده باشد. سن در مشاور ازدواج از اهمیت خاصی برخوردار است و بهتر است ازدواج را تجربه کرده و متأهل باشد. از نظر خصوصیات خلقی علاوه بر خصوصیات عمومی مشاوره، مسئله رازداری و ثبات عاطفی نقش مهمتری به عهده دارد. **بنابراین مشاوران ازدواج و خانواده علاوه بر تخصص و ویژگی های شخصی بهتر است سن بالاتری داشته باشند و متأهل و رازدار و از نظر روانی متعادل و از نظر عاطفی با ثبات باشند.**

### توصیه مشاوران در روابط زوجین

برای آنکه زندگی زناشویی از شادی و نشاط لازم برخوردار باشد، زن در برابر شوهر باید اصولی را رعایت کند.

**در توصیه های زیر طرف خطاب زن خانواده است:**



- 1- در کلیه موارد معیشت اعم از تملک و درآمد و غیره از کلمه "ما" استفاده نمایید نه من و تو. پس از عقد، زندگی مشترک شروع شده و دیگر من و تو مطرح نیست.
- 2- در مقابل شوهر خود هر چند حق با شما باشد، لجبازی و اصرار نکنید.
- 3- شوهر خود را بخصوص در مقابل بستگانش تحقیر نکنید و از تعریف و تمجید بستگان خود در مقابل آنان پرهیز نمایید.
- 4- از **مخالفت و مشاجره** با شوهر خود پرهیزید.
- 5- چنانچه کمک هایی از طرف بستگان شما به شوهرتان شده، آنها را به رخ او نکشید.
- 6- با دوستان و آشنایان شوهرتان در معاشرت ها بیش از حد معمول گرم نگیرید.
- 7- شوهر خود را در معاشرت با اقوامش محدود نکنید.
- 8- در رفت و آمد و معاشرت با بستگان شوهر خود پیشقدم باشید.
- 9- به بستگان نزدیک شوهر خود ( مادر شوهر، پدرشوهر، برادر شوهر، خواهرشوهر و ... ) بیش از خویشاوندان دیگر احترام بگذارید.

- 10- زحماتی که برای پذیرایی خویشاوندان شوهر خود متحمل می شوید ، به رخ شوهر خود نکشید.
- 11- چنانچه درآمدي دارید و برای زندگي هزینه می کنید، آن را بازگو نکنید.
- 12- از مردان دیگر نزد شوهرتان تمجید نکنید. هیچ مردی را بر شوهرتان ترجیح ندهید و در گفتار این موضوع را رعایت کنید.
- 13- برای انجام درخواست های خود با شوهرتان با خشونت و آمرانه برخورد ننمایید.
- 14- برای برآوردن نیازمندی های خود از نظر مادي و غیرمادي ، امکانات شوهر خود را در نظر بگیرید و او را تحت فشار نگذارید.
- 15- خود را برای شوهرتان بیارایید و بهترین و تمیزترین لباس خود را در مقابل وی بپوشید.
- 16- در مقابل شوهر خود با حالت افسرده و اخمو حاضر نشوید. او را در موقع ورود به خانه با لبخند و شاد و خندان استقبال کنید.
- 17- پس از مراجعت شوهر خود به خانه کارهای خود را حتی الامکان کنار بگذارید و در حضور او بنشینید و با سخنان خوشایند و با گرمی از او پذیرایی کنید.
- 18- در موقع خروج از خانه او را بدرقه کنید و با گرمی با او خداحافظی کنید.

### رفتار شوهر در قبال زن

همان طور که زن در قبال شوهر وظایفی دارد، شوهر نیز در برابر زن باید اصولی را رعایت کند تا زندگي مشترک آنان از نشاط و وقت خوش برخوردار باشد.



در این قسمت طرف خطاب ، شوهر است و توصیه های زیر از مواردی است که باید مورد توجه و عمل او قرار گیرد:

- 1- در مقابل همسر خود ، گرفتاری های روزانه و حوادث تلخ زندگي را با اخم و حالت عبوس مطرح نکنید.
- 2- "هدیه" مهر و محبت را زیاد می کند؛ به مناسبت های مختلف برای همسر خود هدیه ای ، ولو کوچک خریداری و با حالت شاد و خندان به او تقدیم کنید.

- 3- چنانچه کم و کسری در خدمات خانه وجود دارد، با کمال محبت و خوشرویی تذکر دهید. احم و خشونت زندگی زناشویی را به تباهی می کشاند.
- 4- در حضور همسر خود به هیچ وجه از زنان دیگر تمجید نکنید.
- 5- به بستگان همسر خود مانند پدر، مادر و سایر اقوام خود احترام بگذارید و برای دعوت آنان به خانه ، قبل از همسر خود اقدام کنید.
- 6- هرگز از معاشرت همسر خود با بستگان و خویشاوندانش جلوگیری نکنید و در معاشرت و دید و بازدید با بستگانش پیشقدم باشید.
- 7- در حضور همسر ، با بستگان خود درگوشی سخن نگوئید و نجوا نکنید.
- 8- همسر خود را هیچ گاه، بخصوص نزد بستگانش سرزنش و تحقیر نکنید. توهین و بی احترامی به همسر، از صفا و صمیمت در زندگی زناشویی می کاهد.
- 9- هیچ گاه خود را برتر از همسر خود معرفی نکنید. سعی کنید " من " و " تو" در زندگی نباشد. کلمه " ما" زندگی را گرم و لذتبخش می کند.
- 10- وقتی **همسر** شما عصبانی است؛ او را با مهر و محبت آرام کنید.
- 11- با همسر خود هیچ گاه لجاجت و مشاجره نکنید.
- 12- سعی کنید برای گردش و مهمانی رفتن همراه زن و فرزندان وقت بگذارید و پیشنهاد همسر خود را در این مورد به علت کار و خستگی رد نکنید.
- 13- امتیازات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی فامیل خود را در صورتی که با همسر شما فاصله دارد، مطرح نکنید.
- 14- کارهای همسر خود را تحسین کنید. تمجید و ستایش زن، کلید کامیابی در زندگی زناشویی است.
- 15- در قبال همسر خود در امور مختلف قدرت نمایی نکنید.
- 16- هیچ گاه زحمات و هزینه هایی که برای پذیرایی خویشاوندان همسر خود تقبل می کنید، بر زبان نیاورید و بر او منت نگذارید.
- 17- همسر خود را در خانه محصور و محدود نکنید.
- 18- در مقابل همسر خود شاد و خندان باشید.

### **توصیه مشاوران به مراجعان در آستانه ازدواج**

دختر و پسر دم بخت برای آنکه از نعمت ازدواج مناسب برخوردار گردند، باید اصولی را رعایت کنند. بخشی از مواردی که توسط مشاوران خانواده توصیه می شود، به شرح زیر است:

- 1- در انتخاب همسر عجله و شتاب نکنید. این امر را با بررسی و تحقیق انجام دهید.
- 2- در همسر گزینی وسواس زیاد نداشته باشید. سعی کنید با دید اغماض عوامل مختلف را بررسی و تصمیم گیری نمایید.



- 3- چنانچه پدر و مادر و خانواده های زوجین سختگیری می کنند، برای متقاعد کردن آنان از مشاور خانواده استفاده کنید.
- 4- از ازدواج تحمیلی خودداری کنید.



- 5- مراسم ازدواج را در ایام مبارک و چه بهتر که در روزهای تولد معصومین (ع) انجام دهید و نیت خود را در ازدواج خالص کنید.
- 6- در انتخاب همسر پس از بررسی معیارهای طرف مقابل، وضعیت خود را با آن مقایسه کنید و در صورت هماهنگی تصمیم گیری نمایید. بدون توجه به شرایط خود انتخاب ایده آلی ننمایید.
- 7- در انتخاب همسر از پدر، مادر و خویشاوندان نظرخواهی کنید؛ ولی مواظب باشید که به علت عدم تخصص ممکن است نظر آنان تحت تأثیر معیارهای خاص، مناسب نباشد. حتماً با یک مشاور واجد شرایط در این زمینه مشورت کنید.
- 8- برای شناخت همسر از هر دو روش مستقیم و غیرمستقیم استفاده نمایید و حتماً قبل از خواستگاری به طور مستقیم از طریق مشاهده و گفت و شنود او را شناسایی کنید.
- 9- در انجام ازدواج، مراحل مختلف آن را ضمن پرهیز از هزینه های بی مورد و هرگونه اسراف انجام دهید.
- 10- در مورد مهریه، مراسم ازدواج و جهیزیه سختگیری نکنید؛ تا وضعی پیش نیاید که این امور مانع ازدواج شود و یا طرفین را به زحمت اندازد.
- 11- چون ازدواج یک قرارداد زندگی مشترک است، بنابراین طرفین ازدواج باید هرگونه شرایطی را که در این قرارداد لازم می دانند در عقد نامه ذکر کنند و در این مورد قبلاً توافق نمایند.
- 12- چون مسائل مربوط به ازدواج بسیار حساس و دقیق است و دانستن آنها در تشکیل زندگی شاد و سعادت مند نقش مؤثری دارد؛ لذا شرکت دختران و پسران در کلاس های توجیهی قبل از ازدواج ضرورت دارد.

13- برنامه های دوره آموزشی خانواده، قبل ازدواج باید دختر و پسر را با هدف ها، وظایف و حقوق زندگی مشترک زناشویی آشنا سازد. بنابراین لازم است چنین برنامه هایی حداقل به صورت فوق برنامه و حتی در برنامه های دبیرستان و دانشگاه گنجانده شود.

14- در ازدواج علاوه بر همسر، شناخت بستگان و خویشاوندان وی نیز ضرورت دارد؛ بنابراین وضعیت اقوام و دوستان و بخصوص بستگان نزدیک را در همسر گزینی (تعداد خواهر و برادر) نباید نادیده گرفت.

15- سعی کنید صرفاً تحت تأثیر یک عامل شاخص و برجسته و گول زننده تصمیم گیری ننمایید. در این مورد با توجه به همه عوامل اقدام کنید.

## صدای مشاور" در رابطه با مشاوره خانواده نجوم مشاوره در ازدواج ( قسمت بیست و چهارم )



در قسمت قبل به توصیه ها و شرایط مشاور در امر ازدواج پرداختیم . اینک در ادامه می خوانیم:

یکی از اقدامات مهم سازمان بهزیستی، راه اندازی و توسعه برنامه "صدای مشاور" است. این برنامه که به مشکلات و مسائل مراجعان خود از طریق تلفن پاسخ می دهد؛ می تواند خدمات مفیدی در جهت کمک به خانواده ها ارائه نماید. " صدای مشاور" از تعدادی خط تلفن تشکیل شده که افرادی با تخصص های مختلف مشاوره، از طریق این تلفن ها پاسخگویی سؤالات و مشکلات مراجعان خود می باشند. این برنامه با این که بسیار مفید است، ولی نمی تواند جای مشاوره حضوری را بگیرد چون اصولاً یکی از **مشخصه های مشاوره رو در رو بودن آن است**. بنابراین در جهت تکمیل این برنامه لازم است مراکز مشاوره خانواده نیز در قسمت های مختلف شهر تشکیل شود و **مراجعات تلفنی** به مراکز مذکور ارجاع داده شوند. تشکیل این مراکز در برنامه سازمان بهزیستی قرار گرفته و تعداد محدودی از آنها نیز شروع به کار نموده اند و امید می رود که به تدریج تعداد آنها را افزایش یابد.

در **تماس تلفنی** ایجاد رابطه تنها از طریق بیان و ارتباط کلامی است؛ حال آنکه ارتباط های غیر کلامی بسیار مهمتر و گویاتر است. در مقابل این خصیصه گفته می شود که در برنامه "صدای مشاور" چون مسائل خانواده ها اکثراً جنبه محرمانه دارد، مراجعان به علت عدم حضور، مسائل و مشکلات محرمانه خود را راحت تر بیان می کنند. برای توضیح این مطلب باید گفت چنانچه مشاوره با توجه به اصول و فنون مربوط اجرا شود و رابطه حسنه برقرار گردد، مراجع با کمال راحتی و بدون هیچ شرم حضور مطالب خود را بیان خواهد نمود و مشاور با استفاده از ارتباط های کلامی و غیر کلامی و با کاربرد اصول و فنون مشاوره، حداکثر کمک را در زمینه رفع مشکل به مراجع خواهد نمود.

### مشاوره خانواده

اصول کلی مشاوره، جز آن که کاربرد آنها باید با در نظر گرفتن شرایط و مقتضیات خانواده انجام گیرد معتبر است. مشاوره از نظر تعداد مراجع دو نوع است: **مشاوره فردی و مشاوره گروهی**. در مشاوره خانواده از هر دو نوع مشاوره استفاده می شود؛ ولی اصل بر انجام مشاوره گروهی است، (مشاوره ای که تمام اعضای خانواده در آن شرکت داشته باشند) چون مشکلاتی که در خانواده وجود دارد غالباً به همه اعضا مربوط می شود، بنابراین باید کلیه اعضا از نظر تعیین نوع مشکل، و هدف های مشاوره، در جلسات مشاوره مشارکت داشته باشند و همکاری نمایند. گاه الزاماً مشاوره، "فردی" انجام می شود. مثل **دانشجویی** که از خانواده دور افتاده و به علت فراق و گرفتاری های مربوط به آن دچار ناراحتی و نگرانی است، در این مورد چون خانواده در دسترس نیست الزاماً مشاوره به صورت فردی انجام می گیرد؛ و سپس می توان از طریق تلفن، مکاتبه، دیدار با خانواده یا به صورت های دیگر با اعضای خانواده تماس برقرار کرد.



### مشکلاتی که در خانواده وجود دارد می تواند در ارتباط با افراد زیر باشد:

- 1- فرزندان؛
- 2- پدر و مادر؛
- 3- پدر بزرگ و مادر بزرگ؛
- 4- فامیل و سایر اعضای خانواده.

مشکل درباره هر یک از اعضای خانواده باشد مربوط به ساختار آن است، هر یک از اعضا در ایجاد و رفع مشکل، نقش دارند. بنابراین مشاور باید به انحاء مختلف همه اعضا را به جلسه مشاوره بکشاند، و مشکلات را در جلسات گروهی مطرح نماید.

### نمونه هایی از مسائل خانواده را می توان به شرح زیر برشمرد:

- فرزند عقب مانده ذهنی یا معلول جسمی و حرکتی؛
  - فرزند با رفتارهای انحرافی و ناهنجار ( دزدی ، خرابکاری ، ناسازگاری ، ولگردی ، گوشه گیری ، زورگویی و... ) ؛
  - فرزند فراری از مدرسه ؛
  - فرزند بی علاقه به تحصیل و کار؛
  - ناهنجاری های رفتاری پدر و مادر؛
  - تضاد فکری والدین در امور معیشتی و تربیتی فرزندان؛
  - رفتارهای نادرست پدربزرگ و مادربزرگ در ارتباط با مسائل تربیتی فرزندان؛
  - بیماری و از کارافتادگی پدربزرگ و مادربزرگ و سایر افراد خانواده؛
  - امور مربوط به دید و بازدیدها و مهمانی های فامیل های مادر یا پدر ، و اختلاف نظر مادر یا پدر در این مورد؛
  - روابط ناهنجار مادرشوهر با عروس ، یا برعکس.
- گاهی اوقات مشکلات در ارتباط با حوادثی است که برای خانواده پیش می آید ؛ نظیر بیکار شدن پدر یا مادر، مرگ و میر اعضای خانواده ، بازنشستگی پدر و گرفتاری های مالی، بیماری غیر مترقبه ، متولدین جدید، عروس و داماد شدن فرزندان و نظایر آن. مشاوران باید هر یک از آسیب ها و مشکل ها را جداگانه بررسی نمایند و حتی الامکان در جلسات مشاوره از کلیه اعضای خانواده استفاده کنند.



### روش های مشاوره خانواده

دانستن اصول و روش های مشاوره خانواده به دلیل ساختار خاص و مشکلات و مسائل ویژه آن برای مشاورانی که در این زمینه کار می کنند، ضروری است. در اینجا به اهم روش ها اشاره می شود:

- 1- در نخستین مصاحبه بخصوص در مورد مشکلات کودکان، باید از اشخاص ذیربط از جمله والدین، معلمان و مشاور مدرسه دعوت به عمل آید. در مشاوره خانواده بویژه در جلسه مصاحبه ، حضور همه اعضا و افراد مربوط مورد تأکید است.

2- در مواردی که مشکل خانواده مربوط به فرزندان باشد و موضوع به جایی برسد که کودک باید تست شود؛ بهتر آن است که اعضای خانواده از پشت آینه یک طرفه نحوه اجرا و جریان آزمون را ببینند؛ تا در زمان تجزیه و تحلیل تست آشنایی بیشتری داشته باشند.

3- در مشاوره خانواده بعضی مراجعان اجباراً برای مشاوره ارجاع شده اند؛ نظیر مراجعانی که از طرف مدرسه یا دادگاه مدنی خاص ارجاع می شوند. در این موارد که غالباً مراجعان ناراحت و عصبانی هستند مشاور باید با ایجاد رابطه حسنه، آنان را برای مشاوره آماده نماید و در برخورد با آنان شرایط محیطی را نیز در نظر بگیرد.

4- مراجعانی هستند که مشکلشان در رابطه با خانواده است؛ ولی مایل نیستند اعضای خانواده درگیر مشاوره و درمان شوند. در این موارد مشاور نباید اجازه تصمیم گیری در انتخاب روش مشاوره و درمان را به مراجع بدهد؛ بهتر است او را نیز برای این که روش درمان را بپذیرد، آماده سازد.

5- مراجعانی که اصرار بر مشاوره انفرادی دارند، مصاحبه با آنان باید به تنهایی انجام شود؛ اما ادامه کار طولانی خواهد بود. گاه شروع با مصاحبه انفرادی، فراخواندن افراد ذیربط در جلسات بعدی مصاحبه را دشوارتر می کند و در نتیجه درمان کندتر خواهد بود. شرکت افراد بیشتر در مصاحبه درمان را سریع تر و مؤثرتر می نماید. این مطالب را باید با این قبیل مراجعان در میان گذاشت

## فرایند نخستین مصاحبه در ازدواج لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت بیست و پنجم )



در قسمت قبل به مبحث " **صدای مشاور در رابطه با مشاوره خانواده** " در ارتباط با **مشاوره خانواده** پرداختیم . اینک در ادامه می خوانیم...

در **نخستین مصاحبه** ، معمولاً کلیه اعضای خانواده دعوت می شوند. **فرایند این مصاحبه عبارت است از:**

1- مرحله آشنایی؛

2- بیان و بررسی مشکل؛

3- تعامل ؛

#### 4- تعیین هدف و ایجاد تغییرات مطلوب؛

### 1- مرحله آشنایی

در مرحله آشنایی مشاور باید با استفاده از تعارف های معمول ، رابطه حسنه برقرار نماید. ابتدا خود را معرفی کند و اسامی اعضای خانواده را بپرسد و به هر نحو ممکن جو خودماني و دوستانه ایجاد نماید. ضمناً رعایت نکات زیر ضرورت دارد:

- مشاور باید تمامی رفتارها و نحوه نشستن و سخنان و عکس العمل های افراد گروه را مشاهده نماید تا بتواند به وضعیت خانواده و ترکیب اعضا پی ببرد.

- در مرحله آشنایی، چنانچه از طرف یکی از اعضا مشکل مطرح شود، باید به نحوی که به رابطه حسنه لطمه ای وارد نشود موضوع را متوقف نماید. مرحله بیان مشکل، باید پس از مرحله آشنایی و ایجاد رابطه حسنه انجام گیرد.

- در این مرحله مشاور ضمن مشاهده باید تشخیص دهد چه اعضایی با اکراه آمده اند؛ چه کسانی مصنوعاً خود را خوشحال نشان می دهند و نحوه رفتار اعضای گروه به ویژه رفتار با کودکان چگونه است؛ فرهنگ خانواده چه وضعی دارد. اینها مواردی است که در مشاهده باید مورد توجه قرار گیرد.

- نکته مهم و قابل توجه آن است که مشاور نباید نتایج مشاهدات خود را با خانواده در میان بگذارد.

### 2- مرحله بیان و بررسی مشکل

چون کلیه اعضای خانواده دقیقاً علت دعوت را نمی دانند، در این مرحله مشاور باید سبب تشکیل جلسه را روشن سازد. او باید بگوید، من نظر کلیه اعضای حاضر در جلسه را باید در مورد مشکل مورد نظر بدانم. او می تواند در این مورد با طرح یک پرسش از اعضای گروه بخواهد علت مشکل را بیان کنند، مثلاً بگوید:

مشکل شما چیست؟

از من چه انتظار دارید؟

علت حضور در این جلسه چیست؟

معمولاً مادر یا پدر خانواده در مقام پاسخ به صحبت می پردازند؛ در اینجا بحث بر این است که مشاور خطاب به چه کسی موضوع را مطرح سازد:

خطاب به مادر، پدر بزرگ، فرزندان ،...؟

رفتار مشاور باید با توجه به فرهنگ خانواده و شرایط حاکم بر آن متفاوت باشد؛ ولی طرف خطاب باید فردی باشد که تمام خانواده او را به بزرگی قبول دارند و قدرت تصمیم گیری در دست اوست. در بعضی خانواده ها قدرت دست خانم خانه است، در بعضی خانواده ها پدر ، و در بعضی پدر بزرگ یا مادر بزرگ. آنکه قدرت خانه در دست او است و می تواند اعضا را در جلسه بعد به مشاوره بکشاند، باید در مورد بیان مشکل مورد خطاب واقع شود. اگر مشاور نداند و یا نتواند احساس کند که در خانه تصمیم گیرنده کیست، می تواند نگاهش را به طرف سقف یا زمین متوجه سازد و بگوید چه کسی می

تواند مشکل را بیان کند؟ که در این صورت آن که شروع به صحبت کند، سخنگوی خانواده خواهد بود.

در **مشاوره** ی گروهی خانواده، صحبت باید به نوبت انجام گیرد و اگر کسی بخواهد زیاد صحبت کند و به دیگران فرصت ندهد، باید مشاور به صورتی که طبیعی باشد، با رعایت نوبت، از دیگری درخواست کند که به صحبت بپردازد و اگر یکی صحبت دیگری را قطع کند و به بیان خود ادامه دهد، در نخستین فرصت صحبت را به نفر اول برگرداند. بهتر است صحبت از بزرگ خانواده شروع شود و به **فرزند** دشوار یا فردی که مشکل متناسب به اوست؛ خاتمه یابد. مشکل ، گاه در ارتباط با یک نفر است ، گاه دو، سه نفر و یا بیشتر. هرچه باشد از کلیه اعضای خانواده برای رفع مشکل باید استفاده شود و حتی الامکان همه افراد خانواده به اولین جلسه مشاوره ( یا در صورت ضرورت به تمام جلسات ) کشانده شوند.



### 3- تعامل

در فرایند تعامل، مشاور نقش ناظر و رهبر گروه را به عهده دارد و سعی دارد تا اعضای خانواده را به بحث و گفتگو با یکدیگر بکشانند. این مرحله مهم است که مشاور طوری جلسه را رهبری کند که همه اعضای خانواده با یکدیگر به گفتگو و اظهار نظر بپردازند. چنانچه بحث بین دو نفر به طول انجامید ، مشاور باید نفر سوم را داخل روند گفتگو کند، تا جریان گفتگو از سطح دو نفر خارج شود؛ مثلاً با خطاب به نفر سوم بگوید: نظر شما در مورد بحث این دو نفر چیست؟ بدین طریق مسیر بحث را به نفر بعدی تغییر دهد. مشاور باید ترتیبی دهد که همه اعضا به اظهار نظر بپردازند؛ از جمله به کودکی که احتمالاً مشکل خانواده است، فرصت داده شود تا در مورد مشکل خود و رفع آن اظهار نظر کند.

**مشاور خوب آن است که جلسه را طوری رهبری کند که در پایان جلسه در مورد انتظارات اعضای خانواده وحدت نظر به وجود آید، تا درمان به خوبی انجام گیرد.**

در بحث اعضای خانواده باید از به کار بردن اصطلاحاتی نظیر « **اسکیزوفرنی** » ، « اختلال هویت » و « ضعف نفس » خودداری شود. آنچه مورد بحث قرار می گیرد، رفتارها و ظواهری است که علایم مشکل هستند. به طور کلی می توان گفت مرحله « تعامل »

فرصت دادن به اعضای گروه است به منظور بحث با یکدیگر در مورد مشکل و انتظارات آنان؛ و نقش مشاور رهبري بحث است تا جایی که در نظرات، وحدت به وجود آورد و در نتیجه کار درمان تسهیل گردد.

#### 4- تعیین هدف و ایجاد تغییرات مطلوب

در این مرحله، هدف ادامه مصاحبه در جلسات بعد مشخص می شود. منظور از ایجاد هدف، ایجاد تغییرات مورد انتظاری است که با حصول آنها، مشکل رفع می گردد. اگر مرحله تعامل خوب اداره شده و بین انتظارات خانواده هماهنگی به عمل آمده باشد، تغییرات مورد نظر مشخص می گردد؛ در غیر این صورت به علت عدم همکاری کامل خانواده، شانس موفقیت کمتر خواهد بود. به عنوان مثال اگر تمام اعضای خانواده روی مشکل " دزدی یکی از بچه ها " هماهنگی داشته باشند در این صورت چنانچه تکلیفی از طرف مشاور به آنان داده شود همکاری خواهند کرد و موفقیت درمان بیشتر خواهد بود. نکته دیگر این که باید بین اعضای خانواده و مشاور نیز در مورد مشکل هماهنگی باشد و اعضای خانواده اطلاعات لازم را در اختیار مشاور قرار دهند. پس از تعیین هدف و انتظارات مورد نظر، جلسه مصاحبه با قرار جلسه بعد خاتمه می یابد. مشاور در فاصله دو مصاحبه، تکلیف اعضای خانواده را مشخص می کند و در مورد غایبان جلسه که وجود آنها در جلسه بعد ضرورت دارد، از حاضران درخواست می کند تا آنان را برای حضور در جلسه بعد دعوت نمایند.



#### روان درمانی خانواده

پس از اجرای نخستین مصاحبه و طی مراحل چهارگانه آن یعنی انجام آشنایی، بررسی مشکل، تعامل و تعیین هدف و تغییرات مورد نظر در مصاحبه های بعدی، مسئله درمان مطرح می گردد. هدف درمان خانواده فقط ایجاد تغییر در یک عضو خانواده نیست، بلکه ایجاد تغییر در ساختار خانواده و تسلسل رفتار در بین اعضای آن است. چون درمان در مورد فرد و خانواده نسبت به فرد یا خانواده دیگر متفاوت است؛ و این خود نیاز به بحث مفصل دارد، لذا در این مجمل به ذکر مواردی که پرهیز از آنها ضرورت دارد بسنده می شود:

- مشاور باید از حمایت های مداوم دست بردارد. منظور این است که نباید مشاور در مقابل مرد از زن، و یا از زن در مقابل مرد، و از کودک در مقابل پدر و مادر حمایت کند. حمایت موارد خاصی دارد که آن هم به ضرورت و به ندرت انجام می گیرد.
- مشاور باید از بحث های فلسفی و کلی با مراجع احتراز کند. چنانچه مرد یا زنی، مشاور را به بحث در مورد فلسفه زندگی کشیده اند، باید از آنان بخواهد که در



مورد رفتارهای ملموس و مسائل زندگی خود بحث کنند تا بتواند آنان را به طرف سازگاری بیشتر سوق دهد.

- **مشاور باید از کوچک و بزرگ کردن مشکلات پرهیز کند.** اگر برای تخفیف ناراحتی مراجع مشکل را کوچک کند، مراجع در می باید که او موضوع را درک نکرده؛ و چنانچه مشکل را دشوارتر مطرح کند تا **اضطراب** و ناراحتی مراجع را افزایش خواهد داد. هنر مشاور آن است که موضوع را آن طور که هست دریابد و برای درمان براساس واقعیت اقدام نماید.

- **زمانی که زن و شوهر روی مسائل گسترده و موضوع های کلی بحث می کنند.** مشاور باید آنان را از کلی گویی و طرح مسائل غیر ملموس، به طرح رفتارهای مشخص و ملموس سوق دهد، تا بتواند طرح درمانی و دستورات عمل اصلاحی ارائه و نسبت به رفع مشکلات آنان اقدام کند.

- **مشاور باید از درمان مشابه در مقابل مشکلات مشابه پرهیز کند.** گاهی مشکلات یکسان، ولی علل وجودی آنها متفاوت است. دو کودک که دزدی می کنند، ممکن است علت دزدی یکی، کمبود محبت و علت دزدی دیگری مشکلات مالی باشد؛ که درمان دو مورد متفاوت است. بنابراین چون "معلول مشابه" دارای "علل متفاوت" است؛ طرح های درمانی آنها نیز متفاوت خواهد بود.

- **مشاور باید در روان درمانی خانواده، هدف ها را مشخص سازد.** نامشخص ماندن آنها، راه رسیدن به مقصود را طولانی و گاه دشوار می سازد. بنابراین مشاور باید از ابهام و نامشخص ماندن هدف های درمانی پرهیز کند.

- **مشاور جوانی که خود ازدواج نکرده، نباید در مقابل زن و شوهری که مدت ها با هم زندگی کرده اند و در زناشویی تجربه های زیادی دارند با تکیه بر تخصص خود اظهارات خردمندانه غیر واقعی کند.** او باید خود را در مقابل آنان "فردی که اطلاعات تخصصی دارد"، معرفی کند و اظهار دارد که به عنوان یک مشاور در حد امکان به آنان کمک خواهد نمود.

## مشاوره در ارتباط با حوادث خانوادگی لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت بیست و ششم )



در قسمت قبل به **فرایند نخستین مصاحبه** پرداختیم . اینک در ادامه می خوانیم...

خانواده ها معمولاً با حوادثی مواجه می شوند که آنان را آشفته و پریشان می کند. در پاره ای موارد چنانچه مورد حمایت و کمک قرار نگیرند، ممکن است بعضی از افراد خانواده را تا سر حد جنون سوق دهد. **حوادث و بحران هایی که احتمال دارد در**

#### **خانواده پیش بیاید عبارت اند از:**

- مرگ پدر و مادر ؛
- مرگ پدربزرگ و مادربزرگ و سایر بزرگسالان فامیل ؛
- ازدواج فرزندان و رفتن آنان به شهرها یا کشورهای دیگر؛
- رفتن فرزندان پسر به نظام وظیفه ؛
- بازنشستگی؛
- عروس و داماد شدن فرزندان و تنها شدن زن و شوهر؛
- تغییر در تعداد اعضای خانواده ( افزایش فرزند، برگشت فرزندان بزرگسال مطلقه و بیوه) ؛
- وقوع بیماری حاد.

در این موارد مشاور باید اعضای خانواده را با این حقیقت مواجه سازد که مشکلات مذکور را نمی توان از زندگی خارج ساخت. باید آنها را پذیرفت و خود را با شرایط جدید، سازگار نمود. معمولاً اعضای خانواده در مواجهه با حوادث فوق به سرعت خود را تطابق می دهند ؟ زندگی عادی خود را ادامه می دهند. در مقابل حوادث بالا حوادثی وجود دارد که قابل پیش بینی نیست و اعضای خانواده برای وقوع آنها آمادگی ندارند، از جمله این حوادث عبارت اند از:

- مرگ فرزندان و جوانان خانواده بر اثر تصادف و رخدادهایی نظیر آن؛
- مبتلا شدن فرزندان و جوانان خانواده به بیماری های صعب العلاج و در نهایت فوت آنان؛
- شهید یا اعدام شدن اعضای خانواده؛
- گرفتاری های مالی نظیر اخراج یا بیکار شدن نان آور خانواده؛

- ورشکستگی؛

- خسارات مالی و جانی در اثر **حوادث طبیعی** نظیر زلزله، سیل و طوفان و یا خسارات ناشی از جنگ و غیره.

- مبتلا شدن اعضای خانواده به **اعتیاد**، انحراف های رفتاری نظیر دزدی، آدم کشی، خرابکاری و یا وارد شدن به گروهک های سیاسی و غیره.

در مواجهه با مراجعانی در ارتباط با حوادث و موارد بالا، چنانچه مشاوران ماهرانه و به موقع عمل نمایند، گاه مصیبت وارده به اندازه ای شدید است که احتمال دارد عضو یا اعضای از خانواده را به **خودکشی** یا جنون بکشاند.

روش و نحوه عمل در هر موردی با مورد دیگر متفاوت است، ولی مورد قابل ذکر آن است که باید اعضای خانواده را برای پذیرش وضعیت جدید آماده ساخت و بعد برای غلبه بر آن برنامه ریزی نمود. یکی از اصول **غلبه بر مشکلات**، پذیرفتن مشکل و تشخیص نوع آن است و اقدام بعدی پیدا کردن راه حل برای رفع آن. از جمله اقداماتی که در این مورد قابل طرح است، اشتغال فرد به کارهای مورد علاقه اش می باشد، تا فرصت برای تفکر در مورد حوادث پیش آمده نداشته باشد. این که فرد یا افراد خانواده دست از کار بکشند و در گوشه ای فکر خود را به حوادث مشغول کنند، شیوه ای است بسیار خطرناک، و سرانجام آن **اختلال های روانی** و ناهنجاری های رفتاری است. جبران حادثه و ایجاد فرصت برای عقده گشایی نیز از روش های دیگری است که مشاور می تواند از آن برای تخفیف ناراحتی ها استفاده نماید.

چون نحوه عمل در هر مورد وضعیت خاص خود را می طلبد و بحث در این زمینه مستلزم طرح مطالب مفصلي است که حجم آن، خود می تواند موضوع کتاب جداگانه ای باشد؛ لذا در این مقال به همین اشاره، اکتفا می شود.



### **دستورالعمل مشاوران در ارتباط با بهداشت روانی خانواده**

مشاوران برای حاکمیت جو مناسب در خانواده و تغییر رفتارهایی که موجب آشفتگی و پریشانی آن می شود، باید اطلاعات زیر را در اختیار مراجعان خود قرار دهند:

1- زن و شوهر باید بدانند که اکثر درگیری های آنان به علت سوء تفاهم و نگرش های منفی است؛ بنابراین **خوشبینی** در امور، حلال بسیاری از مشکلات می باشد.

- 2- توجه به جنبه های مثبت در ایجاد جو مناسب در خانواده اهمیت خاصی دارد ، بنابراین زن و شوهر باید از رفتارهای منفی یکدیگر به خاطر رفتارهای مثبت صرفنظر نمایند.
- 3- هر یک از زوجین باید دنیا را از دریچه چشم همسر خود ببیند ، تا توقعات و انتظارات او قابل توجیه باشد.
- 4- مصاحبت و معاشرت در ایجاد تفاهم و فضایی صمیمی و لذت بخش نقش مهمی به عهده دارد. بنابراین زن و شوهر باید با همه ی مشغله ای که دارند ، ترتیبی بدهند که بخشی از اوقات خود را در کنار یکدیگر بگذرانند.
- 5- در بحث و گفتگو ، از قطع کلام همسر خود پرهیز کنند و **با دقت و توجه کامل به سخنان او گوش دهند.**
- 6- به رفتارهای ناخوشایند گذشته و خاطرات بد نباید اشاره یا استناد شود ( چنین رفتارهایی ممکن است در اوایل ازدواج یا قبل و بعد از آن وجود داشته باشد).
- 7- در مقابل خواسته ها و اعمال نظر یکدیگر باید انعطاف پذیری نشان داد. جنگ قدرت و لجاجت ، روابط خانوادگی را آشفته می سازد.
- 8- جلسات خانوادگی تشکیل دهند و **اختلافات** خود را در این جلسات حل نمایند؛ در صورت ضرورت می توانند از یک **مشاور** نیز دعوت کنند.
- و بالاخره دهها مورد دیگر که می تواند در روابط مطلوب خانواده مؤثر باشد، که ذکر کلیه آنها در این مقال نمی گنجد. رعایت این نکته ها، بهشتی در دنیای چهار دیواری خانه ایجاد خواهد نمود که خود می تواند رهنمودی به بهشت آخرت باشد.



### فنون مشاوره خانواده

در مشاوره خانواده از تمام اصول و روش های مشاوره استفاده می گردد ، ولی به علت طبیعت موضوع ، **مشاوره خانواده خود دارای ویژگی هایی است که به مواردی از آنها اشاره می شود:**

- 1- **مشاور** پس از برقراری رابطه حسنه برای شناخت مشکل، پدر، مادر، و سپس دیگر اعضای خانواده را مورد سؤال قرار می دهد و می پرسد " **فکر می کنید مشکل اصلی خانواده شما چیست؟**"
- 2- **مشاور** در جلسه جداگانه ای **چگونگی آشنایی و انگیزه ها و علل ازدواج** زن و شوهر را مورد بررسی قرار می دهد و ریشه اختلافات موجود را جستجو می کند.

3- مشاور می تواند ترتیبی بدهد که صحنه های مشاجره و رفتارهای ناهنجار کلامی و غیر کلامی خانواده را ضبط کند و از طریق نوار ویدئو آن را برای مشاهده اعضای خانواده نمایش دهد. این کار اعضای خانواده را متوجه زشتی رفتار و کردار آنان می سازد و پذیرش دستورالعمل های مشاور را تسهیل می نماید.

4- توجه به حال و آینده: با آن که از نظر بررسی حال و آینده ، گذشته مهم است؛ ولی تکیه زیاد بر آن، در مشاوره خانواده، گاه مشکلاتی ایجاد می نماید. در این مورد توجه به نکات زیر ضروری است:

4-1- در اولین مصاحبه یا ابتدای جلسه مصاحبه ، اطلاع و یادآوری مختصری از گذشته لازم است.

4-2- طرح گذشته زمانی مفید است که حاکی از وضعیت باشد که خانواده مشکلی نداشته؛ و فضای صمیمی و گرمی بر خانواده حاکم بوده است. در این مورد یادآوری آن زمان می تواند انگیزه ای در تغییر وضع موجود باشد.

4-3- در غیر حالت های بالا، حتی الامکان باید از گذشته صرف نظر کرد و توجه را به حال و آینده معطوف ساخت.

5- نزاع بر سر قدرت: چنانچه مشکل زن و شوهر ، موضوع **نزاع** بر سر قدرت در خانواده باشد، مشاور نباید خود را درگیر این مسئله کند؛ زیرا موضوع ایجاب می کند که یکی از دو را رد ، و دیگری را حمایت نماید. مشاور باید نسبت به روشن شدن علت یا علل و ریشه یابی آن اقدام کند و نزاع و اختلاف را که معلول علل دیگری است، به طور ریشه ای حل نماید.

6- اتخاذ مواضع غیر قابل انعطاف: چنانچه زن یا شوهری موضعی اتخاذ کند که حاضر به تغییر آن نباشد؛ مشاور باید او را متوجه سازد که شرط **زندگی شاد** و صمیمی، گذشت و انعطاف است. او باید امکان مذاکره و شناخت راههای انعطاف پذیر و تغییر رفتار زن و شوهر را در جهت یک زندگی گرم و با نشاط بیابد و برای پذیرش آن از سوی اعضای خانواده تلاش کند. او باید متذکر شود که پافشاری روی موضوع خاص ممکن است منجر به خسارات غیر قابل جبران گردد.

7- اظهار انتظارات زن و شوهر: یکی از اموری که مشاور باید بدان توجه کند ، آن است که زن و شوهر را به اظهار انتظارات صریح از یکدیگر ترغیب نکند. در این مورد بهتر آن است که درخواست، به طور غیرمستقیم انجام گیرد. مثلاً به زن گفته شود که در خواست خود را طوری به شوهر خودتان ارائه کنید که منظور شما را پس از قدری تأمل درک کند؛ یا اظهار کنید چنانچه لوستر حال خانه از نوع A باشد زیبایی خاصی به آنجا می دهد. اظهار انتظارات به طور غیرمستقیم ضمن آن که **شوهر** را متوجه موضوع می کند ، به هیچ وجه موجب برانگیختن انگیزه های مقاومت و مخالفت نمی شود و چنانچه در حوزه قدرت وی باشد ، آن کار را انجام خواهد داد و زمینه ای برای ایجاد محیط صفا و صمیمیت ایجاد خواهد کرد.



### خدمات مشاور خانواده در زمینه ازدواج

خدماتی که مشاور در زمینه **انتخاب همسر** و تشکیل خانواده ارائه می نماید در مقالات گذشته ضمن بحث مطالب مختلف بیان شده است. بحث های مطروحه نشانگر آن است که مشاور خانواده در زمینه ازدواج خدمات متعددی ارائه می نماید.

#### مهمترین خدماتی که مشاور در این زمینه انجام می دهد عبارت اند از:

**1- کمک به شناسایی همسر:** مشاور در تمام مراحل که **پسر برای شناخت دختر** و خانواده وی، و دختر برای شناخت پسر و خویشاوندانش اقدام می کند به هر دو یاری می دهد.

**2- کمک به بررسی هماهنگی عوامل مؤثر در ازدواج:** مشاور **عوامل مؤثر در ازدواج** را در رابطه با دختر و پسر بررسی می کند و میزان هماهنگی و ناهماهنگی آنها را در مورد طرفین مشخص و نتایج حاصله را به آنان منتقل می کند. در بررسی هماهنگی ها نباید هیچ عاملی از قلم بیفتد.

**3- راهنمایی جهت انجام تست و تجزیه و تحلیل نتایج آن:** دختر و پسر در جریان مشاوره خانواده ممکن است به جایی برسند که برای شناخت خود در زمینه های مختلف از مشاور بخواهند که در مورد آنها آزمون اجرا کند. این تست ها ممکن است **تست شخصیت، رغبت و یا تست هوش** باشد. بنابراین اجرای تست از طرف مشاور زمانی انجام می شود که مراجعان برای این کار آماده باشند. زمانی است که مشاور اجرای آزمون را ضروری می داند. در این موقع باید هدف مشاوره آماده ساختن دختر یا پسر یا هر دوی آنها برای انجام این کار باشد و تا این آمادگی حاصل نشود، اجرای آزمون مفید فایده نخواهد بود. بدیهی است پس از اجرای آزمون نتایج آن باید توسط مشاور، تفسیر و با زبان ساده به مراجع یا مراجعان منتقل شود.

**4- ارجاع به متخصصان:** یکی از مواردی که مشاور می تواند به مراجع دختر یا پسر در زمینه **ازدواج** کمک کند؛ ارجاع آنان به متخصصان مربوط است. مواردی که مشاور، دختر یا پسر را به متخصص ارجاع می دهد عبارتست از:

- دختر یا پسری که در رابطه با **شناخت همسر** آینده خود از نظر شرعی محتاط و یا در جریان پیوند زناشویی پرسش هایی از نظر اعتقادی برای وی مطرح است، باید به روحانی واجد شرایط ارجاع داده شود.

- زمانی که دختر و پسر خویشاوند بخواهند **ازدواج** کنند و در این مورد مضر باشند، ارجاع آنان برای **مشاوره ژنتیکی** ضروری است.

- در پاره ای موارد نیز برای شناخت **عوامل اخلاقی و روانی** یا بررسی های خانوادگی و فامیلی استفاده از روان شناس بالینی و مددکاری می تواند مفید باشد.

**5- خدمات اطمینان بخشی:** دختر و پسری هستند که مطالعه لازم را انجام داده و پیوند زناشویی را در مورد خود مناسب تشخیص داده اند. معذالک برای آن که نسبت به صحت تصمیم خود مطمئن شوند، به مشاور مراجعه می نمایند. مشاور باید بررسی های لازم را انجام دهد و در صورت تشخیص مناسب بودن امر، آنها را در تصمیمشان اطمینان بخشد. بعضی از **خانواده** ها با وجود شادی و نشاط و حاکمیت روابط صمیمی در خانواده، برای آن که از سلامت کامل روانی و روابط حسنه در خانواده خود مطمئن شوند، سالی یک یا دو نوبت به مشاور مراجعه می کنند. این مراجعان وضعیت خود را با متخصصان در میان می گذارند تا از هرگونه ناراحتی های بعدی پیشگیری نمایند و از سلامت کامل خود مطمئن شوند.

**6- خدمات باز دارنده:** چنانچه ازدواج از سوی پدر و مادر یا دیگران به دختر یا پسر تحمیل شود، یا **ازدواج با هدف های انحرافی** طرح ریزی شده و در شرف انجام است، در این موارد دختر یا پسر یا افراد وابسته به مشاور مراجعه می نمایند و برای جلوگیری از انجام ازدواج کمک می طلبند. مشاور پس از بررسی های لازم چنانچه پیوند زناشویی بین آنان را مناسب تشخیص ندهد؛ باید با دادن اطلاعات لازم به عواملی که در تصمیم گیری ازدواج دخیل هستند، آنان را از انجام امر باز دارد. بدیهی است حق تصمیم گیری با مراجع است و چنانچه با وجود دادن آگاهی های کافی باز هم آنان مضر به انجام **ازدواج** باشند، مشاور در این مورد وظیفه ای ندارد ولی چنانچه بعد از وقوع ازدواج با **مواجه شدن مشکلات** مجدد از او کمک بخواهند، باید آنان را در هر زمان در رفع مشکلات یاری دهد.

**7- خدمات حمایتی:** ازدواج هایی که با هدف های انحرافی یا به صورت تحمیلی انجام می شود؛ ممکن است یکی از **زوجین** دیر یا زود متوجه نامناسب بودن پیوند زناشویی شود و بخواهد تا دیر نشده نسبت به گسستن و جدایی خود اقدام کند. او برای آن که در چنین امری موفق شود به مشاور مراجعه می نماید؛ **مشاور** موضوع را بررسی می کند و چنانچه تصمیم مراجع را مناسب تشخیص دهد با اقدامات حمایتی او را در انجام امر یاری می دهد. در خدمات حمایتی ممکن است در مواردی از طریق وکیل دعاوی و یا از قوانین حمایتی نیز استفاده شود.

خدمات حمایتی در باره سایر اعضای خانواده که چنین مشکلاتی داشته باشند و یا در مواردی که بدون جهت به **فروپاشی خانواده** منجر می شود نیز اعمال می گردد.

گاه پدر و مادر و یا خویشاوندان در انجام ازدواج سختگیری می نمایند مشاور خانواده می تواند با تشکیل جلساتی آنان را برای قبول پیوند زناشویی و برگزاری مراسم آن در حد ضرورت آماده نماید و در برابر پدر و مادر و خویشاوندان از زوجین حمایت کند.

### ادامه دارد ...

در قسمت بعد به لزوم شور و مشورت در خانواده می پردازیم.

منبع : « لزوم مشاوره در آستانه ی ازدواج »

تألیف : سید مهدی حسینی بیرجندی

## شور و مشورت در خانواده

### لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت بیست و هفتم )



در قسمت قبل به مشاوره در رابطه با حوادث خانوادگی پرداختیم . اینک در ادامه می خوانیم ...

در فرایند پیوند زناشویی قول و قرارهایی که قسمتی کتبی و رسمی ، و بخشی ضمنی و اخلاقی است، گذاشته می شود. مواردی که برای دختر و پسر در زمان عقد مطرح است و براساس آن زندگی مشترک آغاز می گردد؛ عبارت اند از :

- زن و مرد در زمان عقد به هم دست بیعت داده و تعهد نموده اند که با وحدت و یگانگی زندگی شادی را تا پایان حیات بگذرانند و در این راه بکوشند.
- آنها تعهد کرده اند برای مصالح مشترک تلاش کنند، در جهت تأمین منافع خانواده بکوشند و در غم و شادی یکدیگر شریک باشند.
- احترام و حقوق یکدیگر را رعایت کنند و از هرگونه رفتار و کرداری که به محبت و الفت آنان لطمه بزند خودداری نمایند.
- در سلامتی و بیماری و گرفتاری ها به یکدیگر کمک کنند و یار و یاور یکدیگر باشند.
- فرزندان خود را در کمال دقت و سعی و کوشش پروراندند و در تعلیم و تربیت آنان حداکثر اهتمام را مبذول دارند.
- در تمام امور با یکدیگر صادق و صمیمی باشند.



از آنجا که در هر مؤسسه یا نهادی یک نفر باید مسئولیت را به عهده بگیرد ، بنابراین فردی به عنوان رئیس خانواده انتخاب می شود. در جامعه ایرانی این سیمت به مرد واگذار شده است. رئیس خانواده باید طوری عمل کند که محیط خانواده به **محیط تفاهم** ، تعاون و همکاری تبدیل شود؛ رفتارها، اندیشه ها و موضع گیری ها براساس صفا و اخلاص باشد.

و نیز شرایطی فراهم گردد که فرزندان از نظر جسمی و فکری رشد کنند و افرادی مفید و مؤثر بار آیند. از جمله موضوعی که می تواند محیط خانواده را از نظر رشد و تکامل و شرایط انسانی محیطی مناسب سازد، مسئله شور و مشورت و صلاحدید از افراد خانه در امور مختلف زندگی است.

### ضرورت مشورت در خانواده



از آنجا که شوهر به عنوان رئیس خانواده برگزیده شده، بر سایر اعضای خانواده ولایت دارد. ممکن است او چنین احساس کند که می تواند هر کاری بخواهد بدون نظر دیگران در خانه انجام دهد. گاه ممکن است زن برای قدرت نمایی مرد را کنار بزند و زمام زندگی را به دست بگیرد و هر طور بخواهد عمل کند. در هر دو حالت ، خط مشی نامناسب است و اعضای خانواده احساس تعلق و مشارکت در زندگی نمی کنند. مشی صحیح آن است که چون اعضای خانواده سرنوشت مشترک دارند، کلاً باید در امور زندگی دخالت داده شوند؛ و کارها با شور و مشورت، صلاحدید و توافق انجام گیرد. در این صورت همه اعضای خانواده همکاری خواهند نمود و کلیه امور از روی نظم و دلسوزی انجام خواهد گرفت. عدم توجه به نظر افراد خانواده، آنان را در انجام کارها بی اراده و متکی بار می آورد و این نوع رفتار سبب اهانت و جریحه دار شدن احساس، ادراک و عواطف آنان خواهد شد. در نتیجه شرایط لازم برای رشد و پرورش فرزندان فراهم نمی آید و زندگی شاد و پرتفاهمی به وجود نخواهد آمد.

### برای آن که ابعاد شور در خانواده مشخص شود؛ می توان مشورت اعضا را در ارتباط با یکدیگر به چهار دسته تقسیم نمود:

**1- مشورت زوجین:** اداره امور خانه در حوزه وظایف پدر و مادر است. چنانچه آنها در امور خانه با یکدیگر مشورت نکنند، علاوه بر آن که کارها به خوبی انجام نمی گیرد، همکاری نیز انجام نخواهد شد و زندگی نشاط خود را از دست خواهد داد. در مواردی زن بیشتر می تواند صاحب نظر و کارآمد باشد ، در برخی موارد مرد در رفع مشکل مؤثرتر است. در امور مربوط به خانه داری ، "زن" و در رفع معضلات و پیچیدگی های زندگی "مرد" بهتر عمل می نماید؛ ولی شور و همفکری در همه امور ضروری است و علاوه بر

آن که راه حل های مناسب تری به دست می دهد ، به علت دخالت در تصمیم گیری همکاری بیشتری را موجب می گردد.

### **پاره ای از اموری که در خانه باید با مشورت زوجین انجام گیرد به شرح زیر است:**

- آموزش و پرورش فرزندان و نحوه برخورد با آنان در انجام تکالیف مدرسه ، ناهنجاری های رفتاری و غیره؛

- تزئین و آراستن خانه ؛

- سفرهای خانوادگی و برنامه های تفریحی ؛

- تهیه غذا و برگزاری میهمانی ها و معاشرت ها ؛

- خرید مایحتاج و وسایل خانه ؛

- تهیه لباس و نحوه پوشش و آرایش؛

- و بالاخره برنامه ریزی در کلیه امور زندگی.

مشورت در امور خانه بین زن و مرد به اندازه ای در زندگی اهمیت دارد که خداوند در قرآن مجید مسئله زمان از شیرگرفتن بچه را موكول به مشورت و رضایت والدین فرموده است:

فان آرَادَا فَصَالَا عَن تَرَاضٍ مِّنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا

اگر آن دو (پدر و مادر) با رضایت و مشورت یکدیگر تصمیم گرفتند؛ کودک را از شیر بگیرند اشکالی به رأی آنان نیست. (بقره / 233)



**2- مشورت مادر با دختر:** در فرایند تربیت ، مسائلی مشترکی بین دختر و پسر وجود دارند که پدر و مادر باید با توافق هم نسبت به حل آنها اقدام کنند، ولی برخی امور اختصاص به دختران دارد. در این موارد نزدیکترین فرد به دختر مادر است ، که باید با استفاده از روش های تعلیم و تربیت و با همفکری و ایجاد رابطه حسنه با دختر او را برای زن و مادر شدن آماده نماید. بعضی از این موارد عبارت اند از:

- مسائل مربوط به بلوغ و قاعدگی؛

- مسائل شرعی ویژه دختران و زنان؛

- مسائل مربوط به غسل و طهارت و غیره؛

- رفتار و کردار با افراد محرم و نامحرم

- نحوه برخورد، معاشرت و انجام مراسم و حضور در مجامع مختلف؛

- مسئله خواستگاری و **انتخاب همسر**؛

- وارد شدن به دنیای زنان و حیات خاص آنان؛

- نحوه پوشش، آرایش و استفاده از زیور آلات و رعایت موازین شرعی در این موارد؛

- و بالاخره دختر همیشه همراه و همکار مادر است و باید از او زندگی خانوادگی، مادری و همسری را فرا گیرد. بنابراین لازم است مادر در نقش یک مشاور و محرم راز و نزدیکترین فرد به دختر، او را از کلیه ریزه کاری‌ها و حیات زنان و بانوان مطلع و در این زمینه او را بصیر گرداند.

**3- مشورت پدر با پسر:** مداخله پدر در مورد مسائل مربوط به پسران باید به نحوی اعمال گردد که پسر کلیه مشکلات خود را بدون هیچ گونه رودربایستی با او در میان بگذارد. پسران در سن بلوغ کمتر با دختران محشورند، و بایستی از حضور در مجامع مختلط پرهیز کنند. مواردی که پدر باید از طریق شور و به صورت همفکری و محرم راز، پسر را در جریان قرار دهد عبارت اند از:

- مسائل مربوط به بلوغ و **نوجوانی**؛

- مرحله رشد جنسی و احتلام و بهداشت روانی در این زمینه ؛

- مسائل شرعی مربوط به غسل و طهارت و غیره؛

- رعایت موارد شرعی در **ارتباط با دختران**؛

- چگونگی حضور در جلسات ویژه مردان و زنان یا جلسات مختلط و نحوه برخوردها؛

- راهنمایی در مورد **مسائل مربوط به ازدواج** و کلیه مراحل آن و رعایت معیارهای شرعی؛

- نحوه رفت و آمد در خیابان‌ها و معاشرت‌ها و حوادثی که احتمالاً ممکن است پیش پای او قرار گیرد.

رابطه پدر و پسر باید طوری باشد که آن دو به عنوان دوست و طرف مشورت و محرم راز، یکدیگر را بپذیرند و پسر در تعامل با پدر، شیوه‌های زندگی ویژه مردان را بیاموزد و ادامه حیات سالم و صالح را فراگیرد.

لازم به یادآوری است که مادر از طریق پدر به مسائل خاص آنان مطلع خواهد شد و با مشورت یکدیگر موجبات رشد و تکامل فرزندان را در زندگی فراهم خواهند ساخت.

**4- مشورت کلیه اعضای خانواده:** پدر به عنوان رئیس خانواده باید مسائل را با حضور همه اعضای خانواده و در محیطی گرم و صمیمی مطرح نماید، و نظر همه اعضا را بخواهد، و شیوه‌ای اتخاذ کند تا هر موضوعی پس از بحث و کنکاش، منجر به تصمیم‌گیری شود.

**مشورت و توجه به نظرات کلیه اعضای خانواده موجب می‌شود:**

- به شخصیت فرزندان توجه شود و آنان به تفکر در مسائل وادار گردند و از نظر ذهنی رشد کنند.

- فرزندان دریابند در همه اعمال و رفتار آزاد نیستند ؛ بلکه باید در روابط و عملکردها، دیگران را هم به حساب آورند و تن به سازگاری اجتماعی دهند.
  - شور و مشورت ، جو خانواده را به صورت محیطی دوستانه در می آورد، و انس و الفت و نشاط بر آن حاکم می شود.
  - چون در تصمیم گیری ها همه سهیمند، بیشتر احساس تعلق به خانواده می کنند و در رعایت منافع آن دلسوزتر خواهند بود؛ و بدون آنکه تحمیلی احساس کنند وظایف و تکالیف خود را انجام خواهند داد.
  - چون موضوع از دیدگاه های مختلف بررسی می شود، تصمیمات متخذه بهتر و سنجیده تر خواهد بود.
  - بحث و بررسی و شور، اعضای خانواده ، به خصوص فرزندان را از نظر **سیاسی** اجتماعی رشد و تکامل خواهد بخشید.
- ادامه دارد....**

در قسمت بعد به توصیه هایی در تداوم زندگی زناشویی خواهیم پرداخت.

## توصیه هایی در تداوم زندگی زناشویی لزوم مشاوره در ازدواج ( قسمت بیست و هشتم)



در قسمت قبل به **لزوم شور و مشورت در خانواده** پرداختیم . اینک در ادامه می خوانیم...  
**عشق** و محبت بین زن و شوهر از ارکان اصلی نظام خانواده است؛ اما با گذشت زمان و سپری شدن شور و شوق دوران نخستین ازدواج، گاه این فکر به ذهن همسران می آید که بعد از چند سال زندگی میزان علاقه آنان نسبت به هم چقدر تغییر کرده است. برخی از آنان، هنگامی که در زندگی مشترک خود خدشه ای ببینند چنان از کوره در می روند و پل های پشت سر خود را خراب می کنند که دیگر نمی توانند روابطشان را نسبت به دیگری ترمیم کنند.

هدف از ارائه توصیه های زیر، آموزش برای ارتقای سازگاری و توجه کردن به ویژگی های مثبت یکدیگر، **افزایش اعتماد به نفس**، **کاهش اضطراب** و تنش های موجود در جهت بهداشت و سلامت روانی است که موجب تداوم زندگی و جلوگیری از هم گسیختگی خانواده است.

**1. خانواده یک مجموعه است:** مجموعه ای شامل زن ، شوهر و فرزندان و در مرحله بعد اقوام و خویشاوندان. **خانواده زمانی موفق خواهد بود** که در آن هماهنگی وجود داشته باشد و همه اعضا در یک محفل انس با کمال صمیمیت و شادی زندگی کنند. چون وجود هر نوع مشکل و ناهماهنگی حتی از سوی یک عضو، کل خانواده را دچار ناراحتی می نماید؛ بنابراین از هر نوع رفتاری نظیر طعنه زدن، تحقیر، مقایسه کردن و... پرهیز کنید.

**2. زندگی مشترک، عرصه کمال است، نه صحنه پیکار؛** بنابراین در رفع بحران ها مانند یک تن واحد عمل کنید؛ یار و یاور هم باشید. کوشش نکنید بر دیگری تسلط یابید؛ با هم و در کنار هم باشید نه رو در روی هم! سعی کنید به قول «ابراهام مزلو» از «من واقعی» بگذرید تا به « مای واقعی» برسید.

**3. از ابراز محبت نسبت به یکدیگر دریغ نکنید؛** ابراز محبت به موقع در زندگی مشترک ، علاقه ، نشاط و طراوت به وجود می آورد. این امر فقط لازمه روزهای نخستین ازدواج نیست؛ بلکه با گذشت زمان نهال نوپای زندگی به درختی تناور تبدیل می شود که نیاز بیشتری به آبیاری دارد؛ با ابراز محبت و نشان دادن عشق و علاقه به هم، می توان این درخت تناور را برای همیشه با نشاط ، بارور و با طراوت نگه داشت.



**4. عاشقانه به هم نگاه کنید.** نحوه نگرستن هر یک از ما به دیگری به « چگونه بودن ما» بستگی دارد؛ نه به " چگونه بودن او". همسران ، تماشاچی زندگی یکدیگر نیستند؛ بلکه شریک مشاهده شده زندگی یکدیگرند.

زنی می گفت: " از زمانی که ازدواج کرده ام ، شوهرم بیشتر ترجیح می دهد که به جای مصاحبت با من ، برنامه ورزشی تلویزیون را تماشا کند؛ یک بار وقتی به او اعتراض کردم که «چقدر زولیده ای» ، پاسخ داد: تو «هم شلخته ای».

این بحث بیهوده و زیان آور نشانگر آن است که چگونه همسران به جای عشق ورزیدن به هم ، ممکن است در جستجوی برشمردن عیب های یکدیگر باشند. این یک طریق نگاه کردن به زندگی است؛ اما شیفتگی شما وقتی حاصل می شود که فکر کنید همسر شما فردی باشکوه ، ناب، صمیمی ، خوش خلق و باهوش است. این شیوه نگرش به زندگی به ما می آموزد به جای این که عشق را جستجو کنیم ، با عشق و محبت به زندگی نگاه کنیم. «زیان نگاه» زیان مؤثری است. شما با نگاه کردن به طرف مقابل، به او می فهمانید که به صحبت کردن با او علاقه مند هستید. اگر او سخن می گوید، شما با تبسم ، به صورت و چشم او نگاه کنید. این حالات شما، اثر معجزه آسای در ایجاد صمیمیت و عشق شما دارد.

میل به صمیمیت نه فقط جنبه جسمی ، که جنبه روانی نیز دارد. این میل مکرراً به عنوان اشتیاق خاصی به خلوت و تنهایی در نظر زوج ها جلوه گر می شود. علاوه بر این، اغلب در یک زوج عاشق شاهد به وجود آمدن زبانی رمزی و عبارت های محرمانه ای هستیم که افراد دیگر قادر به درک آن نیستند؛ و نیز شیطنت ها، اشاره ها و کنایه هایی که تنها عشاق آن را می فهمند.

**5. بر اشتباه خود پافشاری نکنید؛** وقتی یکی از شما اشتباه کردید؛ صادقانه و صمیمی به آن اعتراف کنید ؛ مراقب باشید که احساسات دیگری را جریحه دار نسازید. **صداقت** و اظهار پشیمانی و ندامت تنها علاج واقعه است؛ زیرا قبول نکردن اشتباه و نپذیرفتن خطا، اختلاف را دامن می زند؛ تا زمانی که به اشتباه خود معترف نشوید و صمیمانه از همسرتان پوزش نخواهید، رابطه زناشویی تان ترمیم نمی شود.

**6. نخست باید بدانید هر موضوعی را به نوعی خاص با همسر خود در میان بگذارید.** اگر فکر می کنید گفتن اسرار تان ضرورتی ندارد و نگفتن آن آینده شما را تهدید نمی کند؛ در بر ملا کردن آن اصرار نکنید. هنگام گفتن مسئله ای که در گذشته داشته اید ، ابتدا بخشی از آن را فاش نمایید؛ بدین معنی که از مسائل کوچکتر شروع کنید و اگر دیدید همسر تان ظرفیت پذیرش آن را دارد، به تدریج مسائل مهمتر را پیش بکشید.

**7. در مطرح کردن مسائل ناخوشایند، سعی کنید خود را هم دخالت دهید؛** مثلاً به جای این که بگویید، چرا با فلانی این طور برخورد کردی؟ بهتر است بگویید: " کاش با فلانی این طور برخورد نمی کردیم."



**8. هنگام طرح مسئله با همسر خود، هرگز جمله " تو با هیچ کس نمی توانی کنار بیایی" را به کار نبرید؛** چون تنها همین جمله باعث می شود، او دیگر هیچ وقت مسئله خود را با شما در میان نگذارد.

**9. به جای جستجو در اعمال و رفتار همسر تان و یا تجسس در اوراق شخصی وی، سعی کنید از خود او سؤال کنید؛** شاید شما در اشتباه باشید. گفتگو با همسر تان در مورد مسئله ای که شما را به شک و تردید می اندازد، موجب می شود مشکل آسان تر حل شود.

**10. اشتباهات یکدیگر را به رخ هم نکشید؛** زیرا پایه های زندگی مشترک را سست می کند و سپس ویران می سازد.

از اشتباهات خود پند بگیرید: هنگامی که جراحت اختلاف التیام یافت سعی کنید صمیمی باشید؛ اعتراف به گناه و عذرخواهی دلیل سعه صدر و پیشگیری از اشتباه مکرر است.

### **11. اگر خطایی از همسر خود دیدید، زود از کوره در نروید و سفره دلتان را نزد**

**هر کس باز نکنید.** به خصوص پیش پدر و مادر خود درد دل نکنید. زیرا این کار موجب سرافکنندگی همسران می شود و امکان آشتی را بسیار ضعیف می کند.

اگر رابطه شما با همسران تیره شد، سعی کنید آرامش خود را حفظ کنید؛ متین و خونسرد باشید و گرنه رفتارتان غیرمنطقی می شود؛ و ممکن است دست به کاری بزنید که موجب پشیمانی شما شود؛ سعی کنید **بر عصبانیت خود غالب شوید.**

### **12. اگر می خواهید عشق و علاقه خود را به همسران تداوم ببخشید؛ نخست**

باید یاد بگیرید که زمان کافی را برای با هم بودن و ابراز محبت اختصاص دهید. رابطه صمیمانه گذشته را تجدید کنید؛ به انگیزه عشق و ازدواجتان بیندیشید؛ با همسران درباره نخستین روزهای آشنایی و دوران خوش زندگی گفتگو کنید؛ زیرا یادآوری شادی ها و رویدادهای شیرین آن روزها، هم وجودتان را گرم می کند و هم تازگی و طراوت رابطه شما را با همسران حفظ خواهد کرد.

### **13. سعی کنید تلافی جو نباشید؛** این نکته مهمی است؛ اگر بخواهید به تلافی

اشتباه همسر خود ، لجبازی کنید ، همه پل های رابطه با همسران را خراب کرده اید ؛ حسادت چشم عقل را کور می کند. کینه جوئی انگیزه اشتباه های خطرناکی می شود که جبران ناپذیر است. در عوض ، گذشت و فداکاری ، فردی را که مرتکب اشتباه شده است ، برای همیشه نسبت به همسرش مدیون می کند.

### **14. انعطاف پذیر باشید؛** انعطاف پذیری یکی از ویژگی های مهم برای ایجاد سازگاری

بیشتر و سلامت روانی است. با چشم پوشی و نرمش نسبت به برخی رفتارهای کودکانه و **لجبازی** ها ، نه تنها می توان از تنش های بی دلیل پیشگیری کرد؛ بلکه می توان بنیان خانواده را بیش از پیش مستحکم تر کرد. مسائل و موارد اختلاف را صرفاً به نیت رسیدن به دیدگاه مشترک طرح کنید، نه به تکرار و تثبیت کدورت و دشمنی.



**15. صبر و بردباری همسر خود را به عنوان وظیفه او قلمداد نکنید؛ بلکه متقابلاً** در موارد مشابه؛ با گذشت، متانت و نکته سنجی، قدردانی خود را نسبت به او ثابت کنید.

**16. همسر آزرده، شریک خوبی برای زندگی نیست؛ یکدیگر را نیازارید؛ و نیز** اجازه ندهید یکنواختی و کسالت، غبار غم بر زندگی شما بیافشانند. برای پیشبرد و تنوع و رونق زندگی هر روز قدمی هر چند کوچک بردارید.

**17. نسبت به همسران احساس مسئولیت کنید.** احساس مسئولیت چیزی نیست که از خارج به فرد تحمیل شود. احساس مسئولیت، به معنای واقعی آن، امری کاملاً ارادی است؛ پاسخ آدمی است به نیازهای یک انسان دیگر، خواه این نیازها بیان شده باشد یا بیان نشده باشد. "احساس مسئولیت کردن" یعنی توانایی و آمادگی برای "پاسخ دادن". پاسخ به عشق دیگری و توجه به نیازهای روانی او.

**18. به همسران احترام بگذارید و احساسات او را درک کنید.** منظور از درک احساسات آن است که همسر خود را آن طور که هست بشناسید: از نظر خصوصیات اخلاقی، عقلی، ایمانی، ایده ها، آرزوها و بالاخره احساسات و عواطف. احترام گذاشتن به همسر عبارت است از پذیرش وی آن طور که هست و ارزش گذاشتن به **شخصیت** و کمالات او که مظاهر آن در گفتار و کردار در **فرهنگ** های مختلف متفاوت است. بنابراین همسران باید ضمن وحدت فرهنگی از مصادیق احترام در زمینه های مختلف تبعیت کنند و آنها را در مورد همسر خود به کار بندند.